



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مسجد و خانوادہ / فروغ مسجد ۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروغ مسجد (8) : مسجد و خانواده

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فروغ مسجد ۸ : مسجد و خانواده	۱۶
مشخصات کتاب	۱۶
اشاره	۱۶
فهرست	۲۰
مقدمه	۲۲
نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده همراه با آسیب شناسی وضع موجود	۲۴
اشاره	۲۴
چکیده	۲۶
مقدمه	۲۸
الف) نقش و جایگاه نظام خانواده در تربیت انسان	۳۰
۱. جایگاه ازدواج و نهاد خانواده	۳۰
۲. جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در متون دینی	۳۱
۳. فلسفه تقدیس ازدواج و نهاد خانواده (کارکردهای خانواده)	۳۲
اشاره	۳۲
۳-۱. عامل آرامش و اطمینان	۳۲
۳-۲. حفظ از گناه و فحشاء	۳۲
۳-۳. عامل افزایش رزق و روزی	۳۳
۳-۴. استمرار و بقای نسل	۳۳
۳-۵. کمال و پویایی جامعه	۳۳
۳-۶. جلوگیری از ناهنجاری های اجتماعی	۳۴
۳-۷. کانون سالم تربیت و آموزش	۳۴
۳-۸. مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان	۳۴
۳-۹. نیل به پاداش های عظیم الهی و کمالات انسانی	۳۵
۳-۱۰. ارضای حس محبت نمودن و مورد محبت واقع شدن	۳۵
۳-۱۱. انتقال خالصانه تجربیات	۳۵
۴. برنامه های دشمن برای ازبین بردن نهاد خانواده	۳۵
اشاره	۳۵
۴-۱. برنامه نظری دشمن در تغییر ارزش ها و هنجارهای خانواده	۳۶

- ۴-۲. برنامه عملی دشمن برای از بین بردن نهاد خانواده ۴۳
- (ب) آسیب شناسی وضع موجود نهاد خانواده در ایران ۴۶
- اشاره ۴۶
- آسیب های عمده نهاد خانواده و وضع موجود آنها در ایران بشرح ذیل هستند: ۴۶
۱. تهاجم فرهنگی غرب ۴۶
- اشاره ۴۶
- ۱-۱. پدیده مانکنیسم و سزارین ۴۶
- ۱-۲. پدیده مانکنیسم و مواد مخدر ۴۷
- ۱-۳. ارزش شدن اشتغال زنان ۴۸
- ۱-۴. روابط فرا زناشویی ۴۸
۲. زندگی مجردی ۴۹
۳. خشونت خانوادگی ۵۰
- اشاره ۵۰
- ۱-۳. پرخشونت ترین دوره های زندگی در ایران ۵۱
- ۲-۳. رایج ترین انواع خشونت در ایران ۵۱
- ۳-۳. شایع ترین خشونت های کم رواج مردان علیه زنان در ایران ۵۱
- ۳-۴. فرار از خانه مولود نامیمون خشونت خانگی ۵۲
۴. بحران ازدواج ۵۳
۵. افزایش طلاق ۵۶
- اشاره ۵۶
- ۱-۵. کاهش طول زندگی قبل از طلاق ۵۷
- ۲-۵. فرزندان طلاق ۵۷
- ۳-۵. طلاق عاطفی ۵۷
۶. افزایش طلاق توافقی ۵۷
۷. پایین آمدن نرخ باروری و بُعد خانوار ۵۹
- اشاره ۵۹
- ۱-۷. کاهش باروری ۶۲
- ۲-۷. سقط جنین غیرقانونی ۶۲
- مهم ترین دلایل ذهنی تأخیر در فرزند آوری ایرانیان (از منظر برخی صاحب نظران) ۶۴

۶۴	۸. زنان سرپرست خانوار
۶۹	۹. بیکاری
۷۲	۱۰. اعتیاد به مواد مخدر
۷۲	اشاره
۷۴	۱-۱۰. وضعیت سنی مصرف کنندگان مواد مخدر
۷۵	۲-۱۰. سبقت رشد اعتیاد زنان از مردان
۷۷	۳-۱۰. نشئگی قبل از تولد! هدیه مادران معتاد به نوزادان
۷۹	۱۱. ایدز (زائیده انحرافات اخلاقی و اعتیاد)
۸۱	۱۲. زنان کارتن خواب
۸۴	ج) نقش مسجد در تربیت دینی خانواده
۸۴	۱. تبیین ارتباط مسجد با خانواده
۸۴	۲. کارکردهای مسجد در ارتباط با خانواده
۸۴	اشاره
۸۵	۲-۱. آشنایی با ارزش ها و نگرش های دینی (معرفت بخشی)
۸۶	۲-۲. آشنایی با سبک زندگی اسلامی و آموزش عملی تربیت دینی (الگوسازی)
۸۷	د) راهکارها
۸۷	اشاره
۸۸	۱. رویکرد واقع بینی؛ باید به این واقع بینی رسید که:
۸۸	۲. انضمام رویکرد «مدیریت تربیت» با رویکرد «تولیت تربیت»
۸۹	۳. انضمام رویکرد «آموزش ماهیگیری» با رویکرد «اعطای ماهی»
۹۰	۴. رویکرد علمی و تخصصی
۹۰	۵. رویکرد استفاده از پتانسیل رسانه ها
۹۱	۶. رویکرد تلفیق سنت و تجدد
۹۱	۷. رویکرد ارتباط عاطفی با خانواده در تمام برنامه ها و کمیته ها و گروه ها
۹۲	۸. رویکرد طبیب دوار
۹۵	نتیجه گیری
۹۷	منابع
۹۷	الف) نهادهای آماری کشوری
۹۷	ب) کتب و مقالات
۹۷	القرآن الکریم

کارکرد مسجد و خانواده امتیازات و ویژگی های خانواده مسجد محور - - - - - ۱۰۰

اشاره - - - - - ۱۰۰

چکیده - - - - - ۱۰۲

مقدمه - - - - - ۱۰۴

کار کرد مسجد در خانواده مسجدی - - - - - ۱۰۶

۱. صیانت درونی و بیرونی به چه معناست؟ - - - - - ۱۰۶

اشاره - - - - - ۱۰۶

۱ - ۱. صیانت و ذکر خدا - - - - - ۱۰۷

۲-۱. استمرار ذکر - - - - - ۱۰۹

۲. توسعه طهارت در زندگی - - - - - ۱۱۰

اشاره - - - - - ۱۱۰

۱-۲. سکنی گزیدن در مسجد - - - - - ۱۱۲

۲-۲. ارتقا معرفت دینی یا اعطای بینش - - - - - ۱۱۳

۳. مسجد و معرفت - - - - - ۱۱۸

۴. مرز شناسی و شناخت حدود الهی - - - - - ۱۱۸

۵. فضا سازی تعاملی - - - - - ۱۱۹

اشاره - - - - - ۱۱۹

تقویت فرهنگ رجوع جاهل به عالم - - - - - ۱۲۳

۶. رشد فرهنگ تواضعی به حق - - - - - ۱۲۴

نتیجه گیری - - - - - ۱۲۷

منابع و مأخذ - - - - - ۱۳۰

نقش بازدارنده مسجد در مقابل اهداف برنامه ریزان غربی از هجوم سیاسی- تبلیغی علیه خانواده - - - - - ۱۳۳

اشاره - - - - - ۱۳۳

چکیده - - - - - ۱۳۵

مقدمه - - - - - ۱۳۷

الف) جنگ خاموش و خزانده دو فراقالب در بستر جامعه (جریان فراگیر) - - - - - ۱۳۹

اشاره - - - - - ۱۳۹

۱. فراقالب هستی شناسی اسلامی - - - - - ۱۳۹

۲. فراقالب هستی شناسی غربی - - - - - ۱۴۱

ب) بررسی تحلیلی تفاوت دیدگاه اسلام و غرب پیرامون زن - - - - - ۱۴۹

ج)نگاهی تحلیلی بر وظایف مسجد امروز در مقایسه با مسجد دیروز	۱۵۷
بحث و نتیجه گیری	۱۶۰
منابع	۱۶۳
بازشناسی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده	۱۶۶
اشاره	۱۶۶
چکیده	۱۶۸
مقدمه	۱۷۰
الف) اهمیت نهاد خانواده در اسلام	۱۷۲
ب) ضرورت تلاش برای بهسازی خانواده	۱۷۵
ج) راهبردهای جذب خانواده ها به مسجد	۱۷۷
اشاره	۱۷۷
۱. مشارکت خانواده ها در اداره امور مسجد	۱۷۸
۲. توجه جدی به بهداشت و نظافت مساجد	۱۷۸
۳. توجه به قسمت بانوان مساجد	۱۷۹
۴. باز بودن دائمی مسجد به روی مردم	۱۷۹
۵. برخورداری از امام جماعت خوش فکر و مردم دار	۱۸۰
۶. برخورداری از هیئت امنای فعال و به روز	۱۸۰
۷. ارائه فعالیت های عام المنفعه	۱۸۰
۸. اجتناب از انحصاری کردن مسجد	۱۸۱
د)کارکردهای مسجد در رشد و تعالی خانواده	۱۸۲
اشاره	۱۸۲
۱. مسجد کانون عبادت و معرفت	۱۸۲
۲. مسجد پایگاه رشد اخلاق و معنویت	۱۸۳
اشاره	۱۸۳
۱-۲. آثار فضای معنوی مسجد	۱۸۳
۲-۲. سخنرانی های اخلاقی و معنوی مسجد	۱۸۳
۳. مسجد مکانی آرام بخش و نشاط آفرین	۱۸۴
۴. مسجد الهام بخش نظم و انضباط در زندگی	۱۸۴
۵. مسجد جلوه گاه نظافت و آراستگی	۱۸۴
۶. مسجد پایگاه صبر و استقامت در مشکلات و سختی ها	۱۸۵

۱۸۶	۷. مسجد خاستگاه حیا، حجاب و عفاف
۱۸۶	۸. مسجد پرورش دهنده عواطف انسانی
۱۸۷	۹. مسجد پناه گاهی امن و مطمئن
۱۸۷	۱۰. مسجد عامل بازدارنده از کجروی ها
۱۸۷	اشاره
۱۸۸	ظرفیت های مسجد در حل مشکلات خانوادگی
۱۹۲	و) امام جماعت به مثابه مشاوره امین و دلسوز
۱۹۲	اشاره
۱۹۳	ویژگی های امام جماعت مشاور
۱۹۴	اطلاعات مورد نیاز امام جماعت مشاور
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	۱. آشنایی با ویژگی های خانواده سالم
۱۹۸	۲. آگاهی از آسیب های رایج خانواده
۲۰۱	۳. اطلاع از فنون مشاوره خانواده
۲۰۳	نتیجه گیری
۲۰۵	منابع
۲۰۸	بازخورد تعامل خانواده با مسجد در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان با تمرکز بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
۲۰۸	اشاره
۲۱۰	چکیده
۲۱۲	مقدمه
۲۱۴	الف) نگرش آیات و روایات بر فضیلت محوری مسجد
۲۱۶	ب) تربیت اصولی در خانواده کارآمد
۲۱۹	ج) کارکردهای تربیتی مسجد در مقوله جامعه پذیری و بلوغ اجتماعی
۲۲۹	نتیجه گیری
۲۳۱	منابع
۲۳۴	بررسی عوامل مؤثر بر جذب خانواده ها به مسجد
۲۳۴	اشاره
۲۳۶	چکیده
۲۳۸	مقدمه
۲۴۲	الف) بررسی مفهوم و کارکردهای مسجد

۲۴۲	۱. مفهوم مسجد در قرآن
۲۴۳	۲. کارکرد های مسجد
۲۴۳	۱-۲. آموزشی
۲۴۴	۲-۲. فرهنگی
۲۴۴	۳-۲. تبلیغی
۲۴۴	۴-۲. اجتماعی
۲۴۵	۵-۲. سیاسی
۲۴۵	۶-۲. جهادی
۲۴۵	۷-۲. رسانه ای
۲۴۶	ب) بررسی سؤالات بر اساس یافته های پژوهش
۲۴۶	۱. امامان جماعت ومتولیان فرهنگی
۲۴۶	اشاره
۲۴۷	۱-۱. ویژگی های امامان جماعت
۲۴۸	۲-۱. شایستگی های امام جماعت وکارگزاران مسجد
۲۵۰	۳-۱. وظایف امام جماعت
۲۵۲	۴-۱. شایستگی های فعالان (کارگزاران)
۲۵۴	ج) زیباسازی مسجد
۲۵۴	۱. اهمیت زیبایی شناسی در اسلام
۲۵۵	۲. معنای زیبایی وزیبایی شناسی
۲۵۶	۳. تأثیر زیبایی مسجد بر جذب خانواده ها
۲۵۸	۴. عوامل مؤثر در زیبا سازی مسجد
۲۵۹	۵. روش های مختلف، برای بیان مفهوم در معماری مسجد
۲۵۹	۶. فضای فیزیکی و بهداشتی
۲۶۱	و-نتیجه گیری واره راه کار های عملی
۲۶۳	منابع
۲۶۶	نقش مسجد در فرهنگ سازی برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار
۲۶۶	اشاره
۲۶۸	چکیده
۲۷۰	مقدمه
۲۷۴	الف) بیان مسئله

۲۷۴	۱. ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله
۲۷۵	۲. عوامل موثر در تحکیم ازدواج
۲۷۵	۱-۲. اعتقادات مذهبی
۲۷۶	۲-۲. انتظارات زن و شوهر
۲۷۷	۳-۲. مهارت های ارتباطی
۲۷۹	۴-۲. مهارت های ارتباطی دین محور
۲۸۰	۵-۲. اهمیت مسجد در خانواده
۲۸۱	ب) فرضیه های پژوهش
۲۸۱	ج) روش پژوهش
۲۸۲	د) داده ها و مباحث تفصیلی
۲۸۲	بررسی و آزمون فرضیه ها
۲۸۲	۱-۱. آزمون فرضیه اول
۲۸۹	۲-۱. آزمون فرضیه دوم
۲۹۶	۳-۱. آزمون فرضیه سوم
۲۹۹	نتیجه گیری و ارائه راهکارها
۲۹۹	اشاره
۳۰۰	۱-۲. راهکارها برای انس خانواده با مسجد
۳۰۱	۲-۲. راهکار برای ایجاد جاذبه در مسجد برای مسلمانان به ویژه جوانان
۳۰۳	۳-۲. راهکار برای تغییر طرحواره های ذهنی مردم برای برگزاری مراسم عقدشان در مسجد
۳۰۷	منابع
۳۱۴	رسالت مسجد در هدایت جامعه به ارزش ها و اهداف الهی از توالد و تناسل
۳۱۴	اشاره
۳۱۶	مقدمه
۳۱۸	الف) تکثیر نسل، نشانه ها و آثار آن از منظر قرآن و روایات
۳۱۸	هدف تزویج در آیات و روایات
۳۱۸	اشاره
۳۱۹	۱-۲. گشایش روزی
۳۲۰	۱-۳. علم و اراده خداوند
۳۲۲	۱-۴. حکمت پروردگار
۳۲۳	۱-۵. عامل نزدیکی به خداوند

۶-۱. مغفرت و بخشش	۳۲۴
۷-۱. باقیات الصالحات	۳۲۷
۲. کنترل جمعیت اهداف و نتایج آن از منظر قرآن و روایات	۳۲۹
۱-۲. تغییر فرهنگ و نگرش	۳۲۹
۲-۲. زیبا جلوه دادن گناه	۳۳۱
۳-۲. هلاکت مسلمین	۳۳۲
۴-۲. مشتبّه ساختن دین	۳۳۳
۵-۲. استراتژی دشمنان	۳۳۴
منابع	۳۳۶
بررسی تاریخی و فقهی حضور زنان در مسجد	۳۳۸
اشاره	۳۳۸
چکیده	۳۴۰
مقدمه	۳۴۲
الف) گفتار اول: بررسی تاریخچه حضور زنان در	۳۴۴
۱- مسجد قبل از اسلام	۳۴۴
اشاره	۳۴۴
۱-۱. وحی به عمران بن اُشهم	۳۴۴
۱-۲. ساخت محرابی اختصاصی برای حضرت مریم در مسجد	۳۴۵
۳-۱. ایجاد حجاب بین خود (حضرت مریم) و مردان در مسجد	۳۴۵
۴-۱. رسیدن دستور مبنی بر عبادت حضرت مریم همراه مردان	۳۴۵
۵-۱. عبادت حضرت مریم در محراب مسجد	۳۴۵
۲. در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله	۳۴۵
اشاره	۳۴۵
۱-۲. برپایی اولین نماز جماعت در مسجدالحرام با حضور حضرت خدیجه علیها السلام که به پیامبر صلی الله علیه و آله اقتدا می کرد	۳۴۶
۲-۲. بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد	۳۴۶
۳-۲. تغییر قبله	۳۴۷
۲-۴. سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به خروج زنان از مسجد بعد از مردان	۳۴۷
۵-۲. وجود «باب النساء» در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که نشان دهنده رغبت پیامبر صلی الله علیه و آله و کثرت حضور زنان است	۳۴۷
۶-۲. اعتکاف همه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران خود در مسجد و جواز اعتکاف زنان در مسجد	۳۴۷
۷-۲. تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه پوستی به نام محجنه (ام محجن) در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد که خادم و نظافت کننده مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.	۳۴۸

۲-۸.	پرستاری زنان از مجروحان در مسجد	۳۴۸
۲-۹.	همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در رفتن به مسجد	۳۴۸
۲-۱۰.	علم آموزی زنان مسلمان در مساجد	۳۴۹
۲-۱۱.	حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد	۳۴۹
۲-۱۲.	سرعت نماز پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر گریه نوزاد که معلوم می شود آمدن زن و بچه به مسجد نه اینکه پیامبر را ناراحت نکرده، بلکه بخاطر مادری، جماعت را کوتاه کرده است.	۳۴۹
۲-۱۳.	نماز صبح را حضرت زودتر می خواندند که تا هوا تاریک است زنان به خانه ها برسند	۳۴۹
۲-۱۴.	حضور «فاطمه بنت اسد»، مادر امام علی علیه السلام ، در مسجدالحرام هنگام وضع حمل	۳۵۰
۲-۱۵.		۳۵۰
۲-۱۶.		۳۵۰
۲-۱۷.		۳۵۰
۲-۱۸.		۳۵۰
۲-۱۹.	سیره خود پیامبر صلی الله علیه و آله ، دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است	۳۵۱
۲-۲۰.		۳۵۱
۳.	در عصر ائمه اطهار	۳۵۱
۳-۱.		۳۵۱
۳-۲.	حضور حضرت زهرا علیها السلام در مسجد برای احقاق حق	۳۵۲
۳-۳.	در تاریخ خونبار تشیع در مورد حضرت زینب علیها السلام آمده است	۳۵۲
(ب) گفتار دوم:	بررسی فقهی حضور زنان در مسجد	۳۵۳
	روایات وارده در خصوص حضور زنان در مسجد، بر دو قسم قابل تقسیم است:	۳۵۳
	اشاره	۳۵۳
	ادله فقها و دانشمندان قائل به افضلیت نماز برای زنان در خانه	۳۵۳
۱-۱.	آیات	۳۵۳
۱-۲.	روایات	۳۵۷
۱-۳.	نقد و بررسی	۳۶۱
	ادله فقها و دانشمندان قائل به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد	۳۶۵
(ج) گفتار سوم:	شرایط حضور زنان در مسجد	۳۶۸
	اشاره	۳۶۸
۱.	رعایت حجاب و پوشش اسلامی	۳۶۸
۲.	عدم تعطر و تزئین	۳۶۹
۳.	لزوم اجازه شوهر	۳۷۲

۳۷۶	۴. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد
۳۷۹	د) گفتار چهارم: نقش برجسته زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل
۳۷۹	۱. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام
۳۸۰	۲. نقش مادر در تربیت صحیح نسل
۳۸۰	اشاره
۳۸۲	۱-۲. محبت و صمیمیت
۳۸۳	۲_۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس در فرزندان
۳۸۳	۳-۲. تربیت دینی
۳۸۴	۴-۲. پاکی و طهارت جسم و جان
۳۸۵	۵-۲. رعایت نظم، انضباط و وقت شناسی
۳۸۵	۶-۲. خلاقیت
۳۸۶	۷-۲. رعایت عدالت در میان فرزندان
۳۸۸	ه) گفتار پنجم: مسجد و غنی سازی اوقات فراغت زنان و خانواده
۳۹۳	نتیجه سخن
۳۹۵	منابع
۴۰۰	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: فروغ مسجد 8 : مسجد و خانواده / [برگزارکننده] مرکز رسیدگی به امور مساجد.

مشخصات نشر: قم: مرکز رسیدگی به امور مساجد، اول مردادماه 1393

مشخصات ظاهری: [372] ص.

زبان: فارسی

موضوع: خانواده

موضوع: ازدواج

موضوع: مسجد و کارکردهای آن

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

ص: 1

اشاره

عنوان و نام پدیدآور: فروغ مسجد 8 : مسجد و خانواده / [برگزارکننده] مرکز رسیدگی به امور مساجد.

مشخصات نشر: قم : مرکز رسیدگی به امور مساجد ، اول مردادماه 1393

مشخصات ظاهری: [372] ص.

زبان: فارسی

موضوع: خانواده

موضوع: ازدواج

موضوع: مسجد و کارکردهای آن

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

ص: 4

فهرست

۷	مقدمه
	نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده (همراه با آسیب شناسی وضع موجود)
۹	محمد ولی زاده
	کارکرد مسجد و خانواده امتیازات و ویژگی های خانواده مسجد محور
۷۹	ایراندخت فیاض
	نقش بازدارنده مسجد در مقابل اهداف برنامه ریزان غربی از هجوم سیاسی - تبلیغی علیه خانواده
۱۱۱	معصومه اسمعیلی
	بازشناسی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده
۱۳۹	محمد حسین شریفی نیا
	بازخورد تعامل خانواده با مسجد در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان با تمرکز بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت 
۱۸۱	سمیه کاظمیان
	بررسی عوامل مؤثر بر جذب خانواده ها به مسجد
۷۰۲	حکیمه السادات شریف زاده
	نقش مسجد در فرهنگ سازی برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار
۲۳۹	عصمت دانش
	رسالت مسجد در هدایت جامعه به ارزش ها و اهداف الهی از توالد و تناسل
۲۸۷	کبری خزعلی
	بررسی تاریخی و فقهی حضور زنان در مسجد
۳۱۱	عسکری اسلام پور کریمی

فرمایشات رهبری عظیم الشان انقلاب پیرامون مسجد در ساختار نظام جمهوری اسلامی، و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نشان از آن است که مسجد وظیفه‌ای بسیار سنگین و همه‌جانبه در این زمینه دارد. وظایفی که هم حوزه فردی و هم حوزه اجتماعی حیات بشری را در بر می‌گیرد. در نگاه ایشان آنچه که دستیابی به تمدن اسلامی را میسر می‌کند، پیوند میان حیات مادی و حیات معنوی زندگی بشری است و این مهم تنها و تنها در صورتی هادی و ثمربخش است که در فضای معنوی مسجد طراز اسلامی واقع شود و اساساً محور و بستر سبک زندگی اسلامی، مسجد است.

از طرفی مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی، که از ابتدای حیات تا لحظه مرگ، در تربیت انسان نقش دارد، خانواده است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «.. مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است. سلول اصلی در جامعه است... به این معنا اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.» (سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، 14/10/1390)

به اعتقاد همه دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی اسلامی و غیراسلامی، تربیت اصلی فرد در حیات اجتماعی وی، در خانواده رخ می‌دهد. اهمیت این نهاد زمانی بیشتر درک می‌شود که نگاهی به هدف‌گیری دشمنان ایران اسلامی نسبت به خانواده، این بنیان شکل‌گیری تربیت دینی و اسلامی، بیندازیم. هجمه عظیم فرهنگی و نرم بر علیه زن و خانواده در نظام

اسلامی و تلاش برای بی مفهوم کردن و هویت زدایی از آن نشان از اهمیت این نهاد اجتماعی در مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است. چنانچه بُعد نرم افزاری تمدن از نظر مقام معظم رهبری که بُعد فرهنگی است تنها در سایه خانواده رخ می دهد: «جامعه اسلامی بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنده و با نشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند، به خصوص در زمینه های فرهنگی ...» (سومین نشست اندیشه های راهبردی، 14/10/1390)

در نتیجه پیوند میان خانواده و مسجد پیوندی حساس، راهبردی و مورد توجه در نظام اجتماعی و حتی نظام فردی تمدن اسلامی است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به اهمیت این پیوند مقدس و آثار و برکات آن، سال 93 را با عنوان مسجد و خانواده نام گذاری نمود تا بهانه ای باشد برای توجه دادن اذهان دغدغه مندان و صاحب نظران و اثرگذاران جامعه به این موضوع.

کتاب حاضر نیز مجموعه مقالاتی است که به تبیین و ترسیم رابطه بین مسجد و خانواده و بایسته ها و راهکارهای تحکیم این ارتباط می پردازد. امید است این کتاب مورد توجه فعالان مسجد و امامان جماعت مساجد قرار گرفته و در جهت دستیابی به جایگاه اصلی خانواده در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی حرکتی مفید و مثمر ثمر باشد.

در کنار سایر اقدامات و برنامه های فرهنگی اجتماعی در این زمینه، از تلاش خالصانه نویسندگان ارجمند و همکاران گرامی در دفتر مطالعات و پژوهش ها سپاسگزاری نموده و امیدواریم در نظر شما ائمه گرانقدر جمعه و جماعات مقبول افتد. مشتاقانه پذیرای پیشنهادات و نظرات سازنده اعزه جلیل القدر هستیم.

جعلنا الله من عامری مساجدالله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی-اجتماعی

ص: 8

نهاد مسجد و خانواده هر دو از اهمیت ویژه ای در تربیت انسان برخوردارند طوری که نهاد مسجد همواره مکمل نقش نهاد خانواده در تربیت دینی انسان ها بوده است. لیکن امروز نهادهای هم عرض متولی تربیت و یا مدعی تربیت، زیاد شده اند و ابزارهای تربیتی که همان رسانه ها باشند به شدت گسترش یافته اند؛ از طرفی نیز سبک زندگی جدید (زندگی ماشینی و شهرنشینی) و فرهنگ منحط غرب، از طریق نفوذ در نهاد ها و ابزارهای رسانه ای، بر نظام خانواده مؤثر واقع افتاده و علاوه بر مواجه ساختن کارکردهای آن با مشکل، آسیب های فراوان بدان وارد نموده اند. نتیجه آنکه نقش تأثیرگذار مسجد بر خانواده در تربیت، با چالش مواجه شده است.

این تحقیق کتابخانه ای - که هدفش ارتقاء بینش متولیان مسجد از وضعیت خانواده و شناسایی راه حل های برون رفت خانواده از وضع موجود از طریق نهاد مسجد است - سؤالش این است که، اولاً - آسیب های موجود نهاد خانواده به لحاظ کمی و کیفی چیست؟ درثانی؛ مسجد برای بازیافتن نقش و جایگاه پیشین خود، در شرایط کنونی چه نقش و چه رولی را بازی کند تا بتواند به موازات سایر نهادهای تربیتی و یک قدم جلوتر از آنها در این رقابت تنگاتنگ، با برقراری ارتباط وثیق با نهاد خانواده، ضمن کمک در تربیت دینی خانواده، آسیب های آن را بزداید؟

نتایج این تحقیق تحلیلی حاکی است، باید ضمن واقع بینی از فرآیند آموزش در جامعه فعلی و عدم انکار نقش سایر نهادهای تربیتی، به باز تعریف نقش مسجد در فرآیند تربیت پرداخت و جایگاه شایسته و بایسته آن را تعیین نمود. برای این، لازم است چند رویکرد

اصلاحی کلان مورد توجه نهاد مسجد در جهت گیری های اقدامی و برنامه ای قرار گیرد و آنگاه حسب نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای هر کدام از مساجد، راهکارهای عملی از حیث یاری نمودن آنها برای نهاد خانواده تدوین شود.

کلیدواژه ها: مسجد، خانواده، تربیت دینی، سبک زندگی، تهاجم فرهنگی.

با اینکه نهاد مسجد، والاترین و پاک‌ترین پایگاه تربیت دینی انسان‌ها بوده و خانواده، نخستین و مؤثرترین نهاد در بحث تربیت انسان است و وجود ارتباط معنوی بین مسجد و خانواده به منظور استفاده از جایگاه و پتانسیل همدیگر - که نقش مکملی برای همدیگر دارند - یک ضرورت است، ولی ارتباط فی مابین آنها در جامعه امروزی به نحوی سابقه‌ای کاهش یافته و دیگر نشانی از نقش پررنگ و تأثیرگذار نهاد مسجد در تربیت دینی نهاد خانواده نیست و نهاد خانواده با آسیب‌های فراوان دست به گریبان است.

آنچه در اینجا به عنوان سؤالات اصلی تحقیق بشمار می‌رود آن است که:

1. چرا ارتباط این دو نهاد مقدس کمرنگ شده و مسجد همچون سابق نمی‌تواند به کمک نهاد خانواده در امر تعلیم و آموزش معارف دینی و سبک زندگی اسلامی بشتابد؟ دلایل محیطی و روانی این وضعیت چیست؟
2. در ساختار پیچیده نظام تربیت موجود - با تمام عناصر و ابزارهای تأثیرگذاری که دارد - جایگاه مطلوب مسجد جهت تأثیرگذاری بر نهاد خانواده در این چنین کجاست؟ نهاد مسجد برای بازیافتن آن ارتباط وثیق و تأثیرگذار پیشین، کدام جایگاه را و با کدام رویکردها و برنامه‌ها بایستی مدنظر قرار دهد؟ طبیعتاً برای نیل به جواب این دو سؤال اصلی، ناگزیر از پرداختن به چند سؤال فرعی نیز خواهیم بود که عبارتند از:
1. نقش و جایگاه نهاد خانواده در جامعه دینی چیست و چه کارکردهایی از منظر دینی برای آن متصور است که در شرایط کنونی مورد هجوم قرار گرفته‌اند؟

2. آسیب‌هایی که نظام خانواده در شرایط حاضر با آنها دست به‌گریبان است به لحاظ کمی و کیفی کدامند؟

3. کارکردهای مسجد در مواجهه با نهاد خانواده چیست؟ نهاد مسجد چه ظرفیت‌های بالقوه‌ای در جهت به‌کمال رساندن انسانها از طریق نهاد خانواده دارد؟

فرضیه تحقیق بر آن است که هجوم ارزش‌های منحط نظام غربی و تغییر در سبک زندگی خانواده، عوامل اصلی ورود آسیب‌های فراوان بر پیکره نهاد خانواده هستند و متقابلاً عدم هماهنگی مسجد با واقعیات زمانه و بدور ماندن از پویایی و نوآوری به موازات سایر نهادهای تأثیرگذار بر خانواده، سبب کم‌رنگ شدن ارتباطش با نهاد خانواده شده که برای برون‌رفت از این وضعیت لازم است در رویکردها و جهت‌گیری‌هایش بازنگری نماید و نوع نگاه خود را به مسئله تغییر دهد.

بر این اساس این تحقیق که در پی ارائه شناخت و بیش‌کافی به متولیان امور مساجد در خصوص وضعیت ارتباط این نهاد با خانواده است در چهار بخش و به شرح ذیل به بررسی موضوع مورد نظر خواهد پرداخت؛ در بخش اول به صورت مختصر، ضمن تبیین نقش و جایگاه والای خانواده، به کارکردهای آن در مقام تربیت دینی انسان پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی، آسیب‌های عمده نهاد خانواده و وضع موجود آنها به صورت مستند و حسب آمارها و داده‌های معتبر و رسمی بیان می‌شود. در بخش سوم با ورود به مباحث اختصاصی مسجد، ضمن ترسیم دقیق و علمی از نحوه ارتباط مطلوب مسجد و خانواده، کارکردهای مسجد در این خصوص و در جهت یاری نهاد خانواده تبیین می‌شود و نهایتاً در بخش آخر راهکارها و به‌بیانی دیگر، رویکردهای اصلاحی مورد نیاز مسجد در شرایط موجود برای مواجهه فعال، پویا و تأثیرگذار بر نهاد خانواده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این تحقیق با ابعاد مورد نظر که برای آن ترسیم شد در نوع خود، تحقیقی تازه، نوآورانه و فاقد سابقه است؛ هر چند تحقیقات زیادی در حوزه مسجد و نیز در حوزه خانواده به صورت اختصاصی نگاشته شده‌اند ولی از این حیث که تبیین دقیق و علمی از ارتباط فی‌مابین این دو، خصوصاً حسب اقتضائات زمانی و مکانی امروز، صورت بگیرد، حسب استقراء نگارنده وجود ندارد بماند که حتی آسیب‌های نهاد خانواده به صورت کامل و جامع و همراه با مستندات آمار رسمی و معتبر در تحقیقات موجود، یافت نمی‌شود. لذا این تحقیق از جنبه‌های مختلف می‌تواند نوآورانه و بدیع باشد.

1. جایگاه ازدواج و نهاد خانواده

از منظر اسلام، ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده، فی نفسه امر مطلوب و مورد سفارش است طوری که یگانه راه زندگی سالم و سعادت‌مند در پیروی از همین مسیر تعریف شده و راه‌های انحرافی و غیر آن نه تنها مردود اعلام شده بلکه به شدت به مبارزه با آنها دستور داده شده است؛ از زوجیت و مسائل جنسی غیر نظام مند (غیرشرعی) گرفته تا فرزنددی که از این طریق زاده می شود همه و همه تقبیح شده و اثرات زیانبار ملموس و غیر ملموس فراوان بر آنها برشمرده شده است پیامدهایی چون رخت برپستن صمیمیت، عاطفه، اعتماد و صداقت و پاکی از نهاد خانواده و بی سرپرست ماندن نوزادان نامشروع و مشکلات ارث و دیه آنها و ... و مضاف بر همه اینها، عواقب، مجازات و محرومیت های سنگین اخروی برای آن در نظر گرفته شده است. (ر. ک: کلینی، کافی، ج 5، ص 320-574؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 14؛ مجلسی، بحارالانوار، جلد 103)

لذا رویکرد اسلام در مواجهه با سنت ازدواج موجود در میان ابنای بشر، امضای صرف نبوده و مشمول قاعده منطقی «اثبات شیئی نفی ماعدا نمی کند» نبوده است بلکه علاوه بر تأیید و نظام مند ساختن آن و جعل شرایط ویژه برای تشکیل خانواده و ازدواج شرعی، بر حقانیت و صحت آن تأکید نموده و راه ها و مسیرهای معادل و بدل را به شدت مورد نکوهش قرار داده و باطل اعلام نموده است. (همان) لذا جاهلیت مدرن هم که با نهاد خانواده در افتاده و مسیرهای جایگزین برای آن تعریف نموده است، بی راهه هایش جدید و فاقد سابقه نیستند بلکه اصل آنها که همان ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج رسمی است در

زمان شارع نیز بوده و اسلام آن را بشدت رد نموده است. هرچند جاهلیت مدرن تمهیداتی! برای بچه های بی سرپرست (برآمده از زنا یا متلاشی شدن نهاد خانواده)، زنان بی سرپرست (برآمده از طلاق زودرس) زنان و مردان تنهای کهنسال، اندیشیده است ولی اینها چیزی جز پاک کردن صورت مسئله و افزودن به مشکلات بشریت نیست، چرا که خروجی این سیستم هیچ وقت شیرینی زندگی با آرامش و در کنار هم بودن توأم با سلامت روح و روان در دنیا و نیل به کمال و سعادت‌مندی در سرای آخرت را برای افرادش ارزانی نخواهد داشت و نهایتاً آن خواهد شد که مشکل تنهایی و انزوا و عدم اطمینان و اعتماد به همدیگر را بایستی در انس گیری با حیوانات و مانند آن جستجو نمایند و مدام از بی اعتمادی افراد جامعه، تحت عباراتی چون کاهش سرمایه اجتماعی و امثال آن شکوه نمایند.

2. جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در متون دینی

تعالیم و آموزه های دین اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده بسیار سفارش نموده اند برخی از آنها چنین است:

1. خداوند متعال: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/32) عَزَبَای خود و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند خدا از فضل و کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و داناست.

2. خداوند متعال: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/21) و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

3. پیامبر صلی الله علیه و آله: «ما بنی فی الاسلام بناء أحبّ الی الله تعالی و اعزّ من التزویج؛ در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نزد خداوند بنا نشده است». (صدوق، الهدایه، ص 257)

4. پیامبر صلی الله علیه و آله: «الْبَيْتُ حَيْثُ نَتَى فَمَنْ رَغَبَ عَنْ سَتَتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت من است؛ پس هر که از سنت من اعراض کند از من نیست» (مجلسی، بحارالانوار، ج 103، ص 220)

5. پیامبر صلی الله علیه و آله: «ان الله عزّ وجلّ يحب البيت الذي فيه العرس، و يبغض البيت الذي فيه الطلاق؛ خداوند خانه ای را که در آن عطر دل انگیز عروس بوزد دوست می دارد، و خانه ای را که در

آن سخن غم انگیز طلاق سرداده شود دشمن می دارد.» (کلینی، کافی، ج 6، ص 54)

6. امام باقر علیه السلام: «رکعتان یصلّیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم ليله و یصوم نهاره؛ دو رکعت نماز مرد معیل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند.» (الحرالعالمی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 7)

7. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است. پس تقوای الهی را در نصف دیگر مراعات کند.» (مجلسی، بحارالانوار، ج 103، ص 219)

3. فلسفه تقدیس ازدواج و نهاد خانواده (کارکردهای خانواده)

اشاره

احکام اسلامی بر پایه مصالح و مفاسد واقعی جعل شده اند و چنان نیست که توصیه های آن عاری از حکمت و مصلحت و نواهی آن فاقد مفسده واقعی و عقلی باشند. هرچند ممکن است عقل بشری به تمام آن مصالح و مفاسد پی نبرد. در موضوع تشکیل کانون گرم خانواده نیز، که این همه توصیه و تاکید آن را همراهی می کند علاوه بر اجر و پاداش اخروی به دلیل امثال امر الهی، در همین سرای دنیوی نیز دارای مصلحت های فراوان و بسیار بزرگ در زندگی بشری است و مزایا و فواید بی شماری را به همراه دارد و متقابلاً عدم پیروی از این مسیر، مشکلات و مضرات بسیار سنگین در پی دارد. بر این اساس برخی کارکردهای عمده تشکیل کانون خانواده چنین اند:

3-1. عامل آرامش و اطمینان

خداوند می فرماید: «از نشانه های خداوند این است از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن ها آرامش بیابید و در میان شما مودت و رحمت آفرید، در این نشانه هایی است برای افرادی که تفکر می کنند.» (روم/21)

3-2. حفظ از گناه و فحشاء

خداوند می فرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ بر شما حلال شده است در شب های رمضان نزدیکی نمودن با همسرانتان، زیرا آن ها لباس شمایند و شما هم لباس آن ها هستید.» (بقره/187) قرآن کریم با تعبیر کنایی «رفت»، هم بستر شدن با زن را که قبلاً حرام بوده است، تجویز و سپس حکمت آن را بیان می کند که

آنان به منزله لباس شمایند و شما به منزله لباس آن ها هستید. لباس چیزی است که بدن انسان را می پوشاند و آیه اشاره به این است که دو همسر مانع از کشیده شدن دیگری به فحشا و اشاعه آن بین جوامع انسانی می شوند. (طباطبایی، المیزان، ج 2، ص 44)

3-3. عامل افزایش رزق و روزی

انسان مجرد، کم تر احساس مسئولیت کرده، و تمامی استعداد خود را برای کسب درآمد مشروع بسیج نمی کند، ولی پس از ازدواج به یک شخصیت اجتماعی تغییر یافته، در مقابل همسر و خانواده احساس مسئولیت می کند و از تمام هوش و استعداد خود بهره می گیرد و با صرفه جویی و ابتکار و با کمک همسر و فامیل بر مشکلات زندگی فائق می آید. (حسینی کوهساری، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش های دینی، شماره 2، ص 155) در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيَالِ؛ روزی همراه همسر و فرزند است.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 6)

3-4. استمرار و بقای نسل

در توحید مفضل می فرماید: «تفکر کن در افعال انسان از خوراک و خواب و هم بستر شدن و آن چه در آن ها تدبیر شده است. پس خداوند برای هر یک از آنان محرکی از داخل آفرید که آن ها به سوی آن می خوانند و تحریک می کنند ... شعله ور شدن آتش شهوت جنسی آمیزش را می طلبد که موجب تداوم نسل و بقای آن می شود و اگر چنین بود که آدمی به واسطه میل به فرزند آمیزش می کرد بعید نبود کاملاً این میل ضعیف شود به طوری که باعث کاهش یا قطع نسل شود؛ زیرا بعضی از انسان ها به داشتن فرزند تمایلی ندارند. (مجلسی، بحارالانوار، ج 61، ص 255).

3-5. کمال و پویایی جامعه

امام رضا علیه السلام ضمن خطبه ای می فرماید: «اگر هیچ دلیل روشنی از کتاب و سنت به اهمیت تشکیل خانواده وجود نداشت، آثار و برکاتی که به سبب این امر نصیب اجتماع می شود، تنها برای ترغیب و تشویق انسانها بر ایجاد کانون خانواده کافی بود.» (محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ج 3، ص 286)

ص: 18

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در همه کشورهای دنیا، گسست خانواده مترادف با گسست فرد است و خانواده ای که از هم گسیخته یا نیمه گسسته باشد و تربیت فرد در آن به خوبی صورت نگیرد می تواند مولد بحران های پایدار در جامعه باشد. به عبارت بهتر تربیت فرد و جامعه از یکدیگر جدا نیست و آنچه در خانواده و در طول حیات فرد می گذرد تأثیر به سزایی در استحکام پایه های تربیتی اجتماع دارد. (عالمی، حجاب، نشانه عظمت زن، روزنامه رسالت، شماره 7266، صفحه 7)

3-7. کانون سالم تربیت و آموزش

هرچند نهادهای دیگری نیز می توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند ولی هیچ کدام به سلامت و پاکی نهاد خانواده نیستند. خانواده سالم ترین محیط برای شکل گیری شخصیت فرزند است و در انتقال ارزش های اخلاقی بهترین نقش را ایفا می کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم عرض آن یا اصلاً مشاهده نمی شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری و امثال ذلک را دارند و یا بسیار کم رنگ است.

3-8. مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان

در ادامه محور قبلی، نهاد خانواده سالم ترین، کم هزینه ترین و مثمر ثمر ترین شکل ممکن در مراقبت و نگهداری از فرزندان و نیز پدر و مادر و یا همسر سالمند می باشد. خانواده ساخته و پرداخته شده با الگوی دینی نه تنها وجود آنها را برای خود هزینه مادی و زمانی و امثال ذلک به حساب نمی آورد بلکه مراقبت از فرزندان را با طیب خاطر پذیرفته و مراقبت از سالمندان را مایه برکت و قوام زندگی خود می داند. بماند که در نگاه عمیق و مبصرانه، آنکه بیش از همه سود می برد خود خانواده و متولیان آن است که علاوه بر اخذ سعادت اخروی، در همین دنیا نیز شکل گیری بهترین نحوه گذران اوقات فراغت را با حضور فرزندان و پدر و مادر برای خود رقم می زنند و نیازهای عاطفی و روانی خود را به بهترین شکل ممکن و نه از طریق سگ و گربه و مانند آن ارضاء می نمایند.

این محور و محور قبلی در درون خود محورهای دیگری از کارکرد خانواده را به همراه دارند که از کارکردهای منحصر به فرد خانواده هستند و جایگاه آن را در مقایسه با سایر نهادهای تربیتی ممتاز می نمایند. این کارکردها عبارتند از:

9-3. نیل به پاداش های عظیم الهی و کمالات انسانی

(به دلیل تحمل هزینه های مادی و صبر بر سختی های تربیت کردن که کمالات انسانی را شکوفا می نمایند.)

10-3. ارضای حس محبت نمودن و مورد محبت واقع شدن

(هر انسانی نیاز به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن دارد که خانواده دینی بهترین شکل آن را فراهم می آورد.)

11-3. انتقال خالصانه تجربیات

(والدین فرزندان را جزئی از وجود خود می دانند و خالصانه و بی منت تجربیات را به آنها منتقل می نمایند طوری که تا این وظیفه خود را انجام ندهند آرام و قرار ندارند.)

نکته: وجود خانواده شرط لازم برای موفقیت جامعه است نه کافی لذا آوردن مثال های نقض از فرزندان ناموفق در برخی خانواده ها و مثال های موفق از تربیت در غیر خانواده کار درستی نیست چرا که اولاً باید کلیت یک جریان و مدل را بررسی و مقایسه نمود نه موردی و در ثانی خانواده نیز برای موفقیت بایستی یکسری وظایف را درست انجام دهد. آری اگر خانواده مطلوب و سالم، زیر بنای اصلی جامعه پایدار است متقابلاً خانواده متأثر از فرهنگ مادی الحادی و ناآشنا با اخلاق دینی، جایگاه مناسبی جهت رشد جسمی و عاطفی زوجین و کودکان ندارد، چنین خانواده ای به جای آموزش عشق و محبت و همنوای دوستی به کودکان، آنها را با انواع عقده ها آشنا می سازد و خود عاملی می شود برای بروز بسیاری از آسیب ها همچون فرار از خانه، بزهکاری، روابط فرزندناشویی و

4. برنامه های دشمن برای از بین بردن نهاد خانواده

اشاره

دشمن برای متلاشی ساختن نهاد خانواده و کاهش گرایش به آن، با برنامه وارد شده است؛ با برنامه نظری که روی افکار و اندیشه ها و تغییر آنها کار می کند و برنامه عملی که با ترویج و پیاده سازی سبک خاصی از زندگی، انسان های خانواده محور را در تنگنا قرار داده و آنگاه برای خلاصی از مشکلات اش، راهی جز لزوم بی توجهی به نهاد خانواده و قوانین و سنت های آن پیش پا نمی گذارد؛ البته به دلیل برخورداری دشمن از ابزارهای مادی (علم و ثروت و ...) حتی اگر دشمن چنین نیاتی را نیز در سر نداشته باشد، خروجی تعامل با دنیایی

که در چنبره اندیشه ها و سبک زندگی غربی است در صورتی که حواس ها جمع نباشد و مواجهه آگاهانه با آن صورت نگیرد، باز، چیزی جز متلاشی شدن نهاد خانواده نخواهد بود.

بر این اساس در این مجال به بررسی برنامه نظری و عملی دشمن برای متلاشی ساختن نهاد خانواده به تفکیک و به تفصیل می پردازیم:

1-4. برنامه نظری دشمن در تغییر ارزش ها و هنجارهای خانواده

تغییر نگاه غربی ها به هستی و زندگی و حذف خدا و انبیاء و معنویات از آن و در مقابل محور قرار دادن انسان و امیال نفسانی و لذت جویانه او بر نظام قوانین و تصمیم گیری، سر از بی قیدی و بی تعهدی نسبت به حفظ نهاد خانواده و متلاشی شدن آن در آورده است. چرا که حفظ نهاد خانواده با تعهد و فداکاری و وفاداری و نگاه به پاداش اخروی و در یک کلمه با عقلانیت و دینداری عجین شده است همان چیزی که در نگاه منفعت مدار مادی و لذت گرای دنیوی غربی، خبری از آن نیست.

تهاجم فرهنگ و ارزش های منحط غربی، بر خانواده دین مدار ایرانی تأثیر گذارده تا جایی که به گراف نخواهد بود اگر گفته شود پایه و زمینه بروز و ظهور بسیاری از رفتارهای آسیبی در حوزه خانواده متأثر از همین آسیب مبنایی یعنی رخنه فرهنگ غربی در ارزش ها و نگرش های اعضای خانواده است؛ اگر بحث از آسیبی تحت عنوان بیکاری می شود نامربوط با بحث تهاجم فرهنگی نیست به دلیل آنکه فرهنگ فمینیستی غرب، اشتغال زنان را تحت هر شرایطی یک ارزش و خانه داری و مادری را یک عقب ماندگی و ضد ارزش برای زن معرفی می کند که این در جامعه ایرانی مؤثر واقع شده و نتیجه آن ورود خیل زنان در بازار کار و بیکار ماندن بخش عمده ای از مردان شده است که وظیفه تأمین معیشت خانواده را بر گردن دارند؛ یا بحث از افزایش طلاق (رسمی و عاطفی) و کاهش ازدواج و رو آوردن به ازدواج سفید و زندگی مجردی و نیز بحث از کاهش زاد و ولد و کوچکتر شدن بعد خانوار و قبح ریزی از عمل غیرانسانی سقط عمدی جنین و یا بحث از روابط فرازنائشی و رواج پدیده مانکنیسم، همه و همه متأثر از پاگرفتن و نفوذ ارزش ها و نگرش های مادی و انسان محور غربی در جامعه است.

تهاجم فرهنگی غرب در بیشتر مواقع از طریق شبکه های ماهواره ای و فضای مجازی

اینترنت و پتانسیل های موجود در آن صورت می گیرد و تحقیقات نشان می دهد که نگرش و ارزش های افرادی که از تولیدات فرهنگی غربی در قالب ماهواره، اینترنت و بازی های ویدئویی استفاده می کنند بشدت تحت تأثیر قرار گرفته است در نمونه ای از این تحقیقات که توسط کارشناسان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته، میزان تفاوت ها و تغییرات بر روی نگرش های بچه های دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفته که اهم نتایج آن در جدول ذیل به اختصار آمده است:

مقایسه نگرش افراد کاربر و غیرکاربر ماهواره، اینترنت و بازی های ویدئویی

نوع رفتار	کاربر و غیرکاربر
احترام به مقررات و مسئولان مدرسه	غیرکاربر < کاربر
توجه و علاقه به مد و جذاب جلوه گر شدن	کاربر < غیرکاربر
علاقه مندی به شادی، لذت و رفاه طلبی	کاربر < غیرکاربر
پذیرش روابط دختر و پسر	کاربر < غیرکاربر
پذیرش حضور گسترده تر زنان در جامعه	کاربر < غیرکاربر
برخوداری از استقلال رای در مسایل اجتماعی	کاربر < غیرکاربر
پذیرش سنت شکنی در ارتباط با آداب و رسوم	کاربر < غیرکاربر
توانایی واکنش و کنترل به حوادث پیش آمده	کاربر < غیرکاربر
ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی و ملی	کاربر < غیرکاربر
برخورداری از توانایی بهره گیری از رایانه و اینترنت	کاربر < غیرکاربر
پذیرش سانسور برنامه های ماهواره ای و اینترنتی	غیرکاربر < کاربر
پذیرش پول درآوردن به هر طریق ممکن	کاربر < غیرکاربر
اخذ ارزش های زندگی از هنرمندان و ورزشکاران	کاربر < غیرکاربر
علاقه به فرهنگ اسلامی	غیرکاربر < کاربر
علاقه به فرهنگ غربی	کاربر < غیرکاربر
حمایت از جمهوری اسلامی	غیرکاربر < کاربر
علاقه مندی نسبت به پیوستن به نیروی بسیج	غیرکاربر < کاربر
پیروی از مراجع تقلید	غیرکاربر < کاربر
تقدید نسبت به انجام تکالیف دینی	غیرکاربر < کاربر
تمایل به شرکت در هیئت ها و محافل دینی	غیرکاربر < کاربر
برخورد گزینشی با دین	کاربر < غیرکاربر

منبع: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرح نگرش سنجی افراد کاربر و غیرکاربر ماهواره،

اینترنت و بازی های ویدئویی، ص 54

ص: 22

هم اکنون بنابر داده های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 71 درصد تهرانی ها از ماهواره استفاده می کنند و در آینده نزدیک نیز دو هزار شبکه ماهواره ای از طریق موبایل قابل دریافت خواهد بود.

از سال 1960 میلادی که ماهواره اختراع شد تاکنون حدود 20 هزار شبکه ماهواره ای در جهان فعال است که حدود 3000 شبکه در ایران از طریق دیش و ریسورهای معمولی قابل دریافت هستند. در این مجال برای نمونه به تحلیل محتوای سریال های یکی از شبکه های ماهواره ای فارسی زبان یعنی فارسی وان پرداخته شود؛ محورهای عمده مورد نظر در محتوای سریالهای این شبکه بشرح ذیل است:

* ترغیب به داشتن روابط عاشقانه

* متقاعدکردن زنان به رسیدگی بیشتر به تن و ظاهر خود برای جلب توجه مردان

* برجسته کردن مسائل جنسی در زندگی

* زیر سؤال بردن مستقیم و غیر مستقیم ازدواج و ایجاد تردید در مورد اهمیت و ارزش ازدواج

* طرح سؤال و شبهه و تردید مکرر در مورد دیدگاه های افراد مقید به ازدواج و زندگی مشترک

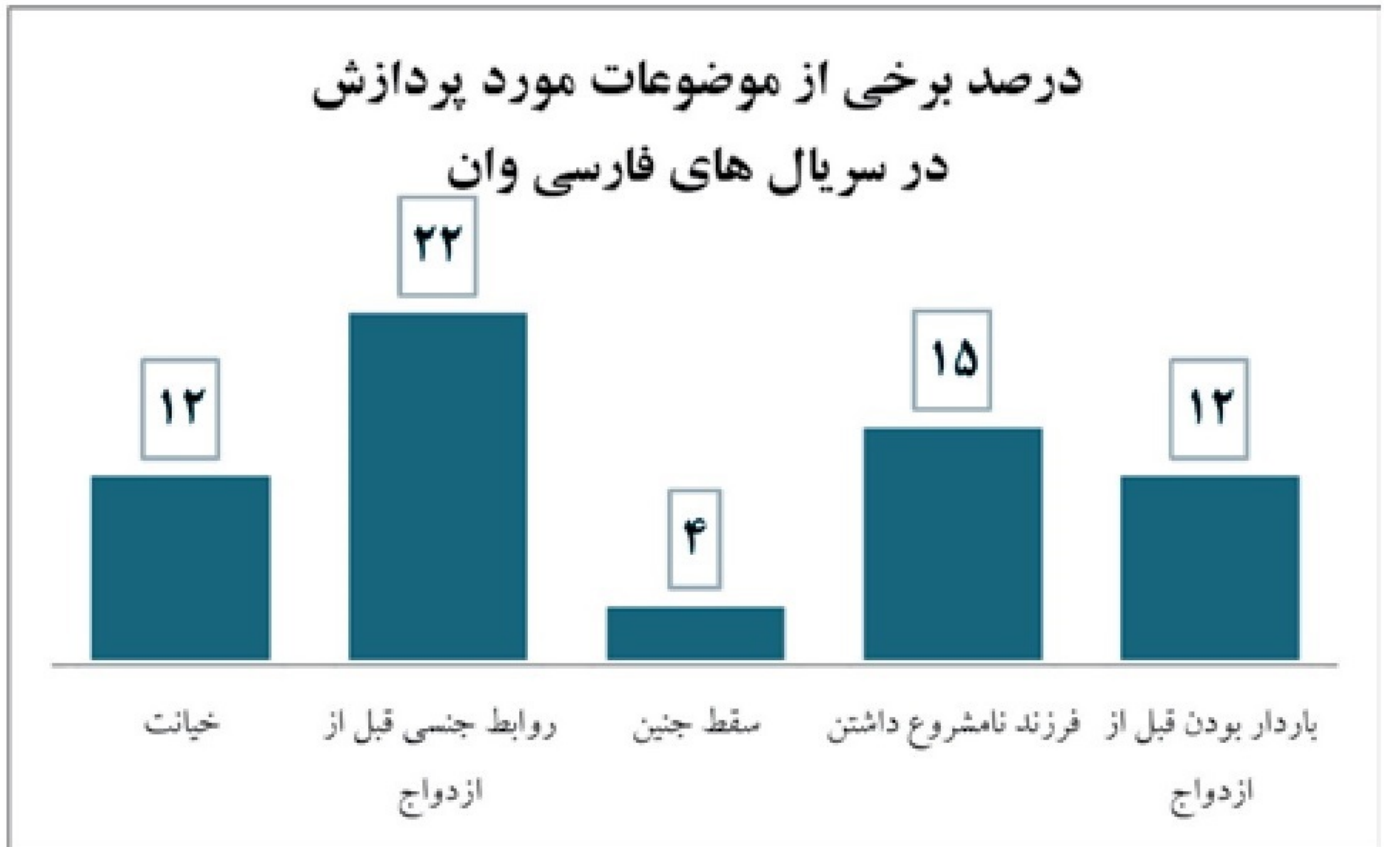
* نمایش مکرر مشروب خواری و یاوه گویی های هنگام مستی و عادی سازی آوردن مشروب بر سر سفره

* بیان راه های دوست شدن با جنس مخالف

* عادی سازی رابطه های خارج از چهارچوب خانواده

* خیانت و عدم وفاداری مردان و زنان متأهل به همسران خود که بعضاً با نیت انتقام صورت می گیرد. (نصراله پور، تحلیل محتوای شبکه فارسی وان، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره 17، ص 5)

هدف از تهیه و پخش این برنامه ها این است که قبح این مسائل شکسته شود. ضمن اینکه نقش اول 87 درصد از فیلم ها و سریال های فارسی وان «زن» است!



(همان)

بخش قابل توجه دیگری از تهاجم فرهنگی -چنان که اشاره شد- از طریق فضای مجازی صورت می گیرد؛ حضور بی ضابطه و غیر هدفمند اعضای خانواده در فضای مجازی یکی از آسیب های خانواده است که هر روز نیز روبه فزونی می گذارد. شبکه های اجتماعی و چتروم ها از عمده ترین فضاهاى مجازی آسیب زا در این زمینه هستند.

در این مجال به عنوان نمونه به بررسی وضعیت محتوای مباحث مطرح شده میان کاربران یکی از چتروم ها (چتروم آسیا) با رویکرد کنترل نامحسوس محتوی، پرداخته می شود. بدون آنکه مداخله فعالی در روند بحث های رد و بدل شده کاربران داشته باشند:

ص: 24

مقوله ها	جمع	درصد
۱ دوست یابی (تبادل شماره تلفن)	۳۹۸۱	۳۳,۹
۲ ارتباط های روزمره و تعامل های معمولی	۳۹۳۹	۳۳,۶
۳ سکس (انحرافات جنسی، سکس چت، فحشا، صیغه)	۲۵۴۹	۲۱,۸
۴ تبلیغات تجاری و غیرتجاری از طریق کاربران	۳۵۰	۳
۵ شوخی	۲۲۵	۱,۹
۶ فحاشی، اذیت و آزار دیگران	۲۱۳	۱,۸
۷ اظهارنظرهای مختلف	۱۹۱	۱,۳
۸ پرکردن اوقات فراغت (عکس و کلیپ غیرسکسی)	۱۲۲	۱
۹ آموزشی	۶۴	۰,۵۴
۱۰ تبادل فیلترشکن	۴۵	۰,۳۸
۱۱ تقاضای ازدواج	۳۱	۰,۲۶
۱۲ نوع دوستی	۶	۰,۰۵

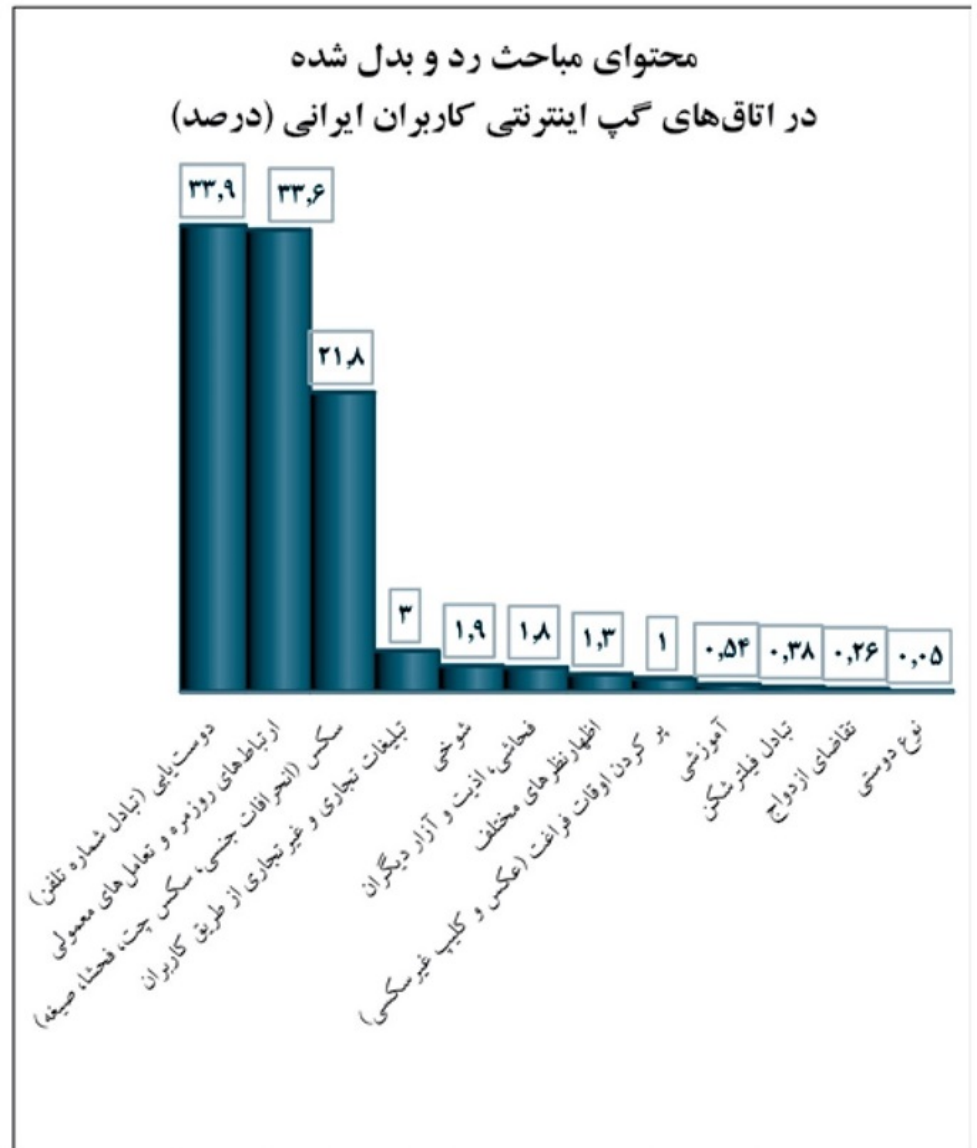
منبع: بلقان آبادی، منطقی، تحلیل محتوای اتاق های گپ اینترنتی

(چت روم های) ایرانی، مجله علمی پژوهشی سلامت روانی، شماره 2، تابستان 1389ش

حسب این جدول، «دوست یابی (تبادل شماره تلفن)»، «ارتباط های روزمره و تعامل های معمولی» و «سکس (انحرافات جنسی، سکس چت، فحشا، صیغه)» به ترتیب با 9/33، 6/33 و 8/21 درصد، بیشترین و تقاضای ازدواج، تبادل فیلترشکن و پرکردن اوقات فراغت به ترتیب با 38/0، 54/0 و 1 درصد کمترین محتوای رد و بدل شده بین چتبازان را تشکیل می دهند. (ر.ک: جدول و نمودار ذیل)

توجه به برخی کاربران خاص چت روم ها و اینکه عمق نفوذ این پدیده، در میان چه اقشاری از جامعه رسوخ کرده است واقعا جای تامل دارد:

1) برخی زنان خانه دار در شیفیت صبح که همسر و فرزندان در منزل نیستند، حضور بیشتری در



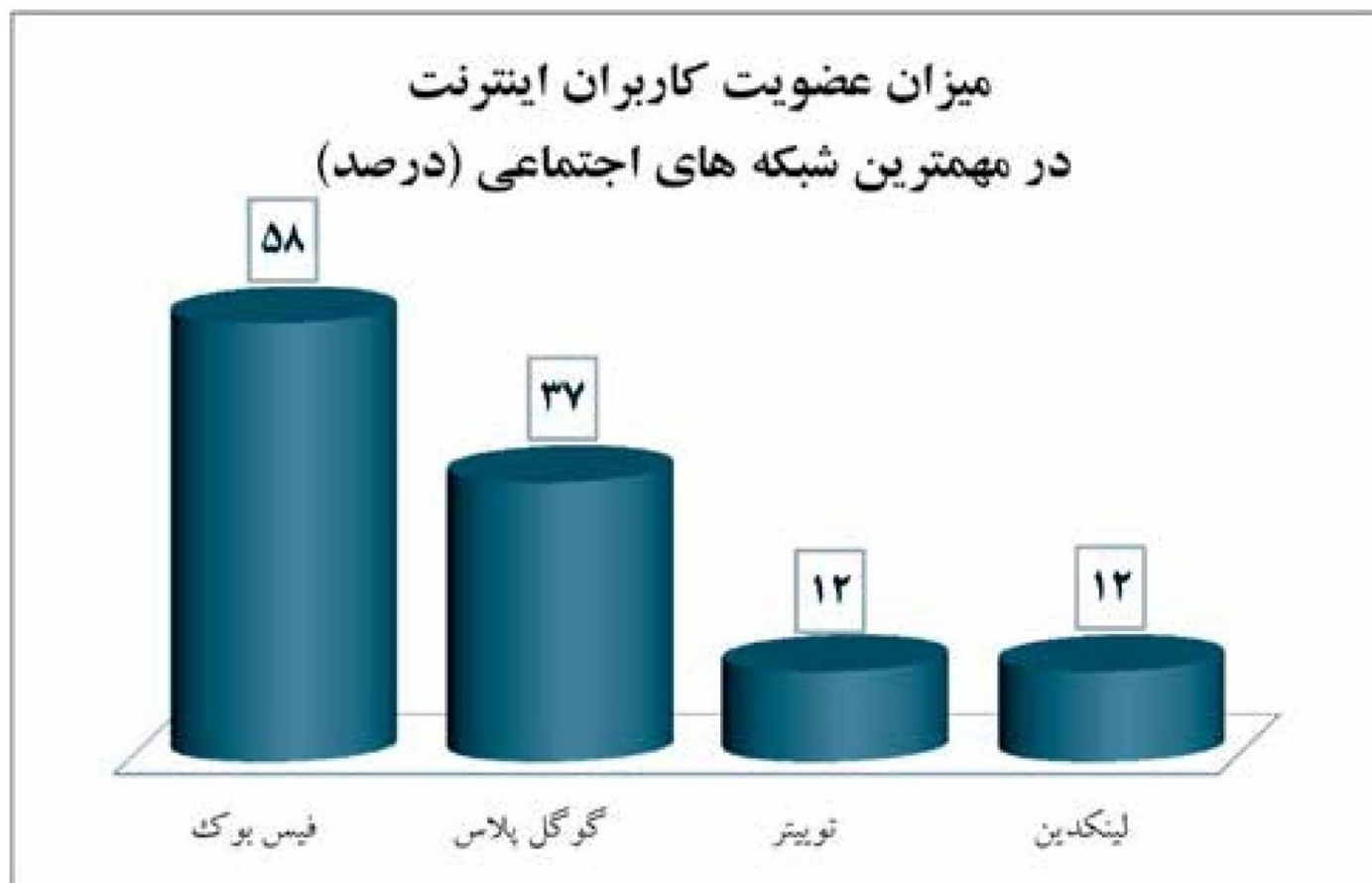
چت روم‌ها داشته و معمولاً کامپیوتر آنلاین خود را رها کرده و کارهای منزل را نیز انجام داده و با حالت وسواس هر از چند گاه صفحه مانیتور را نگاه کرده که آیا پیامی برایش ارسال شده یا خیر؟

(2) حضور توأم (معدود) برخی همسران با هم در چت و استفاده مشترک از ویس روم یا حضور پدر یا مادر با فرزند خردسال خود برای سر و صدا در آوردن در روم، از نکات عجیب

و دور از انتظار به شمار می رود. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کاربران چتروم ها، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره 25، ص 6)

آخرین آمار اعلام شده از ضریب نفوذ اینترنت در کشور از سوی مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت -متما- حاکی است بالغ بر 61 درصد جمعیت کشور به اینترنت متصل می شوند. (45 میلیون و 884 هزار) و براساس همین آمار (86 درصد کاربران ایرانی عضو شبکه های اجتماعی) بوده و بعضی از آنها همزمان در چند شبکه عضویت دارند.

منبع: مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت - متما-



در پروسه تهاجم فرهنگی، بخش معظمی از ارزش ها و نگرش های القائی به ارزش ها و نگرش های فمینیستی تعلق دارد که بر اساس رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم آلود است که باید دگرگون شود. دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده، از اصول برنامه های بیشتر فمینیست هاست. به عقیده سیمون دوبوار (Simon de beauvoir) آنچه زن را در قید بندگی نگه می دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان های سالم به شدت مورد حمله

قرار می داد و ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل بدبختی زنان می داند و با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم مخالفت می کند. (مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، ص 17)

فمینیست های مارکسیست همچون کریستین دلفی (Christiane delphy) ازدواج را قراردادی کاری می داند که در آن شوهر، صاحب کار بدون مزد زن است، و این امر به شیوه تولید خانگی و یک شیوه استثمار مردسالارانه شکل می بخشد. (هام ترجمه احمدی خراسانی و دیگران، ص 262) از نگاه فمینیست های سوسیالیست نیز زنان نه تنها در حیطه سیاست و اقتصاد، بلکه در خانواده هم که مردانشان با آنها مثل برده رفتار می کنند، ستم می کشند. از نظر آنها، نهاد ازدواج تکامل معنوی، فرهنگی و روانی مردان و زنان را عقیم می گذارد و نیز سبب خودخواهی و بی کفایتی می گردد. (ویلفورد ترجمه قاند، ص 361) فمینیست های رادیکال نیز روی خوشی به نهاد خانواده نشان نداده اند. در نگاه آنان، ازدواج نهادی است که انقیاد مستمر زنان را به لحاظ اقتصادی، مالی، حقوقی، سیاسی و عاطفی تضمین می کند. خانواده، هم علت و هم معلول کم ارج کردن زنان است. (مشیرزاده، مقدمه ای بر مطالعات زنان، ص 283)

2-4. برنامه عملی دشمن برای از بین بردن نهاد خانواده

دشمن بعد از ترویج باورها و ارزش های منحط خود در مقام نظر، برای یکسره کردن کار و قرار دادن خانواده در وضعیت اضطراب و اجبار برای پذیرش ایده مورد نظر وی، دست به اقدام عملی زده و با پیاده سازی سبک زندگی غربی که در تضاد با استحکام داشتن نهاد خانواده است با موجودیت نهاد خانواده به دشمنی برخاسته است.

غرب بعد از حاکم ساختن نگاه فمینیستی و امانیستی بر زندگی، ساختارهای اجتماعی و سبک زندگی را به سمتی سوق داده است که در آن، زنان خانواده - که پایه اخلاق خانواده و اجتماع و رکن تربیتی برای فرزندان و نیز ستون مستحکم عاطفه و محبت و آرامش برای شوهران خود هستند - بایستی از نهاد امن خانه بدون وجود ضرورتی عقلانی بیرون آمده و در جامعه حضور فیزیکی داشته باشند و لذا با برداشتن موانع (همچون: تأسیس نهاد مهد کودک برای نگهداری فرزندان که حضور آنها در خانه مانعی بشمار می رود، ایجاد نهاد سالمندان برای نگهداری از افراد مسن خانواده، توسعه شهرنشینی و آپارتمان نشینی با ره آورد اتوماتیک وار فرزند کمتر، تأسیس نهادهای رسمی لازم برای سقط جنین عمدی و نیز

نهادهایی برای نگهداری از فرزندان بی سرپرست، دایر کردن مراکز رسمی فساد و روابط نامشروع و حتی

تعریف شغل تحت عنوان روسپیگری و اعطای مجوز فعالیت برای آن (البته فعلاً- در غرب، ...) و ایجاد زمینه ها و بسترهای لازم (مانند مصرفی کردن جوامع خصوصاً متناسب با روحیات و خواسته های زنان، صنعتی نمودن جوامع با توجه به نیاز شدید آنها به نیروی کار زیاد و ارزان زنان، توسعه شهرنشینی که معمولاً همراه با کثیری از مهاجرت های لجام گسیخته خانواده ها که با دور شدن از آشنایان و در نتیجه تنهایی دردآور زنان در خانه همراه است، ...) حضور بی تکلف و بی ضابطه زنان در جامعه را مورد پذیرش ناخواسته قرار داده است.

خانواده ترویجی غربی تحت تأثیر اندیشه ها و ارزش های جدید که بخشی از آن تبیین شد و نیز حسب اجبار و الزامات زندگی شهری ماشینی، کار همزمان زن و مرد را خارج از منزل فارغ از توجه به سلامت اخلاقی محیط های کاری، نه تنها به عنوان یک ارزش و هنجار بلکه به عنوان یک اجبار و اضطراب، در سبک زندگی جدید، ترسیم و عملی نموده است؛ ثمره چنین زندگی ای طبیعتاً در مرحله اول کاهش تعاملات عاطفی فیما بین زوجین و واگذاری تربیت فرزندان به نهادهای اجتماعی و در قدم بعدی کاهش فرزندآوری به دلیل مشکلات و هزینه های زیاد آن از حیث نیاز به وقت گذاشتن و نیز مزاحم دانستن آن برای خوش گذرانی های زندگی مادی است. احیاناً در قدم های بعدی نیز، کاهش ازدواج، افزایش طلاق، سقط جنین عمدی و بدتر از همه کاهش تعاملات عاطفی و افزایش روابط فرازنائشی خواهد بود.

همه اینها را اضافه کنید به ورود سرسام آور رسانه ها به درون خانه و خصوصی ترین حریم خانواده ها، که سبب شده تا همین ارتباط اندک باقی مانده خانواده ها نیز، روز به روز کمتر از هر زمانی شده و حتی نبودن یکی از افراد خانه کمتر احساس شود و این به معنای بحران عاطفی و تجزی شخصیتی است. (ساروخانی، جامعه شناسی خانواده، ص 134) در چنین خانواده ای اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر یک جا مشغول، مادر یک جا مشغول؛ نه همدیگر را می بینند نه برای هم غذا می پزند نه برای هم محبتی و عاطفه ای نثار می کنند نه از هم دلجویی می کنند نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روانشناسان امور کودکان عمل کرده باشند با هم قرار می گذارند یک ساعت معینی را پدر و مادر بپایند خانه و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع

خانوادگی را که در یک خانواده سالم به طور طبیعی وجود دارد اینها به صورت تصنعی برای خود به وجود بیاورند. (حاج علی اکبری، مطلع عشق ص 39)

لذا کانون خانواده گرم نیست و خانواده اصلاً واقعیت ندارد. آن انسه‌های فراوان به هم اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند اینها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قرار دادی که فقط در یک خانه ای زندگی می کنند! (همان ص 40)

البته بایستی خاطر نشان کرد که آنچه گفته شد نهایت نقطه سیر خانواده مورد ترویج غرب است و چنان نیست که هر خانواده ای که مظاهری از این نشانه ها را داشته باشد به تمام آنچه گفته شد گرفتار آمده باشد، آری هر خانواده ای به همان اندازه که به این سرطان مبتلا شده، به آثار و نتایج برآمده از آن نیز به همان اندازه گرفتار آمده است.

اشاره

نهاد خانواده در ایران به دلیل متاثر شدن از فرهنگ منحط غربی با آسیب های فراوانی در حال دست و پنجه نرم کردن است که در این قسمت آسیب های عمده خانواده حسب آمارهای رسمی کشور، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد تا خوانندگان این مقاله و خصوصاً متولیان امر مسجد که وظیفه خطیری در خصوص حفظ و استحکام بخشی به نهاد خانواده بر گردن دارند به صورت دقیق تر و هر چه شفاف با وضع موجود نهاد خانواده در ایران آشنا شوند تا احیاناً در برنامه ریزی ها و اولویت بندی ها برای خانواده، آگاهانه عمل نمایند.

آسیب های عمده نهاد خانواده و وضع موجود آنها در ایران بشرح ذیل هستند:

1. تهاجم فرهنگی غرب

اشاره

وضعیت آن تا حدودی در قسمت های قبلی تبیین شد و نیز بخش قابل توجهی از آن مربوط به آسیب هایی است که متاثر از آن هستند و در محورهای بعدی ذکر خواهند شد لیکن در این محور به صورت اختصاصی به مواردی چند از رفتارهای آسیبی نهاد خانواده که متاثر از تهاجم فرهنگی است اشاره می شود:

1-1. پدیده مانکنیسم و سزارین

به موازات ارزش شدن پدیده مانکنیسم، یکی از نمودهای توجه افراطی به تن و جسم در زنان، استفاده فراوان از روش سزارین در زایمان است. بر همین اساس گفتنی است، ایران در حالی رتبه دوم جهانی آمار سزارین را بنا بر داده های وزارت بهداشت به خود اختصاص داده که؛ بنا بر سیاستهای جدید جمعیتی، افزایش مولید و جمعیت از سیاستهای کلان در حوزه

سلامت و بهداشت به شمار می رود چیزی که با زایمان غیر طبیعی یعنی سزارین تقریباً غیر مقدور خواهد بود.

حسب آمار رسمی وزارت بهداشت 46 درصد زایمان ها (حدوداً 23 درصد در بیمارستان های دولتی و 69 درصد در خصوصی) به روش سزارین صورت می گیرد که متوسط آمار سزارین در دنیا بین 15 تا 25 درصد است. این در حالی است که 75 درصد از آمار سزارین ها، غیرضروری و به صورت انتخابی صورت می گیرد. گفتنی است آمار 40 درصد سزارین، مربوط به سال 1384 است و آمار غیر رسمی سزارین در حال حاضر بالاتر از این درصد است.

درصد زایمانهای سزارینی



2-1. پدیده مانکنیسم و مواد مخدر

شیوع و افزایش تبلیغات استفاده از مواد مخدر شیشه برای لاغری در آرایشگاهها و باشگاه های بدن سازی از دیگر دلایلی است که باعث افزایش استفاده از این ماده مخدر شده است. مراکز لاغری با استفاده از مواد شیمیایی که مواد مخدر نیز در آنها دیده می شود، خانم ها را تشویق به استفاده از داروهای لاغری و در بعضی مواقع به مصرف شیشه می کنند. (وضعیت پدیده مانکنیسم، خبرنگار رصد فرهنگ و علم، شماره 18، ص 8)

ص: 32

3-1. ارزش شدن اشتغال زنان

هنجار شدن اشتغال زنان عرصه کسب و کار را بیش از پیش بر مردان تنگ نموده است؛ هنجار شدن اشتغال برای زنان در حالی است که آمار دختران فارغ التحصیل جویای کار به شدت زیاد است و هیچ تناسبی با میزان اشتغال آفرینی های دولت ها ندارد در چنین شرایطی دو اتفاق ممکن است رخ دهد حالت اول کسب شرایط کار و احراز شغل مورد نظر است که زنان شاغل نوعاً از روحیه تعاملی پائینی در زندگی مشترک برخوردارند مضاف بر اینکه اشتغال، احساس نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده را در زنان پایین می آورد. اما حالت دوم آن است که نتوانند شغلی را احراز نمایند در چنین حالتی برخی زنان و دختران، به خاطر هنجار بودن «اشتغال زنان» حاضر خواهند بود تحت هر شرایطی و در هر محیطی تن به هر شغلی بدهند تا صرفاً آن مقبولیت و پذیرش اجتماعی را کسب نمایند و خود را شاغل و لایق نشان دهند.

4-1. روابط فرا زناشویی

از کلیدی ترین بنیان برافکن های نظام خانواده ظهور پدیده شوم روابط فرا زناشویی است که مولود نامیمون فرهنگ و سبک زندگی غربی است. روابط فرا زناشویی به دو معنی در این تحقیق آمده است: اول روابط خارج از ضابطه همسران با بیگانگان (خیانت) و دوم زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج در کنار هم.

حسب آمار سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی آمار بالائی دارد طوری که تعداد پرونده های تشکیل شده برای آن در رتبه پنجم آمار جرائم قرار دارد. نیز داده های مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه در خصوص پرونده های قضائی مرتبط با مفاسد اخلاقی مربوط به سال 1391 وضعیت خوبی را نشان نمی دهد و آمار رشد آنها در مقایسه با سال قبل از آن تأمل برانگیز است.

همچنین «ازدواج سفید» از مصادیق روابط فرا زناشویی است؛ «ازدواج سفید» زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است. یعنی به گونه ای که زن و مرد بدون اینکه خطبه عقد یا صیغه بینشان جاری شود برای زندگی زیر یک سقف می روند.

به علت اینکه جامعه ایران یک جامعه اسلامی است و چنین پدیده هایی در آن به

هیچ عنوان تعریف نشده به صورت مخفیانه انجام می شود. به همین منظور نیز آماری در خصوص تعداد این نوع ازدواج ها در دست نیست هرچند شواهد و قرائن، دال بر جریان عادی سازی و رواج این امر و نیز افزایش کمی آن در جامعه دارد. (باقری، ازدواج روی هوا، نشریه ابتکار، شماره 5856 مورخ 16/2/1393)

2. زندگی مجردی

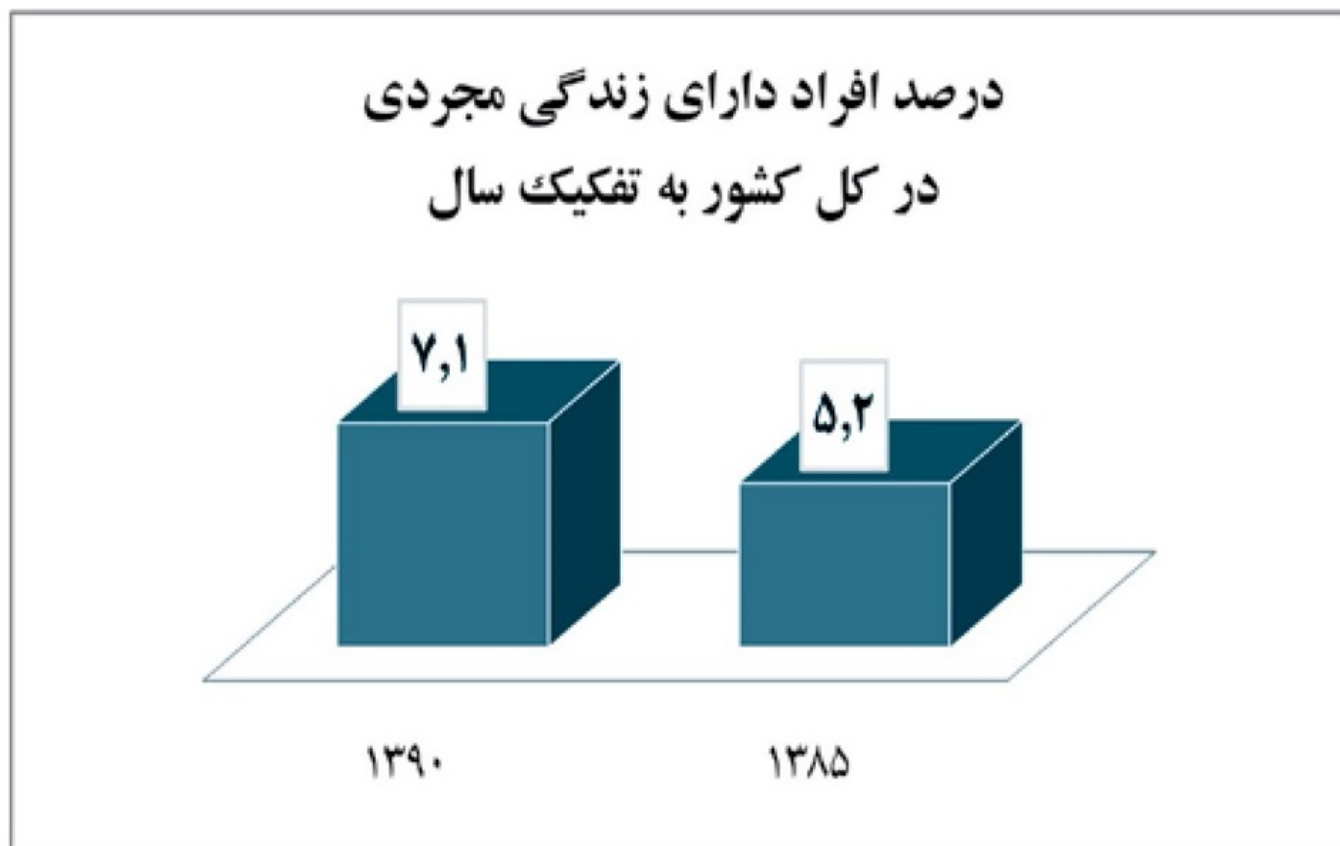
سنجش آماری وضعیت موجود این پدیده حاکی از روند افزایشی این پدیده در جامعه ایرانی است. آمار سازمان ملی جوانان وقت در سال 1387 نشان داد در کلانشهرهای کشور یعنی تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز بیش از 25 درصد جوانان زندگی مجردی دارند. که در تهران 27 درصد از جوانان را تشکیل می داد. اما آمار وزارت ورزش و جوانان در سال 1389 نشان از رشد دوباره «زندگی مجردی»

داشت این وزارتخانه آمار زندگی مجردی جوانان در شش کلانشهر مذکور را 30 درصد اعلام نمود. بر اساس این آمار؛ حدود 25 درصد دختران در شهرهای مورد ذکر، در خانه های مجردی زندگی می کردند. (آمار منتشره وزارت ورزش و جوانان در سال های 1387 و 1389)

منبع: سازمان ملی جوانان

همچنین بر اساس اظهارات وزیر سبق رفاه و تأمین اجتماعی خانوارهای مستقل تک نفره و مجرد از 2/5 درصد در سال 1385 به 1/7 درصد در سال 1390 افزایش یافته است. طبق این نتایج در 5 سال منتهی به 1390، تعداد کسانی که به تنهایی زندگی می کنند و خانواده محسوب می شوند حدود 2 درصد افزایش داشته است. چنانکه ملاحظه می شود این آمار نیز کلی و مجمل هستند.

منبع: سازمان ملی جوانان



3. خشونت خانوادگی

اشاره

رفتارهای خشونت آمیز از آسیب های نهاد خانواده است که با سلب آرامش و امنیت از محیط خانه، در اولین وهله سبب برخی اقدامات ناپهنجار مانند فرار از خانه و یا خودکشی و امثال ذلک می شود و در لایه های زیرین سبب سوق یافتن به کسب آرامش های کاذب خارج از خانه توسط زوجین و یا فرزندان می گردد.

طرح ملی «خشونت خانگی علیه زنان» از طریق مرکز پژوهش وزارت کشور با مشارکت مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و با همکاری جمعی از محققان، در 28 مرکز استان در سال 1383 به اتمام رسید که برخی نتایج این طرح جامع به شرح ذیل است:

1-3. پرخشونت ترین دوره های زندگی در ایران

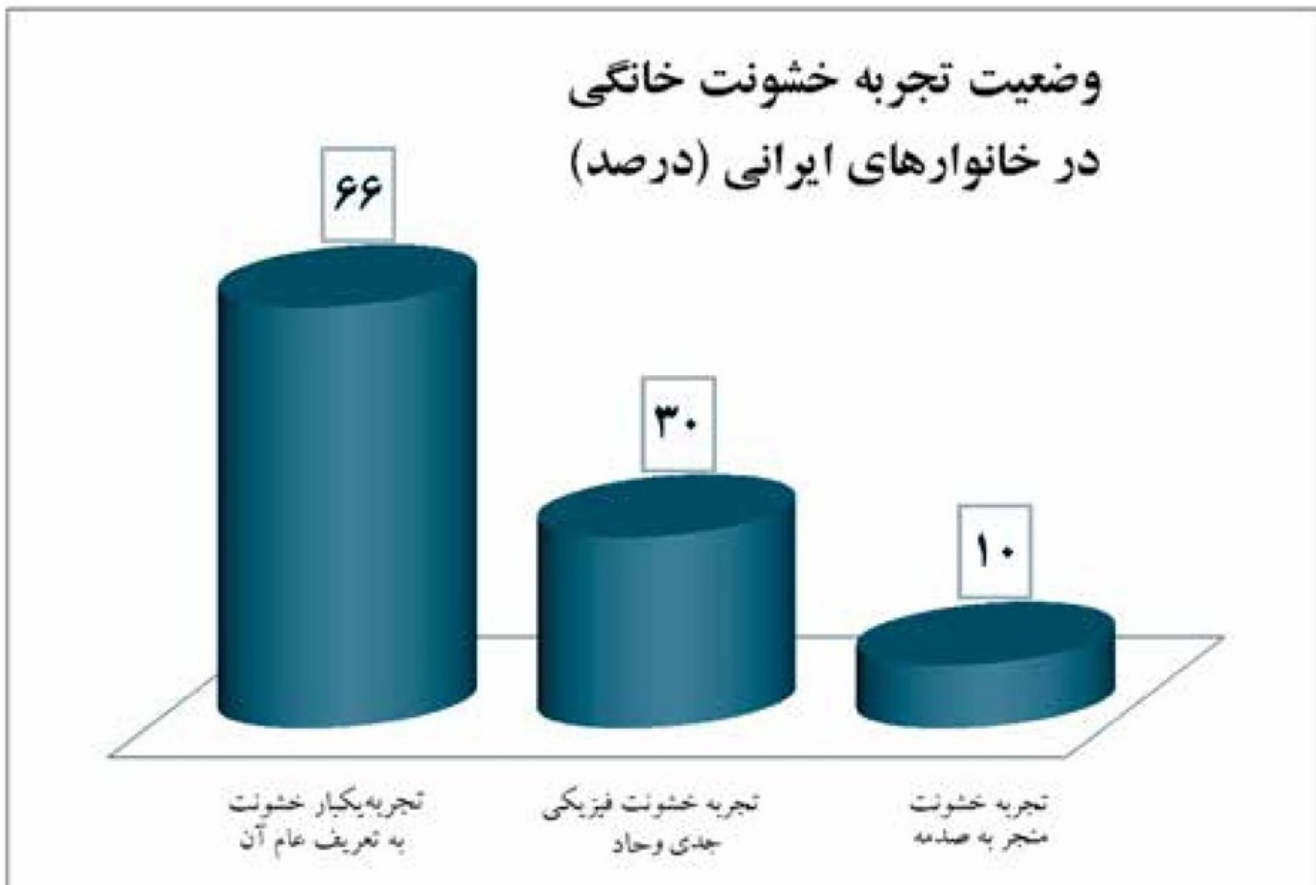
یک سال اول ازدواج، دوران تنگنای مالی، پس از تولد فرزندان حداقل یک بار در ماه، میانسالی و دوران بارداری پرخشونت ترین دوره های زندگی زنان هستند.

2-3. رایج ترین انواع خشونت در ایران

بهانه گیری های پی در پی، داد و فریاد و بداخلاقی با زن (4.38 درصد)، قهر و صحبت نکردن شوهر با همسر و خودداری از ارائه بحث در مورد مسائل فیمابین (9.37 درصد)، به کاربردن کلمات رکیک و صحبت های بیرون از نزاکت و دشنام (8.30 درصد)، محکم کوبیدن به در، به هم زدن سفره، انداختن میز ناهارخوری (25 درصد)، سیلی زدن (6.22 درصد)، ایجاد فشارهای روحی روانی با رفتار آمرانه و تحکم آمیز (7.20 درصد)، منت نهادن مداوم از بابت تأمین معاش و عهده داری زندگی و سرکوفت های روانی پی در پی (9.17 درصد)، تحقیر و خجالت زده کردن نظیر بی احترامی، بی ارزش تلقی کردن و بردن آبرو پیش دیگران (5.17 درصد)، کشیدن و هل دادن (8.16 درصد)، ممانعت از کاریایی و اشتغال در بیرون خانه و یا ادامه اشتغال (8.16 درصد)، ایجاد محدودیت در ارتباطات فامیلی (6.16 درصد)، ایجاد مداوم احساس درماندگی (6.15 درصد)، زدن با مشت و یا چیز دیگر (5.15 درصد)، لگد زدن (3.16 درصد)، از بین بردن کرامت انسانی و عزت نفس (5.12 درصد)، ایجاد محدودیت در ادامه تحصیل، مهارت آموزی و مشارکت در انجمن های اجتماعی (3.11 درصد)، 16 مورد از رایج ترین انواع خشونت هایی است که پاسخگویان از اول زندگی مشترک تاکنون تجربه کرده اند.

3-3. شایع ترین خشونت های کم رواج مردان علیه زنان در ایران

مجبور کردن به انجام کارهای خلاف عرف و شرع و قانون (1.1 درصد)، کتک کاری منجر به سقط جنین (2.1 درصد)، زدن تا حد نقص عضو (3.1 درصد)، زدن تا حدی که فک یا بینی شکسته است (5.1 درصد)، زدن تا حدی که پرده گوش پاره شده است (5.1 درصد)، از دست دادن دندان (6.1 درصد)، زدن تا حدی که دست و پا شکسته است (2 درصد)، جلوگیری از نگهداری فرزندان در زمان متارکه (2 درصد)، ازدواج مجدد شوهر بدون رضایت همسر (2 درصد)، مجبور کردن به سقط جنین (5.2 درصد)، زدن تا حدی که دندان ها لق شده است (5.2 درصد) و عدم مراعات بهداشت زناشویی (6.2 درصد) است.



3-4. فرار از خانه مولود نامیمون خشونت خانگی

فرار از خانه به مانند بسیاری از آسیب های دیگر نقش دوگانه علت و معلولی را باهم دربر دارد بدین معنی که هم معلول آسیب های قبلی است و هم خود می تواند علت برای آسیب های بعدی باشد.

عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی در بروز این پدیده نقش دارند. احساس خشم و جریحه دار شدن شخصیت از سوی والدین می تواند از جمله عواملی باشد، که فرد را برای فرار از خانه تحریک می کند. در واقع اکثر نوجوانان از مشکلاتشان با خانواده، فرار می کنند. بعضی از آنها به دنبال مجادله های وحشتناک با خانواده، فرار می کنند. با این تفاسیر شاید بتوان علت اصلی این پدیده را در رفتار اهل هر خانه جستجو کرد که معمولاً پدر، مادر یا نامادری، ناپدری و برادران و خواهران بزرگتر اعضای آن هستند. گاه رفتارهای نادرست و غیر

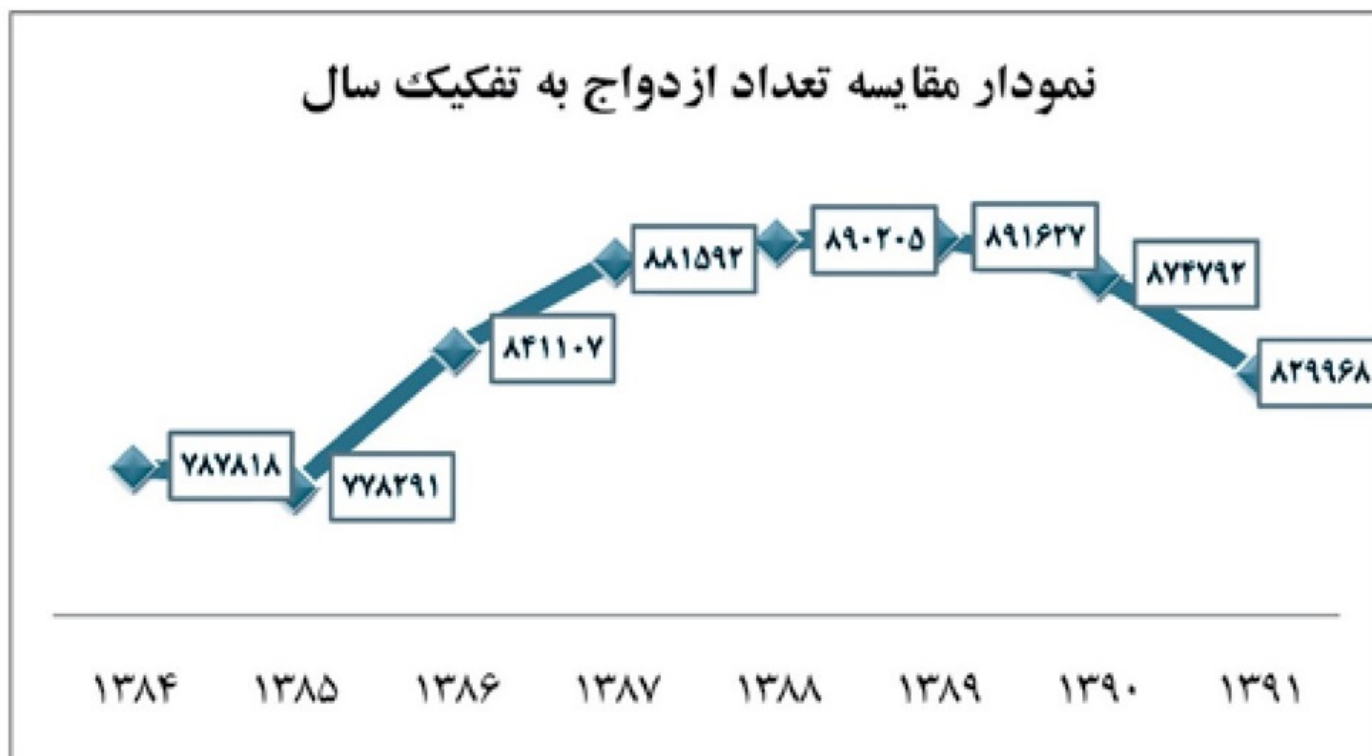
منطقی آنها در محیط خانواده به گونه ای است که کودک و نوجوان را ناگزیر از چاره اندیشی اش می کند. اکثر نوجوانان برای جستجوی شهرت، خوش شانس و ماجراجویی فرار نمی کنند، بلکه از آنچه احساس می کنند غیر قابل تحمل است و از وضعیت غیر قابل تحمل، می گریزند. آنها فرار می کنند، زیرا نمی دانند چه کار دیگری می توانند انجام دهند. اما می دانند که مجبور به انجام بعضی کارها هستند. ابتدا فرار از خانه، شکل سده آن اتفاق می افتد و هدف کودک و نوجوان از اقدام به آن، معطوف نمودن توجه والدین به رفتار غلطشان و جلب محبت آنهاست؛ اما اگر نوجوان پس از بازگشت به خانه در رفتار آنها تغییری مشاهده نکند، بنابراین، فرار بعدی جدی تر خواهد بود. (وزارت آموزش و پرورش، فرار از منزل، دانشنامه رشد، 1393ش)

4. بحران ازدواج

در سال های اخیر کانون خانواده با مشکل اساسی و بنیانی کاهش نرخ ازدواج و نیز افزایش سن ازدواج که زمینه ای برای ازدواج نکردن و یا باروری کمتر است، مواجه شده است؛ نگاهی به آمارهای زیر این مسئله را نشان می دهد: آمار میزان ازدواج در کل کشور نشان دهنده این واقعیت است که تا پیش از سال 1383 شیب مثبت نسبتاً زیادی داشته است اما بعد از سال 83 این شیب کند تر شده، به گونه ای که در سال 90 نسبت به 89 روند منفی به خود گرفته است و این نمودار همچنان شیب نزولی خود را در سال 91 ادامه داده است؛ ازدواج های ثبت شده در کل کشور در سال 91 به عدد 829968 رسیده است در حالی که این عدد در سال گذشته 874792 بوده است که نشان از کاهش نسبتاً زیادی نسبت به سال گذشته است. (ر. ک: نمودار ذیل)

مأخذ: سازمان ثبت احوال و اسناد کشور

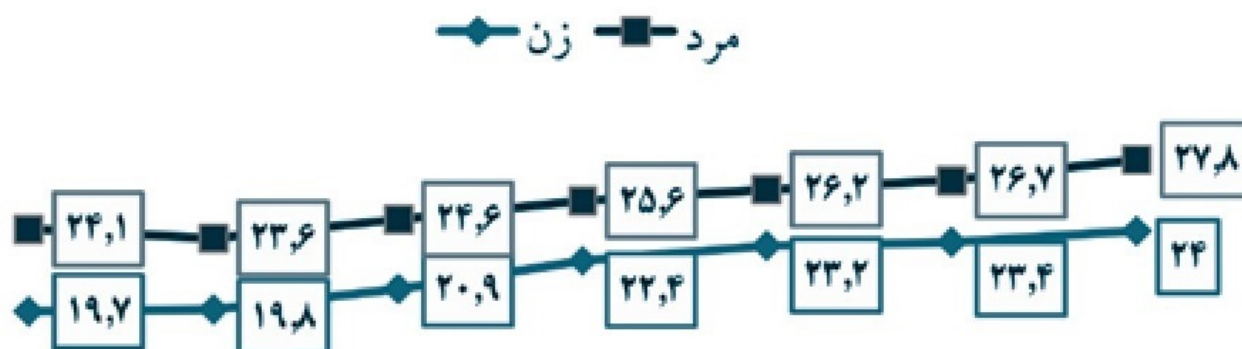
تصویر



میزان ازدواج در سال 92 نیز نسبت به سال قبل از آن 7/6 درصد کاهش داشته است. همچنین سن ازدواج زنان و مردان در دو سه دهه اخیر بالا رفته
 طوریکه، سن ازدواج مردان از 1/24 در سال 1355 به 7/26 در سال 1390 رسیده و سن ازدواج زنان از 7/19 به 4/23 رسیده است.

تصویر

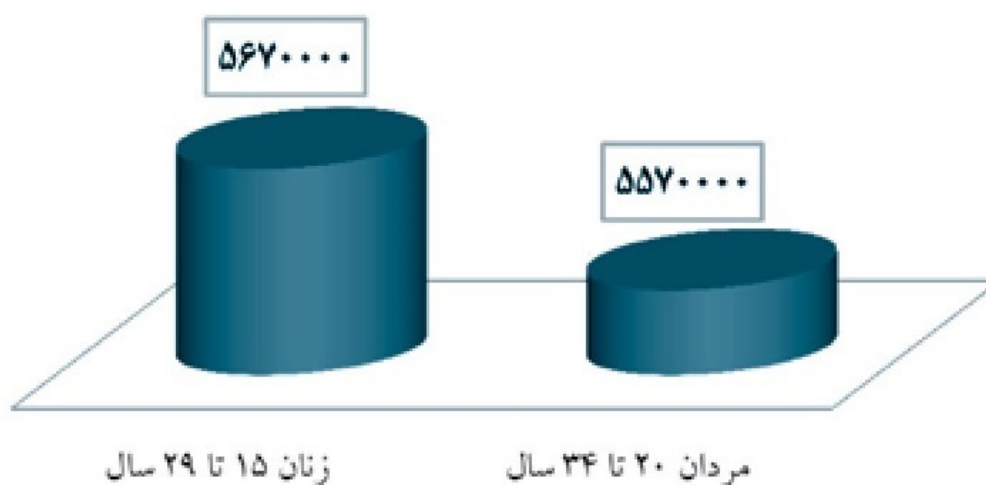
نمودار میانگین سن اولین ازدواج زنان و مردان



۱۳۹۱ آبان ۱۳۹۰ آبان ۱۳۸۵ آبان ۱۳۷۵ مهر ۱۳۷۰ مهر ۱۳۶۵ آبان ۱۳۵۵

مأخذ - مرکز آمار ایران. (ر. پ). دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

تعداد مردان و زنان ازدواج نکرده ولی در سن عمده ازدواج



حسب داده های سرشماری سال 1390 سازمان ثبت احوال، تعداد آقایانی که 20 تا 34 سال دارند، اما هرگز ازدواج نکرده اند، پنج میلیون و 570 هزار نفر است و تعداد خانم هایی نیز که

15 تا 29 سال دارند، ولی هرگز ازدواج نکرده اند، پنج میلیون و 670 هزار نفر است. بنابراین می توان گفت در کل کشور 11 میلیون و 240 هزار نفر در سن متعارف ازدواج هستند، اما هنوز مجرد باقی مانده اند. (در سال 92، 11 میلیون و 200 هزار نفر شده اند.)

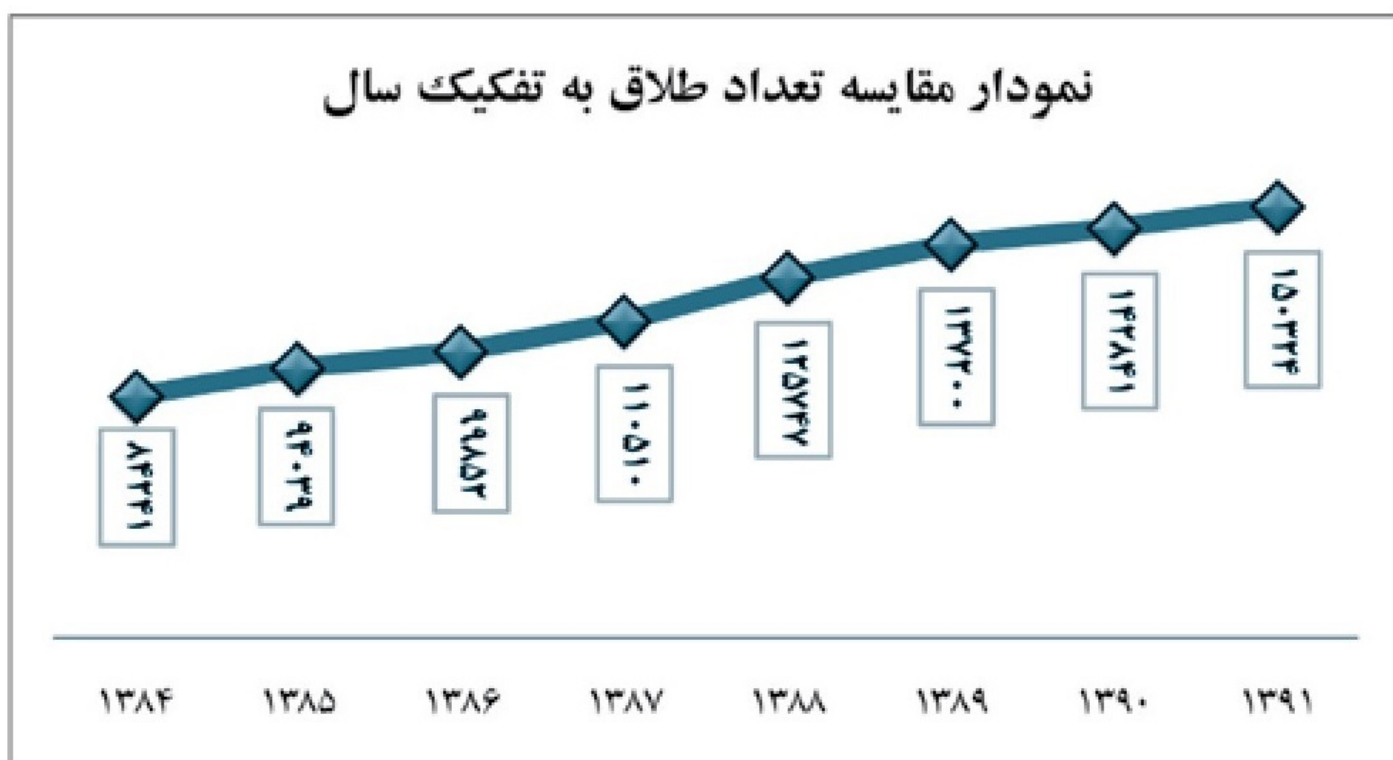
5. افزایش طلاق

اشاره

نمودار میزان طلاق های ثبت شده در کشور نشان دهنده این واقعیت است که میزان طلاق با یک شیب نسبتاً بالا از سال 85 تاکنون سیر صعودی داشته است. میزان طلاق در سال 91 به عدد 150354 رسیده است در حالی که در سال 90 این عدد 142841 بوده است و این در حالی است که این آمار در سال 85 عدد 94039 بوده است.

(ر. ک: نمودار ذیل)

تصویر



مأخذ: سازمان ثبت احوال و اسناد کشور

حسب جدیدترین آمار سازمان ثبت احوال و اسناد کشور، در سال 92 نیز میزان طلاق ها 3.4 درصد نسبت به سال قبل آن از افزایش برخوردار بوده است. در سال 92 به طور متوسط در ازای هر 5 ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده به طوری که در مقابل هر صد ازدواج 1/20 طلاق ثبت شده است این در حالی است که در مقابل هر صد ازدواج در سال قبل آن 18 طلاق ثبت شده بود. که البته در کل کشور، این شاخص متفاوت است به طوری که استان های البرز از هر 3 ازدواج یک طلاق، تهران از هر 2/3 ازدواج یک طلاق و گیلان نیز از هر 9/3 ازدواج نیز یک طلاق را داشته اند و در مقابل آن در استان های سیستان و

بلوچستان از هر 13 ازدواج یک طلاق، ایلام از هر 11 ازدواج یک طلاق و خراسان جنوبی نیز از هر 9 ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است.

1-5. کاهش طول زندگی قبل از طلاق

بر اساس آمارهای موجود سازمان ثبت احوال و اسناد کشور 2/14 درصد طلاق ها مربوط به سال اول زندگی و حدود 50 درصد طلاق ها نیز مربوط به 5 سال اول زندگی است.

2-5. فرزندان طلاق

فرزند ان هم قربانیان مظلوم طلاق هستند که آسیب های زیادی می بینند؛ با طلاق والدین، بچه ها و فرزند ان روی دست جامعه می مانند، فرزندان طلاق چه نزد پدر بزرگ شوند و چه در کنار مادر، از نظر روحی و عاطفی ضربه و آسیب جدی می بینند. درصد قابل توجهی از نوجوانان بزهکار، خانواده های متشنج داشته و فرزند طلاق هستند. برخی از کودکان طلاق، به خاطر مشکلات مالی _ خانوادگی وارد چرخه کار می شوند و در مواردی هم به خاطر تأثیر همسالان و دوستان خود به اعتیاد یا خرده فروشی مواد مخدر و ... کشیده می شوند.

3-5. طلاق عاطفی

طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی منجر به سردی تمام روابط یک زوج می شود. آمار دقیقی از طلاق عاطفی در دست نیست اما از دید روانشناسان اجتماعی طلاق عاطفی از طلاق رسمی بسیار خطرناک تر است چون در طلاق فیزیکی خانواده و فرزندان تکلیف خود را می دانند، اما در طلاق عاطفی چنین نیست.

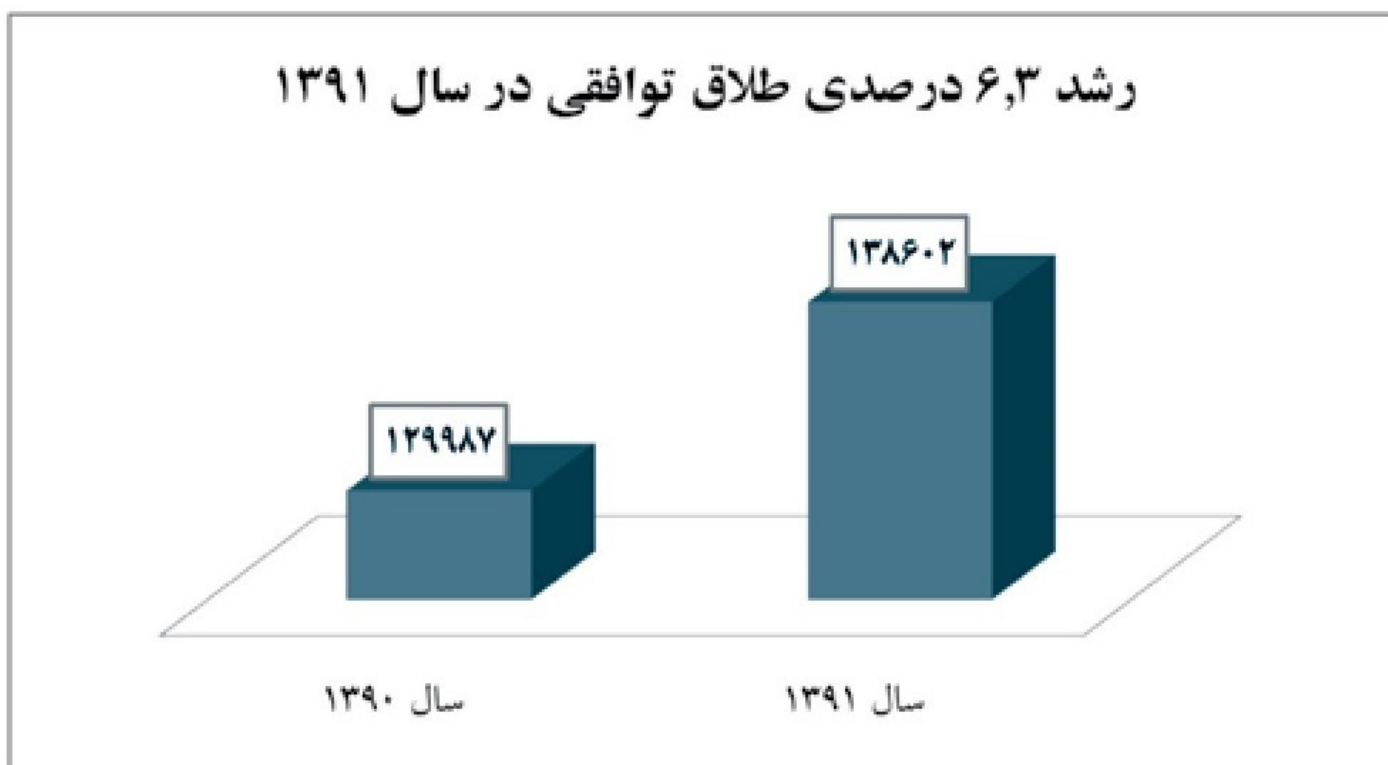
6. افزایش طلاق توافقی

در ایران طلاق توافقی زمانی رخ نمی دهد که زوجین به بن بست کامل برسند و هر دو به نفع مصالح بالاتر از حقوق خود بگذرند بلکه غالباً زنان هستند که بخاطر غیر قابل تحمل بودن زندگی (چه تقصیر از طرف خودشان باشد و چه زوج) از حقوق خود می گذرند تا زوج را راضی به طلاق کنند.

بر اساس آمارهای «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه»، درخواست طلاق توافقی در میان 10 مورد بالاترین خواسته های حقوقی، رتبه سوم و درخواست مهریه رتبه چهارم را به خود اختصاص داده اند. و جالب آنکه درخواست طلاق توافقی در سال 91 به نسبت سال

90، حدود 63/6 درصد افزایش دارد و درخواست مهریه (متناسب با افزایش درخواست طلاق توافقی) چنانکه انتظار می رفت رشد منفی 37/3 درصدی را تجربه کرده است.

تصویر

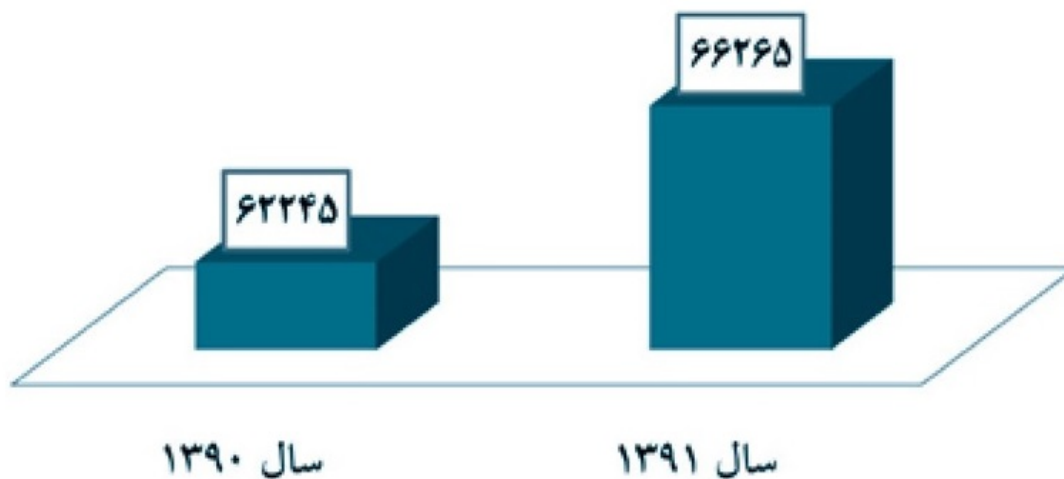


منبع: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

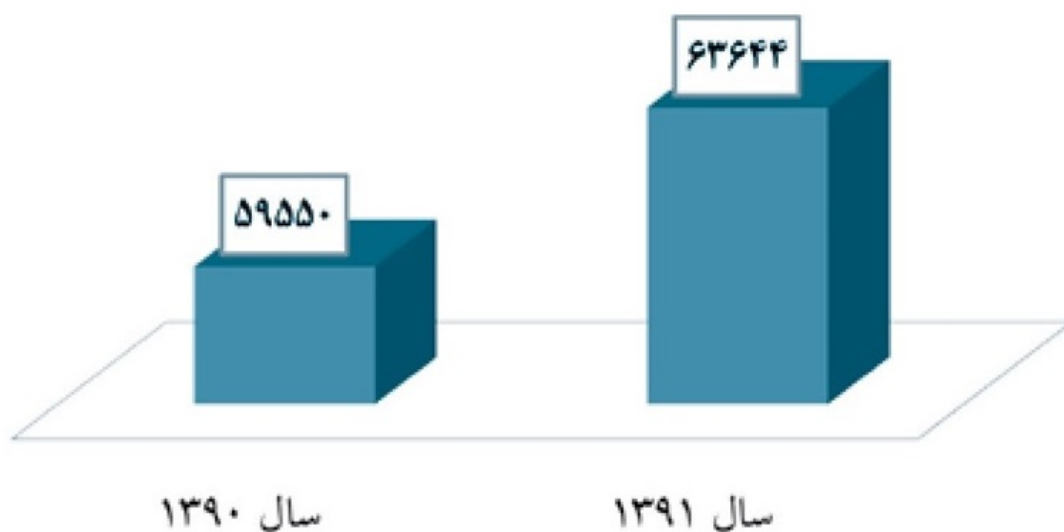
همچنین آمار درخواست الزام به تمکین و مطالبه نفقه رو به ازدیاد نهاده و بر اساس آمارهای «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه»، درخواست الزام به تمکین در میان 10 مورد بالاترین خواسته های حقوقی، رتبه هشتم و درخواست مطالبه نفقه رتبه نهم را به خود اختصاص داده اند. جالب آنکه با رشد قابل توجه در سال 1391، درخواست الزام به تمکین نسبت به سال 1390، حدود 46/6 درصد و درخواست مطالبه نفقه نسبت به سال 1390، حدود 87/6 درصد افزایش را نشان می دهند.

ص: 42

رشد ۶,۴۶ درصدی آمار الزام به تمکین در سال ۱۳۹۱



رشد ۶,۸۷ درصدی آمار درخواست نفقه در سال ۱۳۹۱



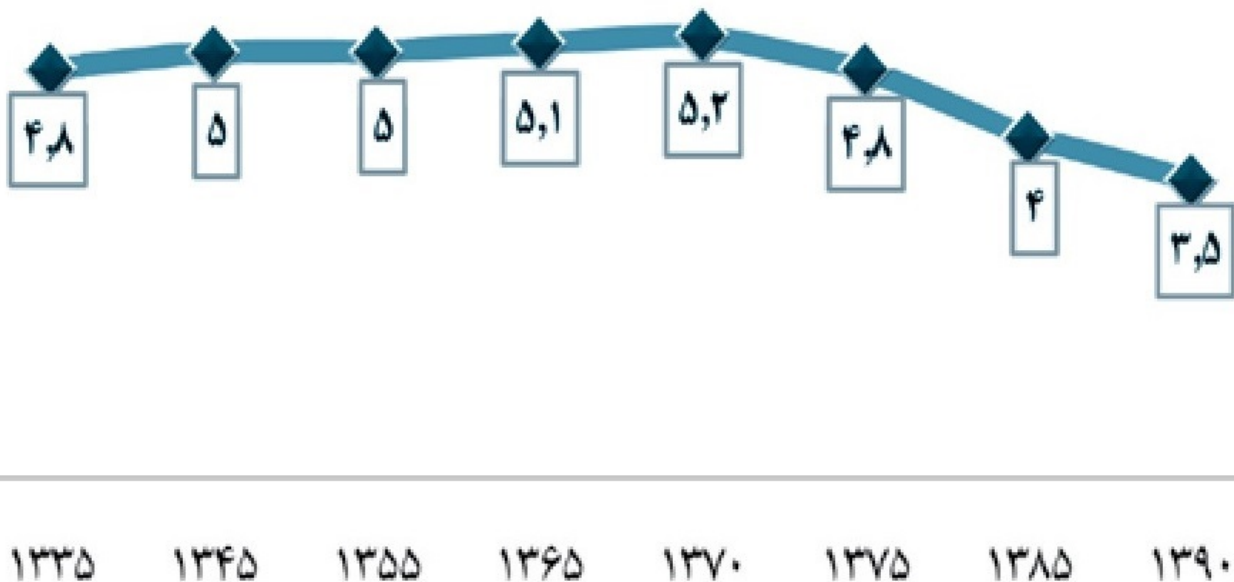
منبع: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

۷. پایین آمدن نرخ باروری و بُعد خانوار

جمعیت ایران روند مناسبی را در طی سال های گذشته طی نکرده است نرخ باروری کاهش یافته و بُعد خانوار ایرانی کوچک شده است.

ص: 43

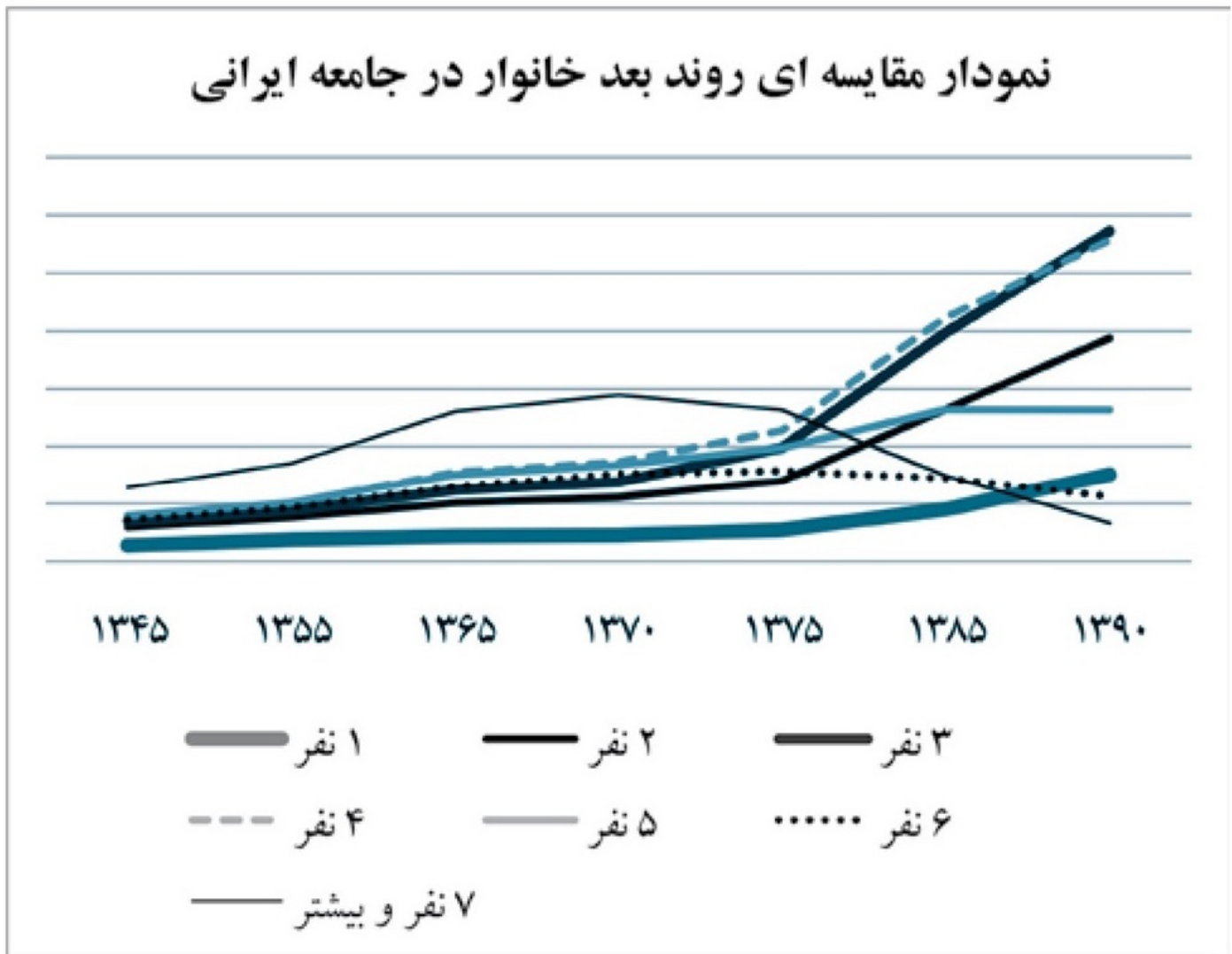
نمودار روند بعد خانوار ایرانی در بازه ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰



منبع: مرکز آمار ایران

چنان که ملاحظه می شود بُعد خانوار ایرانی هر چند در بازه زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ روند صعودی را داشته است ولی بعد از آن کوچک تر شده و روند نزولی را طی کرده است و لذا از خانوار ۲/۵ نفری در سال ۱۳۷۰ به ۵/۳ نفری در سال ۱۳۹۰ تقلیل پیدا کرده است. تازه؛ این در حالی است که آمار و نمودار ذکر شده برای مجموع کشور است و چنین نیست که در همه جای کشور، بعد خانوار در سال ۹۰، ۵/۳ نفر باشد. لذا این بُعد خانوار چنان که آمارها بر آن اذعان دارند و کارشناسان نیز می گویند در کلانشهرها کمتر از این مقدار است.

در همین راستا توجه به نمودار انواع خانوارها (بر حسب تعداد) قابل تأمل است:



مأخذ - مرکز آمار ایران. (ر. پ). دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

نمودار بالا حاکی از آن است که بعد خانوار ایرانی به شدت در حال کوچکتر شدن است؛ خانوارهای یک نفره تا چهارنفره در بازه زمانی مذکور، روند صعودی داشته اند.

7-1. کاهش باروری

در سال 65، 10 میلیون و 500 هزار زن در سن باروری (15 تا 49 سال) در کشور وجود داشت و دو میلیون مولید؛ اکنون جمعیت زنان بارور کشور دو برابر شده و به 23 میلیون و 300 هزار نفر رسیده است این در حالی است که تعداد مولید نصف سال 65 شده است.

7-2. سقط جنین غیرقانونی

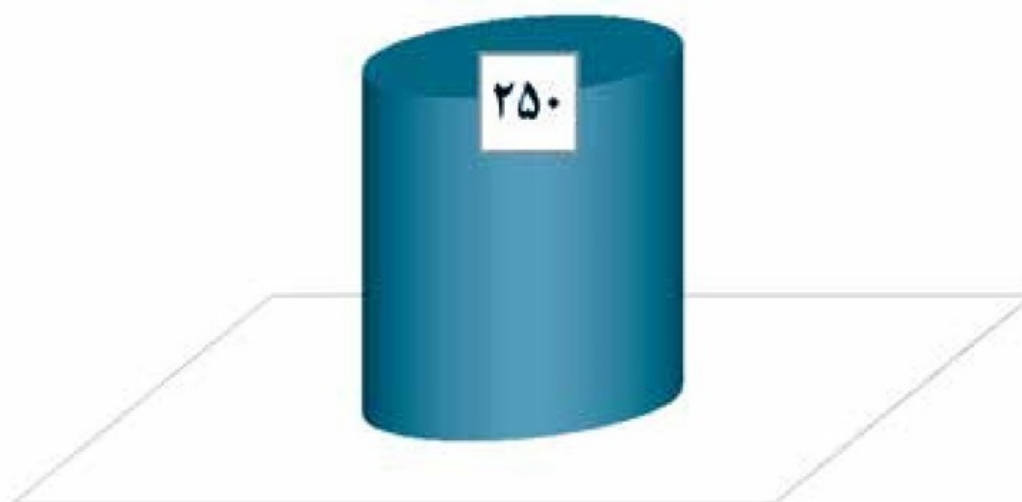
از عوامل معارض با افزایش جمعیت خانوار، سقط جنین های غیرقانونی و عمدی است. بماند که اغلب سقط جنین های غیرقانونی در کلینیک های خصوصی و زیرزمینی انجام می

شود که ممکن است مادران باردار را در معرض عفونت های حاد، خارج شدن رحم، بیماری های قلبی و حتی در خطر مرگ قرار دهد.

با اینکه آمار سقط جنین های دارای مجوز و قانونی کمتر از ده هزار است (در سال 92 حدود 7 هزار حسب آمار پزشکی قانونی کشور) ولی آمار سقط جنین های غیرقانونی به شدت بالاست و آمارهای رسمی وزارت بهداشت تعداد آن را در سال گذشته بین 150 تا 350 هزار تخمین زده است. هرچند اندکی این آمار محل تردید است و با نظر به اینکه تعداد کل باروری در سال گذشته در کشور حدود یک میلیون نفر بوده نیاز به راستی آزمائی و بررسی های دقیق تر دارد.

تصویر

میزان تقریبی سقط جنین غیرقانونی در سال ۱۳۹۲ (هزار)



منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

براساس اعلام سازمان پزشکی قانونی استان تهران درخواست سقط جنین در سال گذشته 8 درصد در استان رشد داشته است. در سال گذشته هزار و 818 نفر و در سال 91 هزار و 684 نفر برای دریافت مجوز سقط درمانی (جسمانی) به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کردند.

ص: 46

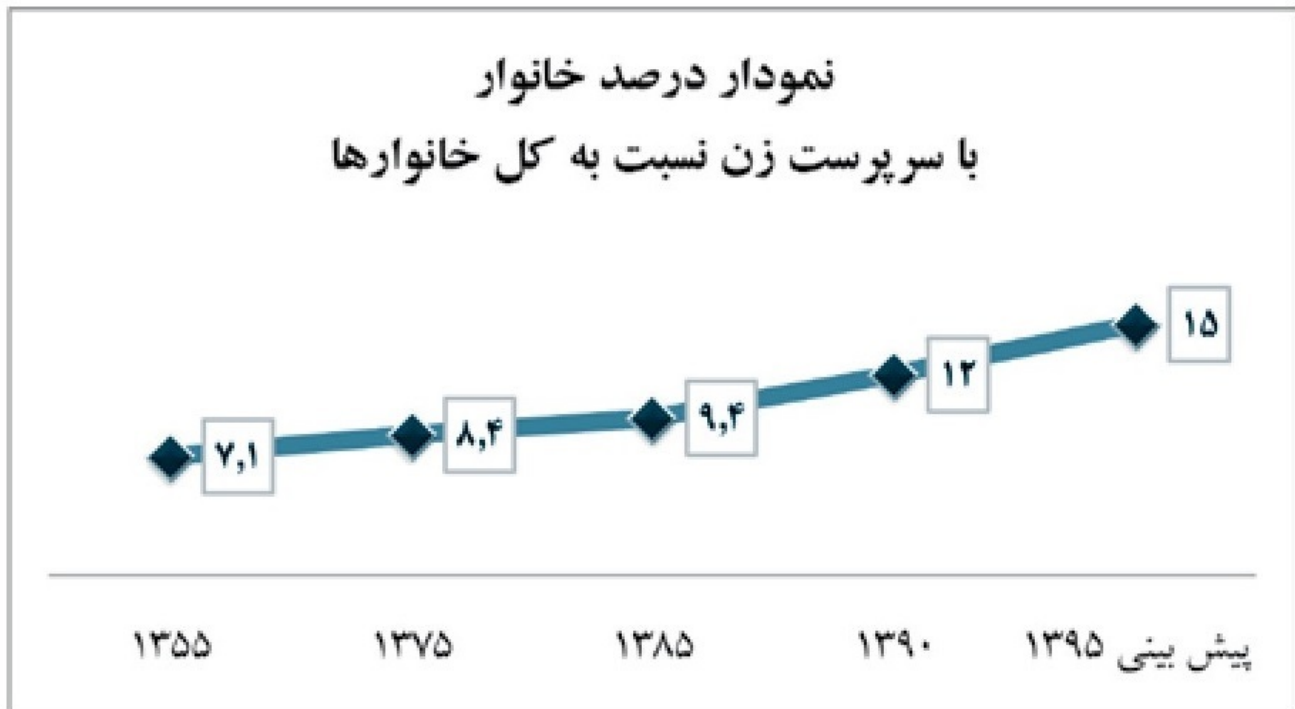
۱	تحصیلات زنان
۲	تمایل به سبکبالی در اوایل زندگی
۳	ترس از پذیرش مسئولیت ها
۴	تردید نسبت به ثبات زندگی
۵	وقت گیر بودن و مانع پیشرفت ها!
۶	تأخیر در ازدواج
۷	ضعف تفکر مذهبی
۸	الگوگیری از دیگران کم فرزند
۹	توصیه های منفی دیگران
۱۰	اشتغال مادر
۱۱	تفکرات فمینیستی و مانکنیسم

منبع: ایمانی، سلطه «فرزند کم تر، زندگی بهتر» بر زندگی ایرانی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری دام ظلّه

8. زنان سرپرست خانوار

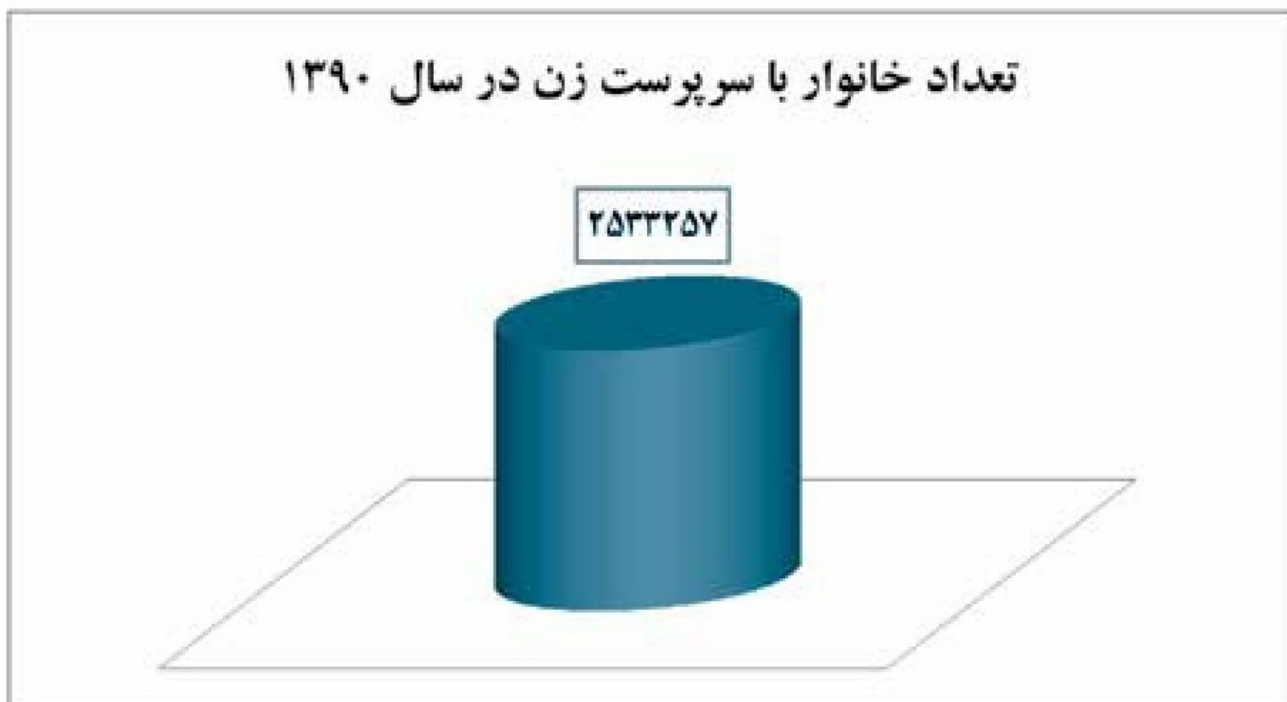
سرپرستی خانوار و تأمین اقتصادی آن بار سنگینی است که نوعاً زنان ازعهده آن نمی توانند برآیند و در نتیجه سبب بروز آسیب های عدیده اخلاقی و اجتماعی در زنان سرپرست خانوار و نیز فرزندان شان شده و در نتیجه نهاد خانواده با مشکل مواجه شده و نمی تواند کارکردهای خود را به منصف ظهور برساند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال 1355، 3/7 درصد خانواده ها توسط زنان سرپرستی می شدند. این آمار با رشد پنج درصدی در سال 90 به 1/12 درصد رسید که حدود سه درصد از این رشد در پنج سال اخیر رخ داده است. پیش بینی می شود تا سه سال آینده آمار زنان سرپرست خانوار به 15 درصد برسد.



منبع: مرکز آمار ایران

در حال حاضر، چیزی حدود ۲ میلیون و ۵۳۳ هزار و ۲۴۷ از خانوارها، سرپرستان زنان هستند.



منبع: مرکز آمار ایران

حدود ۸۲ درصد زنان سرپرست خانوار یعنی ۲ میلیون و ۷۷ هزار و ۲۷۱ سرپرست زن خانوار، بیکارند! که البته این نمی تواند دلیل قطعی بر مسئله بودن

موضوع باشد چرا که بایستی این مورد را با توجه به سن زنان سرپرست خانوار بررسی نمود. ولی اگر اجمالاً زنان سرپرست

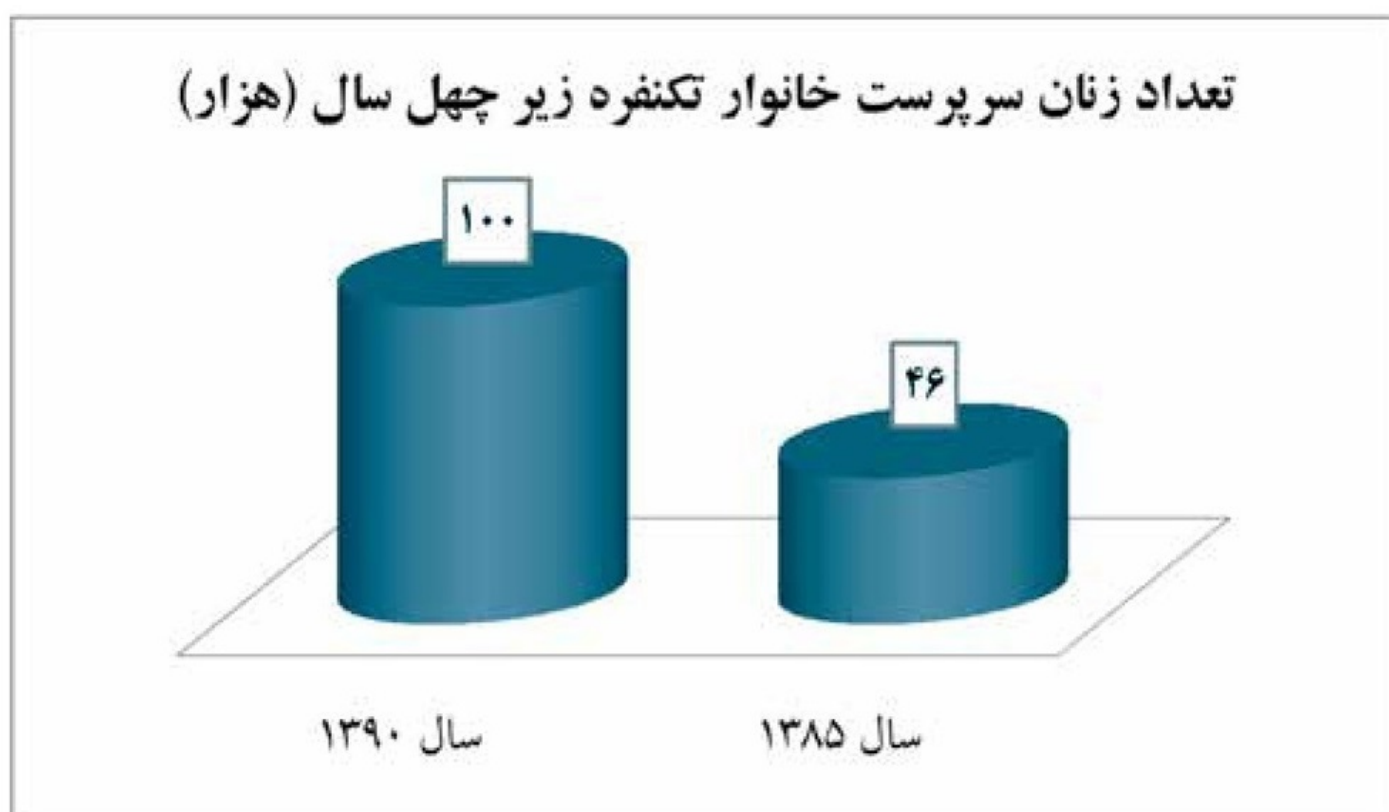
ص: 48

خانوار زیر 40 سال با توجه به شرایط سنی شان و شرایط جامعه، در نوک پیکان آسیب و یا «در معرض آسیب» در نظر گرفته شوند

باید گفت؛ حسب داده های مرکز آمار ایران، تعداد زنان سرپرست خانوار زیر 40 سال به لحاظ کمی، 80 هزار نفرند که با در نظر داشتن شرایط اجتماع، این تعداد هرچند نسبتاً کم، قابل توجه خواهد بود.

بررسی دقیق تر موضوع، برخی از طیف های در معرض آسیب را بهتر نشان می دهد؛ چنانکه حسب داده های مرکز آمار ایران، حدود 100 هزار نفر از زنان سرپرست خانوار زیر 40 سال، تنها زندگی می کنند و زندگی مجردی را برای خود برگزیده اند؛ این آمار برای زنان سرپرست خانوار در این سنین، واقعاً قابل تأمل است خصوصاً که آمار سال 1385 چیزی حدود 46 هزار نفر را نشان می دهد و حاکی از رشد بیش از 115 درصدی تعداد این افراد است.

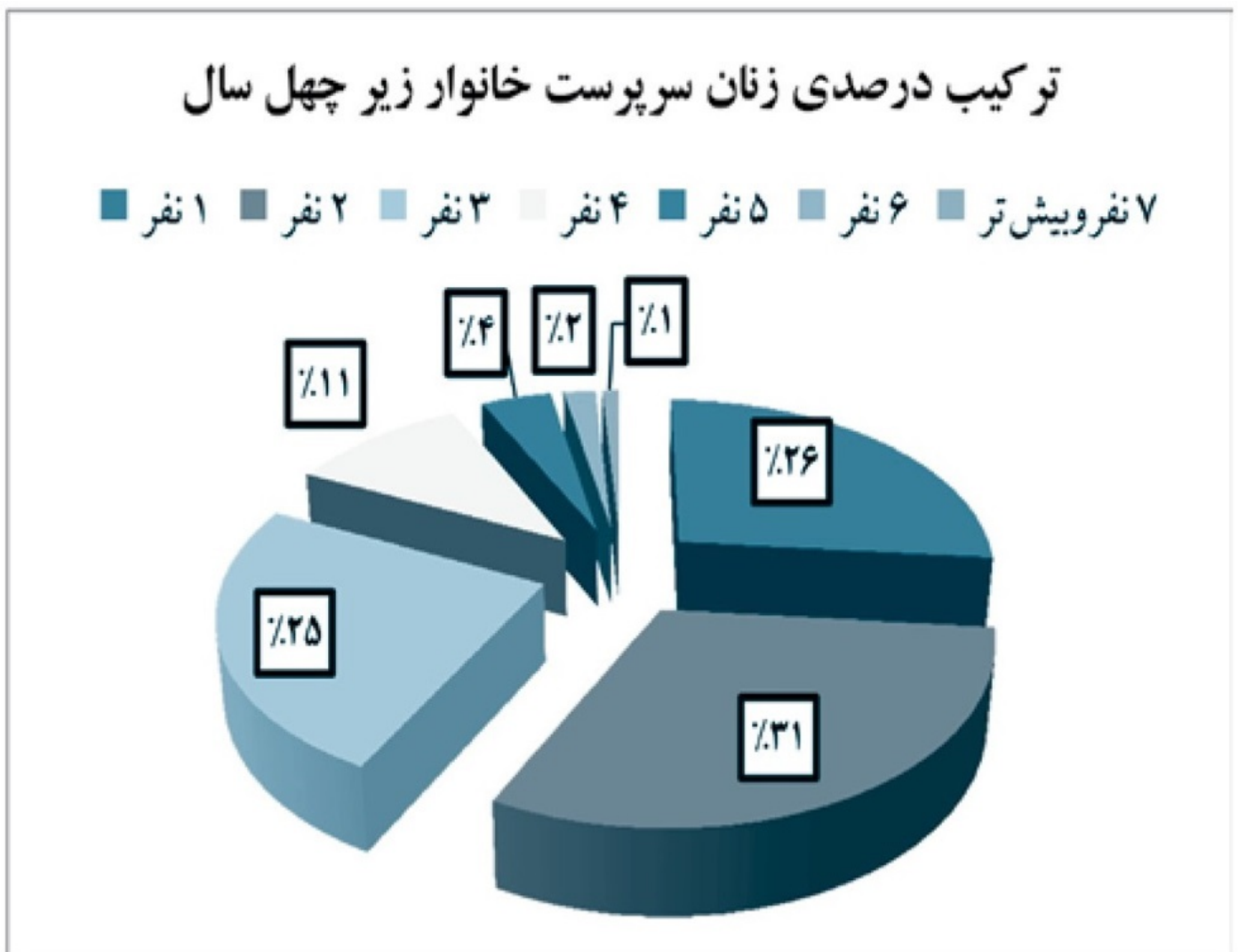
تصویر



منبع: مرکز آمار ایران

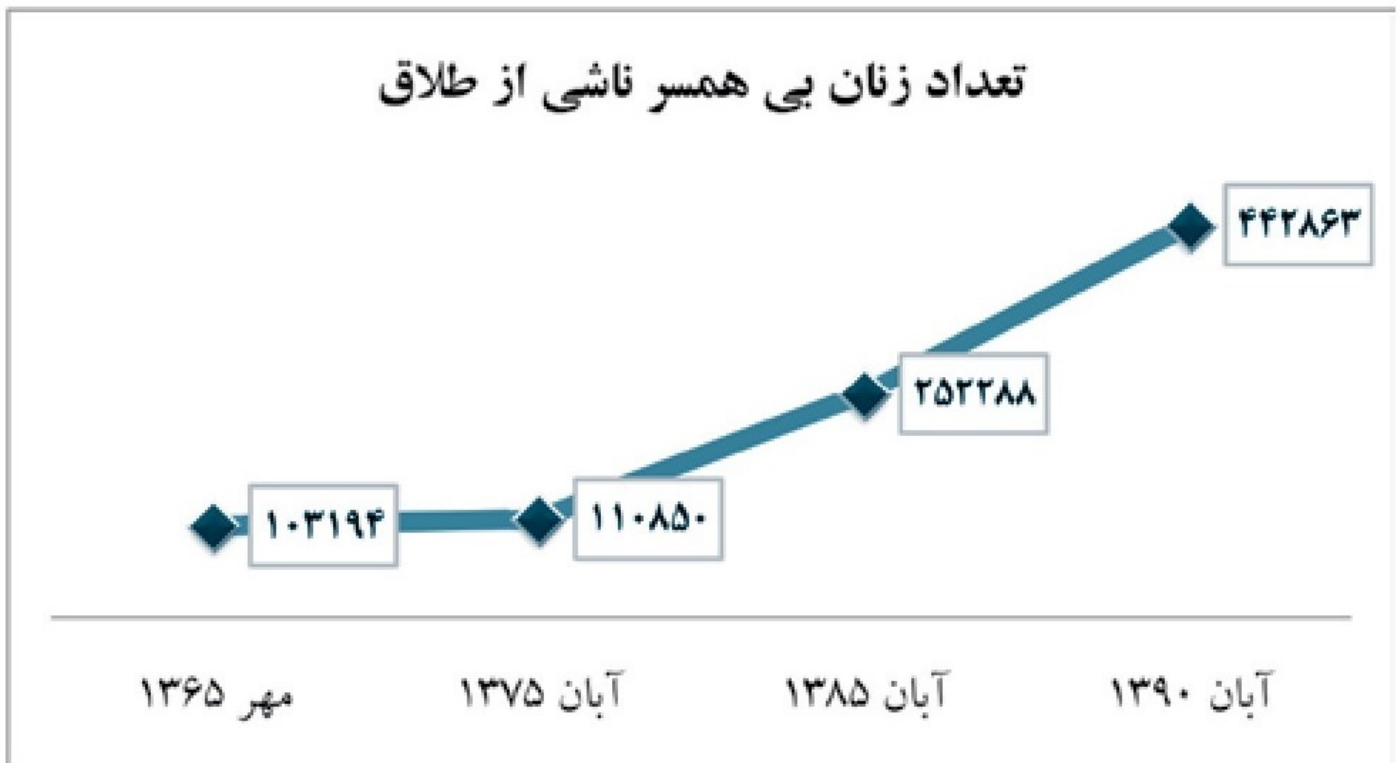
اکثریت قریب به اتفاق زنان سرپرست خانوار زیر چهل سال را زنان تنها و یا دو نفره و سه نفره تشکیل می دهند و درواقع زنانی هستند که اغلب طلاق گرفته اند و یک یا دو بچه به همراه دارند و زندگی مستقل را نیز برای خود برگزیده اند.

ص: 49



منبع: مرکز آمار ایران

نیز، تعداد «زنان بی همسر بدلیل طلاق» طی سال های گذشته رشد شتابداری را تجربه نموده است و از ۱۰۳ هزار در سال ۱۳۶۵ به ۴۴۲ هزار در سال ۱۳۹۰ رسیده است (رشدی حدود ۴۴۰ درصدی) در حالی که رشد سایر آمارهای مربوط به زنان در این داده آماری مانند تعداد «زنان بی همسر بدلیل فوت همسر» همگی، رشد حدود ۱۰۰ درصدی را در بازه زمانی گفته شده داشته اند. (ر. ک: نمودار ذیل)

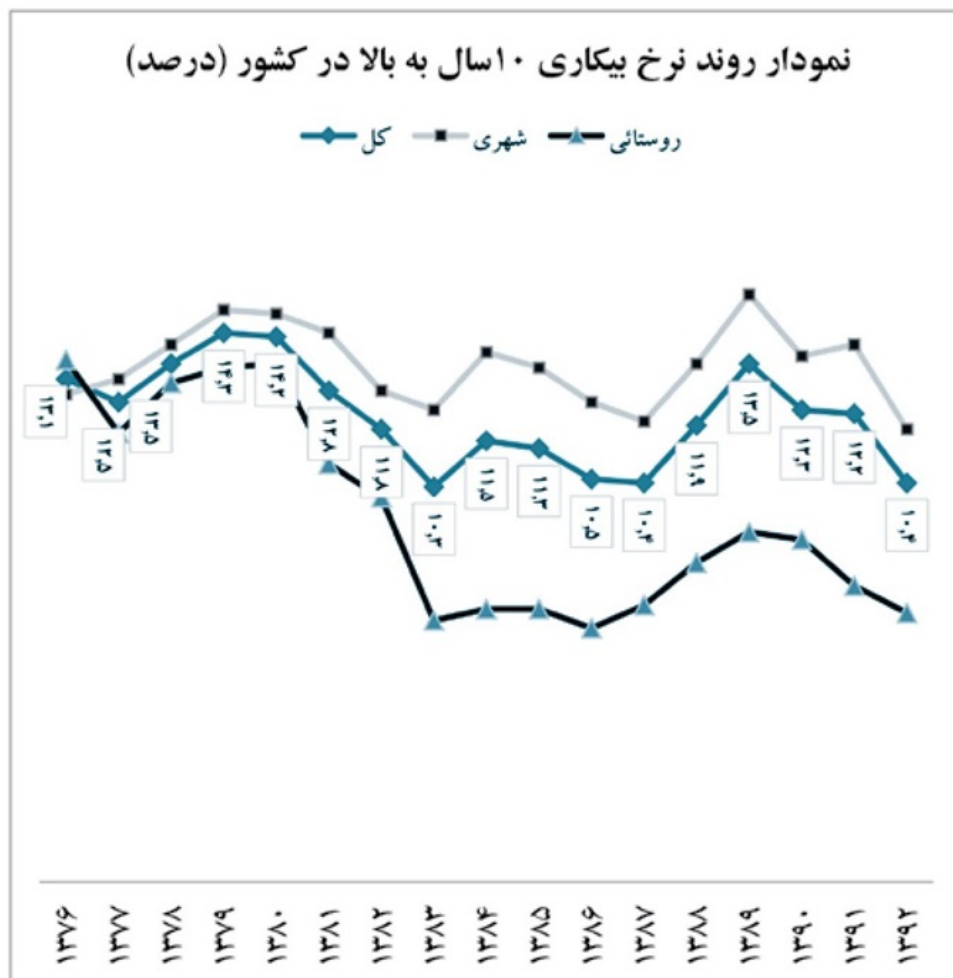


مأخذ - مرکز آمار ایران.

بنابراین در شرایط موجود جامعه ایرانی، به موازات افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، پدیده نامیمون افزایش زنان بیوه جوان نیز در حال وقوع است که بخش قابل ملاحظه‌ای از این زنان به دلیل نفوذ فرهنگ غربی، بهترین راه نجات خود را در کسب استقلال مادی و در نتیجه بدست آوردن شغل و کار و بی خیال شدن نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده (که احتمال آن در مورد آنان کم نیز هست) می دانند.

۹. بیکاری

بیکاری از چند جهت سبب تضعیف نهاد خانواده شده و برای آن آسیب به شمار می رود؛ جهت اول مربوط به افراد مجرد است که سبب خودداری آنها از ازدواج و یا به تأخیر انداختن آن می شود، جهت دوم مربوط به افراد متأهل سرپرست خانوار است که سبب طلاق و از هم پاشیدگی خانواده و یا ورود در برخی مشاغل کاذب و نامتعارف می گردد و جهت سوم مربوط به همه افراد بیکار است که به دلیل خالی بودن وقتشان، زمینه ساز ورود آنها در برخی آسیب های اخلاقی جامعه می شود که به طور غیر مستقیم نهاد خانواده را در معرض خطر قرار می دهد. بر همین اساس داریم:



ماخذ: مرکز آمار ایران (نرخ بیکاری عبارت است:

از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضرب در ۱۰۰)

توجه: حسب داده های مرکز آمار ایران در زمستان ۱۳۹۲، تجمع اصلی بیکاران در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۹ سال است.

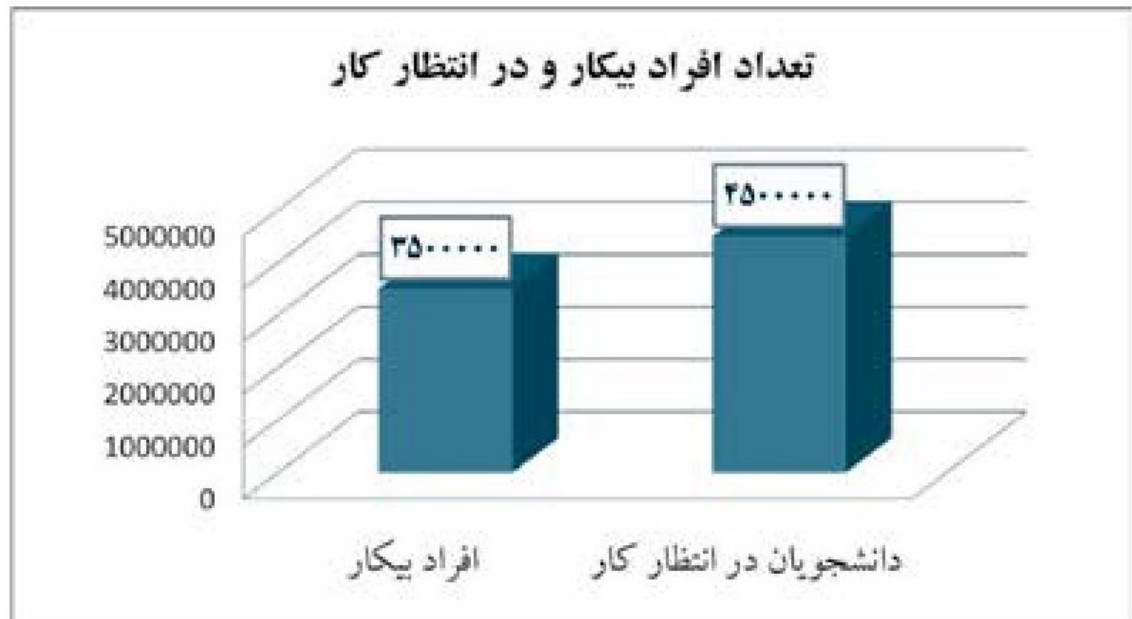
سال	کل	مرد	زن
۱۳۸۵	۲۵,۰	۲۱,۵	۲۸,۶
۱۳۸۶	۲۴,۱	۲۰,۸	۲۷,۵
۱۳۸۷	۲۴,۱	۲۱,۲	۲۷,۳
۱۳۸۸	۲۳,۸	۲۲,۲	۲۵,۶
۱۳۸۹	۲۳,۶	۲۲,۰	۲۵,۴
۱۳۹۰	۲۲,۵	۲۰,۸	۲۴,۴

منبع: مرکز آمار ایران

شاخصی تحت عنوان جوانان آسیب پذیر توسط سازمان بین المللی کار وضع شده که به طور مشخص بر جوانان در معرض خطر کشورها متمرکز است. این شاخص نسبت جوانان غیر شاغل غیر محصل را در نظر می گیرد یعنی جوانانی که یا بیکار هستند یا چنانچه خارج از نیروی کار تشخیص داده شده اند، غیر محصل هستند؛ یعنی خانه دار، دارای درآمد بدون کار یا در سایر وضعیت های غیر فعال هستند.

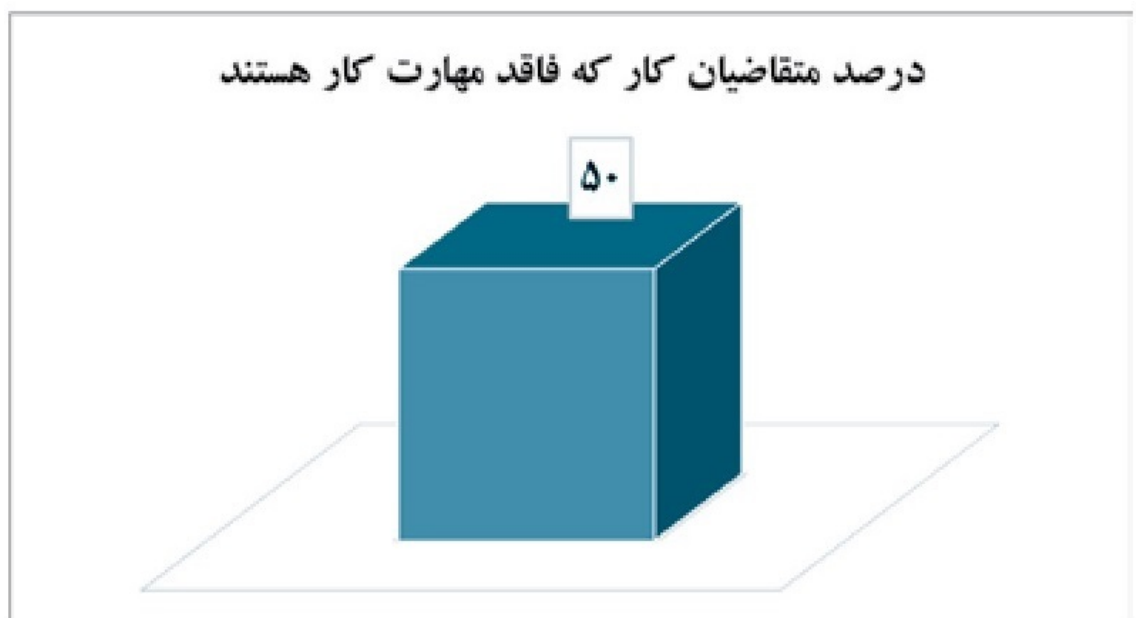
این گروه از جوانان، به دلیل عدم اشتغال به کار و یا تحصیل، در مقایسه با همسالان خود بیشتر در معرض آسیب های فردی و اجتماعی هستند. لذا بررسی روند این شاخص در طول زمان و مقایسه آن در زیرگروه های خاص مثل جنس، از اهمیت خاصی برخوردار است. به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص کشورمان، در محاسبه جوانان آسیب پذیر، زنان جوان دارای همسر از شمول تعریف جوانان آسیب پذیر خارج شده اند. (جوادی و هرنیدی، جوانان آسیب پذیر، فصلنامه جمعیت، شماره 61 و 62، ص 107-123)

در چند سال گذشته دغدغه غالب در جامعه، جذب دانشجو در دانشگاه ها بود تا ایجاد شغل برای آنان و لذا امروز فارغ از جمعیت 5/3 میلیون نفری بیکاران، با 5/4 میلیون دانشجویی در انتظار شغل مواجه هستیم که با تأخیر، وارد بازار کار خواهند شد.



منبع: وزارت کار و تعاون اجتماعی

این در حالی است که تنها ۵۰ درصد متقاضیان کار دارای مهارت هستند و مابقی هنگام ورود به بازار کار مهارت لازم را ندارد در حالی که صنایع و بنگاه های تولیدی به نیروی ماهر نیاز دارند.



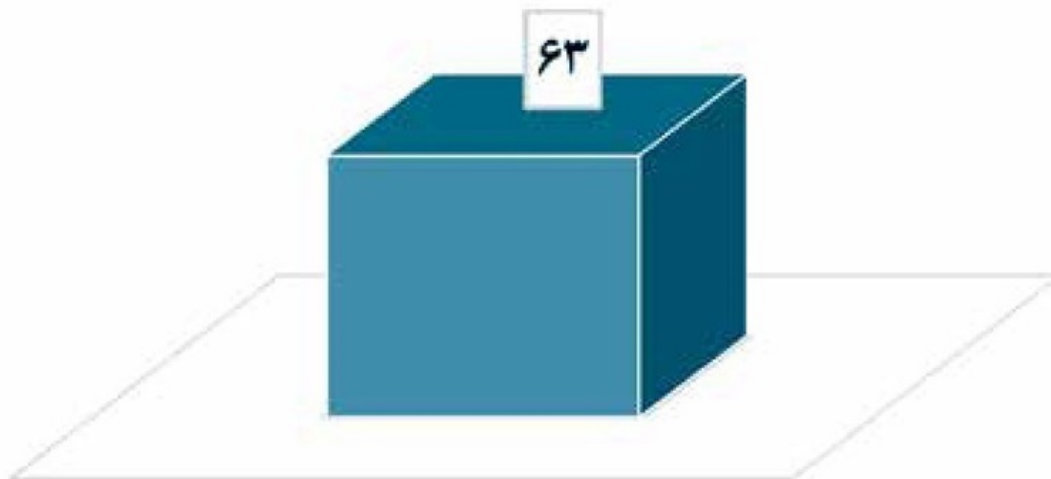
منبع: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

۱۰. اعتیاد به مواد مخدر

از آسیب های خانمان سوز جامعه ایرانی آسیب اعتیاد به مواد مخدر است طوری که داده های ستاد مبارزه با مواد مخدر نشان می دهد حدود 63 درصد از معتادین متأهلین هستند و با اینکه مجموع معتادین در ایران یک میلیون و خرده ای است، ولی مواد مخدر دغدغه بیش از 92 درصد مردم ایران است و بیش از 10 میلیون نفر از همسران و فرزندان معتادان، دغدغه روزمره اعتیاد را دارند.

ص: 54

درصد معتادان متاهل در کشور



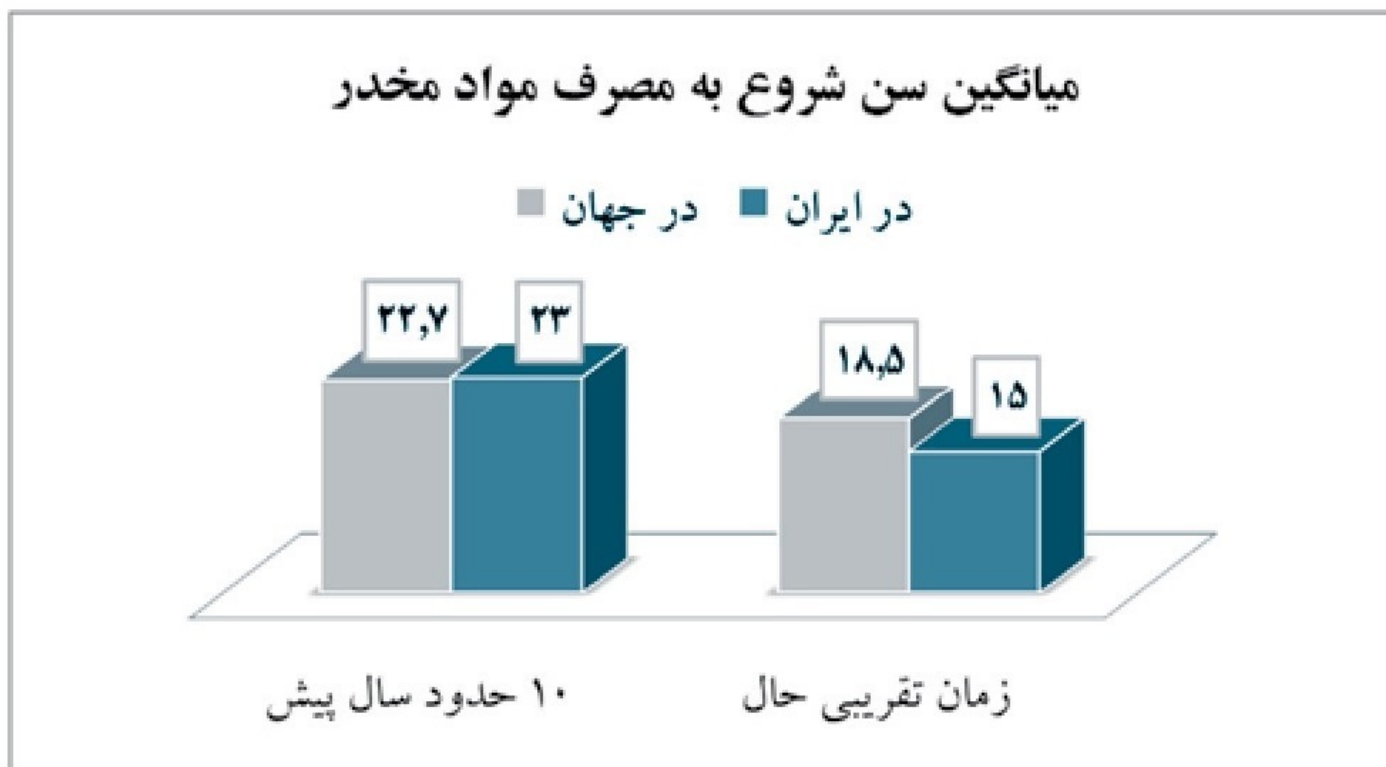
منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر

اعتیاد آسیب های فراوانی را برای نظام خانواده به دنبال دارد چنانکه حسب داده های ستاد مذکور 65 درصد همسرآزاری ها با اعتیاد ارتباط مستقیم دارد. افراد معتاد همسران را مجبور به انجام کارهایی می کنند که غیراخلاقی و غیرانسانی است. همچنین 30 درصد کودک آزاری ها و 25 درصد از قتل های عمد توسط معتادان انجام می شود. نیز، 23 درصد نزاع ها و خشونت ها در پی اعتیاد حاصل شده و بین 35 درصد تا 40 درصد سرقت ها ناشی از اعتیاد به مواد مخدر است.

مطابق آمار ستاد در سال 1392، نرخ شیوع اعتیاد در ایران 65/2 درصد با آمار تقریبی یک میلیون و 325 هزار نفر معتاد است. این رقم در سال 89، یک میلیون 200 هزار نفر بود.

1-10. وضعیت سنی مصرف کنندگان مواد مخدر

براساس اعلام دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (unode)؛ میانگین سنی مصرف کنندگان مواد در سال 2001 میلادی در جهان معادل 22/7 بوده که پس از 10 سال تا میانگین سنی 5/18 سال کاهش یافته است و به عبارتی طی 10 سال اخیر سن شروع مصرف در جامعه جهانی 4 سال کاهش داشته است. ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست به طوری که براساس نتایج تحقیق ارزیابی سوء مصرف در کشور در سال 83، میانگین سن شروع به مصرف مواد مخدر به 23 سال رسیده و تقریباً در سال 1392 میانگین سن شروع مصرف مواد مخدر، 15 سالگی است. البته موضوع کاهش سن اعتیاد در کشور آن هم به

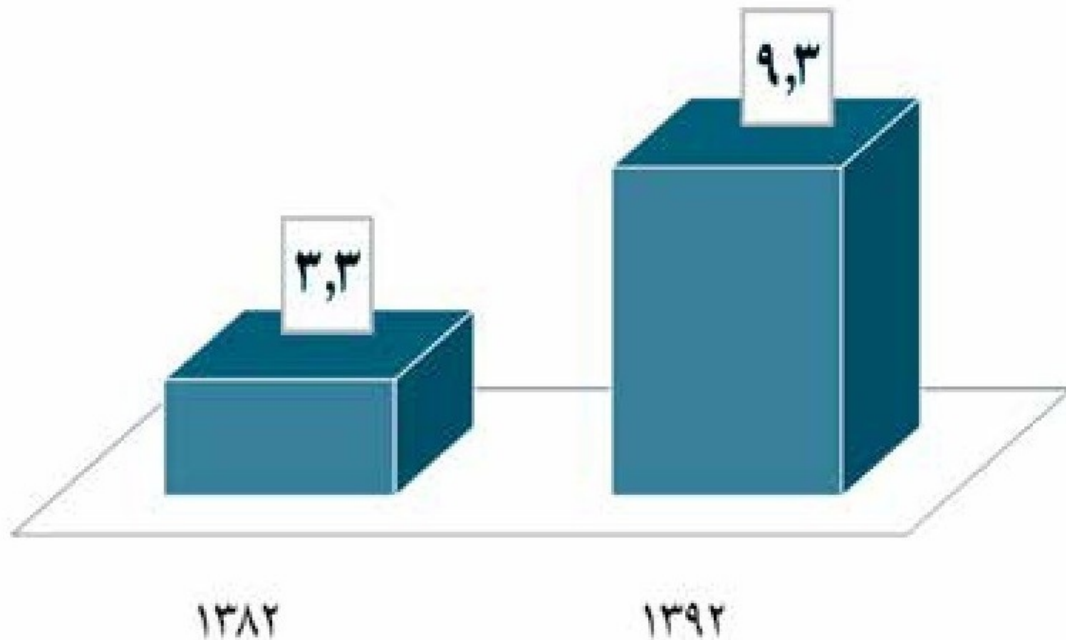


2-10. سبقت رشد اعتیاد زنان از مردان

در این میان آنچه مهم تر است گرایش برخی زنان به مصرف مواد مخدر و افزایش تعداد آنها در سال های اخیر است. دلیل اهمیت از آنجاست که مهم ترین عارضه اجتماعی اعتیاد در زنان فروپاشی کانون خانواده است؛ اعتیاد زن، نه تنها خودش بلکه فرزندان و ارگان خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می دهد؛ تمایل دختران به الگوپذیری از مادرانشان و در نتیجه انحراف آنها از نمونه های این تأثیر گذاری است.

مطابق آمارهای رسمی، در دو دهه قبل نسبت مردان معتاد به زنان معتاد 30 به یک بود، اکنون حدود 10 به یک شده است. ضمن اینکه در جامعه، مصرف مواد در زنان ناهنجارتر از مردان تلقی شده و در نتیجه زنان معتاد گرایش کمتری به رجوع به مراکز درمانی دارند و این نشان می دهد که چون بخشی از منابع آماری همین مراکز هستند پس نسبت زنان معتاد به مردان بیشتر از آماری است که در اختیار هست.

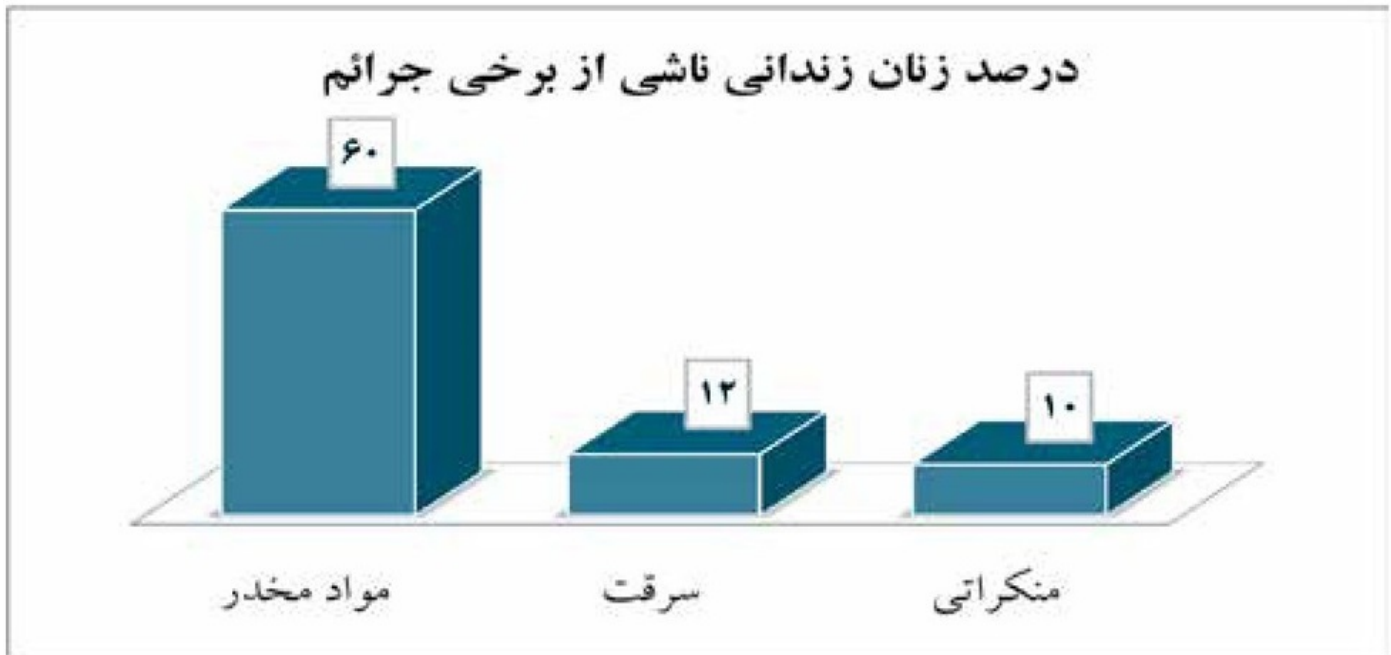
مقایسه درصد تقریبی زنان معتاد از کل معتادان



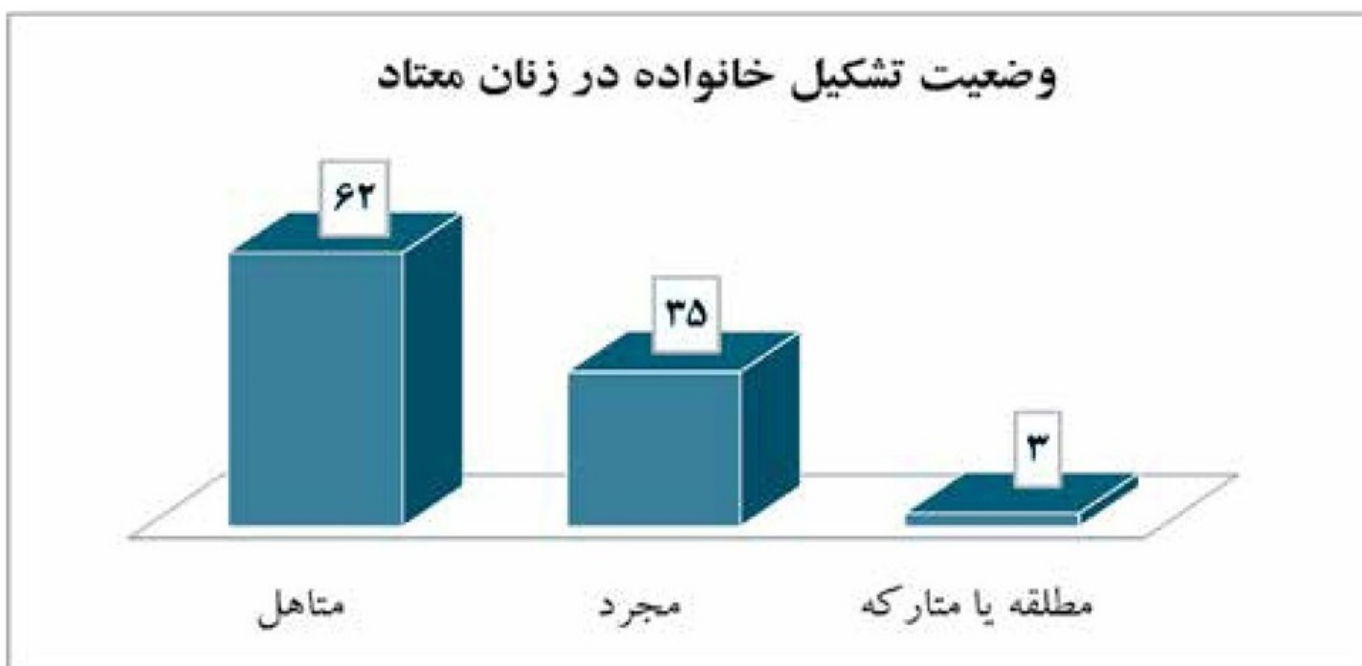
منبع: نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر

بیشترین جرم زنان زندانی، جرایم مرتبط با مواد مخدر است از ۷ هزار و ۳۷۷ زن زندانی در کشور ۶۰ درصد آنها به دلایل مرتبط با جرایم اعتیاد و مواد مخدر به زندان راه پیدا کردند که بیشتر آنها خود از این مواد مخدر استفاده می کردند.

عواقب اعتیاد زنان به مراتب بیشتر از مردان است، چرا که زن معتاد مجبور است با ابزار مختلف پول و یا مواد مخدر خود را تهیه کند و گاه در این میان دست به فعالیت های نامشروع می زند. از سوی دیگر فرد معتاد نمی داند با فرزند آینده خود چگونه رفتار کند و در تربیت فرزندش دچار انحراف شود. حس انتقام از دیگر عواقب اعتیاد زنان است چرا که آنها دائماً فکر می کنند قربانی شرایط جامعه ای که در آن زندگی کرده، شده اند و همواره در صدد گرفتن انتقام از جامعه هستند.



منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر



منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر

3-10. نشنگی قبل از تولد! هدیه مادران معتاد به نوزادان

در برخی از بیمارستان های دولتی، بخش هایی برای ترک اعتیاد نوزادان در نظر گرفته شده است، که هشدار می دهد تا نگران آمار زنان معتاد شد؛ زنان معتادی که درصد قابل توجهی از آنان مادر هستند و یا می شوند، کودکانی را به دنیا می آورند که از روز اول تولد، با درد خماری و عذاب ترک، مواجه هستند. نیز مصرف مخدر باعث می شود زنان باردار با زایمان زودرس رویه رو شوند. مشکلات ذهنی، گریز از جمع و تأخیر در تکامل از بیماری های

نوزادان متولد شده از مادران معتاد هستند.

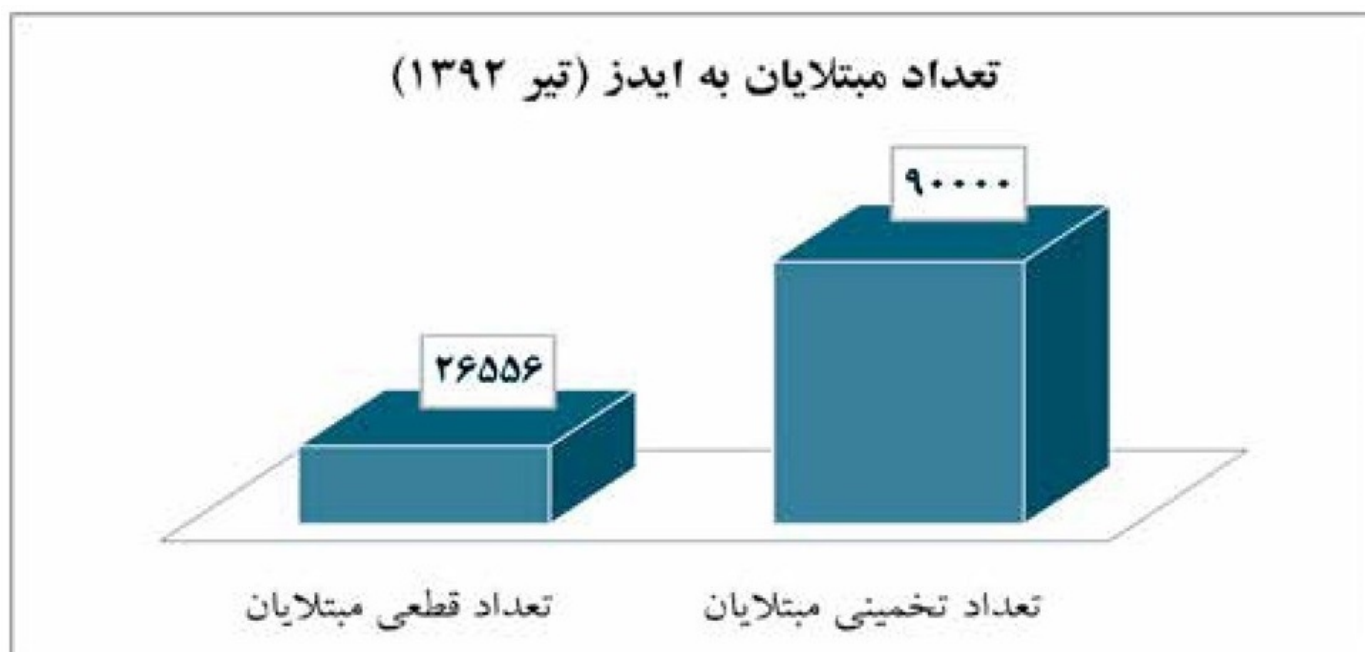
ص: 58

11. ایدز (زائیده انحرافات اخلاقی و اعتیاد)

آسیب ایدز عمدتاً زائیده انحرافات اخلاقی و اعتیاد است و غالباً سبب ساز یکی از سه امر ذیل می شود: 1. طلاق در صورت متأهل بودن و تشخیص آن بعد از ازدواج؛ 2. عدم امکان ازدواج و تشکیل کانون خانواده در صورت تشخیص قبل از ازدواج؛ 3. ختم اتوماتیک وار پرونده خانواده با مرگ شخص مبتلا به ایدز. لذا ایدز بسته به زمان تشخیص آن، از آسیب های شکل گیری و یا تداوم نهاد خانواده است.

براساس آمار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تا اول تیر 1392 تعداد افراد آلوده به اچ، ای، وی در کشور 26 هزار و 556 نفر است و تخمین زده می شود حدود 90 هزار نفر مورد ابتلا به این عفونت نیز در کشور وجود داشته باشد.

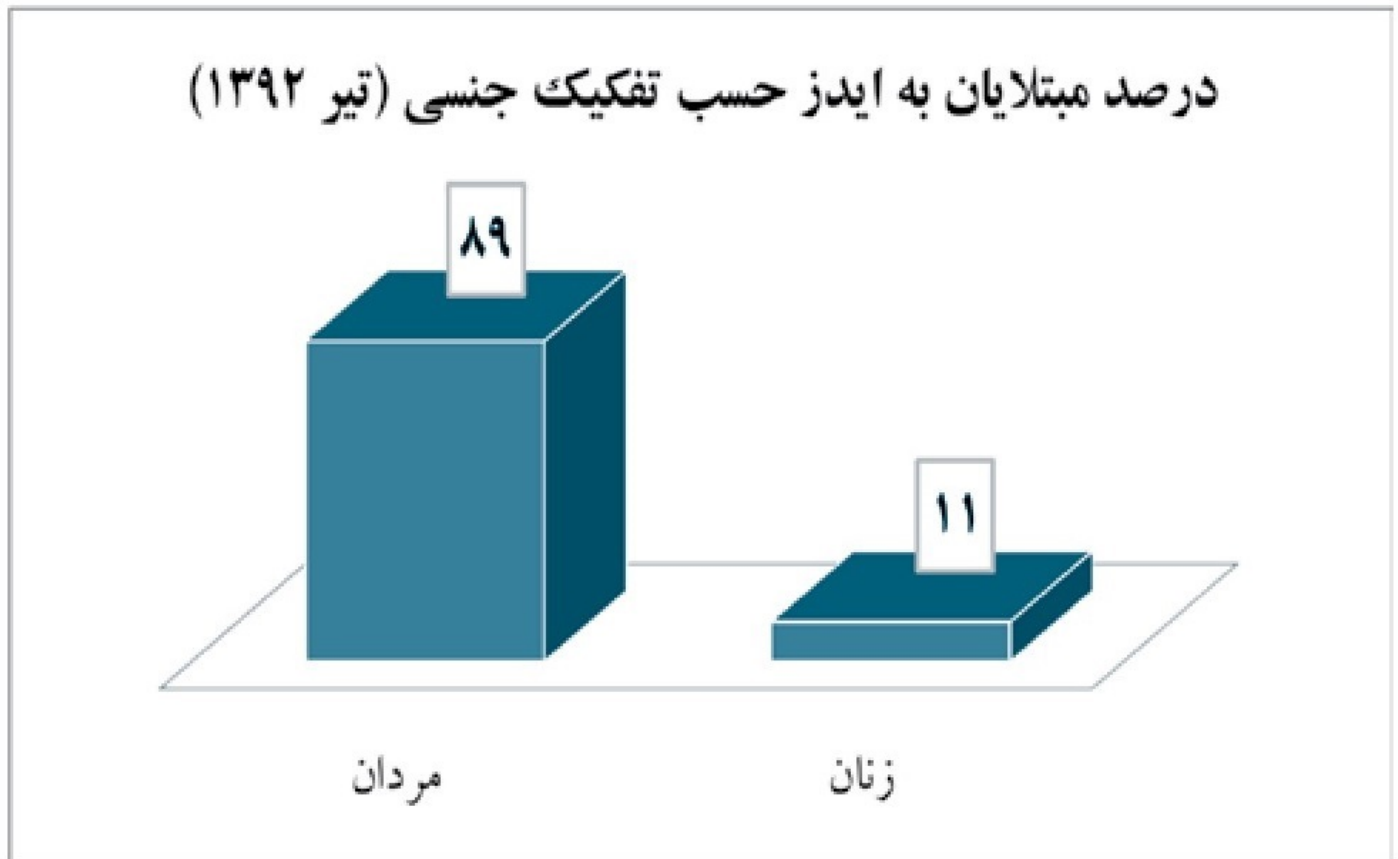
تصویر



منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

براساس آمار موجود تا اول تیر 1392 ویروس این بیماری در مردان بیشتر بوده است طوری که 89 درصد میزان ابتلا در مردان بوده است و شایع ترین گروه سنی مبتلا به ویروس اچ ای وی و ایدز نیز بین سنین 25 تا 34 سال است.

ص: 59

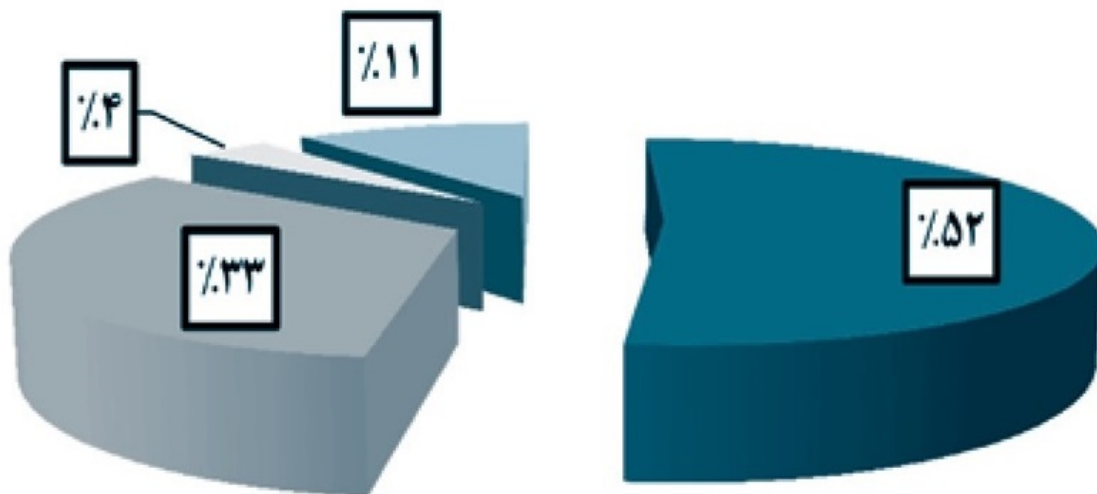


منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

درباره علل ابتلاء به ایدز، اعتیاد تزریقی ۵۲ درصد، برقراری روابط جنسی ۳۳ درصد و انتقال از مادر مبتلا به کودک ۴/۳ درصد را تشکیل داده است. در ۶/۱۱ درصد از موارد شناسایی شده در این سال راه انتقال نامشخص بوده است. که البته اعلام این آمار و انتقال ۳۳ درصدی ایدز از طریق روابط کنترل نشده جنسی نگرانی ها برای پیشروی انتقال ایدز از طریق روابط جنسی را افزایش داده است. تا پیش از این مدل ابتلا به ایدز در ایران با کشور های جهان متفاوت بود، به طوری که نگرانی در ایران ابتلا به ایدز از طریق مصرف سرنگ های آلوده بود، در حالی که کشور های جهان به دلیل روابط جنسی کنترل نشده، نگرانی هایی برای افزایش ابتلا به ایدز داشتند.

علل ابتلاء به ایدز در ایران (درصد)

■ نامشخص ■ از مادر به نوزاد ■ روابط جنسی ■ اعتیاد تزریقی

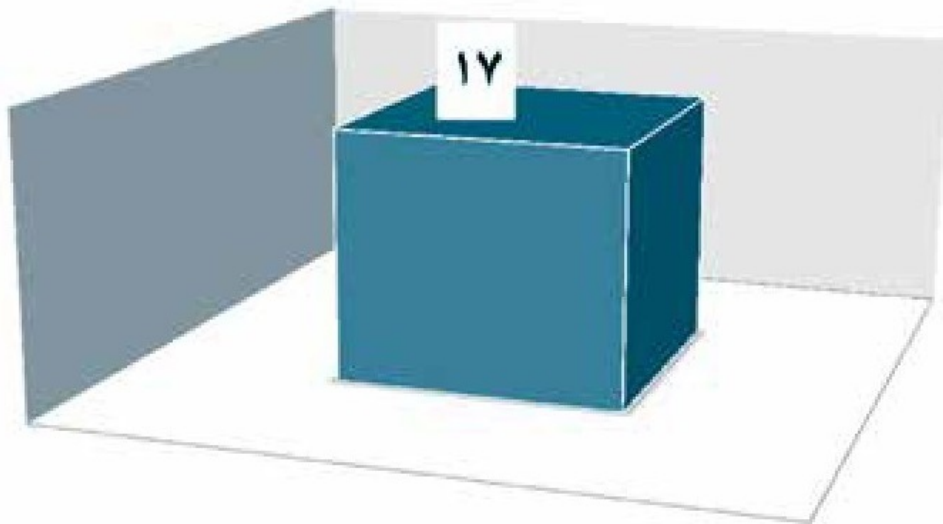


منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

12. زنان کارتن خواب

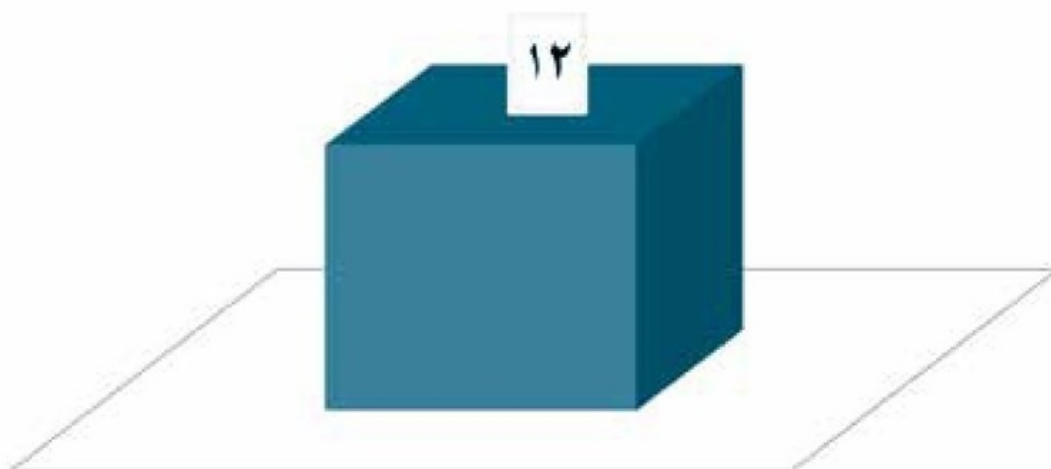
در چند سال گذشته عمده زنان بی خانمان و کارتن خواب شهر تهران به زنان سالمند تعلق داشت اما رصد روند سنی زنان کارتن خواب و بی خانمان در سال های اخیر نشان از حضور زنان جوان در میان آنان دارد . در جدید ترین امار سازمان رفاه و مشارکت اجتماعی شهر داری تهران درباره آسیب های حوزه زنان با اشاره به کاهش سن زنان کارتن خواب گفته شده که سن زنان کارتن خواب در تهران به 17 سال رسیده است.

کمیته سن زنان کارتین خواب



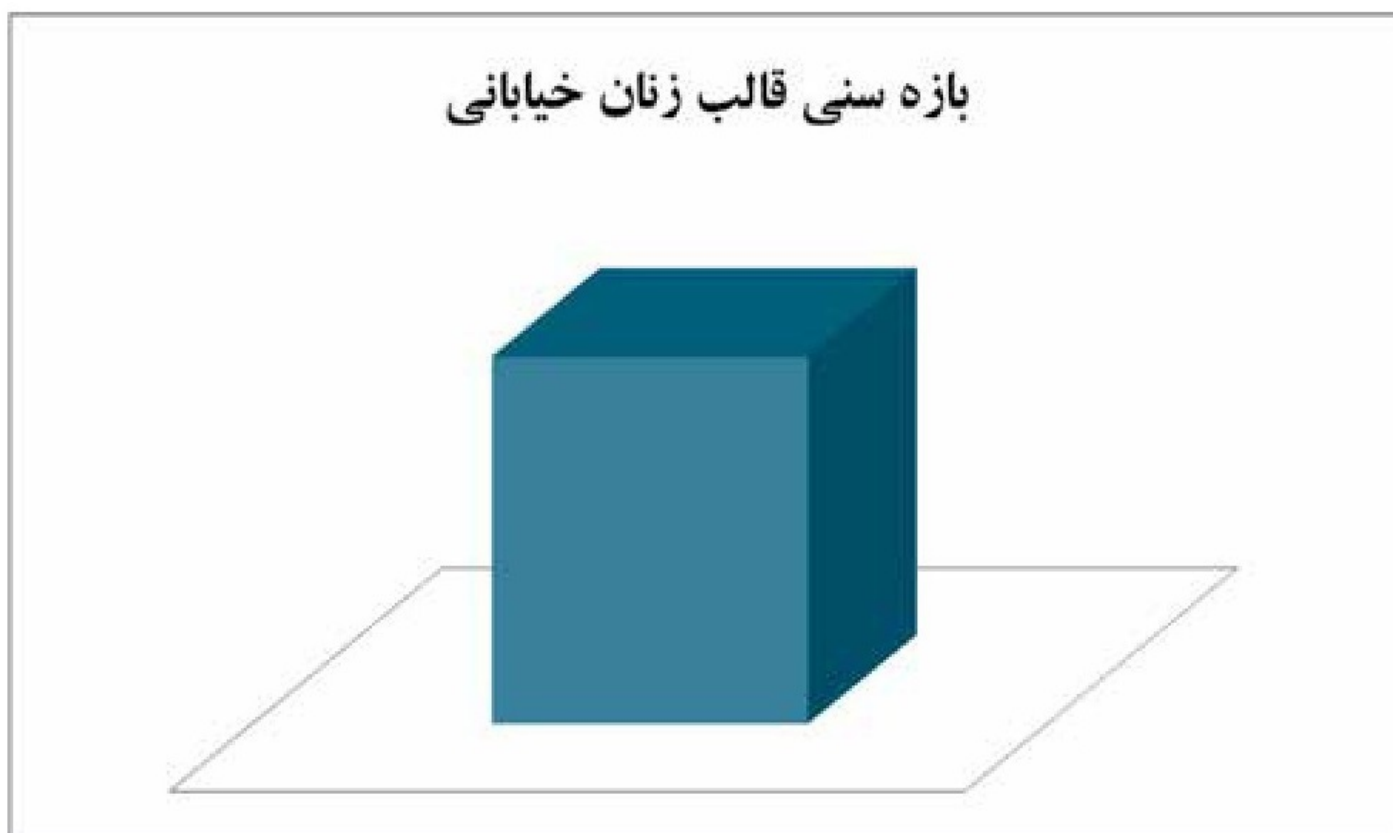
بر اساس آمارهای مراکز بازپروری سازمان بهزیستی 10 تا 12 درصد زنان خیابانی متأهل بوده و اغلب، در سنین ابتدای جوانی و بازه 20 تا 29 سال قرار دارند.

درصد متاهلان از زنان کارتین خواب



طبق آمارهای سال 90 سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران، «فقر» مهم ترین عامل و «تعارضات خانوادگی» دومین عامل مؤثر در بروز پدیده زنان خیابانی است.

تصویر



1. تبیین ارتباط مسجد با خانواده

مسجد عبادتگاه عاشقان و بندگان صالح خداوند و بزرگترین و مهم ترین پایگاه اسلام است. بسیاری از علما و دانشمندان که به مدارج عالی کمال دست یافتند در پرتو انس با مسجد و تعلیم و تربیت در آن بوده است. این پایگاه عظیم نقش عمده ای در تعالی و تحکیم بخشیدن کانون مقدس خانواده دارد. درواقع در نگاه کلان به جامعه اسلامی، مسجد، والاترین و پاک ترین پایگاه تربیت دینی انسان ها است و از سوی دیگر خانواده نخستین و مؤثرترین نهاد در بحث تربیت انسان است. لذا برقراری ارتباط معنوی بین مسجد و خانواده به منظور استفاده از جایگاه و پتانسیل همدیگر، نقش مکملی داشته و قطعاً ثمرات و آثار بسیار ارزشمندی بر جای خواهد گذاشت؛ فردی که در بستری تلفیق شده از فضای معنوی مسجد و فضای صمیمی خانواده تربیت شود، راه راست را پیدا کرده، در آن گام می گذارد.

بر همین اساس در قرآن و مبانی دینی ما بر ارتباط همیشگی با مسجد تأکید زیادی شده است و نباید خانواده ها حضور خود در مساجد را به مناسبت های خاص محدود کنند و بر همین مبنا نیز نخستین اقدام وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه احداث مسجد بود.

2. کارکردهای مسجد در ارتباط با خانواده

اشاره

مسجد خانه خداست و قرارگاهی است که با نام و یاد خدا عجین شده است و لذا با حضور در مسجد و اقامه نماز یا شرکت در جلسات و مناسبت های آن، آرامش و نشاط در خانواده اهل مسجد مهیا می گردد. درواقع آن گاه که مؤمن وارد مسجد می شود، در فضایی آکنده از طهارت، سادگی و عاری از پیرایه های مادی قرار می گیرد؛ اما انباشته از جلوه های معنوی و

الهی. هم صحبتی با مسجدیان نه تنها گرفتاری و پریشانی مسلمان را تخلیه می کند، بلکه وی را از موهبت همیاری فکری و عملی آنها بهره مند می کند؛ آن هم مسجدیانی که خود را در برابر گرفتاری های دیگران مسئول می دانند. از نگاه دیگر و بعد سلبی مسئله، ارتباط با مسجد و اهل مسجد، به طور اتوماتیک وار انسان را تا حد زیادی از رذائل و آسیب ها باز می دارد. بسیاری از متخلفان و بزهکاران اجتماعی که به نوعی امنیت اجتماعی را به خطر می اندازند کسانی هستند که اهل ارتباط با خدا و نماز و مسجد نیستند.

در بیان کارکردهای مسجد به صورت جزئی تر باید گفت که بر اساس تصویری که از ارتباط فیما بین مسجد و خانواده ترسیم شد و نقش مکملی آنها بیان گردید، مهم ترین کارکرد مسجد در ارتباط با خانواده، همان تتمیم و به کمال رساندن تربیت دینی انسان و اعطای حیات طیبه واقعی برای اعضای خانواده است. در همین ارتباط، مسجد دو کارکرد و نقش کلیدی و اساسی را بر عهده دارد:

2-1. آشنایی با ارزش ها و نگرش های دینی (معرفت بخشی)

برای رسیدن به تکامل و قدم نهادن در وادی تربیت دینی، نخستین گام کسب «معرفت و آگاهی» از ماهیت و چیستی آموزه های آن است که مسجد به عنوان یک ابزار و بستر زمینه ساز، نقش به سزایی را در نیل بدین هدف می تواند داشته باشد. چنانچه مسجد که در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و دوره ی خلفای راشدین، مجمع نومسلمانی شد در باب آشنایی با آموزه های اسلامی و استماع سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در باب آیه های قرآن، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، و مسائلی از این قبیل. درواقع، «مسجد» کهن ترین دانشگاه اسلامی و اساسی ترین پایگاه تعلیم در

تاریخ اسلام است. و البته مسجد در طول تاریخ این کارکرد را همواره حفظ نموده است و عمده ترین و اصیل ترین مرکز تعلیم معارف دینی بوده است.

البته در حال حاضر و حسب گسترش روز افزون ساختار نهادی جوامع، نهادهای زیادی شکل گرفته اند که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق رسانه ها در امر تعلیم و آموزش معارف و مهارت های مورد نیاز خانواده فعالیت می کنند که برخی از این نهادها نه تنها کمک کننده به مسجد نیستند بلکه به دلیل رویکردهای مادی و انحرافی از تعالیم دینی، حتی مشکل ساز نیز شده اند و خروجی آنها خانواده متعالی مورد پسند اسلام نیست و لذا بحث از جایگاه مسجد در معرفت بخشی به خانواده صرفاً جنبه ایجابی ندارد بلکه حسب ضرورت، جنبه سلبی نیز به خود گرفته است و در میدان رقابت سنگین موجود که رقبای

آن با تمام تلاش سعی در شکل دهی به خانواده به نحو دیگری دارند، مسجد وظیفه دارد علاوه بر اعطای معرفت اصیل، معارف بدلی را نیز شناسائی و خنثی نماید.

2-2. آشنایی با سبک زندگی اسلامی و آموزش عملی تربیت دینی (الکوسازی)

مسجد مکانی است برای تمرین خلق و خوی پسندیده انسانی، زیرا خداوند می فرماید: «فیه رجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا» (توبه/108) در مسجدی که براساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد و برخی آسیب های مبتلی به نهاد مسجد را نداشته باشند، انسان های پاکی در آن حضور دارند که دوست دارند از رذائل و بدی ها بدور و پاکیزه باشند اینها افرادی هستند که اهتمام دارند ارزش های دینی را حسب آنچه از قرآن و معصومین صادر شده است، در رفتارهای عینی و عملی خود متبلور سازند و خود را متخلق به اخلاق دینی و مراعی سبک زندگی دینی نمایند و لذا طبیعتاً رفت و آمد با چنین انسان های پاک و تقوی پیشه ای به عنوان بهترین الگوهای عملی برای خانواده مرتبط با مسجد به شمار آمده و تأثیرات عمیق و سریعی بر رفتارهای خانواده خواهد گذارد.

بماند که اهل مسجد هرچند معصوم از گناه و خطا نیستند و ممکن است مرتکب برخی معاصی شوند ولی بر این امر اهتمام دارند تا در مسجد به گناه آلوده نشوند، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورند، به آبروی دیگران تجاوز نکنند، در مسجد غیبت نکنند، سخنان لغو و بی فایده را کنار نهند و از گفت و گوهای که بوی دنیاپرستی می دهد پرهیز نمایند. چون مسجد نهاد مقدسی است و جای هر رفتار و کردار و گفتاری نیست.

در پایان گفتنی است پیش فرض، چنان که تلویحاً اشاره شد، ارتباط خانواده با مسجد فعال و پویایی است که نماز جماعت شاداب و فعالیت های فرهنگی جذاب با حضور تمام اقشار سنی دارد نه مسجدی که فقط اسم آن را یدک می کشد و یا احیاناً مدیریت آن بر عهده انسان های ناصالح است.

آنچه در بحث راهکار می‌خواهد مطرح شود درواقع استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات معنوی و مادی مسجد در جهت رفع مشکلات و آسیب‌هایی است که نهاد خانواده با آنها دست به‌گیریان است. لذا لازم است به‌صورت علمی و دقیق ابتدا مشخص شود که نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مسجد در مواجهه با مشکلات خانواده چیست؟ و آنگاه حسب‌نگاه سیستمی SWOT به ارائه راهکارهای دقیق پرداخته شود. لیکن این امر در این مجال قابلیت عملیاتی شدن ندارد به دلیل آنکه اولاً نیاز به تفصیل و گردآوری تمام جوانب کار دارد که در این موجز نمی‌گنجد و درثانی برنامه راهبردی SWOT، یک برنامه استراتژیک و راهبردی است که به دلیل اختلاف ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هر کدام از مساجد با همدیگر، امکان نگارش آن و نسخه‌پیچی آن برای تمام مساجد به‌صورت یکجا وجود ندارد و بلکه باید به‌صورت تک‌تک برای هر کدام از مساجد مورد بررسی قرار گیرد. در این مجال آنچه می‌خواهد بیان شود رویکردهای کلان و تأثیرگذاری هستند که نیاز هست تا حتماً اصلاح شوند. توجه به این رویکردها نقش به‌سزایی در شناسایی واقعی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها خواهد داشت چون این رویکردها درواقع چشم‌انداز و رسالت غایی مسجد مطلوبی را که در زمان فعلی بتواند در رفع آسیب‌های خانواده مؤثر واقع افتد و خانواده را در نیل به کمال و سعادت دنیوی و اخروی یاری‌رساند، ترسیم و تبیین می‌نمایند و نقشه راه اجمالی از مسیری هستند که بایستی پیموده شود. بر همین اساس، رویکردهای اصلاحی عمده به شرح ذیل تشریح می‌گردد:

1. رویکرد واقع بینی؛ باید به این واقع بینی رسید که:

اولاً؛ هم مسجد و هم خانواده جایگاه تعلیمی و تربیتی سابق خود را در پروسه و فرآیند آموزش ندارند. با این توضیح که؛ نهادهای هم عرض در حوزه تعلیم و تربیت به شکل فراوان بروز و ظهور داشته اند و نهاد مسجد و خانواده به موازات پیشرفت رقبا، پیشرفت نکرده و خود را با شرایط جامعه خود وفق نداده اند و نیز نتوانسته اند از ابزارها و پتانسیل های موجود در جهت نقش آفرینی کارآمد بهره ببرند.

در سبک زندگی جدید، خانواده (شامل هر دوی والدین و فرزندان)، تعالیم آموزشی و تربیتی خود را منحصرراً از نهاد مسجد نمی گیرد همچنان که نقش تربیتی والدین برای فرزندان در داخل خانه چندان پررنگ نیست و خیلی نهادهای دیگر همچون مدرسه، دانشگاه، انواع سرسام آور رسانه های مکتوب و غیر مکتوب شامل صوتی و تصویری، تعاملی دیجیتالی و ... سایه سنگین خود را بر سر نهاد خانواده و مسجد گسترده اند و اختیارات و نفوذ آنها را به حداقل رسانده اند.

در ثانی؛ مهمتر از اولی اینکه، نباید بدنبال بازیافتن جایگاه پیشین به شکل قبلی آن _ که مسجد و خانه نقش های تقریباً انحصاری در تعلیم و تربیت داشتند _ بود. بلکه بایستی حسب شرایط موجود و با پذیرش کلیت ساختار نظام آموزش موجود، با رویکرد رفومی و اصلاحی و نه باژگونه ای، طرحی نو در انداخت و جایگاه واقعی مسجد را شناسایی نمود.

لذا در رویکرد واقع بینی در وهله اول، فارغ از قضاوت ارزشی در مورد نهادهای هم عرض، اصل وجود آنها و حتی ضرورت وجود آنها را به دلیل سبک زندگی موجود در جامعه بشری و جامعه ایرانی باید به رسمیت شناخت و دنبال حذف تمام آنها نبود؛ چنانچه در سبک زندگی فعلی اگر نهاد تربیتی هم عرضی همچون مدرسه وجود نداشته باشد، واقعاً خانواده با مشقت و حرج مواجه می شود و نهادهای هم عرض دیگر همین طور؛ لذا مسجد و خانواده بایستی در ضمن مفروض دانستن وجود این پازل، جای مناسب خود را پیدا نمایند نه با مفروض گرفتن نبود آنها. آری در گام بعد که بسیار مهم است بایستی مسجد و خانواده به رویکرد مدیریت توجه داشته باشند که در رویکرد بعدی توضیح داده می شود.

2. انضمام رویکرد «مدیریت تربیت» با رویکرد «تولیت تربیت»

در شرایط موجود هرچند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی خانواده غافل

شود و از همه امکانات و ظرفیت های موجود در جهت تعلیم معارف دینی برای خانواده خصوصاً به شکل حضوری و چهره به چهره که مؤثرترین روش تربیتی است بهره بگیرد، لیکن چنان که گفته شد بخش اعظم نهادهای تأثیرگذار بر تربیت دینی خانواده و ابزارهای مؤثر بر خانواده خارج از کانال و مسیر مسجد عمل می کنند، در چنین شرایطی مسجد که نمی تواند و نباید هم جلو همه آنها را بگیرد بایستی مواجهه فعال با این قضیه داشته باشد، به این صورت که مسجد، رویکرد مدیریت کانال های تأثیرگذار بر تربیت خانواده را عهده دار شود که در این مسیر طبیعتاً لازم است پس از شناخت دقیق از ماهیت نهادها و ابزارهای مزبور و وضعیت تأثیرگذاری آنها بر خانواده، با ارتباطی که با نهاد خانواده برقرار می کند وی را در جهت بهره مندی از ابزارها و نهادهای سالم و صالح و نیز فاصله گرفتن از نهادها و ابزارهای ناسالم، راهنمایی نماید و حتی در قدم های بعدی و عملیاتی تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم و زمینه ارتباط خانواده با اینها فراهم آورد و تسهیل سازد و متقابلاً به مقابله نظری و عملی با نهادهای ناسالم و دور نگه داشتن خانواده از اینها پردازد. مسجد حتی می تواند در شکلی ایجابی اقدام به تأسیس و پایه گذاری نهادها و ابزارهای سالم نماید و یا تلاش در جهت تأثیرگذاری بر متولیان و محتوای ابزارها و نهادها نماید و با سالم سازی آنها فضا را برای استفاده نهاد خانواده از آنها فراهم آورد.

این رویکرد همچنین می خواهد بگوید که مسجد باید علاوه بر نقش فردی مستقیم، نقش «محور آسیاب» را نیز بر عهده داشته باشد و با جلب همکاری سایر نهادهای هم فکر دغدغه مند، به عنوان محور جریان تربیت دینی، ظرفیت ها و پتانسیل آنها را برای کمک به نهاد خانواده مدیریت نماید نهادهایی مانند حسینیه ها، امام زاده ها، مدارس معارف اسلامی، هیأت مذهبی و حتی برخی حوزه های علمیه و

3. انضمام رویکرد «آموزش ماهیگیری» با رویکرد «اعطای ماهی»

مسجد بایستی خانواده را نیز واقع بین نماید و در پروسه تربیت اعضا و فرزندان، به او بفهماند که زمان قدیم سپری شده و خانواده نقش مستقیم تربیتی و تام الاختیار را ندارد بلکه باید خانواده مدیریت توانمند و قوی داشته باشد تا به نحوه استفاده اعضای خود از آموزش های نهادها و ابزارهای تربیتی جامعه، سمت و سبب دهد و با ارائه شناخت لازم به اعضا، آنها را به سوی نهادهای سالم رهنمون سازد مسجد بایستی این واقع بینی و نحوه

مدیریت صحیح را از طریق مشاوره ها و ... به خانواده تزریق نماید و خود نیز به عنوان پشتیبان و ناظر، حضور پشت پرده داشته باشد.

4. رویکرد علمی و تخصصی

همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش ها و جدیدترین مدل ها و تکنولوژی ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت بهره برداری می نمایند و از هیچ خلاقیت و نوآوری دریغ نمی ورزند مسجد نیز نباید در این رقابت شدید و تنگاتنگ از این مسائل غافل شود و بایستی با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی - تخصصی و سیستماتیک به مسئله داشته باشد لذا لازم است اولاً؛ برای تمام تصمیماتش از عقبه علمی و پژوهشی قوی و استوار بهره مند باشد و تخصص و علم را چاشنی تمام برنامه ها و تصمیماتش نماید و درثانی از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد؛ مدیریت مسجد بایستی علاوه بر برخورداری از اخلاق حسنه و تقوای دینی، لزوماً شخصی آشنا با مبانی مدیریت سازمانی، اصول جذب مخاطبان (افراد و خانواده ها) و نگهداری آنها بوده و نیز با موضوع ابزار رسانه و نحوه مواجهه فعال با این پدیده بسیار تأثیرگذار و حاوی ظرفیت تبلیغی بالقوه فراوان، آشنا باشد. لذا نهاد مسجد بایستی فضا را برای کارها و تحقیقات علمی در موضوع مورد نظر و آن هم با رویکرد کاربردی و حسب شرایط جامعه مهیا نماید و حسب خروجی آنها گام بردارد.

5. رویکرد استفاده از پتانسیل رسانه ها

مسجد باید به موضوع رسانه توجه ویژه داشته باشد و در جهت عملی سازی اهداف و رسالت های خود در خصوص تربیت دینی خانواده و مواجهه با مشکلات آن، از حداکثر ظرفیت رسانه ها حسب انواع مختلفی که دارند بهره برد همچنان که رقبایش و نهادهای هم عرض، به نحو احسن از این ابزار استفاده می کنند و توانسته اند از این طریق، حتی خود را وارد خانه ها نمایند و ذهن و فکر اعضای خانواده را حتی در ساعات اختصاصی درون خانه به خواسته های خود مشغول دارند. مسجد بایستی حتماً بخشی تحت عنوان رسانه داشته باشد که در این بخش به شناسایی ظرفیت های موجود در رسانه ها برای برقراری ارتباط هدفمند مسجد با خانواده پردازد و راهکارهای آن را مشخص نموده و عملی سازد.

آنچه از رویکردها گفته شد نباید موجب غفلت از نقاط قوت نگاه سنتی در اداره مسجد شود خصوصاً که اداره سنتی مساجد در سابق و به مقتضای زمان خود، مدیریت علمی و تخصصی بود. آری؛ مشکل آنجا به وجود آمد که علی رغم تغییر زمان و اقتضائات آن و ابداع روش های نوین و بوجود آمدن نهادهای حرفه ای در حوزه تربیت و آموزش، مسجد متحول نشد و همچنان بر روش قبلی خود استوار ماند. حال آنچه در اینجا می خواهد گفته شود آن است که نگاه سنتی به اداره مسجد علی رغم تمام نارسائی هایی که در زمان حاضر دارد، از نقاط قوت بی شمار و بی نظیری نیز بهره مند است که نباید تحت هیچ شرایطی از آنها غافل شد و کم اهمیت جلوه داد، نقاط قوتی همچون موج زدن اخلاص و معنویت در متولیان آن و احتراز از نگاه مادی صرف و نگاه سودآورانه شغلی به اداره مسجد و متقابلاً ایثار نمودن وقت و فرصت های درآمدزایی خود در جهت مدیریت مسجد بدون هیچ گونه چشم داشت و یا با رضایت به کمترین ها. لذا بایستی نگاه متجددانه و به روز را که در رویکردهای قبلی ذکر شدند با رویکرد سنتی تلفیق نمود و مدیریتی توانمند از طریق بهره گیری از نقاط قوت هر دو و پس زدن نقاط منفی هر دو، برای کمک مسجد برای تربیت دینی خانواده رقم زد.

7. رویکرد ارتباط عاطفی با خانواده در تمام برنامه ها و کمیته ها و گروه ها

یکی از رویکردهایی که قبلاً بوده و جدیداً مغفول واقع شده است رویکرد توجه به برقراری ارتباط عاطفی متولیان مسجد خصوصاً اخلاق مداران مسجد با مخاطبان است. تاریخ گویای این مطلب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تک تک مسجدی ها و نمازگزاران ارتباط عاطفی عمیق برقرار می کرد، از حضور و عدم حضور یکایک شان مطلع بود و در صورت عدم حضور، سراغ شان را می گرفت و احیاناً اگر مریض بودند به همراه سایر مسجدی ها به عیادت شان تشریف می بردند. درواقع هر آن کس که در مسجد حضور می یافت به منزله عضوی از اعضای خانواده بزرگ مسجد به شمار می آمد که کاملاً در جریان بودن و نبودن همدیگر و احیاناً بروز مشکلات عارض شده بر همدیگر بودند که اگر می توانستند یاری می کردند.

آنچه در اینجا می خواهد ذکر شود آن است که مسجد باید یک متولی بینا و یک میزبان باحرارت و مملو از معنویت داشته باشد که میهمانان مسجد را و خانواده های حاضر شده در مسجد را تحویل بگیرد و به آنها بفهماند که «ما دیدیم و فهمیدیم که شما تشریف آوردید

شما را در لیست خانواده خود وارد کردیم و از این پس بودن و نبودنتان برای ما یکی نیست ما به عنوان برادران دینی، ضمن برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با شما، از این پس، رصد حال شما را وظیفه خود می دانیم و چنان که ببینیم مشکلی برای شما پیش آمده در رفع آن برادرانه خواهیم کوشید همچنان که در شادی ها در کنارتان خواهیم بود.»

این همان چیزی است که گمشده دنیای مدرن است یعنی فقدان و کمبود عاطفه و محبت و دلجوئی از همدیگر و یاری مخلصانه و برادرانه به همدیگر که متأسفانه مراتبی از آن در نهاد مسجد و مسجدی های امروز نیز سرایت کرده است طوری که فرد می آید و نماز خودش را به صورت فردی و حتی به صورت نماز جماعت می خواند و می رود و کسی کاری به کارش ندارد؛ حتی ممکن است این حالت برای چندین سال تداوم پیدا کند و بودن و نبودن او برای هیچ کس، مهم و مورد توجه نباشد چرا که کسی وی را رصد نکرده و تحویل نگرفته است.

8. رویکرد طیب دوار

حضرت علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيَرَةِ» (نهج البلاغه، خ 108) «پیامبر صلی الله علیه و آله طیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم های شفا بخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخم ها را گذاخته. برای شفای قلب های کور و گوش های ناشنوا و زبان های لال، آماده، و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

امروز دیگر زمان آن نیست که نهاد مسجد بنشیند تا نهاد خانواده به سراغش بیاید و از وی خاضعانه و با التماس در جهت تربیت دینی استمداد نماید؛ چرا که اولاً- دنیا، دنیای رقابتی شده و نهادهای هم عرض دیگر با هزاران حيله و روش، خودشان به سراغ نهاد خانواده می روند تا او را در معرض آموزه های خود قرار دهند و لذا اگر در این رقابت، مسجد سرجای خود بنشیند و منتظر بماند، قافیه را باخته است و در ثانی در اثر وجود نهادهای تربیتی مضلّ، نهاد خانواده مریض شده و بر پیکره آن آسیب های فراوان وارد شده است طوری که عزم و اراده لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش قدم شود.

از جمله مهم ترین الزامات این رویکرد، در دسترس بودن نهاد مسجد و آموزه های تربیتی

آن برای تمام افراد جامعه است؛ مسجد نباید صرفاً در اوقات نماز باز باشد و تمام؛ اگر هم مشکلی در این زمینه هست بایستی حل شود نه اینکه با تعطیل نمودن این شفاخانه صورت مسئله پاک شود؛ نیز مسجد باید در حداقل بازه زمانی در دسترس خانواده باشد، در زمانه ای که میانگین زمان دسترسی به مواد مخدر و مشروبات الکلی چندین دقیقه و از فرار از خانه تا افتادن به دام فساد و انحرافات اخلاقی، آناتی بیشتر طول نمی کشد، در دسترس نبودن فیزیکی مسجد امری باور نکردنی است. که البته بایستی مسجدی باشد که واقعاً نقش طبابت را بتواند برای نهاد خانواده ایفا نماید و دردش را علاج نماید و با حضور طبیب حادثش نسخه شفا بخش برایش بپیچد.

تعامل داشتن مسجد و خانواده پیش نیازها و ابزارهای ویژه ای دارد که برخی از آنها بدین شرح است:

* داشتن امام جماعتی با ویژگی های: عالم فاضل، متقی، متعهد، دلسوز، روزآمد، دارای سلامت و آراستگی بدنی و ظاهری؛

* داشتن شورای علمی و هیئت امنا با ترکیبی از مسجدیان کارآزموده، باتجربه، جوان و کارآمد؛

* داشتن اتاق فکر خانواده جهت گفتمان درباره موضوع ها و محورهای زندگی خانواده و چالش های پیش رو؛

* داشتن کمیته های علمی و تخصصی درون هر مسجد، به ویژه کمیته مشاوره و مهارت زندگی؛

* برخورداری از صندوق مالی خانواده برای کمک رسانی های مالی و اعطای قرض الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و مانند آن؛

* داشتن کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه ریزی موضوع های گوناگون، به ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی؛

* داشتن شورای حکمیت و دادگاه خانواده مسجد برای رویارویی با چالش ها و اختلاف های خانوادگی، متشکل از ریش سفیدان و معتمدان محل؛

* راه اندازی کتابخانه های عمومی و تخصصی مسجد، نمایشگاه های کتاب و نرم افزار ها؛

* داشتن سالن و زمین ورزش مسجد و تشکیل تیم های ورزشی، به ویژه برای

* برخورداری از کمیته‌ی اردوهای تفریحی، زیارتی، علمی و بین‌المللی مسجد؛

* داشتن کمیته‌ی هنر؛ مانند سینما، تئاتر، موسیقی، آواز، خطاطی، طراحی، نقاشی و ترویج هنرهای اصیل اسلامی.

* طراحی و برنامه‌ریزی برای نشست‌های سالانه‌ی امامان جمعه و جماعت؛ با هدف آسیب‌شناسی خانواده‌های مسجدی و برنامه‌ریزی برای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مهارت‌زندگی خانواده‌ها. (شاملی و یوسفی، بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد بویژه در حوزه خانواده، ص 19-20)؛

* تشکیل کمیته رسانه به منظور بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های رسانه در جهت برقراری ارتباط عاطفی نزدیک با خانواده و تأثیرگذاری در امر تربیت دینی خانواده (ظرفیت‌های رسانه همچون شبکه‌های اجتماعی اختصاصی برای تمام مسجدی‌ها یا بخشی مشخص از آنها مثلاً برای پدران مسجدی، ورزشکاران مسجدی و ...، یا بازی‌های رایانه‌ای با محتوای سالم و جهتدار، ...)

* تشکیل کمیته شناسایی در جهت شناسایی و جذب گروه‌های مرجع و خانواده‌های مستعد و شاخص در حوزه استحفاظی مسجد، به سبب تأثیر ویژه و خاصی که حضور آنها در جذب سایرین به مسجد دارد.

در همین راستا طرحی تحت عنوان طرح مسجد خانواده (به مثابه پزشک خانواده)، توسط یکی از صاحب‌نظران مطرح شده است با این توضیح که منش مسلمانان و دین‌مداران، در طول تاریخ، این بوده است که بانیان حکومتی و مردمی در همه شهرها و روستاها و به فراخور تراکم جمعیت، مساجد مورد نیاز را می‌ساختند. این مسجدها نه تنها محل عبادت و نماز بلکه مرکزی برای آموزش، مشاوره‌گیری و دادگاه قضا و درواقع محلی برای رفع مشکلات زندگی شخصی و اجتماعی مردم بود. طرح مسجد خانواده به این معنی است که هر خانواده‌ی اسلامی در پی یک مسجد خانواده باشد و همانند طرح پزشک خانواده خود را زیر چتر حمایت یک مسجد قرار دهد. (همان، ص 18-19)

نتیجه این تحقیق آن است که مسجد و خانواده حسب اهمیت و جایگاه و کارکردهای خاصی که در تربیت انسان دارند علی رغم اینکه لازم است تعامل و همکاری نزدیکی با همدیگر داشته باشند در شرایط موجود و حسب تهاجم فرهنگی غرب و نیز تغییر سبک زندگی، این ارتباط، بسیار کم رنگ شده و خانواده نیز عملاً با آسیب های فراوان مواجه شده است.

برای برون رفت از وضعیت فعلی و نیل ارتباط مسجد و خانواده به وضعیت مطلوب، بایستی چند رویکرد اصلاحی عمده را مسجد و متولیان آن مورد توجه قرار دهند؛ رویکرد اول رویکرد واقع بینی است؛ مسجد باید اصل تغییرات جهان جدید را بپذیرد و بر نقش انحصاری خود در تربیت خانواده پافشاری نکند و وجود نهادهای تربیتی هم عرض را به رسمیت بشناسند و آنگاه در ضمن مفروض دانستن وجود این پازل، جای مناسب خود را پیدا نمایند که عبارت است از توجه به رویکرد اصلاحی دوم یعنی رویکرد «مدیریت» تربیت و نگاه تخصصی بدان، بدین معنی که هرچند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی خانواده غافل شود لیکن رویکرد مدیریت کانال های تأثیرگذار بر تربیت

خانواده را عهده دار شود و با شناخت دقیق از ماهیت نهادها و ابزارهای مزبور و وضعیت تأثیرگذاری آنها بر خانواده، با ارتباطی که با نهاد خانواده پیدا می کند وی را در جهت بهره مندی از ابزارها و نهادهای سالم و نیز فاصله گرفتن از نهادها و ابزارهای ناسالم، راهنمایی نماید و حتی در قدم های بعدی و عملیاتی تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم و زمینه ارتباط گیری خانواده با اینها فراهم آورد و متقابلاً به مقابله با نهادهای ناسالم و دور نگه داشتن خانواده از اینها و احیاناً حذف برخی از آنها بپردازد. نیز مسجد بایستی با اتخاذ رویکرد علمی و تخصصی، همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش ها و جدیدترین مدل ها و تکنولوژی ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت بهره برداری می نمایند و از هیچ خلافت و نوآوری دریغ نمی ورزند مسجد نیز در این رقابت شدید و تنگاتنگ از این مسائل غافل نشود و با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی _ تخصصی و سیستماتیک به مسئله تربیت دینی داشته باشد و برای این کار از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد و البته نباید نسبت به نقاط قوت نگاه سنتی به اداره مسجد غافل شود از نقاط قوتی همچون اخلاص و معنویت متولیان آن و

احتراز از نگاه مادی سودآورانه به اداره مسجد و نهایتاً اینکه باید رویکرد عاطفی را مورد توجه ویژه قرار دهد بدین معنی که با فردی که در مسجد حاضر می شود ارتباط عاطفی عمیق برقرار نماید و با برقراری ارتباط دوستانه نزدیک، وی را ترغیب به حضور بیشتر در مسجد و برنامه های آن در کنار سایر دوستان نماید و البته مسجد برای جذب افراد بایستی خود پیش قدم شود و منتظر اقدام خانواده برای ارتباط گیری نباشد، به دلیل آنکه نهاد خانواده در شرایط فعلی با مشکلات و آسیب های عدیده مواجه شده و توان و رمق آن را ندارد که خود برای این کار اقدام نماید.

متولیان امور مساجد لازم است با اتخاذ این رویکردها به صورت مصداقی به وضعیت شناسی (نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای) هر کدام از مساجد از حیث ارتباط گیری با نهاد خانواده در حوزه استحفاظی مسجد مورد نظر پردازند و آنگاه راهکارهای عملی برون رفت را تدوین نمایند. همان چیزی که جای خالی آن بسیار مشهود است و هر آنچه دیده می شود صرفاً تصمیمات و اقدامات روتین و کلاسیک است و از برخورد علمی و کارشناسانه با مسئله و اقدام متخصصانه از طریق بهره گیری از نظرات کارشناسان و صاحب نظران این حوزه چندان نشانی دیده نمی شود.

مساجد در پائین ترین نگاه و در حداقلی ترین کارکرد، بایستی سازمان یافته و نظام مند باشند همانند سازمان حج و زیارت یا سازمان اوقاف و امور خیریه، هرچند آنها نیز در عمل با مشکلات فراوان دست به گریبان هستند و مشکلاتی که برای مسجد گفته شد آنها نیز از برخی از آنها بی نصیب نیستند ولی به هر حال بایستی بدین سمت حرکت کرد و از کارهای دیمی و بدون نظم و برنامه فاصله گرفت. حتی مسجد می تواند و می باید محور تربیت دینی باشد و با جلب همکاری سایر نهادهایی که در این زمینه فعالیت می کنند مانند برخی حسینیه ها و امام زاده ها و ... جلو برخی موازی کاری ها و همپوشانی ها را گرفته و به سمت کار منسجم و هدفمند با چشم انداز و رسالت دقیق و اهداف بلند مدت، کوتاه مدت و میان مدت مشخص، در جهت تأثیرگذاری بر نهاد خانواده قدم بردارد.

الف) نهادهای آماری کشوری

1. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (unodc).
2. سازمان بهزیستی.
3. سازمان پزشکی قانونی کشور.
4. سازمان ثبت احوال و اسناد کشور.
5. سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران.
6. سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی.
7. ستاد مبارزه با مواد مخدر.
8. مرکز آمار ایران.
9. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه.
10. مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت (متما).
11. نیروی انتظامی.
12. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
13. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
14. وزارت کار و تعاون اجتماعی.
15. وزارت ورزش و جوانان.

ب) کتب و مقالات

القرآن الکریم

1. نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام.
2. ایمانی، سلطه «فرزند کم تر، زندگی بهتر» بر زندگی ایرانی، (مصاحبه)، نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری F

3. باقری، آزاده، ازدواج روی هوا، نشریه ابتکار، نسخه شماره، 5856، 1393ش.

4. بلقان آبادی، مصطفی و منطقی، مرتضی، تحلیل محتوای اتاق های گپ اینترنتی (چت روم های) ایرانی، نشریه سلامت روانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان 1389ش .

5. جوادی، مریم و هرندی، فاطمه، جوانان آسیب پذیر، فصلنامه جمعیت، شماره 61 و 62، 1386ش.

6. حاج علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق (گزیده رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)،

ص: 77

7. حرالعالمی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، جلد 14، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان، 1403 ق.
8. حسینی، احمد، نگرش سنجی افراد کاربر و غیرکابر ماهواره، اینترنت و بازی های ویدیویی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1385 ش.
9. حسینی کوهساری، سیداسحاق، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش های دینی، شماره 2، تابستان و پاییز 1384 ش.
10. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تحلیل محتوای شبکه فارسی وان، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره 17، آذر 1392 ش.
11. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وضعیت پدیده مانکنیسم، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره 18، دی 1392 ش.
12. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، 1381 ش.
13. شاملی، عباسعلی و یوسفی، ش، بازشناسی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد بویژه در حوزه خانواده، دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، بی تا.
14. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، 1418 ق.
15. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، چاپ پنجم، جلد 2، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1417 ق.
16. عالمی، حسین، حجاب، نشانه عظمت زن، روزنامه رسالت، شماره 7266، مورخ 26/2/1390 ش.
17. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج 5 و 6، 1388 ق.
18. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، 1377 ش.
19. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت - لبنان، دارالوفاء، ج 103، 1403 ق.
20. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، جلد 3، دارالحدیث، 1390 ش.
21. مرکز پژوهش وزارت کشور با مشارکت مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، طرح ملی «خشونت خانگی علیه زنان»، سال 1383 ش.
1. مشیرزاده، حمیرا، مقدمه ای بر مطالعات زنان، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، 1383 ش.
2. وزارت آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی - معاونت فن آوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی)، فرار از منزل، دانشنامه اینترنتی رشد، 1393 ش.
3. هام، مگی، فرهنگ نظریه های فمینیستی، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران، نشر توسعه، 1382 ش.
4. یان مکنزی و دیگران، مقدمه ای براید تئولوژی های سیاسی، ترجمه م، قائد، تهران، نشر مرکز، 1375 ش.

اغلب دانشمندان در بررسی تمدن و عوامل آن، دین را از عوامل و عناصر تمدن ساز به شمار آورده اند و این بدان جهت بوده است که تاثیر دین در جامعه های بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است در دوران معاصر علی رغم تغییرات اساسی در جوامع و شکل گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین همچنان حضور مؤثر و پررنگی دارد. به همین دلیل نهادهای دینی که ساختار و قالب های حضور دین در جامعه را صورت بندی می کنند اهمیت اساسی دارند. در این میان مساجد به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای دینی سهم اساسی را در تمدن سازی و تربیت برعهده دارند. پژوهش های تاریخی نشان می دهد که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است و یکی از مهم ترین مکانها برای هویت سازی مؤمنانه مردم به شمار می رود. با توجه به اینکه انسان، اولین آموزش ها را در خانواده می بیند، پایه هویت دینی و اخلاق فردی و اولین مراحل اجتماعی شدن او در خانواده شکل می گیرد. خانواده ها گرایش های مختلف، تربیت ها و اخلاق و منش و سلوک زندگی خاصی را به فرزندان منتقل می کنند. در خانواده های مذهبی آنچه که در مورد تربیت و پرورش فرزندان در کانون توجه قرار دارد مذهب و توجه به دستورات دینی درباره تربیت است. این نوع خانواده ها سعی می کنند نحوه رفتار و گفتار آنها به گونه ای باشد که در اثر این تربیت در آینده، دین و اوامر و نواهی آن محور رفتار و نوع سلوک آنها در زندگیشان باشد. مسجد به عنوان مهم ترین پایگاه دینی در اسلام جایگاه ویژه ای در زندگی خانواده های مذهبی دارد تا جایی که به سختی می توان خانواده ای مذهبی را برکنار از مسجد تصور کرد و خانواده مذهبی در واقع خانواده مسجدی است. ارتباط با مسجد برای خانواده، ویژگی هایی در عرصه شناختی، گرایش و رفتاری به

وجود می آورد که شاخص و ممیز این خانواده ها از خانواده های غیر مسجدی است. در این نوشتار تلاش شده است تا با نظر به اهمیت مسجد در ایجاد هویت دینی و سلوک مؤمنانه در افراد به روش تحلیل اکتشافی به کارکرد مسجد و خانواده و امتیازات و ویژگی های خانواده مسجدی بپردازد. واژه های کلیدی: مسجد، خانواده مسجدی، ویژگی های خانواده مسجدی، امتیازات خانواده مذهبی.

مساجد یکی از مهم ترین پایگاه های دینی هستند که به مثابه کانون جوشان فرهنگی در جوامع اسلامی عمل می کنند و با حراست از نظام ارزشی جامعه، مانع فراموش شدن ارزش ها از یک سو و منجر به تقویت باورهای مذهبی از سوی دیگر می شوند. در متون اسلامی مساجد به عنوان خانه های خدا در زمین بسیار گرامی داشته شده است. (حر عاملی 1409 ه ق، ج 5، 297) و پاداش و فضیلت بسیار برای بنا نهادن مسجد، تعمیر، آبادانی و پر رونق نگاه داشتن مسجد و آمد و شد در آن وجود دارد.

به استناد این متون خداوند برای بناکننده مسجد خانه هایی در بهشت بنا می کند، (همان منبع، 203) و آبادکننده مسجد را با صفاتی مانند ایمان آورندگان به خدا و روز جزا و برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و کسانی که جز: از خدا خشیت ندارند ستوده اند. «أَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَمِنْ أَمْنٍ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه/18) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مستداران خود و اهل بیت علیهم السلام خود و قرآن را دوستداران مسجد نامیده است، (نوری 1414 ق، ج 3، 355 و 363) و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در سخنی هشت فایده برای رفتن به مسجد بر شمرده است که از آن جمله: پیوند با مؤمنان، فراگیری دانش سودمند و ترک گناه است. (صدوق، 1362، ج 1، 40 و ج 2، 483) اغلب دانشمندان نیز در بررسی تمدن و عوامل آن، دین را از عوامل و عناصر تمدن ساز به شمار آورده اند، این بدان جهت بوده است که تأثیر دین در جوامع بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است. در دوران معاصر علی رغم تغییرات اساسی در جوامع و شکل گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین همچنان حضور مؤثر و چشمگیری دارد. بدین صورت که نمادهای دینی که

ساختار و قالب های حضور دین در جامعه را صورت بندی می کنند از اهمیت اساسی برخوردار می باشند. مسجد به عنوان کانون ابلاغ پیام و رسالت های الهی، مهم ترین نهاد دینی است. قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَ اللَّهِ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ...» (احزاب/39) و یا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» ای رسول ما، آنچه از سوی خدا به تو وحی شده تبلیغ کن. به عبارتی تبلیغ، ابلاغ و رساندن یک فکر یا یک پیام به فکر و روح و خمیر و قلب کسی است. (مطهری 1361، ج 1، 210) به عبارتی تبلیغ یعنی جمیع اقدامات مؤثر در عقیده، تصور و تصمیم گیری انسان به گونه ای که انسان مشتاقانه به سوی آن هدف کشانده شود و دگرگونی در بینش و رفتار او ایجاد گردد. (رهبر، 1371، 80) بر این اساس مسجد کانونی است برای انتشار و انتقال معارف دینی و ایجاد

باورهای عمیقی که منجر به ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحیات، افکار و رفتارهای انسان شود. (خندان، 1374، 62) و با نظر به همین اهمیت و جایگاه است که خداوند می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره/114)

بر این اساس مقاله حاضر در نظر دارد با شیوه تحلیل اکتشافی، تأثیر مسجد را بر خانواده مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. برای رسیدن به این هدف مقاله در دو بخش صورت بندی شده است. در ابتدا کارکرد مسجد در خانواده مسجدی تحلیل شده است و در بخش نتیجه گیری هم ویژگی ها و امتیازات خانواده مسجد محور آمده است.

1. صیانت درونی و بیرونی به چه معناست؟

اشاره

صیانت یعنی حفظ یک شیء از آنچه بدان آسیب می رساند. (باقری، 1379، ص 57) در آموزه های دینی صیانت معادل تقوا گرفته شده است. تقوا عبارت است از اینکه نفس تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نگردد. (صار التقوی فی تعارف الشرع حفظ النفس مما یوتر فی ذالک بترک المحذور و یتیم ذلک بعض المباحات) (1) البته این محافظت دارای مراتبی است: در یک مرتبه فرد هنگام لغزش، قدرت محافظت ندارد بنابراین به لغزش تن می دهد. اما پس از آن بلافاصله خود را باز می یابد، استغفار می کند و بر لغزش خود اصرار نمی ورزد. «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ذُنُوبَهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران/ 135) در مرتبه بالاتر صیانت هوشیارانه تر است و فرد به محض وسوسه لغزش به آن چیره می شود. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/ 201) این حالت به هنگام فکر لغزش آشکار می شود. مرتبه بالاتر محافظتی است در حد بازیینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آن را توسط مراتب پیشین تقوا به دست آورده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر/ 18) این مرتبه از صیانت ایجاب می کند که فرد با دقت در کیفیت اعمال صالح خویش به محاسبه پردازد و آن را از حیث تقایص و عدم اخلاص مورد توجه قرار دهد و به اصلاح و جبران آن پردازد. با توجه به این مراتب تقوا می توان گفت، تقوا مبدا است نه مقصد. با این توضیح؛ تقوا تلاش

ص: 85

مستمری است که دست کم مستلزم سه مقدمه شناختی است: شناخت عوامل تهدیدکننده و زمینه های خطر خیز، شناخت ظرفیت ها و امکانات اصلاحی و همچنین شناخت عوامل و روش های بازدارنی یا پیشگیری از خطر. البته این سه مقدمه اگر چه برای شروع صیانت لازم است ولی برای استمرار آن کافی نیست. صیانت علاوه بر خودآگاهی نسبت به تهدید ها، فرصت ها و روشهای اصلاحی و تدافعی در گرو عامل دیگری برای استمرار خود نیز است که عبارت است از: یاد داری موقعیت خطرناک و غفلت نکردن از آن. (علم الهدی، 1384، 273) براساس آنچه گفته شد توسعه تقوا به عنوان اساسی ترین ارزش اخلاقی و دینی کانون توجه مساجد است. زیرا مساجد کانون ذکر الهی است چنانچه در سوره بقره آیه 114 می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَتَعَالَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...» ستمکارتر از اینها (قوم بهود) کیست که مانع می شود که در مساجد از اسم خدا یاد شود. اینجا اسم خدا مطرح است یعنی مساجد جای ذکر خدا است. و ذکر مستمر خداوند عامل اساسی در صیانت درونی و بیرونی است. در زیر به رابطه ذکر خدا و صیانت می پردازیم.

1 - 1. صیانت و ذکر خدا

بر اساس آیات قرآن کریم تقوا و تذکر با یکدیگر همراه هستند. تقوا موجب تذکر است و البته تذکر نیز زمینه تقوا را فراهم می آورد. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/ 201) «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ» (بقره/ 63) «وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (انعام/ 69) شاید بتوان بر اساس این نوع آیات به نوعی هم عرضی یا ارتباط ایجابی عمیق میان تذکر و تقوا معتقد شد. چنان که توجه به آیه 164 سوره اعراف که عذاب عهدشکنان را با عبارت «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» تحلیل کرده است، همراه با آیه 130 سوره اعراف که عذاب خاندان فرعون را با تعبیر «لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» تحلیل کرده است، نشان می دهد که دو مفهوم تذکر و تقوا کاربرد مشابهی دارند. البته مفهوم ذکر صرفاً

واژگان خاص یا تکرار آن واژگان خاص نیست. بلکه منظور از آن توجه کامل به موقعیت منحصر انسانی و یادداری عناصر ویژه ای که در آن موقعیت است می باشد. منظور از یادداری، یادداری نعمت های الهی اعم از طبیعی، اجتماعی است. بر این اساس آنچه که در سوره بقره 47 و 93 بر بنی اسرائیل گذشت یادداری نعمت ها برای شکر و نعمت ها برای پرهیز از عصیان در این موقعیت ها و

پیش بینی خطر در موارد مشابه است. بنابراین ضرورت عقلی ایجاد می کند برای پیشگیری از ابتلای به نعمت های اجتماعی مشابه، مانع از پیدایش عوامل و زمینه های آنان شوند. ولی یادداری نعمت های اجتماعی موجب سپاس است و احتمالاً ذکر در این نوع آیات معنای شکر را افاده می کند. چنان که مقایسه تعبیر «لعلکم تذكرون» (اعراف/57) با تعبیر «لقوم يشكرون» (اعراف/58) نشان می دهد که شکر خداوند روزی دهنده معطوف به یادداری نیاز مستمر انسان به روزی های او در نتیجه اطاعت اوامر اوست و ذکر خداوند حیات بخش نیز با یادداری نیاز مستمر انسان به حیات بخشی او معطوف است که در نتیجه به اطاعت اوامر الهی منتهی می شود. (علم الهدی 1384، 92 و 231) از طرفی ذکر با برخی مفاهیم در تضاد است مثل تضاد ذکر با غفلت: «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف/28) یا شقاوت و ذکر: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ بِإِلْقَائِهِمْ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر/22) یا مفهوم اسراف: «أَفَتَصَدَّ رَبُّ عَنْكُمْ الذِّكْرُ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ» (زخرف/5) و یا فساد و با محبت غیر خدا (اعراف / 74) و نسیان: «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ». (انعام/44) البته ذکر بیانگر آن است که باید آنچه را که به آن علم داریم برای ما باز گفته شود. زیرا دشواری های انسان همزاد نادانی او نیست. پاره ای زاده نادانی و پاره ای دیگر زاده علم است و پاره ای زاده نسیان؛ آنچه مایه هبوط انسان شد نادانی نبود. زیرا او همه علم را داشت؛ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/31) آنچه نداشت ذکر بود و همین عامل وسوسه پذیری عزم او شد؛ «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه/115) ما پیشتر با آدم عهد کردیم اما او فراموش کرد و او را عزمی نیافتیم. پس تذکر دو گونه ثمر دارد: علم فراموش شده را به یاد می آورد و علم فراموش نشده اما بی خاصیت را زنده می کند و بر می انگیزد: «وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ ذَكَرُ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ وَ إِنْ تَعَدَّلْ كُلٌّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (انعام/70) و آنان را به قرآن تذکر ده مبادا که کسی به کردار ناپسند خویش در معرض هلاکت قرار گیرد. البته مهم ترین مطلب در ذکر دریافت توحید حضوری است

یعنی دریافت این واقعیت که عالم محضر خداست. آگاهی نسبت به حضور خدا غفلت زدایی و به طور مستقیم حرمت نگه داشتن در محضر خدا را در پی دارد. نیل به توحید حضوری یا توجه یا یادداشتن موقعیت ویژه انسان در محضر خدا در گرو دو اقدام اساسی است که عبارت است از: «طرده استقلال جهان در سایه گسترش نگرش آیه ای به جهان» و «طرده استقلال خویشتن در پرتو توسعه توجه به فقر ذاتی خود» البته باید توجه داشت که پایین ترین مرتبه ذکر، ذکر لفظی است و بالاترین مرتبه آن ذکر قلبی که با طمأنینه در قلب انجام می شود و تحول در سلوک انسان به وجود می آورد.

خانواده اهل مسجد با حضور در خانه خداوند و اقامه نماز نیرو و جان تازه می گیرد و خود را پیوسته در محضر خداوند می یابد و از این که در محضر الهی معصیت نماید شرمسار می گردد. در واقع انس با مسجد عامل بازدارنده از انحرافات در آنها می شود. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که با مسجد انس گیرد، خدای تعالی نیز با او انس می گیرد.» خانواده مسجدی که خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خود می داند پیوسته اهل مراقبت از خویشتن است و به محاسبه نفس خود می پردازد و از زشتی ها و منکرات دوری می گزیند؛ در مقابل معاصی مقاومت می کند و رذیلت ها و انحرافات چون آشفستگی، حرص و آز، تندى خشم و چیرگی حسد و ضعف شکیبایی و کمی قناعت و خواب غفلت و ترجیح باطل بر حق و اصرار بر شهوت و تند خویی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با راه راست و اصرار بر گناه و کوچک شمردن معصیت در او تکانده می شود (صحیفه سجاده، دعای هشتم) و از زشتی منکرات به دورند: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/45) البته آن ذکر که باردار از فضیلت است، ذکر مستمر می باشد.

2-1. استمرار ذکر

ذکر مستمر ذکر است که فرد فکر و اندیشه خویشتن را متمرکز بر عالم قدسی جبروت کرده است. ذکر از حیث استمرار و تداوم آن در سوره انفال آیه 45 آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» ای کسانی که ایمان آورده

اید هر گاه با قوم دشمنی مواجه شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته به یاد آرید باشد که رستگار شوید. یا در سوره جمعه آیه 10 می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» پس آنگاه که نماز پایان یافت باز در پی کسب و کار خود روی

زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار شوید و یا در اعراف آیه 205 می فرماید: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» همواره یاد خدا را در دل و نام او را بر لب آرام و آهسته در هر بامداد و شامگاه جاری کنید. این جمله کنایه از استمرار است بدین معنا که یاد مداوم خدا غفلت زدایی می کند و انسان را تطهیر می نماید، یک راه ذکر مستمر، موعظه حسنه است.

قرآن کریم در سوره نحل آیه 125 می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.» مردم را با موعظه حسنه به راه هدایت دعوت کنید. این سؤال مطرح است که چه نوع موعظه ای حسنه است و در چه صورتی در مخاطب اثر نافذ دارد. قرآن کریم در سوره فصلت آیه 33 می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.» در این آیه ذکر شده است که دعوت دیگران به راه خدا هنگامی شایسته و خوب است که مبتنی بر عمل صالح و اعتقاد سالم باشد، (1) پس پند و موعظه دیگران هنگامی اثرگذار است که گوینده خود عامل باشد و عمل او برخاسته از اعتقاد و التزام نسبت به حق باشد، اگر ویژگی نخست موجود نباشد موعظه لقلقه ای بر زبان است و همچنان که تنها بر زبان گوینده لغزیده است، تنها بر قشر وجود شنونده می لغزد و نه بیش: «إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا كَمَّ يَعْمَلُ بِعَمَلِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزَلُ الْمَطَرُ عَنِ الصُّفَا» (الحیاء، ج 1، 113) هرگاه عالم به علم خود عمل نکند موعظه اش از دل ها فرو می چکد چنان که باران بر سنگ صاف می لغزد. (باقری 1379، 147)

2. توسعه طهارت در زندگی

اشاره

طهارت به معنی وسیع شامل اعتقادات، اخلاق و اعمال می گردد. به عبارتی استعمال واژه های طهارت و نجاست در قرآن از حد محسوسات فراتر رفته و همین معنی محسوس، برای امور معقول اعتبار شده است. بنابراین در اسلام، بر همه معارف و اصول اخلاقی و احکام مسئله طهارت و نجاست ناظر هستند. در اسلام اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده است لذا طهارت یا حیات طیبه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/97) به معنای زندگی پاک

ص: 89

1- - در تفسیر المیزان آمده است که مقتضای سیاق آیه این است که «قال» در انتهای آیه به معنی رأی و اعتقاد گرفته شود.

است که جمیع شئون انسان را در بر می گیرد. از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری، عقلی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. به عبارت دیگر حیات طیبه نوعی زندگی است که انسان در ارتباط با خدا به آن دست می یابد و برای دست یافتن به آن در همه ابعاد وجود اعم از جسمی، اندیشه و اعتقاد، از پلیدی برکنار خواهد بود. انسان طیب جسمش را از هر ناپاکی حفظ می کند و به سلامت و قوت جسمی خود می پردازد. در عرصه اندیشه دارای اعتقاد صحیح و استوار است و از تصورات موهوم و شرک آمیز به دور است، و به درک توحیدی از هستی نایل می آید، به خداوند ایمان دارد و در عرصه گرایشات از وسوسه که نوعی تحریک شیطانی است خود را بر حذر می دارد. (مانده/91) «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»

در حقیقت کسانی که از خدا پروا دارند، تا وسوسه ای از جانب شیطان به ایشان رسد خدا را به یاد می آورند و بی درنگ بینا می شوند. به عبارتی گرایشات درونی خود را به صورت اخلاقی به قصد قربت ضبط و مهار می نمایند. در عرصه تبت و اراده، در حیات طیب، نیت ها پاک و مطهر است چنان که در قرآن آمده است: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/83) آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام خوش از آن پرهیزگاران است. و در همه اعمال و رفتار اعم از فردی و جمعی از پلیدی دوری می جویند چنان که در سوره مانده آیه 90 می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها، تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. یا چنان که در سوره نور، آیه 23 الی 26 می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (23) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24) يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (25) الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (26)» دامن خویش را از

زنا پاک می دارند، از فقر و فحشا، تعدی، خشم و ستم به دورند. به طور کلی می توان گفت در این نوع از زندگی مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می شناسند و به او می گروند و در عرصه جسم به پاکی، سلامت و قوت نائل می گردند. گرایش ها و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کنند، اراده معطوف به خیر

می یابند و در عرصه فردی و جمعی عمل صالح انجام می دهند و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می گسترانند. (باقری 1380، 111) یک راه طهارت سکنا گزیدن در مسجد است.

1-2. سکنی گزیدن در مسجد

سکنی گزیدن در مسجد انسان را از هر گونه آلودگی تطهیر می کند: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره/125) به یاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امن دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهیم و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت بزداید و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آورند. سکنی گزیدن در مسجد اثر دوسویه بر انسان دارد: از یک سو انسان طاهر وارد مسجد می شود «لاصلاه الا بطهور» (عاملی، 1104ق) یعنی نماز بدون طهارت تحقق نمی یابد به عبارتی کسی که می خواهد وارد مسجد شود و عبادت نماید و نماز گذارد با طهارت وارد مسجد می شود. (عاملی، 1104ق، ج 10، ص 55) از سوی دیگر مسجد با اعطای معرفت و بینش و فراهم سازی فضای حشر و نشر با مؤمنین و صالحین انسان را طاهر می سازد. کسی که در مسجد معتکف است می آموزد که چگونه خود را در عرصه جسم و جان تطهیر نماید. سلوکی را می آموزد که برای طهارت و تعالی او مفید است. به عنوان مثال کسانی که در مسجد معتکف می شوند از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز می کنند: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره/187) یقیناً از حرام نیز چشم پوشی می کنند. کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضا کند. قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی بهره او می شود. حضور در مسجد مایه تقرب است و تقرب به ذات احدیّت مایه طهارت است. حکمت عبادات آن است که عابد معبود را در ضمیر خود مشاهده کند برای اینکه به مرحله مشاهده معبود راه یابیم باید بر چشم و گوش و قلب خود کنترل داشته باشیم. (جوادی آملی، 183 _ 192) به تعبیری دیگر مسجد جوانه محبّت به خدا و دست یافتن به طهارت را در دل انسان می شکافد. با این استدلال که در شناخت، ما همیشه واسطه و دلیلی می خواهیم ولی در شناخت خدا، ما خدا را با خودش می شناسیم و نه با واسطه هایی «الهی بک عرفتك»، این شناخت در عبادات و در مسجد و با مانوس بودن با ادعیه اتفاق می افتد. در دعای ابوحمزه می خوانیم که خدایا

معرفت من دلیل من است به سوی تو و محبت من شفیع من است به سوی تو. یا در دعای کمیل می خوانیم: «الهی و قلبی بحبک متیم» بارالها قلب مرا به محبت و دوستی خود بی قرار کن. یعنی از غیر خودت مرا وارسته ساز. یا در مناجات المحبین می خوانیم: خدا یا محبت تو را می خواهم و محبت کسی را که تو را دوست داشته باشد. پس نتیجه می گیریم از آنجا که مسجد کانون دعا و نماز و عبادت است پس مسجد کانون طهارت و معرفت و محبت است.

در واقع خانه خدا انسان را از عمل پلید بدور می سازد. چنان که حضرت آسیه می فرماید: «وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/11) و باز خدا برای مؤمنان آسیه زن فرعون را مثل آورد هنگامیکه عرض کرد «بارالها تو خانه ای برای من در بهشت نزد خودت بنا کن و مرا از شر فرعون و عملش و از قوم ستمکار نجات بخش.» از این آیه می توان استنباط کرد که در خانه خدا و در جوار رحمت او بودن انسان را از هر نوع عمل ناشایست محافظت می کند.

2-2. ارتقا معرفت دینی یا اعطای بینش

بینش نوعی معرفت یا آگاهی عمیق و گسترده ای است که آدمی را با واقعیت مورد نظر کاملاً پیوند می دهد و به معنای دگرگونی در تلقی افراد از امور و از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال است. زیرا نوعی تلقی یا به عبارت دیگر نحوه ارزیابی امور یکی از مبانی مؤثر در نوع رفتارها و اعمال می باشد. بینش زمینه تغییر آفرینی در بسیاری از رفتارها و اعمال آدمی را فراهم می آورد. جاگرفتن بینش در ذهن انسان او را آماده به ظهور رساندن رفتار و اعمال تازه می کند. در آموزه های اسلامی بینش در مورد خدا، دنیا و انسان از عوامل مؤثر در ایجاد عمل صالح و توسعه فضایل شمار می رود. بینش انواعی دارد که عبارتند از:

1-2-2. بینش در مورد خدا

وقتی انسان در مورد خدا بینش پیدا می کند، با مبدأ گرفتن خدا، جهان را آنچنان که هست بزرگ می بیند و همه را در معرض فیض قیاض می بیند. بدین ترتیب از حسادت ها و بخل ها و حرص ها می رهد و این چنین رفتارهایی جای رستن در انسان نمی یابد. (باقری 1379، 79)

2-2-2. بینش در مورد دنیا

بینش در مورد دنیا بدین معناست که انسان بداند مرحله ای ابتدایی از هستی و قشری کم

مایه از آن است که محصور در ضیق آن زندگی می کند و با الم و امل در آمیخته است. یعنی دنیا سرای الم است از آن رو که آن را با بلا در پیچیده اند «دارالبلا محفوفه». (نهج البلاغه، خطبه 226) دنیا گذرگاهی است که آن را در مسیر آتشفشان و سخره های لرزان کشیده اند. هیچکس از مؤمن و مشرک، بی بلا و دشواری از این گذرگاه نخواهد گذشت. اما بالای مؤمن از آن روست که او این گذرگاه صعب را برای رفتن به سوی خدا برگزیده است (مقر)، و بالای مشرک از آن روست که او در این مسیر خانه گرفته است (مقر). به همین دلیل بلا برای مؤمن امتحان است و او در امتحان صبر را بر خویش روا می بیند. اما برای مشرک «ادب» است: «ان البلا للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للانبیاء و رجه و للاولیاء کرامه» (مجلسی، ج 64، 235)، و با فزع همراه چه او در جایی خفت که باید از آن می گریخت. (باقری 1379، 79) پس بلا را از دنیا نمی توان برکند، بود و نبود بلا را نمی توان برگزید اما نوع آن را می توان. با چنین بینشی بلا در دنیا اصالت دارد و از صدفه بر نخاسته است.

درگیری با بلا حتمی است، پس باید خود را آماده کرد و به استقبال آن رفت و یا با غافلگیری به آن تن سپرد. در این میان مؤمن با بلا درگیرتر است. این قضای الهی است که مقرّب تران جام بلا بیشتر بستانند. قال ابو عبدالله: «لو ان مؤمنا كان في قلبه لبعث الله عز وجل اليه من يوذيه لياجر على ذلك». (مجلسی، ج 64، 228) دنیا را سرای الم دیدن آمادگی برای پذیرش دشواری ها و رنج ها را در انسان بوجود می آورد و صبر در شتاند و قدرت رویارویی با مشکل را میسر می گرداند: «وَلَا تَهْنُوا فِي ابْتِعَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْحُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/104) نیمه دیگر رخسار دنیا امل است و از این روست که خداوند دنیا را زینت کرده ای ساخته است و زمین کانون حیات دنیا را با زینت ها آراسته است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ إِيَّاهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف/7) به علاوه شیطان نیز در این زینتکده ماذون است تا به تزیین پردازد و زشتی ها را زیبا جلوه دهد: «قال رب بما أغويتني لأزينن لهم في الأرض ولأغوينهم أجمعين.» (حجر/39) حیات دنیا با چنین خصیصه هایی امل ها را برمی انگیزد و در وسعت این آرزوهای بلند، چهره ای فربه از خویش بدست می دهد. اما قرآن می آموزد که دنیا چهره ای نحیف و نزار دارد: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا تَظْلُمُونَ فَتِيلًا» (نساء/77) بگو کالای دنیا اندک مایه است و آنچه آن را فربه می سازد آرزوهای آدمی است. قرآن با چنین بینشی در مورد دنیا زمینه دگرگونی و تحوّل را در انسان فراهم می آورد. بدین معنا که با دریافت این که دنیا سرای امل است و

کالای آن در زر ورق آرزو پیچیده شده است، انسان را در معامله هوشیار می کند تا برای آن بهایی گزاف نپردازد و جلوه های آن را جدی نگیرد و به گرفتن نصیب خویش کفایت کند: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/77) و به چیزی که بقا و صلاح در آن است یعنی عمل صالح دل ببندد. در این معنا است که دنیا مزرعه آخرت شمرده می شود و اگر کسی در آن بذر عمل صالح پاشد ثمره پایدار و باقی پیش رو خواهد داشت.

3-2-2. بیش در مورد حقیقت انسان

انسان هزار جلوه دارد در هر موقعیت به گونه ای است و در هر زمان به رنگی، اما هرگاه انسان جلوه معینی از خویش را حقیقت خود پندارد، این گمان با حالات، اعمال و رفتارهای معینی از او متناسب است. از همین جهت است که تصحیح بیش انسان درباره خویش مهم است. انسان ممکن است از خود بیگانه شود و به خویشتن و همی برسد که به مدد خیال بر پا می شود. قرآن چنین انسانی را (مختال) می نامد یعنی انسانی پرداخته از خیال: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء/36) اما حقیقت انسان وجود محتاج اوست: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/15) و باید به غیر خود تکیه کنید.

این بیش انسان را بصیر می کند که اگر آنچه بر دست و دل دارد در پیوند با خدا نبیند جزء این ناتوان می گردد. بر این اساس هرگاه انسان احساس بی نیازی یا استغناء کند یا احساس نیازمندی به غیر خدا کند از حقیقت خویش باز مانده است و از خدا و خویش مستور است و با خویشتن مجازی زندگی می کند. قرار و آرام پایدار انسان هنگامی جلوه می کند که او خود را در ارتباط با خدا ببیند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/28) مسجد جایی است که این بیش را به انسان می دهد زیرا یکی از کارکردهای آن غیر نماز خواندن و ذکر خداوند گفتن، بحث علمی کردن است. چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوذر در مسجد هر وقت نشستی بجزء

برای سه چیز بیهوده است: نماز خواندن، ذکر خدا گفتن و بحث علمی کردن. (بحار، ج 93، 370) البته باید این بیش ها به باور درونی تبدیل شود تا منشاء اثر در عمل باشد.

4-2-2. تبدیل بیش به باور درونی یا ایمان

باور و اعتقادی که عمیقاً در وجود انسان رسوخ می یابد ایمان است. ایمان گره و عقد

قلبی است، گاه در احادیث گفته می شود که ایمان عبارت است از اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح. اقرار به زبان و عمل دلیل و علامت ایمان هم تلقی می شود. ایمان ناگهانی و ندانسته و نخواستۀ در قلب جای نمی گیرد. خلق الساعه نیست، بلکه فعل ارادی و اختیاری است که هم دانسته است و هم خواسته. پس ایمان بر بستر بینش ها و دانسته ها می روید. برای ظهور ایمان در کسی باید بینش های مورد نظر، در وی فراهم آید.

مثل تلقی او از هستی، زندگی دنیا، حقیقت وجود انسان، مرگ و پس از آن و مانند آن، علاوه بر این دانسته ها باید عزمی در آدمی سر بر آورد تا ایمان در قلب او نفوذ کند. بر این اساس با تکیه بر بینش ها، جنبشی در عزم آدمی پدید آید و به این ترتیب بینش ها به عقیده یا همان باور درونی تبدیل می شود. قرآن کریم این روش را مکرر مورد استفاده قرار داده است تا با تکیه بر عطای بینش، باوری درونی و ایمانی راسخ در افراد بوجود آورد. «آنانکه کفر می ورزیدند چنین پنداشتند که هرگز مبعوث نخواهند شد. بگو چرا! سوگند به خدایم که بی تردید مبعوث خواهید شد. سپس به حتم به کردار هایتان آگاه خواهید شد و این بر خدا آسان است پس به خدا و رسول او و نوری که در آیات قرآن فرستادیم ایمان بیاورید و خدا بر آنچه می کنید آگاه است» (تغابن/ 9 و 8) در این آیات با تکیه بر بینش های مربوط به مرگ و پس از مرگ و احاطه علمی و عملی خداوند بر هستی در پی تحوّل باطنی یا ایمان و اعتقاد درونی است. به عبارتی ایمان در یک مرحله به قلب، «داخل» «قالت الاعراب امّا قل لم توّمنوا و لکن قولوا اسلمنا و لمّا یدخل الایمان فی قلوبکم.....» (حجرات/ 14) و در مرحله دیگر در آن «ثابت» می گردد: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ...» (مجادله/ 22) «خداوند ایمان را در دل های آنها ثابت کرد». در ایمان شما مرحله اول مورد نظر نیست، زیرا ایمانی که در قلب وارد می شود در معرض آن است که از آن خارج شود؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا». (النساء/ 137) از این رو برای ثابت کردن ایمان به روش های دیگری باید تمسک جست:

- پیوستگی سلوک ظاهری با یت های درونی

تأثیر و تأثر پیوسته و مستمر اعمال و سلوک ظاهری و افکار و یت درونی حاصلی در انسان پدید می آورد که بتدریج در اعماق وجود نشست می کند و رفته رفته با رسوب بیشتر سخت و دیرپا می شود. بدین گونه لایه زیرین یا اعتقاد درونی در باطن انسان شکل می گیرد.

استمرار ناظر بر کمیت رفتار است و محافظت و صیانت ناظر بر کیفیت عمل. یعنی همراهی توأمان، استمرار و محافظت بر عمل ضروری است. زیرا استمرار بدون محافظت سازنده، عادتی سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت و استمرار اصلاً سازنده نیست. چه «حالی» است که هر چند بسیار متعالی باشد زایل خواهد شد. قرآن کریم از نوسان پذیری انسان می گوید که در مواجهه با ناگواری، نالان و درمانده و در مواجهه با گوارائی خودخواه و انحصارگر می شود. مگر کسانی که بر نماز خود مداومت می ورزند: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج/24-23). کسی که به خدا ایمان دارد از نیروی بالقوه ای در درون خود برخوردار است که در حال سکون حتی از خود او نیز پنهان است، اما اگر این نیرو به جنبش در آید مظهر تحولات درونی عظیم و اقدامات چشمگیر خواهد شد. در پی چنین جنبشی است که حاصل آن احساس تکلیف و برانگیختگی عمیق درونی است که امکان ایستادگی در برابر فشارها و مقتضیات محیطی و بلکه حرکت در برابر آن را فراهم می آید. احساس تکلیف نه تنها مؤمن را قادر به انجام تکالیف دشوار می سازد، بلکه او را حتی بر مهار زدن به امواج خفیف درونی توانا می گرداند. احساس تکلیف و ایمان، توان بند زدن به طغیان های بی مهار را فراهم می آورد. (باقری 1379، 108-109) توجه به عمل و تکرار برخی اعمال در شریعت اسلام، به خاطر اتّحادی است که نفس با حالات و صفاتی دارد که در نتیجه تداوم آن اعمال حاصل می شود. این اتّحاد سبب پیدایش صورتی متلائم با آن صفات در انسان می شود و تثبیت این صفات در نهایت، ذات انسان را حقیقتاً فرشته، شیطان یا حیوان و حتی انسان کامل می کند. (جوادی آملی، ص 359)

تداوم اعمال نیک با استمرار پرهیز از اعمال سخیف به خودی خود یک فرایند مستمر جهت کسب معرفت است. البته انجام فرایض و مستحبات یا پرهیز از معاصی در جریان تزکیه موجب انباشت صفات نیک در کنار یکدیگر نمی شود، بلکه نفس را که حقیقت متغیر و نامعینی است به صورت «لبس بعد لبس» دچار تحول می سازد. طی چنین تغییری اندیشه یا صفتی نو بر اندیشه یا صفت قبلی سوار شده و فعلیت با صورت نوعی جدیدی برای نفس بوجود می آورد و در نهایت فعلیت آخرین که حاوی عناصر فعلیت های پیش است و مبتنی بر آنهاست، همان صورت نهایی فرد را تعیین می کند. (الاسفار الاربعه، ج 9، 61-60) بر همین اساس است که قرآن در آیه «فزادهم الله ایمانا»، فزونی را به جان مؤمن نه به ایمان او نسبت

می دهد؛ «فزادهم الله ایمانهم» یا اجر عظیم را به نفس نیک نه عمل نیک متعلق می داند. «وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/29) یعنی عمل صالح فارغ از نفس مؤمن سبب نجات از خسران یا جلب اجر عظیم نمی شود. آنچه زیادت یا نقصان می یابد نه عمل صالح است نه صفات صالح، بلکه حقیقت جان انسانی است. اعمال نیک مقدمه برای تکوین نفس نیک است. (علم الهدی 1384، 162-163)

البته یک راه تضمین استمرار و محافظت از عمل، فریضه سازی است. فریضه امری است که به هر حال باید انجام پذیرد «الزامی بودن» حکم و رعایت شرایط معینی که برای آن قرار داده شده مداومت و محافظت بر عمل را میسر می سازد. روش فریضه سازی در قرآن کریم متعدد بکار رفته است؛ «سوره انزلناها فرضناها...» (نور/14) توصیه شده است که همّت ها مصروف حفظ فرایض شود و هر چه مایه آسیب به آنها باشد کنار گذاشته شود.

3. مسجد و معرفت

مسجد در سوق دادن افراد به سمت شناخت و معرفت عمیق دینی در پرتو عقلانیت به عنوان یک نهاد دینی سهم اساسی دارد. قبل از بیان نقش مسجد در توسعه معرفت دینی باید گفت معرفت انسان به خود شامل شناخت روح و جسم و تبع آن دریافت معنای غنا و تغییر و بقا و شرافت می شود. با آگاهی از موانع، دشمنان، ظرفیت های انحرافی نفس، چگونگی برانگیختگی آنها، استعدادها و ظرفیت های دانشی و گرایشی نفس موجبات تدبیر، زمینه یادگیری را از طریق تزکیه و تعلیم فراهم می آورد. همچنین معرفت نفس موجبات تدبیر ظرفیت های گرایش و دانشی را از طریق تسلط بر هوای نفسانی و توسعه ظرفیت های هدایتی آن (اخلاق و عبادات) تدارک می بیند. حال آنکه جهل و نادانی نسبت به نفس سبب ابتلای به اعمال سوء و تکوین شاکله سوء و تن دادن به هوای نفس است؛ «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» (فرقان/43) مسجد از طریق حذف عوامل و موانع درونی یعنی آن رشته عوامل و موانعی که به بینش، گرایش، توانایی و رفتار خود فرد باز می گردد مثل غفلت و عوامل بیرونی یعنی عوامل و موانعی که به واسطه ارتباطی که انسان با انسان های دیگر یا با خداوند یا با طبیعت دارد در او اثر کند، نقش آفرینی می نماید.

4. مرز شناسی و شناخت حدود الهی

مسجد مرکزی است برای آشنایی با مبانی فقهی و احکام دینی مبانی اعتقادی و

فرهنگ سازی دینی و زدودن انواع جاهلیت ها از طریق مرتفع کردن نقایص معرفت دینی و اصلاح اختلالات احتمالی معرفتی و ارتقاء معرفت های نوین و تعدیل دانش و گرایش. بدین معنا که فرد با شناخت حدود و قوانین شریعت حق و دست یافتن به شناخت درست نسبت به حلال و حرام و فضیلت ها و رذیلت ها می تواند معنویت را در خویش رشد دهد. زیرا هرکس از علم بیشتری برخوردار باشد در مقام شناخت امکان بیشتری برای عقل ورزی دارد. به عبارت دیگر: احاطه علمی و برخورداری از اطلاعات گسترده، این امکان را برای فرد فراهم می آورد که موارد بیشتری برای ترکیب و مقایسه مطالب در اختیار داشته باشد. بنابراین به شناخت عمیق تر یا بازشناسی دقیق تری دست یازد. اطلاعات و آگاهی های گسترده، به عبارتی مانع از آن می شود که فرد به نتیجه گیری های خام پردازد.

5. فضا سازی تعاملی

اشاره

انسان در بین موجودات هستی، تنها مخلوقی است که فعلیت تمام عیار ندارد و قادر است صورت های متفاوت و گوناگونی را بپذیرد، صدرالمُتألهین می گوید: «بدان که در هیچ نوع از انواع موجودات اختلافی که در افراد بشریت یافت می شود وجود ندارد و این بدان سبب است که ماده انسانی به گونه ای آفریده شده است که در آن استعداد انتقال به هر صورتی از صور و اتصاف به هر صفتی از صفات تحقق دارد.» (شیروانی، 1377، 36) از سوی دیگر آدمی همزمان دارای هویت های طولی و عرضی، فردی و جمعی متعدد است که گاه در وضعیت

متعارض قرار می گیرند. هویت فردی انسان برخاسته از فضای خصوصی و درونی او، دارای اقتضائات درونی و موقعیت آن استعدادها نسبت به فضای عمومی و به عنوان عضوی از گروه مذهب، قبیله، ملت و... بوده و دارای خواسته های جمعی متناسب با آن فضای و نحوه قرار گرفتن او در آن فضا و میزان تجلی یافتن خواسته های آن فضا در اوست. (خیری، 214 و 219)

از طرفی طبق آموزه های اسلامی انسان بریده و مجزا از دیگران در نظر گرفته نشده است، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می کند به منظره وجهی اساسی از هویت او در نظر گرفته شده است بدین معنا که شکل گیری هویت او به نوع روابطی که با اطرافیان خود برقرار می کند بستگی اساسی دارد؛ از این رو راه و رسم جمعی که در آن زندگی می کند و با آنان حشر و نشر دارد اهمیت می یابد؛ زیرا انسان ها با شرکت در روابط معینی با یکدیگر هویت جمعی خویش را می سازند از این رو در هر جمع و امتی قرار گیرد و در آن دوام

آورد و با آن همراه شود خود را در شبکه معینی از روابط متقابل قرار داده به این سبب هویت جمعی در وی شکل می گیرد. چنان که خداوند می فرماید «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/140) «و البته (خدا) در کتاب (قرآن) بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن در آیند چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.» نتیجه می گیریم که انسان با قرار گرفتن در ارتباط متقابل با جمع و گروهی معین و دوام آوردن در این ارتباط، نفس خود را در معرض نوعی شکل گیری قرار می دهد که متناسب نوع ارتباط او با جمع مذکور خواهد بود.

از سویی انسان به سبب اتحاد نفس و بدن در وضعیت های مختلف محیطی در معرض حالت ها، احساس ها و افکار معینی قرار می گیرد. این امر در مورد شرایط زمانی و مکانی است. در مورد مکان ها گاه مقارنت رخداد معینی با مکان معین ویژگی خواص به آن می بخشد و آن را منشاء آثار ویژه ای می گرداند. فی المثل سرزمین حجاز نقطه ای است که خداوند آن را برای بنای اولین خانه مردم جهت توجه و عبادت معین فرموده است و از این رو کعبه مکانی بس شریف است که خداوند آن را حرم امن نامید «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُخَفِّطُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفِيَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ» (عنكبوت/67) و به آن سوگند خورد و گذشته از شرایط زمانی و مکانی از قدرت چشمگیری برخوردار است. در همین قدرت است که افراد هم سنخ به هم می گریند و از ناهم سنخ پرهیز می کنند و به سبب همین قدرت است که اگر فردی با جمعی معین محصور باشد رفته رفته به سنخ آنان در می آید. (نساء/140) در سخن حضرت امیر علیه السلام خوانده ایم که نادر است فردی خود را به قومی شبیه سازد و از آنان نگردد. از این رو تشبیه به کفار حرام است و به ورطه کفر می انجامد و خداوند از نشستن با کفار باز داشته است و درباره هر که به آن تن دهد حکم به همانندی کرده است.

بر اساس تأثیرپذیری انسان از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی ریشه برخی از افکار، تبات و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جستجو کرد، زیرا حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت ها می روید و از آنها ارتزاق می کند. از این رو شرایط و موقعیت های مختلف حامل بالقوگیهای متفاوتی در شکل دهی حالات و اعمال انسان ها هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و شرایط به مثابه عامل تسهیل کننده ای

است که امکان شکل‌گیری‌های مطلوب را بالا می‌برد. پس با توجه به تأثیر شرایط مکانی در انسان، هر نقطه‌ای از هستی رنگ و بوی ویژه‌ای دارد و انس با هر موقعیتی حال و هوای معینی در انسان پدید می‌آورد. روابط فرد با موقعیت‌های مکانی انسان را در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاص قرار می‌دهد علاوه بر این شرایط مکانی دلیل مقارنت با امور و وقایع، خود مبداء‌آثاری ویژه است. به عنوان مثال خانه کعبه که یادآور حضرت ابراهیم، اسماعیل و هاجر و حوادثی است که بر آنان گذشته، محل الهامات خاصی است و کسی که در این مکان حاضر می‌شود ولو تماشاجی باشد در معرض تأثیرات معینی قرار می‌گیرد. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الله تبارک و تعالی حوّل الی کعبه عشرين و مائه رحمه منها ستون للطائفین و اربعون للمصلّین و عشرون للنّاظرین» (کافی، کتاب حج، باب فضل النظر الی کعبه) «خداوند تبارک و تعالی و صد و بیست موج از رحمت خود را به سوی کعبه گسیل می‌دارد: شصت موج آن ویژه طواف کنندگان و چهل موج ویژه نمازگزاران و بیست موج ویژه کسانی است که دیده به کعبه بیندازند.» نتیجه آن که حفظ و تحکیم روابط اجتماعی مؤمنانه بین افراد، ناراستی‌های آنان را به نحو متقابل در معرض تغییر و اصلاح قرار می‌دهد و امکان رشد و تعالی مؤمنانه را برای آنان فراهم می‌آورد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «همنشینی با بدان، بدی بدنبال می‌آورد، همانگونه که باد بر چیز گندیده‌ای بوزد حامل بوی گند می‌شود» (تیمی در آمدی، ح 5849) و باز می‌فرماید: «همنشینی با هوا پرستان موجب فراموشی ایمان و حضور یافتن شیطان است». (نهج البلاغه، خطبه 85) امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: «با بدعت‌گذاران همراهی و همنشینی نکنید که نزد مردم از آنان خواهید بود». (مجلسی جلد 71، 201) یا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: «آدمی در آیین دوست و همنشین خود

است». (مجلسی، جلد 71، 201) یا امام صادق علیه السلام فرمودند: «به دیدار هم بروید تا دل‌هایتان نشاط گیرد و آنگاه سخنان و احادیث ما را یاد کنید. سخنان ما مایه مهربانی و صمیمیت شما خواهد گشت. اگر به این سخنان چنگ زنید به رشد و نجات می‌رسید و اگر آنها را واگذارید گمراه و نابود می‌شوید.» (شیخ کلینی 1379، 101)

بر اساس آنچه گفته شد مسجدی که بر پایه تقوا باشد به دلیل نوع و کیفیت تعاملاتی که صورت می‌دهد هویت جمعی انسان را از دو وجه می‌سازد: یک وجه آن ناظر بر فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر بر جلوگیری از شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش

می دهد. به عبارتی مسجد هر جا امکان لغزشی هست اعم از اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... از آن پیشگیری می کند. حضور در مسجد، تلاوت قرآن، شرکت در مراسم عبادی، توجه به سخنان و نصایح امام جماعت و دیگر خطبا و فراهم سازی موقعیتی که مؤمنین یکدیگر را ملاقات نموده و احادیث اهل بیت علیهم السلام را ذکر نمایند، انسان اهل مسجد را دارای هویت پایدار دینی نموده و اخلاق حمیده را در او توسعه می دهد. به طوری که به وضوح می توان تفاوت سلوک مسجدی را با دیگر افرادی که ارتباطی با مسجد ندارند دریافت و همین نوع سلوک در زندگی فردی و اجتماعی او تجلی می یابد. رفتارش با پدر و مادر، با همسر و فرزندان رفتاری مؤمنانه مسئولانه به همان صورتی که از دستورات دینی آموخته همراه با عطف و مهریانی خواهد بود. چنان که خداوند می فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان/15) به عبارت دیگر بنده مؤمن بر اهل بیت خود علم و ادب نیکو به ارمغان می آورد تا همه آنها را وارد بهشت کند تا جایی که ایشان کوچک، بزرگ، خدمتکار و همسایه از این امر بر کنار نمی ماند. مسجد به اقتضای فضای هندسی و جایگاه فرهنگی قدسی در فرد ظرفیت برای دریافت پیام دینی ایجاد می کند و کسی که به مسجد قدم می گذارد پیشاپیش و داوطلبانه و ارادی خود را آماده دریافت پیامی دینی می کند. حضور در زمان و مکانی مقدس آدمی را از دنیای روزمره و غیر مقدس فراتر می برد. (مجلسی 1348، 3) در مسجد هم نشینان انسان را به یاد خدا و قیامت می اندازند و بر دانش انسان می افزایند. هنگامی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که کدام هم نشین بهتر است؟ فرمود: آنکه دیدنش شما را به یاد خدا بیاندازد. بر دانش شما بافزاید و رفتار شما را به یاد قیامت وادارد (من رسول الله صلی الله علیه و آله لَمَّا قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْجُلُوسِ خَيْرٌ - من ذکرکم باللله رویته و زادکم فی علمکم منطقه و ذکرتم بالآخره عمله) (الطوسی و الامامی، 157)، امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمودند: «با اهل نیکی هم نشینی کن تا از آنان باشی و از اهل بدی دوری کن تا از آنان نباشی.» (نهج البلاغه، نامه 31)

به عبارتی دیگر مسجد با اسوه سازی نمونه سلوک مطلوب و مؤمنانه را عملاً در معرض دید مسجدی قرار می دهد بدینگونه موقعیت اجتماعی را فراهم می سازد تا فرد به پیروی از او بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه را در خویش پدید آورد.

چنان که قرآن کریم می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَفْتَدِ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام/90) آنان پیامبران کسانی بودند که خدا آنان را هدایت نمود

تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن. بر همین اساس است که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هر کس که به مسجد رفت و آمد داشته باشد به یکی از هشت ویژگی دست می یابد: برادری که در راه خدا از او سود برد، دانشی تازه، نشانه ای محکم، رحمتی که مورد انتظار است، سختی که او را از هلاکت باز دارد، سخنی را بشنود که او را به هدایت راهنمایی کند، گناهی را از روی ترس یا از روی شرم ترک کند.» (الصدوق، 368، ج 16) مسجد که کانون عبادت و نماز است انسان را در مقابل بسیاری از رذیلت های طمع، حرص، آز و مانند آن ایمن می سازد چنان که قرآن کریم ابتدا مفاسد طبیعی انسان را تشریح می کند. آنگاه می فرماید نمازگزاران از این رذایل محفوظند: «أَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (19) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (20) وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (21) إِلَّا الْمُصَلِّينَ (22)» (معارف/ 19-22) نماز انسان را از این رذایل محفوظ می دارد و تطهیر می کند و بسیاری از فضایل را برای انسان تحصیل می نماید. قرآن می فرماید نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید: «واقم الصلوة لذكرك» (طه/ 14) با یاد خدا دلها مطمئن و آرام می شود: «الا بذكر الله مطمئن القلوب» (رعد/ 28) پس دل نمازگزار مطمئن است و هرگز از غیر خدا نمی ترسد، هیچ دشمنی از درون و چه از بیرون نمی تواند موجب هراس او شود مسجد نوعی زیستن با آثار حیاتی ویژه ای را به طرق زیر سامان می دهد.

تقویت فرهنگ رجوع جاهل به عالم

مسجد مکانی است که افراد به راحتی به عالم دسترسی دارند و می توانند عقاید و مسائل خویش را با او در میان بگذارند و از ظرفیت های علمی و اعتقادی و اخلاقی او بهره فراوان ببرند. در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسجد سه مأموریت داشت: عبادت، پاسخ به سؤالات و برنامه ریزی برای امور اجتماعی؛ که گفتگو و رجوع به عالم یکی از مهم ترین مأموریت های آن است. در سیره اهل بیت C همچنین بوده

که ساعاتی در مسجد به مسائل مردم پاسخ می دادند. البته منظور از عالم، عالم ربانیست یعنی عالم عامل، چنان که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «مردم سه گروهند 1. عالم ربانی (عالم عامل). 2. متعلم علی سبیل نجات. 3. هیچ رعایه یا سرگردان که عمدتاً دوگروه اخیر در مسائلشان به عالم ربانی رجوع می کنند»، در همه زمینه ها وقتی عالم به آسانی در دسترس مردم باشد مردم به خود اجتهادی نمی پردازند و از عرفی گرایی بدورند. منظور از عرفی شدن بدین معناست که مردم دیگر اهل تقلید از مرجع نیستند. هر کس به اندازه فهم خود از دین بهره می برد و بر اساس فهم خود هر چه از دین می فهمد عمل می کند و اهل احتیاط در دین هم نیستند و معتقدند

که امور دینی نیز لازم است مثل سایر امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن به روز گردد و هر زمان اقتضاء خود را دارد. در واقع مردم به سمت نوعی تساهل و تسامح دینی گرایش پیدا می کنند به گونه ای که دیگر تکلیف برایشان از اهمیت لازم برخوردار نمی گردد، بلکه به ثبات درونی و پاک بودن منفک از سلوک رضا می شوند. بر این اساس در مسجد به دلیل اینکه مردم به عالم و فقیه متصلند و بی وقفه از فیض وجود او بهره مند هستند، فرصت واکاوی عقاید را از طریق ابراز و اصلاح آن در محضر عالم می یابند و بدین طریق معرفت دینی آنها تقویت و تعالی می یابد و از عرفی گری به دور می مانند. البته در همین بخش هم متوقف نمی ماند و به دلیل مواجه بودن با مدل عملیاتی از سلوک مؤمنانه معرفت دینی به باور درونی و اعتقاد تبدیل می گردد و سلوک آنان را سامان می دهد و به همین دلیل امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «با دانشمندان همشینی کن تا هم دانشت افزون گردد و هم ادب نیکو شود.» (غرر الحکم، ح 4786)

6. رشد فرهنگ تواصی به حق

منظور از تواصی به حق یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق به گونه ای که همگان حق را از باطل به خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند و در مسیر زندگی از آن منحرف نگردد. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (2) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3)» (عصر / 3-2) انسان ها همه در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده اند و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند. «ان الانسان لفی خسر» یعنی به طور مسلم همه انسان ها در زیانند سرمایه های وجودی خود را چه بخواهند و چه نخواهند از دست می دهند. خسر (بر وزن عسر) و خسران چنان که راغی در مفردات می گوید به معنای کم شدن سرمایه است، گاه به انسان نسبت داده می شود و می گویند فلان کس زیان کرد و گاه به خود عمل نسبت داده می شود و گاه ناظر بر سرمایه های بیرونی مانند مال و مقام است و گاه ناظر بر سرمایه های درونی مانند صحت و سلامت به عقل، ایمان و ثواب است.

این همان است که خداوند متعال به عنوان «خسران مبین» از آن یاد کرده است: «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر/ 15) زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خود و خانواده

خویش را در قیامت از دست می دهند، بدانید این خسران مبین همین است. راه جلوگیری از این خسران ایمان و عمل صالح و توصیه همدیگر به این دو است. در این آیه ایمان به طور مطلق ذکر شده است تا شامل ایمان به همه مقدسات گردد و اعمال صالح نیز ناظر بر اعمال شایسته است. نه فقط عبادات بلکه هر کار شایسته ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الهی و شریعت جامعه انسانی در همه زمینه ها شود. قرآن در این آیه صالحات را به صورت جمع آورده جمعی که با الف و لام همراه است و معنی عمومی دارد البته در این آیه عمل صالح و ایمان با هم آمده به گونه ای که لازم و ملزوم یکدیگرند. همچنین آمده است که: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/97) هر فرد از مرد یا زن عمل صالح انجام دهد در حالی که ایمان دارد ما آن را با حیات پاکیزه ای زنده می کنیم، و در سوره مؤمنون آیه 100 نیز اصرار به بازگشت به عمل صالح دارد: «رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت» از آنجا که ایمان و عمل صالح هرگز تداوم نمی یابد مگر اینکه حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و خواست و معرفت آن از یک سو و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر صورت گیرد. «تواصوا» از ماده «تواصی» در مفردات راغب به معنای آن است که بعضی، بعضی دیگر را سفارش به حق می کنند و حق به معنای واقعیت یا مطابقت با واقعیت است. تواصوا بالحق معنی بسیار وسیعی دارد که هم «امر به معروف و نهی از منکر» را و هم «تعلیم و ارشاد جاهل» را و «تنبیہ غافل» و «تشویق و تبلیغ» به ایمان و عمل صالح را شامل می شود. (مکارم شیرازی، 1372، 302)

بدیهی است که کسانی که یکدیگر را به حق سفارش می کنند خود باید طرفدار حق و عامل به آن باشند و از آنجایی که بعد از مسئله شناخت و آگاهی هر کس در مسیر عمل در هر گام با موانعی روبه رو می شود اگر استقامت و صبر نداشته باشد هرگز نمی تواند احقاق حق کند و عمل صالح انجام دهد یا ایمان خود را حفظ نماید. صبر هم در این آیه به معنای عام به کار رفته که هم صبر بر اطاعت و هم بر

مصیبت و هم بر معصیت را شامل می شود بر اساس آنچه گفته شد مسجد که جامعه کوچک مؤمنین است توصیه به حق و تقویت آن از ماموریت های محوری محسوب می شود که در اثر تحقق آن مشکلات و آسیب های مهم زندگی فردی و اجتماعی سامان می یابد. البته قابل ذکر است که توصیه به حق هم

از جهت بعد معرفتی آن مدنظر است و هم از جهت عملیاتی کردن آن،⁽¹⁾ در تشریح بحث معرفتی روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام است که می فرمایند: علمی که مردم باید داشته باشند چهار چیز است: 1. علم به پروردگار و شناخت پروردگار تبارک و تعالی (بدان رب تو کیست). 2. چه چیزی در تو قرار داده است؟ 3. بفهمی که از تو چه می خواهد. 4. بدان که چه چیزی تو را از دین خارج می کند. بحث اینک بدانیم چه چیزی از تو می خواهد ناظر بر تکلیف شناسی است. مسجد کانون شناخت تکالیف و وظایف است اهل مسجد یگدیگر را به حق و صبر توصیه می نمایند. از این رو در مسجد هم معرفت عرضه می شود و هم استمرار میابد و این استمرار است که باعث شود معرفت به باور درونی پایدار تبدیل شود و منشأ سلوک مؤمنانه و صالح گردد.

ص: 105

1- . مبحث توأسی به حق از تفسیر آیت الله مکارم استفاده شده است.

بر اساس مطالب پیش گفته خانواده مسجدی دارای ویژگی های زیر است:

1. آراستگی ظاهری و جسمی: یکی از ویژگی های افراد مسجدی آراستگی ظاهری و جسمی است. اهل مسجد علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از جهت ظاهری و جسمی نیز باید در رفتن به مسجد، خود را آماده و آراسته نماید. بنابراین، پوشیدن لباس نظیف و تمیز، خوش بو کردن لباس و بدن و اصلاح سر و صورت از جمله وظایف خانواده ها در رفتن به مساجد است.
2. معرفت دینی عمیق: برای رسیدن به تکامل، نخستین گام کسب «معرفت و بصیرت» یعنی نورانیت دل و دیده است. اهل مسجد تحت تأثیر مداوم موعظه حسنه و تذکر و دسترسی آسان به عالم، شناخت عمیقی نسبت به خود، خداوند، وظایف و تکالیف خویش دارند معرفتی که آنان را به سوی تن دادن به سلوک مؤمنانه و متعهد شدن به آن یاری می کند.
3. روحیه تکلیف مداری: احساس تکلیف نه تنها مؤمن را قادر به انجام تکالیف دشوار می سازد، بلکه او را حتی بر مهار زدن به امواج خفیف درونی توانا می گرداند. احساس تکلیف و ایمان، توان بند زدن به طغیان های بی مهار را فراهم می آورد و اهل عافیت و عرفی گری نیستند.
4. اهل طهارت همه جانبه: خانواده مسجدی گرایشات و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کند و اراده معطوف به خیر می یابد و در عرصه های فردی و اجتماعی عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت، عدالت و رافت در جامعه می گستراند و از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری- عقلی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است. جسمش را از هر ناپاکی حفظ می کند و به سلامت و قوت جسمی خود می پردازد. در عرصه اندیشه دارای اعتقاد صحیح و استوار دارد. در اندیشه و اعتقاد از تصورات موهوم و شرک آمیز بدور است و به درکی توحیدی از هستی نایل می آید به خداوند ایمان دارد در عرصه گرایشات از وسوسه که نوعی تحریک شیطانی است خود را بر حذر می داند.
5. اهل تحمل بلا و رنج: با توجه به اینکه خانواده مسجدی دنیا را سرای الم می داند و معتقد است که آن را با بلا در پیچیده اند و هیچکس از مؤمن و مشرک بی بلا و دشواری از این گذرگاه نخواهد گذشت خود را آماده می کند و به استقبال آن می رود و آمادگی برای پذیرش دشواری ها و رنج ها و صبر در شدائد و قدرت رویارویی با مشکل را پیدا می کند.

6. اهل خیر خواهی: خانواده مسجدی وقتی در مورد خدا بیش پیدا می کند، با مبدأ گرفتن خدا، جهان را آن چنان که هست بزرگ می بیند و همه را در معرض فیض فیاض می بیند. بدین ترتیب از حسادت ها و بخل ها و حرص ها می رهد و این چنین رفتارهایی جای رستن در او نمی یابد.

7. اهل ذکر: منظور از ذکر، یادداری نعمت های الهی اعم از طبیعی، اجتماعی و نعمت های اجتماعی است. خانواده مسجدی از عصیان در این موقعیت ها پرهیز و خطر در موارد مشابه را پیش بینی می کند و به سرنوشت مشابه توجه دارد. بنابراین برای پیشگیری از ابتلای به نعمت های اجتماعی مشابه، مانع از پیدایش عوامل و زمینه های آنان می شود.

8. به دور از انحرافات: خانواده مسجدی تحت تأثیر بیش نسبت به نظارت مداوم پروردگار و بیش نسبت به دنیا، دامن خویش را از زنا پاک می دارد از فقر و فحشا، تعدی و خشم و ستم به دور است. گرایش ها و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کنند، اراده

معطوف به خیر می یابد و در عرصه فردی و جمعی عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می گستراند و در برابر فشارها و مقتضیات محیطی مقاومت می کنند و توان بندزدن به طغیان های بی مهار را دارند.

خانواده مسجدی که خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خود می داند پیوسته اهل مراقبت از خویشان است و به محاسبه نفس خود می پردازد و از زشتی ها و منکرات دوری می گیرند. در مقابل معاصی مقاومت می کند و رذیلت ها و انحرافات چون آشفتگی، حرص و آز، تندخویی و خشم و چیرگی حسد و ضعف شکیبایی و کمی قناعت و خواب غفلت و ترجیح باطل بر حق و اصرار بر شهوت و تندخویی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با راه راست و اصرار بر گناه و کوچک شمردن معصیت در او تکانده می شود. امام علی علیه السلام فرمودند: «... همانا نماز، گناهان را چونان برگ های پاییزی فرو می ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردنها می گشاید.» (نهج البلاغه، خطبه 199)

9. عدم دلبستگی به دنیا: خانواده مسجدی تحت تأثیر بیش منفی نسبت به دنیا و کم مایه دانستن آن در معامله با آن هوشیاری می کنند و برای آن بهایی گزاف نمی پردازند و جلوه های آن را جدی نمی گیرند و به گرفتن نصیب خویش کفایت می کنند و به عمل صالح که ثمره پایدار و باقی دارد دل می بندد و در مقابل شدائد آن مهیا است.

10. اهل انس با خدا: کسی که با مسجد انس گیرد، خدای تعالی نیز با او انس می گیرد.

اهالی مسجد که با خدا انس گرفته اند به او توکل و اعتماد می کنند از این جهت خود را از غیر خدا بی نیاز می بینند.

11. اهل صیانت از خود و دیگران: اهل مسجد برخوردار از سلوک مؤمنانه اند و نسبت به ناموس نسبی خویش اهل غیرت، صیانت، محبت، عزت و کرامت هستند و به دلیل نگرشی که نسبت به خود و خدای خود و دیگران دارند، دیگران را ناموس دینی و یا اجتماعی خویش می پندارند و همان سلوکی که با ناموس نسبی خویش دارند نسبت به ناموس دینی و اجتماعی خویش دارند. یعنی به دیگرانی که یا در کیش با او همانندند یا در آئین همچون ناموس حقیقی خویش محبت و حمایت و صیانت و مراقبت می کنند، عزت و کرامت دیگران را ارج می نهد. و از سویی تحت تأثیر اخلاق مؤمنانه از خویش نیز مراقبت و صیانت می کنند که از مدار شرع و حق خارج نگردند و دیگران را طعمه خویش نپندارند. به عبارتی اهل صیانت و بازداری مؤمنانه و عقیقانه در عرصه های مختلف و خود کنترلی درونی در برابر وسوسه ها هستند.

12. اهل تواضع به حق: اهل مسجد یکدیگر را به حق و صبر دعوت می کنند.

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، مؤسسه انتشارات حضور، 1381.

نهج البلاغه، صبحی صالح، چاپ بیروت، لبنان، بی تا.

ابوالقاسمی، محمد جواد و سیدمهدی سجادی، پژوهشی در چالش توسعه فرهنگ دینی، تهران، انتشارات عرش پژوه، 1383.

ابی جعفر محمد صدوق، علل الشرایع، جلد دوم، نجف، المكتبة الحیدریه، 1385 ق.

الویری، محسن و جواد نظری مقدم، «بررسی سیره زندگی اجتماعی امامان معصوم علیهم السلام با تأکید بر ابزارها و روش های تبلیغی-ارتباطی»، دو فصلنامه الهیات اجتماعی، سال 2، شماره 3، 1389.

الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش، 1382.

بابانیا، محمد باقر، «در سایه سار مساجد»، ماهنامه کوثر، شماره 32، آبان 1378.

باقری، خسرو، «پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی»، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، 1380.

باقری، خسرو، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، 1379.

تفسیر

نمونه، جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت ا... مکارم شیرازی، چاپ مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، بی تا.

جواد آملی، عبدا...، حکمت عبادات، قم، مرکز نشر اسراء، 1379.

جواد آملی، عبدا...، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، 1370.

حرعاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1403 ق.

خندان،

محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1403 ق.

خیری، حسن، «مقایسه فضای تبلیغی تلویزیون و مسجد»، سال 17، شماره 131، 1403 ق.

طاهریان، مسجد، مسجدها و چند کلمه حرف حساب، مجله زائر، شماره 70، تهران، 1370.

عزیزی، عباس، فضایل و آثار مسجد در آئینه قرآن و حدیث، قم، انتشارات نبوغ، 1376.

علم الهدی، جمیل، «مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی برای فلسفه صدرا»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، 1384.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج 1 (ط _ الإسلامیه)، مترجم: جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق.
- گروه نویسندگان زیر نظر آیت ا... مصباح، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، 1390.
- لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، قم، انتشارات بهشت بیش، 1385.
- مجلسی، علامه محمد باقر، بحارالانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء بیروت، 1404ق.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1359.
- مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، انتشارات صدرا، 1359.
- مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، 1370.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414ق.

امروز جهان در خطر فروپاشی خانواده، مضطرب و نگران است و در میانه دوراهی یک انتخاب بزرگ قرار دارد. در این نوشتار سعی بر این است که به طور خلاصه دو مسیر متنافر از یکدیگر یعنی فراقالب مبتنی بر هستی شناسی غرب و هستی شناسی اسلامی تا حدودی معرفی و سپس دیدگاه این فراقالبها را در مبانی هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی مورد مقایسه قرار دهد. در بخش دیگری از این مقاله سعی شده است تعریف و کارکردهای خانواده با تأکید بر نقش زن از این دو دیدگاه مورد بحث قرار گیرد و در نهایت مسیر نقش گذاری مساجد در جهت دهی خانواده ها به سوی انتخاب فراقالب دینی بررسی شود.

واژگان کلیدی: عزب، خانواده، هستی شناسی غربی، هستی شناسی اسلامی، نقش زن.

خانواده به عنوان نهاد پرورش دهنده و محافظ ایدئولوژی حاکم بر جامعه همواره تحت مطالعه قدرتمندان قرار داشته است و صاحبان سرمایه و سودجویان اقتصادی، از تمام جریانات پیش آمده و یا جریان سازی به نفع طمع خود بهره گرفته اند تا با کنترل و شکل دهی به این نهاد، یا آن را در خدمت اهداف خود درآورند و یا حتی آن را از حیز انتفاع خارج سازند.

تاریخ جریانات سود جویانه نشان می دهد آنان که قصد فریب دارند همواره خود را در قالب اصل معرفی می کنند همچنان که صاحبان قدرت جهانی تمام تلاش خود را می کنند تا از طریق مطالعات روان شناختی، مردم شناسی، زبان شناسی و ... درباره انسان مسیرهای سلطه بر روح و جان انسان ها را به دست آورند. آنها برای نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت، دیده شدن و حتی گرایش به یک وجود برتر یا من برتر (1) یا تجربیات اوج (مازلو) و یا تفرّد (یونگ) هم برنامه سازی کرده اند. خصوصیت ویژه طراحان سلطه جهانی این است که برنامه های خود را مطابق با نیازها تنظیم می کنند تا همراهی و اعتماد شکل بگیرد سپس اهداف خود را بر آن سوار می کنند. لذا تمام برنامه براساس این نیازها شکل داده می شود و اگر یک قدرت بتواند چگونگی پاسخ به نیازهای همگانی را رهبری کند در حقیقت سرچشمه، در تصرف اوست. امروز مؤسسات عظیمی که در سراسر دنیا در حال فعالیت هستند مثل بنیاد راکفلر (2)

با توجه به یافته های مرتبط با این نیازها به دستکاری این نیازها و جهت دهی و معنی دهی به شیوه های خاصی از زندگی می پردازند، تغییر در شیوه برآوردن نیازهای فیزیولوژیک به دلیل ملموس بودنش به وضوح قابل مشاهده است مثلاً در بحث خانواده،

ص: 115

1- . Higher self

2- . این بنیاد در ظاهر درخصوص امور مربوط به بهداشت و آموزش در سطح جهانی فعالیت می کند اما در واقع یک شرکت تجاری جهانی محسوب می شود که به همراه شبکه های گسترده مالی و اقتصادی خود، مدیریت بازارهای بین المللی را در دست دارد.

مؤسسات دریافته اند تغییر باورها و سبک های زندگی در خانواده های منسجم و بسته در مقابل تغییرات محیطی بسیار مشکل است مخصوصاً اگر خانواده دارای روابط منظمی با کلیسا به عنوان یک نهاد دینی باشد. لذا از چند ناحیه حمله به این سیستم ها را آغاز کردند.

آلوده ساختن صاحبان کلیسا از طریق نیازهای فیزیولوژیک و یا یافتن خود آلوده شدگان به دلایل نفسانی.

سست ساختن اعتقاد و پیوند خانواده ها با کلیسا از طریق بر ملا کردن وضعیت آلوده شدگان به عنوان ایجاد جو عدم اعتماد.

ارائه معنویت بدون موضوع⁽¹⁾ به عنوان جایگزینی برای رفع نیاز فطری به وجود برتر.

جسمانی ساختن خدا در شطحیات⁽²⁾ برای مثال خدا دستم را گرفت. هر کجا رفتم او مرا دنبال می کرد. من در دستهای او احساس گرمی کردم و امثال این.

اینک که نهاد خانواده در معرض خطرات و حملات رنگارنگ قرار دارد و دین پس از شکست انسان گرایی بدون خدا در جوامع غربی دوباره مورد توجه قرار گرفته، نهادهای دینی زمینه ساز ساختار و قالب های حضور دین در جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار شده اند. در حقیقت این نهاد ها هستند که مفاهیم و معانی دینی را باز تعریف کرده و در عرصه اجتماع معرفی می نمایند، از مهم ترین نهادهای شناخته شده قابل

اعتماد برای مردم در جامعه ایرانی و اسلامی؛ مسجد است. مسجد که با ظهور اسلام به منظور گردهمایی و تجمعات دینی و سیاسی شکل گرفت، از مهم ترین این نهادها است. مساجد در دورترین و مرکزی ترین بخشهای کشور در روستاها و شهرها می توانند محل خیر و برکت باشند. مساجد در کشور ایران هرگز تنها به عنوان محل عبادت شناخته نشده اند بلکه محل تغذیه فکری، حل معضلات و مشکلات مسلمانان، آموزش روش زندگی دینی، محافظت از ایده های مذهبی و غنی سازی آن و مقابله با دستبردهای شیطانی و در نهایت خیزش حرکت های سیاسی بر علیه حکومت های جابر بوده است. تاریخ هرگز شکل گیری انقلاب های کوچک و بزرگ در مساجد ی مانند قبا، ارک، گوهرشاد و امثال آن را فراموش نخواهد کرد. تاریخ، مبارزه آگاهانه اهالی بیدار مسجد علیه اندیشه های ستمگر و مودی را به خاطر خواهد سپرد.

ص: 116

1- . از دید فرانکل: هر چیزی می تواند معنوی به حساب بیاید.

2- . شطحیات بیان امور و رموز و عباراتی که حاکی از وصف حال و شدت وجد است. فرم شطحیات عمیقاً فرمی پست مدرنیستی است.

در پاسخ به نیاز فطری انسان ها در داشتن توضیحی برای آنچه با آن در ارتباط هستند، یعنی هستی اعم از هستی خود، خدا یا هستی های دیگر، در کل دو فضای کاملاً متفاوت وجود دارد. هریک از این فراقالب ها خود دارای شاخه های بسیار متعددی هستند ولی این شاخه ها اصول و مبانی مشترکی دارند که در طبقه بندی جزئی آن فراقالب قرار می گیرد. بسیاری از مکاتب فکری انسان شناسی و روان شناختی معتقدند انسانها ذاتاً به دنبال یافتن معنای وقایع اطراف خود هستند. در حقیقت معانی پیوند دهنده اشياء، وقایع و فاعل شناسا خواهد بود. (کلینگر، 1998، پیاژه، 1969) لذا معنا در حقیقت محصول هستی شناسی شخصی است و اهداف یا مقاصد هر کسی را می توان در دنیای معانی او شناسایی کرد. رویکرد تعامل گرایی نمادین این مطلب را چنین توضیح می دهد: شیوه ای که یک شخص چیزی را تعریف یا ادراک می کند (در واقع همان هستی شناسی وی) رفتارهای او را در رابطه با آن چیز هدایت می کند. (بلومر، 1969) لذا برای ورود به بحث خانواده به طور اصولی و درک چرایی تفاوت در تعاریف در این حوزه، درک تحولات جاری و چگونگی نقش دیگر اندیشان در آن و در نهایت درک وظیفه هدایتی مساجد در مقابل آن، باید فراقالب هایی که این نحوه ارتباط را توضیح می دهند، مرور کرده و موضع خود در مقابل آنها را روشن ساخت. فراقالب هستی شناسی اسلامی و فراقالب هستی شناسی غربی.

1. فراقالب هستی شناسی اسلامی

در هستی شناسی اسلامی؛ نحوه نگاه به هستی، نحوه نگاه، به انسان به عنوان یک مخلوق و رابطه اش با خدا، ارزش گذاری او در ارتباط با هر واقعیت و جهت گیری ارتباطی با

آن را، برای فرد مشخص می نماید. با توجه به ارتباط بین حیطه های شناخت در می یابیم برای تعریف و معنای هر چیز از جمله تعریف خانواده به عنوان یکی از متغیرهای بحث حاضر از یک دیدگاه باید به هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و سپس ارزش شناسی آن دیدگاه توجه نماییم.

هستی شناسی در حقیقت فلسفه و نگاه فرد نسبت به جهان و متعلقات آن است. در هستی شناسی اسلامی جهان آفریده خداوند است. بخشی آشکار و قابل دریافت با حس و بخشی پنهان و غیرقابل شناخت با حس است. (بقره) این جهان با هدفی مشخص آفریده شده، تماماً قانونمند است. همه آن لحظه به لحظه در حال آفریدگی و تحول براساس قوانین لایتغیر است. همه اجزاء آن یکپارچه، هماهنگ و زوج است و در مسیر الی الله در حرکت و بازگشت به مبدأ است. انسان جزئی از این جهان و تحت تأثیر همه این قواعد است. انسان به واسطه قدرت تآله یعنی شناخت الوهیت حاکم بر هستی می تواند متفاوت از دیگر اجزاء هستی باشد و تآله در حلقه خواست بشر و توفیق الله صورت می بندد. خدای هستی هیچ نسبت خاصی با هیچ یک از اجزاء هستی ندارد، بی نیاز است، مولود نبوده و مولودی ندارد، یگانه الرحمن و الرحیم است. هستی در حال گستردن دائمی غیرقابل تصور و دارای بطونی بعد از بطون است و انسان می تواند به اذن الله حتی بر غیب آن هم شناخت پیدا کند وایمان و یقین بیابد. ارزش انسان ها تنها به تقوی آنهاست و هیچ مزیتی الا به تقوا برای هیچ انسانی در نظر گرفته نشده است. (حجرات / 11) پس به این ترتیب می توانیم خانواده را در فراقالب هستی شناسی اسلامی چنین تعریف کنیم. خانواده یک نهاد فطری است که با کشش فطری یک زن و مرد برای سهم گذاری به منظور ساختن سرنوشتی مشترک متولد می شود و طی فرایندهایی قانونمند و مسئولانه با نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی زمان خود تعامل برقرار می کند.

در هستی شناسی اسلامی زوجیت یک قاعده کلی برای همه مخلوقات است. (1) پس خانواده به تبعیت از همه هستی وجودی واقعی، غایتمند، تابع قوانین وعلیت، در حال تغییر، دارای مراتب ارتباطی، تابع اراده مشترک تشکیل دهندگان و مسئول تأثیر و تأثر با خود، اجتماع،

حکومت، تاریخ و زمان مرتبط با خود است. این تعریف طبعاً ساختار و محتوی مشخصی دارد که به تابعان خود اجازه هر نوع عمل را نمی دهد. اینجا عمل مسئولانه است. مسئولیت در

ص: 118

این تعریف تنها رفع نیازهای شخصی یا حتی تحقق خود نیست. انسان فطرتاً مسئول آفریده شده است و باید در مقابل اجتماع، حکومت و تاریخ و زمان خود مسئولانه عمل کند.

در این نوع از انسان شناسی، انسان در مسیر تکامل، یا صعود می کند و یا سقوط، گزینه سومی به نام «سکون» وجود ندارد. (جوادی آملی، 1389) لذا مسئولیت اوست که بداند در حال صعود است یا بقول حضرت علی علیه السلام گرفتار ارتجاع «فلینظر ناظر؛ سائر هوام راجع» در چنین بینشی انسان هم مسئول صیر (1) خود است و هم مسئول سیر (2) خود. و قرآن می پرسد «فاین تذهبون؟» (تکویر، 26) از این ویژگی نتیجه می شود که انسان در این فضا و بینش دارای اختیار است. (رعد/5) در این دیدگاه، انسان قابلیت بازگشت از اراده خود و اتخاذ اراده معکوس را هم دارد و البته بازگشت به صلاح را هم خداوند می پذیرد. (توبه)

از دل این انسان شناسی، ارزش شناسی خاصی قابل درک است و آن اینکه ارزش انسان ها تنها در نزد خالق آنها تعیین می شود و میزان لا یتغیر خالق هستی، برای محک انسان ها، تقوی است و فقط تقوی. اینجا زن یا مرد بودن، از کدام طبقه اقتصادی و قبیله بودن، فرزند یا پدر و مادر چه کسی بودن، ارزش به حساب نمی آید. (3) تنها تقوی ملاک ارزش گذاری است و تقوی عبارت است از توان کنترل و تنظیم خود در صیر و سیر.

پس در تعریف خانواده از این منظر، ما با یک واقعیت روبرو هستیم که دارای آثار واقعی نیز هست. واقعیتی که ساختار مشخصی و کارکردهای معینی در قالب اهداف و وظایف دارد. ازدواج در اینجا تنها یک خواست شخصی نیست بلکه وظیفه اجتماعی و همراهی با هستی کل است.

و اختلال در آن یعنی عدم انجام تکالیف، عدم توجه به قواعد و هماهنگی با آنها، عدم رعایت حقوق خود، خدا یا انسانهای دیگر، عدم توجه به عهد و قرارداد اولیه با خود، خدا، یا همسر و فرزندان. و طبعاً رفع مشکلات هم با توبه از بد عهدی، زیاده خواهی، کم گذاری، خودخواهی و سهم خواهی میسر می شود.

2. فرآیند هستی شناسی غربی

هستی شناسی حاکم بر غرب معتقد است جهان محصول بازنمایی ها و تجلیاتی است که

ص: 119

1- حرکت نفسانی و درونی.

2- حرکت مکانی و بیرونی.

3- حجرات 11، آل عمران 195، غافر 40، النجم 21، قیامه 39.

افکار و اذهان انسان ها به وجود آورده است. به عبارت دیگر آنچه به عنوان امر واقعی تلقی می شود صرفاً به این دلیل واقعی است که براساس تصویر ما واقعی تعریف می شود. واقعیت چیزی است که انسان ها می سازند، می آموزند و آن را منتقل می کنند و دگرگون می سازند. (سایر، 200)

با حذف واقعیت در بحث هستی شناسی، امکان معرفت عینی هم در معرفت شناسی غیر ممکن می نماید. (مجلسی، 200) و در حیطه انسان شناسی، انسان، محور همه امور است. تحولات قالب فکری غرب چندان جدی به نظر نمی رسد. با نگاه به پیوستار و ریشه های این فراقالب روشن می شود غرب همواره انسان را محور همه امور می داند. در دوران سنت انسانهای خاص (صاحبان کلیسا) تعیین می کردند چه چیز درست و غلط است و شهروندان دست دوم یا تابع می شدند یا محکوم. در دوره مدرنیته آنچه انسانهای خاصی (دانشمندان) می توانستند آن را از طریق اندازه گیری با ابزار و روشهای مورد تأیید خود اندازه بگیرند و تصدیق کنند واقعیت به حساب می آمد و لا غیر و در دوره پست مدرنیته هر چه که هر کس آن را واقعیت بداند واقعیت است. البته اصلاح آن زود صورت گرفت و آن اینکه هر چه گفتمان حاکم آنرا واقعیت بداند، آن واقعیت است یعنی باز هم انسانهایی خاص که همان صاحبان قدرت و گفتمان سازها باشند واقعیت را تعریف می کنند به تعبیر دیگر واقعیت ها ساخته می شوند نه کشف اما ساز و کارهایی که واقعیت ها را می سازند اجتماعی است و قراردادی. (بینش، 2000)

انسان در این قالب به همه چیز معنی و در حقیقت هستی می بخشد. انسان خالق همه چیز است پس می تواند هر طور می خواهد آن را تغییر دهد. با توجه به این نوع هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی، تکلیف سیستم ارزش گذاری روشن می شود. در اینجا ارزش ها هیچ وجه

واقعیت ندارند بلکه به زمان و فاعل ارزش گذار و اجتماع و هر چیز دیگری می تواند بستگی داشته باشند و درست و غلطش مشخص نیست. همه چیز می تواند درست و یا در عین حال از منظری دیگر غلط باشد. در این صورت سیستم تشویق و تنبیه هم وضع روشنی نمی تواند داشته باشد. خانواده در اینجا مجموعه معانی است که دو نفر (نه لزوماً زن و مرد) آن را خلق و تجربه می کنند که احتمالاً بیشتر تحت تأثیر گفتمان حاکم است.

مشخصاً گفتمان حاکم همان قدرت حاکم است زیرا وقتی سیستم معنایی خلقی باشد و نه کشفی، کسانی که قدرت بیشتری دارند سیستم معنایی متناسب با اهداف خود را بر اجزاء

جامعه حاکم می سازند. از این منظر، اختلال معنایی ندارد. اینکه دوزن و یا دو مرد تصمیم بگیرند با هم ازدواج بکنند جالب است و خلق معنایی جدید، اگر بازار را تقویت کند حتی می شود آن را به نوعی همه گیر هم کرد. اینکه حتماً قاعده ای و قراردادی و اعلانی وجود داشته باشد مهم نیست، می شود هر کسی تا هر زمانی با هر کسی به هر دلیلی زندگی کند و یا در اصطلاح هم خانه باشد. در این صورت درمان خانواده هم بی معناست اگر مجموعه افرادی احساس کردند داستان زندگی شان جالب نیست می شود کمک کنیم داستان تازه ای خلق کنیم، هرطور که آنها بخواهند.

در هر صورت امروز جهان با دو قالب ذهنی برای خانواده روبروست. هر دوی این جریانات در کشور ما نیز وجود دارد، بیش و کمش مهم نیست، واقعیتی است که هست. در واقع جنگ جدید بین این دو نگاه آنچنان خاموش و خزنده پیش می رود که بسیاری از افراد حضور آن را در جامعه احساس نمی کنند، زیرا در این جنگ کسی پرچم خاصی برای شناخته شدن ندارد. وقتی زبان بر چگونگی درک افراد از واقعیت تأثیر می گذارد و یک تعامل دو جانبه بین زبان و فرهنگ برقرار است. وقتی زبان جهان بینی و شیوه تفکر ما را تحت تأثیر قرار می دهد. چه کسی می تواند بر ورود دنیاهای ناشناخته در دنیای انتخابی ما نگرهبانی کند. اگر بپذیریم که عادات زبانی انتخابهای ما را می سازند، همان گونه که وورف و سایپرو (1930) گفته اند و اگر انسان می تواند معانی را به هستی القا کند پس چگونه می توان انتخابهای آزادی داشت و مسئولیت آنها را پذیرفت.

جدول شماره یک نشان می دهد که نگاه قالب بر گفتمان در فضای اسلامی و غربی چه تفاوت ریشه ای درباره هستی، معرفت، انسان و دیگر ارزشها دارد. با این وصف انتقال اطلاعات از طریق رسانه ها تداخل بسیار

نابود کننده ای بوجود آورده است و این، تکلیف مساجد را روشن می سازد.

در جدول زیر نگاهی تحلیلی بر مضامین حاکم بر این دو فراقالب خواهیم داشت:

جدول شماره 1: مقایسه مضامین مبتنی بر فراقالب هستی شناسی اسلامی و هستی شناسی غربی

فراقالب هستی شناسی اسلامی

فراقالب هستی شناسی غربی

جهان

آفریده خداوند است

جهان

محصول بازنمایی ها و تجلیاتی است

که

حاصل افکار و اذهان انسان هاست.

واقعیت

امری عینی و حقیقی است

که

خداوند خالق آن است.

واقعیت

چیزی است که انسان ها می سازند.

معرفت

امری عینی و بیرونی است.

معرفت

ذهنی است و معرفت عینی ممکن نیست.

خداوند

محور همه امور است.

انسان

محور همه امور است.

ارزش

انسان ها تنها در نزد خالق

آنها

تعیین می شود.

ارزشها

می تواند بستگی به زمان و فاعل ارزش گذار

و

اجتماع و هر چیز دیگری داشته باشند.

میزان

لا یتغیر خالق هستی برای

محک

انسانها تقوی است انسان

می تواند

به اذن الله بر آن شناخت پیدا کند.

ارزشها

معیاری برای تشخیص درست

یا

غلط ندارند.

خانواده

یک نهاد فطری است که باسهم گذاری

یک

زن و مرد به منظور ساختن سرنوشتی مشترک

متولد

می شود و طی فرایندهایی قانونمند و

مسئولانه

با نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی و

تاریخی

زمان خود تعامل برقرار می کند.

خانواده

در اینجا مجموعه معانی است

که

دو نفر (نه لزوماً زن و مرد) آن را خلق

و

تجربه می کنند که احتمالاً بیشتر تحت

تأثیر

گفتمان حاکم است.

اختلال

در خانواده یعنی عدم انجام تکالیف، عدم

توجه

به قواعد و هماهنگی با آنها، عدم رعایت حقوق

خود،

خدا یا انسانهای دیگر. عدم توجه به عهد و

قرارداد

اولیه با خود، خدا یا همسر و فرزندان

خانواده

مختل و آسیب زا وجود ندارد.

در

خانواده ساختار مشخصی دارد

و

کارکردهای معینی در قالب اهداف و وظایف

هیچ

قاعده و قانون و قراردادی در ازدواج

و

خانواده وجود ندارد.

درمان خانواده یا تصحیح شرایط یعنی

توبه

از بد عهدی و زیاده خواهی

و

کم گذاری و خودخواهی و سهم خواهی

درمان

خانواده بی معناست و تغییر در واقع

خلق

داستان جدید است.

ازدواج

در اینجا تنها یک خواست شخصی

نیست

بلکه وظیفه ای اجتماعی

و

همراهی با هستی کل است.

ازدواج

یک خواست و تمایل شخصی

مبتنی

بر هیجان است. هیجانی که

آن

را عشق می نامند.

در ادامه این بحث لازم است موضع این دو فرآیند را در ارتباط با تعریف از زن به عنوان یکی از دورکن هسته اولیه خانواده بررسی شود.

ص: 122

ائمه جماعات باید توجه داشته باشند غرب برای کسب قدرت بیشتر از عنصر اساسی خانواده یعنی زن، چگونه بهره گرفته است و چگونه این نیمه جامعه را در تعارض با نیمه دیگر قرار داده است و از ایجاد این تعارض بهره های فوق تصویری را برده است. ائمه محترم جماعات باید مبانی و سیر این جریان را به خوبی بشناسند تا در ارتباط با خانواده دچار خطای استراتژیک نشوند. ائمه محترم جماعات باید توجه داشته باشند که معرفی دقیق و اصیل قرآنی در ارتباط با نیمه آزرده خاطر خانواده یعنی زن که دائماً بوسیله رسانه های خارجی و البته داخلی برای ایجاد تعارض در خانواده بسیج می شوند از اهمیت استراتژیک برخوردار است. از این روی به طور بسیار خلاصه و کلی به توضیح این سیر می پردازیم.

در فرهنگ غرب قبل از میلاد، ارسطو زن را موجودی ناقص قلمداد می کرد. او معتقد بود زنان و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. یهودیان نیز بنا بر فرمان یهوه در آخرین بند از فرمانهای ده گانه، زنان در ردیف چهارپایان و اموال غیر منقول قرار دارند و دعای مردان در نمازشان این است که «خدایا از تو سپاسگزارم که مرا کافر و زن قرار ندادی». (بزرگ زاده، بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه مطالعات فرهنگی _ دفاعی زنان. 1384). باز خوانی متون دینی مسیحی نیز منطبق با این نگاه تحقیر آمیز تعبیر و تفسیر شده و زمینه های بروز چالشهای سهم خواهانه زنان با سوگیری ضد مذهبی را فراهم آورد و مبارزات آنها را در قالب فمینیسم شکل داد. این جریان سالهاست در غرب در حال رشد و توسعه است جریانی که در مقابل زورمداری و بهره وری از زن در غرب ساخته شد و خود به دلیل عدم داشتن میزانی برای حقیقت جویی و بهره وری موج سواران اقتصادی، بالای دیگری شد برای انسانیت. این

جریان موجبات جنگ های خانگی، بی خانمانی، عدم آرامش و آسایش فرزندان را فراهم آورد و نه تنها نتوانست به حمایت از زنان کمکی کند بلکه منزلت زن را به شدت کاهش داد و گاه آنقدر تنزل یافت که دست آورد خود را راننده کامیون و تاکسی زنان اعلان نمود و در نهایت موجب شد مردان در خانه، خانه داری کنند و زنان در بازار به فروش بپردازند. البته این جریان مسیر پریچ و خم را پشت سر گذراند و به مدد پشتیبانی های فرماسونرها تا حد ساختن فلسفه و سیاست هم جای پای برای خود باز کرده و امروز به یک نحله دینی تبدیل شده است و متأسفانه شعارهای زیبا شده آن که اصولاً ضد دین است بدون توجه در جوامعی مثل جوامع اسلامی که به طور زیربنایی درباره زن و مرد دیدگاه کاملاً متفاوتی دارد نیز نفوذ کرده است. (1) قابل توجه است که در

جامعه غربی زنان در متون مقدس با چه چیز روبرو شدند. چیزهایی که بوسیله ارباب کلیسا با وسواس و جزئیات مطرح می شد با بیداری زنان این مباحث موجبات تحولاتی را فراهم آورد که هر چند در اصل خود سؤالهای به حقی بود اما همچون گذشته تاریخ به انحراف کشیده می شد و مورد سوء استفاده جماعت ماهیگیر قرار گرفت. اما آنچه مورد سؤال قرار گرفت عبارت بود از:

ادعای برتری مرد بر زن در خلقت؛ مسئول بودن زن در گناه ازل؛ فدیة بودن پسر خدا برای آمرزش گناه زن؛ تحمل رنج بارداری به جبران گناهی که انجام داد؛ تمکین بی قید و

ص: 124

1- . رسوخ چنین نگرشی در جامعه ما را یاد این فرموده مولانا می اندازد: اشتری گم کرده ای ای مُعتمد هر کسی ز اشتر نشانت می دهد/ تو نمی دانی که آن اشتر کجاست لیک دانی کین نشانی ها خطاست/ و آن که اشتر گم نکرد او از مری همچو آن گم کرده جوید اشتری / که بلی من هم شتر گم کرده ام هر که یابد اُجرتش آورده ام/ تا در اشتر با تو انبازی کند بهر طمع اشتر این بازی کند/ او نشان کژ بنشناسد ز راست لیک گفتت آن مُقلد را عَصاست / هر چه را گویی خطا بود آن نشان او به تقلید تو می گوید همان چون نشان راست گویند و شبیه پس یقین گردد ترا لا ریب فیه / آن شفای جانِ رنجور شود رنگِ روی و صحت و زورت شود/ چشم تو روشن شود پایت دوان جسم تو جان گردد و جانت روان/ پس بگویی راست گفتمی ای امین این نشانی ها بلاغ آمد مبین/ فیه آیات ثقات بینات این براتی باشد و قدرِ نجات/ این نشان چون داد، گویی پیش رو وقت آهنگ است پیش آهنگ شو / پیروی تو کنم ای راست گو بوی بُردی ز اشترم بنما که کو/ پیش آن کس که نه صاحب اشتری ست کو درین جُستِ شتر بهر مری ست،/ زین نشانِ راست نفزودش یقین جز ز عکس ناچه جوی راستین/ بوی بُرد از جِد و گرمی های او که گزافه نیست این هیهای او/ اندرین اشتر نبودش حق ولی اشتری گم کرده است او هم بلی/ طمعِ ناچه ی غیرِ روپوشش شده آن چه ازو گم شد فراموشش شده/ هر کجا او می دود این می دود از طمع هم دردِ صاحب می شود/ کاذبی با صادقی چون شد روان آن دروغش راستی شد ناگهان/ اندر آن صحرا که آن اشتر شتافت اشتر خود نیز آن دیگر بیافت/ چون بدیدش یاد آورد آن خویش بی طمع شد ز اشتر آن یار و خویش/ آن مقلد شد مُحقق چون بدید اشتر خود را که آنجا می چرید/ او طلب کار شتر آن لحظه گشت می نجستش تا ندید او را به دشت/ بعد از آن تنها روی آغاز کرد چشم سوی ناچه ی خود باز کرد/ گفت آن صادق مرا بگذاشتی؟ تا به اکنون پاس من می داشتی

شرط جنسی از همسر؛ عامل فریب بودن زن؛ لزوم حفظ پوشش بوسیله زنان؛ عدم تعلق زن به نوع بشر؛ عدم نیاز به یادگیری و درس خواندن؛ عدم وجود روح برای زنان.(1)

به این ترتیب در غرب این جریان موجب گوشه نشینی متدینین جامعه شد و زنان به حق خواهی برای برقراری حقوق انسانی شان روی آوردند اما دیری نپایید که فمینیست های انسان محور که برقراری عدالت و رفع تبعیض را دنبال می کردند به فمینیست های زن محور که خواهان جابجایی جایگاه مرد وزن و تبعیض وارونه بودند تبدیل شدند.

سؤالهایی که جو تحریک آمیزی را بوجود آورده بود، دهان به دهان گشت و منجر به سؤالهای دیگری شد از جمله: «چرا یک زن نباید در روابط جنسی حق تصمیم گیری داشته باشد؟ چرا یک زن باید محکوم به باروری و تربیت فرزندان و اتلاف عمر خود برای دیگران باشد.»

و در نهایت به اینجا انجامید که: «روابط جنسی حق شخصی هر فرد است و هیچ کس اجازه ندارد در این مسئله افراد دخالت کند. حال باید دید جامعه ای که زنان و احتمالاً مردان آن مجاز باشند هر کاری در این زمینه میلشان بود انجام دهند چگونه جامعه ای خواهد بود!

گنه کار دانستن حوا در مسئله فریب شیطان در سفر پیدایش و تفسیر بعدی عالمان به گنه کار دانستن زنان یا نظر بعضی از علمای مسیحیت مبنی بر اینکه زن برای مرد آفریده شده است و زن برحسب طبیعتش پایین تر و زیر دست مرد است چون مرد از بصیرت و عقل بیشتری برخوردار است؛ (ریشه یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه های کتاب مقدس، 1390). به آتش تعارضات اجتماعی بیشتر دامن زد. پس از این تلقی ها از زن، زنان به مخالفت با چنین بینشی برخاستند و عروسک گردانان واقعی در بازار، جهت بهره وری از موقعیت، وارد صحنه شدند و پایه های لیبرالیسم جنسی را بنیان نهادند.

در میانه قرن هفدهم جورج فاکس(2) برای حل مسئله گناه حوا و تعدیل برابری زن و مرد اظهار داشت که می شود از مسیح پیروی کنیم به این ترتیب که به جای تبعیت زنان از مردان، هر دو از خدا تبعیت کنند. (کریمی، 1385) در سال 1905 به دلیل مخالفت مردم با طبقه بندی های سلیقه ای و علاقه ای از طرف حکومت دینی که از قرن چهارم شروع شده بود، رسماً جدایی کلیسا از امور سیاسی در قانون اساسی فرانسه اعلان شد. (جاوید، ص 40) و بالاخره در نیمه قرن بیستم فمینیسم تغییرات عمیقی در نگرش ها و آداب و رسوم غربیان ایجاد کرد. انقلاب جنسی و آزادی به معنای رهایی روابط جنسی از قید و بندهای وابسته

ص: 125

1- . افتخاری، زن از دیدگاه ملت ها، ادیان و بزرگان جهان، زن از دیدگاه مسیحیت.

2- George fox .

به فضیلت های سنتی مسیحیت تلقی شد. (لکنهاوزن، اسلام در رویارویی با فمینیسم) لذا ممنوعیت روابط جنسی برای زنان به جز با همسران خود، پوشاندن زیبایی های زنانه، انحصار روابط با جنس مخالف، نگهداری از خانه و فرزندان بوسیله زنان و مواردی مثل این با انتقاد جدی روبرو شد و منجر به یک اعتراض لجوجانه خانمان سوز شد.

همانطور که قابل پیش بینی بود؛ میل به بی بند و باری جنسی میدان سوء استفاده بازار قرار گرفت و هزارها هزار زمینه تولید و فروش که مجال بررسی آن در اینجا وجود ندارد بوجود آمد و زنان و مردان، جوانان و نوجوانان و حتی کودکان و متأسفانه حتی حیوانات هم در آتش این بی بند و باری کشیده شدند. نتیجه روانی آن بی اعتمادی، ناامیدی، افسردگی، خودکشی، بی میلی جنسی؛ نتیجه اجتماعی آن از هم پاشی نهاد خانواده، از دست رفتن کارکردهای خانواده، احساس عدم نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده و شکل گیری هم خانگی به جای ازدواج، ازدواج زنان با یکدیگر، مردان با یکدیگر و خروج از رفتارهای فطری، فرزندان بی پدر و مادر و سرگردان؛ نتیجه اقتصادی آن اما بسیار جالب است نیاز به تنوع، سیر نشدن و حرص دریافتن چیزهای جدید برای ارضاء و بالا-رفتن تقاضا و طبعاً سود عرضه کنندگان کالای مورد نیاز و کنترل بر ذهن و رفتار مردم و تشکیل دین های جدید از جمله حتی معنویت گرایی بدون موضوع.

معضلات ناشی از آزادی جنسی در جهان بالاخره به اوج خود رسیده و نهضت های متعددی مانند [\(1 TLW\)](#) در امریکا و سراسر جهان برای آموزش خویشتن داری جنسی مشغول برنامه نویسی شدند. تا آنجا که حتی دولت امریکا بودجه خاصی را برای این مؤسسات در نظر گرفت.

البته متأسفانه انسان خطاکرده، آنچنان مغرور و گم شده است که بازگشت به گذشته را بر خود حرام کرده و نمی تواند خانواده سالم دین محور که پرورش دهنده انسان سالم رشد یابنده است را با ارتباطاتی که نتیجه آن جز سرگردانی، بی معنایی، بیماریهای متعدد جسمی و روانی، فرزندان بی سرپرست و بی خانمانی، ثمری نداشته را مقایسه کند و به تعبیر قرآن آنها بر گوشهای خود مهر زده اند همچون متحجرین قبل از اسلام که گوش خود را می گرفتند تا صدای حقیقت را نشنوند. اما لازم است دیدگاه اسلام درباره این موضوعات را هم مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم آیا شتر گم شده ما شباهتی با شتر گم شده غرب دارد یا مسیر ما از جای دیگری می گذرد.

قرآن کریم در باره جایگاه زن و مرد می فرماید: ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و برای

اینکه یکدیگر را بشناسید قبیله قبیله ساختیم، گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است. (حجرات/13)

در توضیح گناه کار بودن زن یا مرد آیت الله جوادی آملی در کتاب زن در آیینه جمال و جلال می فرماید: «هیچ یک از ارزشها و ضد ارزشها نه مذکر است و نه مؤنث، زیرا بدن موصوف این اوصاف نیست، یعنی بدن، مسلمان یا کافر؛ صادق یا کاذب؛ عالم یا جاهل؛ محق یا مبطل نمی شود. پس جنسیت نیست که مشمول این حالت ها می شود بلکه «عقل نظری»؛ علم و اندیشه؛ دل، کشف و شهود؛ جان، فجور و تقوا؛ عقل عملی، اراده و امور، آن را شامل می شود که هیچ یک نه ماده نیستند.

درباره ی بارداری زنان که آن را در متون کلیسایی جبران گناه حوا معرفی کرده اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هنگامی که زن باردار می شود همانند روزه دار شب زنده دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند و هنگامی که فارغ می شود، پاداشی دارد که نمی دانی عظمت آن چه قدر است.» (صدوق، 1380)

در بحث پوشش و عفاف درک این حقیقت ساده است که پوشش برای زن محدودیت و حصار نیست و برای راحتی مردان نیست، و حتی برای همسر یا پدر نیست که جواز رعایت یا عدم رعایت آن را صادر کنند. رعایت عفاف و حجاب حتی مربوط به خود او هم نیست. حرمت زن «حق الله» است یعنی حیثیت زن، حریم خداوند است زیرا که زن سرمایه عاطفه آفرینش است. زن معلم عاطفه است. قرآن دلیل مراقبت های ویژه برای زنان را وجود احتمالی افراد بیمار در جامعه معرفی می فرماید. (1)

در بحث تمکین هم که می تواند در واقع به عنوان یک ابزار در روابط زناشویی استفاده شود، از آنجا که قرآن هرگز اجازه سوءاستفاده از یک داشته را نمی دهد، بحث تمکین خاص را مطرح نموده است و البته این دستوری انسانی است که در کل به نفع خانواده است و برای آنکه نیازهای همسران به بیرون از مجموعه برده نشود و در نهایت سود آن به همه اعضای خانواده برمی گردد در مورد تمکین عام در حقیقت بحث شرایط فرهنگ در هر زمان است که از محدوده این بحث خارج است. در جدول زیر به مقایسه متون کلیسایی در مقایسه با متون اسلامی در «موضوع محوری زن» خواهیم پرداخت.

ص: 127

جدول شماره 2 : مقایسه متون کلیسایی در مقایسه با متون اسلامی

در «موضوع محوری زن»

متون کلیسایی

متون اسلامی

برتری مرد بر زن در خلقت

عدم تعلق زن به نوع بشر

عدم وجود روح برای زنان

ای مردم ما شما را از یک زن

و مرد آفریدیم. گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوی ترین شماست

تمکین بی قید و شرط جنسی از همسر، عامل

فریب بودن زن، مسئول بودن زن در گناه ازلی

تمکین با شرایطی صرفاً بخاطر

رفع نیازهای همسران در فضای سالم و اختصاصی

صورت می گیرد.

هیچ یک از ارزشها و ضد ارزشها

نه مذکر است و نه مؤنث زیرا بدن موصوف به این اوصاف نیست یعنی بدن، مسلمان یا کافر؛

صادق یا کاذب؛ عالم یا جاهل؛ محق یا مبطل

نمی شود. پس جنسیت نیست که مشمول

این حالت ها می شود.

لزوم حفظ پوشش بوسیله زنان

عفاف حق الله است

فدیه بودن پسر خدا برای آمرزش گناه زن،

تحمل رنج بارداری به جبران گناهی که

انجام داد

زن باردار همچون مجاهد

فی سبیل الله است

عدم نیاز به یادگیری و درس

خواندن

آموزش به انسانها از جمله زنان

از دستورات اسلام بوده است

حال در مقابل آن می توانیم اثرات آزادی جنسی در غرب را شاهد باشیم که یک «جامعه آرنجی» یعنی با نوک تیز آرنج هایت بزن و برو جلو! بدون توجه به دیگران! بوجود آمد. (کوادر و مایر⁽¹⁾، 2003) در واقع تنها راه پیشرفت در جامعه خودخواهی و رقابت و بیرون راندن

ص: 128

دیگران با نوک تیز آرنج هاست. دوربریتز(1) مدیر پژوهش جمعیت شناختی آلمان دو عامل اصلی امتناع از فرزندآوری را میل به پیشرفت شغلی و ترس از مزاحمت فرزندان در لذت های زندگی و دردسر بودن آنها معرفی می کند.

اشنی ویند (2000) استاد روان شناسی مونیخ اختلالات روانی، رفتاری، بویژه سرپیچی، حرف ناشنوی، پرخاشگری و اضطراب کودکان را ناشی از آزادی و بی بندوباری معرفی می کند. برگردیم به اینکه چنین خودخواهی، رقابت جویی و بی بند و باری که جریان اجتماعی و تاریخی است ناشی از چه نوع هستی شناسی و انسان شناسی است.

داوکنیز(2) درباره ژن های خودخواهی می گوید: «موجودات زنده در حقیقت ناقل و تسلیم ژن های خودخواهی هستند که سودایی ندارند غیر از تکثیر و نشر خود، لذا محیط خود را به نفع این منظور تغییر می دهند. ویژگی برجسته ای که ما در ژنهای موفق مشاهده خواهیم کرد فقط یک خودخواهی بی رحم است!

اما انسان اسلام به گونه دیگری است زیرا

* انتخاب گر از بین موقعیت ها است و نه تنها سازگار؛

* امنیت خواه است ولی نه به هر قیمت؛

* جهت خواه است؛

* میزان محور(3) است.

ص: 129

1- . Dorbtitz

2- . Dawkins. R

3- . سوره الرحمن/ 9، 8، 7، 6، 5 و سوره شوری/ 42.

طبعاً وظیفه مسجedian امروز با دیروز کمی و شاید زیادی هرچند نه در اصل بلکه در شکل اجرای برنامه ها متفاوت شده است. مثلاً دیروز در مساجد احکام را می گفتند امروز تمام افراد از دوره ابتدایی و تا پایان دوره اول دبیرستان احکام مورد نیاز روزانه خود را در کتب درسی مدرسه تعلیم می گیرند و چنانچه مشکلی وجود داشته باشد با یک تلفن و یا بررسی اینترنتی آن مشکل را حل می کنند. دیروز هر چیزی در قالب مباحث مرتبط با دین مطرح می شد و به دلیل نداشتن معارض و ان قلت های وسوسه کننده به سادگی حل می شد و میزان سؤال کنندگی در ارتباط با آن بسیار پایین بود، لذا حرف زدن بالای منبر آسان بود چون آسان پذیرفته می شد و از آنجا که ذهن مردم بوسیله رسانه ها و جریانات تحریک نشده بود، تعاملات دینی به سادگی به نتیجه می رسید. درحالیکه امروز سخنان باید کاملاً دقیق و حساب شده باشد چون جمعیت مخاطب هرچند کاملاً علاقمند هستند ولی اذهان دست کاری شده ای دارند لذا سخنان باید کاملاً اقناع کننده و دقیق باشد و ابعاد گوناگون سؤالهای اجتماعی باید در نظر گرفته شوند.

صحبتها باید نشان دهنده آگاهی گوینده از موقعیت های جدید باشد. استدلالها در هر ارتباط بایستی متقن و راسخ باشد. در گذشته واژه حرام و حلال کافی بود تا مجموعه ای از رفتارها تصدیق و تعدادی از رفتارها تعطیل شود اما امروز واژه حلال و حرام تفاسیر متعددی می شود و با دهها سؤال روبرو می شود البته این سؤالها در کنار دهها سؤال دیگر قبلاً برای مجتهد طرح شده و پاسخ داده شده است ولی دیروز مردم عادی این سؤالها را مطرح نمی کردند و حال آنکه امروز اینها در ذهنشان پر رنگ شده و مبلّغ خود باید به این مسائل اشراف داشته باشد و پاسخگو باشد. دیروز اگر به مردم می گفتیم سؤال درباره این موضوعات ذهن شما را پریشان می کند و به دلیل حسن نیتی که در مبلّغ احساس

می کردند، قانع و ذهن خود را مشغول نمی کردند اما امروز حسن نیت احساس شده در گویندگان مذهبی به دلایلی مورد تردید قرار گرفته است که از مهم ترین آنها می توان به ورود افراد ناصالح و غیر قابل اعتماد (هرچند به تعداد انگشت شمار) به مساجد اشاره کرد که طبعاً با توجه به در بوق و کرنا کردن کوچکترین تخلفی، رسانه های بیگانه اذهان مردم و اعتماد عمومی را خدشه دار می کنند و البته در اینجا مطمئناً دشمن را نمی توان سرزنش کرد چراکه این ماهیت اوست که دشمنی کند بلکه باید از خود پرسید که چرا دقت کافی در انتخاب بعضی گردانندگان مسجد نشده است؟

مسجد در ساده ترین شکل خود بزرگترین پیام را برای انسانها دارد. مسجد حرف می زند، مبارزه می کند، فراقالب ایجاد می کند، فرهنگ می سازد. مسجد فقط با یک علامت و آن «قبله» به انسانها می گوید ای انسانها «قولوا لا اله الا الله» پس تنها یک خدا، تَشْتَطِ ممنوع! دیگر پرستی ممنوع! خودپرستی ممنوع! قدرت پرستی! قبیله پرستی! جنسیت پرستی! اشرافیت ممنوع، سنت پرستی ممنوع! مسجد یعنی غرور ممنوع! غیبت ممنوع! تهمت ممنوع! ببینید قبله یعنی به یک سو بروید! تفرق ممنوع! تكثر ممنوع و همه تنها در یک علامت ساده تجلی پیدا می کند. در جای بی آلاش که می نشینی تفکر و رهایی و یک سویی ممکن می شود. پس تفلحوا صورت می پذیرد؛ رها می شوی و این نیاز بشر دیروز، امروز و فردا است.

اما مسجد معنی گرهایی هم دارد و آن معنی گرها؛ خطیب ها، ائمه جماعات و صحنه گردانان مسجد هستند. اینکه آنها این فراقالب ها را بشناسند، در مقایسه قرار دهند، اهمیت اساسی دارد، جهاد امروز در یافتن شرایط جدیدی است که با آن روبرو هستیم. صحنه گردانان مسجد امروز باید درک کنند که در جهادی جدید قرار دارند و مقابله موفق آنها تنها از طریق مطالعه بیشتر و مردم داری و با دقت سخن گفتن است. صحنه گردانان مسجد امروز باید نقش حساس خود را در طرح مطالب با مردمی که در تعارض قرار داده شده اند را درک کنند.

مسجد می تواند در ساختن و تصحیح تفکرات و باورهای فراقالب یا بالا سری شرکت کنندگان برنامه ریزی کند و الویت بندی نماید مثلاً اگر خطیبی 40 دقیقه سخنرانی کند و هر 40 دقیقه آن یک سری وظایف کاری روزانه باشد حتماً به فضای ذهنی مخاطب خود توجه نداشته است. زمینه سازی ذهن برای مهم نبوده است و داشتن یک قبله در کار و فعالیت خود را فراموش کرده است. مسجد معلم است.

امام علی علیه السلام درباره مسجد فرمودند: «هر که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را بدست آورد. برادری که در راه خدا از او بهره مند گردد، دانشی برگزیده، نشانه ای استوار، رحمتی مورد آشکار، سخنی که او را از تباهی بازدارد، سخنی که بشنود و او را به راه هدایت رهنمون شود و یا گناهی را به سبب بیم یا شرم ترک کند.» (صدوق، 1382) اگر دقت کنیم حضرت علی علیه السلام این مراحل را در فرمایش خود طرح نموده اند:

* همدلی و همراهی و برادری

* آگاهی یافتن

* میزان شناسی

* عقلانیت محوری

* ارشاد شدن و تمایز از گنه کاری و باطل

* هدایت یافتن

* توبه پذیر شدن (مرور و تشخیص خطا و درست)

در حقیقت آنچه گردانندگان مسجد باید انجام دهند در اینجا روشن شده است و شگفت آور است که کل مسیر در یک بند کوتاه مشخص شده است. ابتدائاً همراهی و همدلی، پذیرش ورودکنندگان به گونه ای که احساس کنند برادری یافته اند و این اولین برادر باید خود امام جماعت باشد. بعد از ایجاد ارتباط، آگاهی دادن است. دانش برگزیده، یعنی دانشی که یک فراقالب کامل است و انسان را با تمام هستی و وظایف در مقابل آن آشنا می کند. سپس یافتن میزان و یافتن چیزی که می شود آن را انتظار داشت و بعد عمل کردن، ارشاد به حق و جدا شدن تدریجی از فراقالب های شیطانی و گمراه کننده. پس از آن هدایت یافتن است. اما از آنجا که انسان همواره ممکن است دچار خطا شود، چون آفرینش جان او همراه با فالحمها فجورها و تقواهاست. پس درهای توبه باز است و وظیفه انسان مرور دائمی و تشخیص خطاها

و تنظیم مجدد خود با میزان که این مسیر روشن یک زندگی سالم و با نشاط است. لذا ائمه جماعات باید توجه داشته باشند که دیروز در مساجد از وظایف زن و مرد از پرهیزهایی سخن گفته می شد که مناسب روزگار خود بود اما امروز سخن گفتن درباره این وظایف باید با توجه به موقعیت جدید باشد.

ص: 132

با توجه به اینکه یکی از کارکردهای مهم خانواده ایجاد، حفظ و یا حتی تغییر گفتمان های دینی و غیر دینی در اعضای خود و در نتیجه جامعه است، وظیفه مبلغان و نگهبانان نگاه دینی که پایگاهشان مسجد است در هدایت خانواده ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. باید دید امروز مسجedian برای مقابله با غلبه آن فراقالب ذهنی که می رود کیان جامعه ما را فراگیرد و بالاخص بنیاد اصلی ترین و عالی ترین نهاد جامعه که پرورش دهنده فراقالب دینی و زندگی دینی است را از بین برده و در بستر جریان تخریب کننده، چه برنامه ای می توانند داشته باشند. دین اسلام؛ دین متعلق و متوقف در یک کشور نیست پس وظایف صحنه گردانان عرصه آن نیز منحصر به یک کشور، یک موقعیت و یک زمان نمی شود.

هدف استراتژیک ما حفظ آن فراقالبی است که به خانواده به عنوان یک نهاد فطری می نگرد. نهادی که با قراردادی به نام خدا بین یک زن و مرد براساس ساختار وجودیشان شروع می شود و وظایف این نهاد تنها لذت بردن و رفع نیاز جنسی نیست که بتواند به شکل های دیگری هم برآورده شود. فراقالب پیش رو، اما، که متأسفانه به فرهنگ ما نیز نفوذ یافته؛ معتقد است نهاد خانواده با یک قرارداد شروع می شود ولی نه صرفاً بین یک زن و مرد بلکه باهر دو نفری (مرد با مرد _ زن با زن) که تصمیم داشته باشند برای مدتی زیر یک سقف زندگی کنند. اینجا داستان کاملاً متفاوت است از آنچه بازار سرمایه غرب برای اداره و کنترل مشتریان خود پیش بینی کرده است تنها با شکستن تمام هسته هایی میسر می شود که به نوعی کاهش دهنده میزان کنترل این بازار است و یا با شکستن اتصال به حلقه و ریسمان دینی که تحت کنترل قواعد و قوانینی باشد که انسان را به ساده زیستی، عدم مادی گرایی و تنوع مادی، عدم رقابت در دنیاخواهی و زر و زیور دنیوی که همه کالای این بازار است سوق می دهد مطمئناً دین سازان غربی مخالف تشکیل نهادی هستند که انسان ها را به گونه ای پرورش می دهد

که، جز از خدای واحد تبعیت نکنند و جز از قدرت او به هراس نیفتند و جز به خاطر او که خدای صلح و آرامش است نجنگند و ظلم نکنند و هماهنگ با هستی حرکت کنند و در این نهاد به پرورش خود و افرادی پردازند که در جهت قدرت طلبی خود به تخریب جهان نپرداخته و در جهت خلاف جریان الهی حرکت نکنند و آگاه باشند که دنیا مطاعی نیست که برای به دست آوردن آن باید همه ارزش ها را زیر سؤال برد

بلکه بدانند دنیا تنها محل سکونت موقتی است برای آزمودن و آزموده شدن، نه چسبیدن به آن و جنگیدن برای آن.

لذا انمه جماعات باید توجه داشته باشند که دیروز در مساجد از وظایف زن و مرد و پرهیزهایی سخن گفته می شد که مناسب روزگار خود بود اما امروز سخن گفتن درباره این وظایف باید با توجه به موقعیت جدید همراه با استدلالهای مناسب با اشکالات طرح شده باشد.

یکی از هشدارآمیزترین موقعیت ها در این زمینه، موضع بازار جهانی و تصمیم گیران سیاست های جهانی درباره ایران است. برای نمونه کشورهای گروه هشت مقرر می کنند در بخش طرح خاورمیانه بزرگ (مثلا) برای پرکردن شکاف اقتصادی در خاورمیانه از طریق سرمایه گذاری به ویژه با تأکید بر نوعی سرمایه گذاری به قصد سودآوری به خصوص در طرح هایی که زنان به انجام آن رو می آورند، مؤسسه اعطای وام با سود کم امکان اعطای وام 400 تا 500 میلیون دلاری را فراهم آورد و طی 5 سال به 2/1 میلیون فعال اقتصادی که حتما 750 هزار نفر آنها زنان باشند، داده شود تا از فقر رهایی یابند.» (روزنامه شرق، بهار 83)

از این لطف فراوان در می یابیم که دشمن نه یک کشور، بلکه یک ایده و یک فراقالب است که طی برنامه های بسیار مدون می رود که ساختار جامعه را از طریق برهم زدن ساختار خانواده تغییر دهد و محور اساسی تغییراتی که قصد دارد در جامعه انجام دهد زن است. موضوع موضع زنان یکی از اساسی ترین و کلیدی ترین مواضع به نفع فراقالب توهم زایی در جامعه انسانی و بهره وری از منابع کشور است.

فراقالب غرب در تلاش است که فراقالب هستی گرایی اسلامی را از طریق تشتت در جوامع اسلامی به لحاظ سیاسی، اقتصادی و مهمتر از همه فرهنگی مغلوب سازد. مهم ترین حرکت های غربی ها در جوامع اسلامی ایجاد نوعی آگاهی تعارض آمیز بین زنان بوده است. آنها به صورت خزننده ای به تغییر تعاریف و زبان ارتباطی اعضای خانواده با یکدیگر پرداخته اند. نقش و جایگاه زن را مورد سؤال اذهان زنان قرار داده است تا همان کاری که در خود غرب اتفاق افتاد و بنیاد خانواده را از بین برد و غرب و جامعه انسانی را با معضلات بسیار زیاد رویارو ساخت، در اینجا نیز رخ دهد، با این تفاوت که مبانی هستی شناسی و انسان شناسی غرب در هیچ دوره ای واقعا پاسخگوی سؤالهای ذهن آزرده زنان نبود، حال آنکه در اصول و فرامین اسلامی چنین بی عدالتی و تحقیر جنسیتی وجود ندارد و زنان برای دست یابی به حقوق خود و خانواده می توانند با طرح اصول و مبانی اسلامی دولت ها را به وظیفه خود

هدایت کنند و البته این یک حق نیست بلکه مسئولیت همه زنان و مردان مسلمان است که همواره پاسدار حقوق خود و جامعه بر اساس مبانی و میزان الهی باشند. لذا امروز جایگاه مبلغان و مفسران دین برای نجات جامعه اساسی ترین نقش را ایفا می کنند. دقت در طرح مباحث فوق الذکر برای مخاطبان از اهمیت استراتژیک برخوردار است. آنچه می تواند ما را در مسیر بازگشت شده ی غرب قرار ندهد بازخوانی دقیق اصول و مبانی مرتبط با زن در قرآن کریم، احادیث و روایت ائمه معصومین و حذف تعابیر و تفاسیر شرایطی و غیر اصیل است. از آنجا که مساجد حلقه ارتباط مردم با مراجع دینی هستند، ائمه جماعت باید در خط مقدم با بهره مندی از زبان مشترک با جامعه امروز، روشن سازی شرایط، نقش ها و اثرات دو نوع فراقالب موجود در جامعه فعلی به مدیریت آحاد جامعه به سوی روش زندگی دینی پردازند. البته با توجه به موقعیت باید؛ نوع تبلیغ، نوع روشن سازی و نوع برنامه ها در حلقه های مشاوره متشکل از متخصصان روان شناسی و جامعه شناسی با ائمه جماعات مورد بحث و برنامه ریزی قرار گیرد. با توجه به مرور آنچه پیش روی ماست. برنامه های تعلیمی، ارشادی و تبلیغی مساجد باید حول محورهای زیر صورت گیرد:

* تبیین نظر راستین قرآن مبین درباره انسان، خانواده و نقش زن در ارتباط با یکدیگر

* ترغیب دوستی و مودت در خانواده

* ترغیب احترام بین همسران و والدین و فرزندان

* ترغیب به حفظ عدالت و انصاف بین اعضای خانواده

* ترغیب به رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر

* تبیین عظمت نقش مادری

* ترغیب به حفظ و افزایش احترام ویژه در دوران بارداری به زنان و حمایت جدی همسران به عنوان یک واجب

* تأکید بر اصل وفاداری و حفظ پاکدامنی بوسیله همسران

* تأکید بر نقش خوش خلقی و خوشحال نگه داشتن همسران یکدیگر را

* تأکید بر اصل سازگاری دو جانبه بایکدیگر و فرزندان

افتخاری، احمد علی، زن از دیدگاه ملت ها، ادیان و بزرگان جهان. تهران، انتشارات مهشاد (1375).

جاوید، محمد جواد، لائسیته، مسیحیت و سیاست، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1388.

جوادی آملی، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، محقق حجه الاسلام مصطفی خلیلی، قم: انتشارات اسراء. چاپ سوم، 1389.

سبحانی، محمد تقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب)، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، 1392.

سبحانی، توفیق، زندگی نامه مولانا جلال الدین بلخی رومی، چ 2، تهران: قطره، 1386.

سومرز، خیانت زنان به هم نوعان خود. ترجمه و تلخیص: پریسا پورعلمداری. ناشر: دفتر نشر معارف، 1387.

سخایی، سیده مژگان، ریشه یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه های کتاب مقدس، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره 53، 1390.

شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه صادق حسن زاده انتشارات ارمغان طویی. تهران، 1382.

کریمی، فرشته، زن در طول تاریخ، شیراز: انتشارات نوین، 1385.

لگنهاوزن، محمد، اسلام در رویارویی با فمینیسم، ترجمه نرگس جواندل. بانوان شیعه، شماره 20، 1383.

بزرگ زاده، مهدی، زروندی، مهدی، بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه مطالعات فرهنگی دفاعی زنان سال اول شماره 1، 1384.

Blumer, H. (1969). Symbolic interactionism: perspective and method. Berkeley: university of California press

Fischer, M. (1986). Anthropology as cultural critique, Chicago: university of Chicago press

Hammersley, m. (2000). Taking sides in social research: essays on

.Kerlinger, F. N. (1986). Foundations of behavioral research (3 Rd ed.). New York: Harcourt Brace

.Piaget, J. (1969). The psychology of the child. New York: Basic Books

.Quader Meier. (2003). Til death do us part: a study and guide to long-term marriage. New York: Harington park

Wind, S, C. (2000). Focus on the family – abstracts from American journals. Social Work/Maatskaplike Werk 3(3): 146–
.150

Worf. s spiro. M. (2002). Subjective well-being: The Science of happiness and life satisfaction. In C. R. Snyder S. J.
.Lopez (Eds.), The handbook of positive psychology, (pp. 63–73). New York: Oxford university press

در دین مبین اسلام مسجد از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که به طور قطع می توان اذعان کرد پس از کعبه، مقدس ترین مکان محسوب می شود. این اهمیت از همان ابتدا به وسیله پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به تمامی مسلمانان آموخته شده است.

از بدو تأسیس حکومت اسلامی در صدر اسلام، مهم ترین مراکز تجمع، عبادت، آموزش معارف دینی و علمی، تصمیم گیری و حل مسائل مهم مسلمانان مساجد بوده اند. در جریان انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی^{۱۱} کوشید مساجد را احیا نماید و آنها را به جایگاه اصلی خودشان برگرداند. به همین دلیل، پس از انقلاب، مساجد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند و با گسترش خدمات و فعالیت های آنها، در عرصه های گوناگون فردی و اجتماعی نقش آفرین شدند.

از سوی دیگر، خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و سنگ بنای شکل گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ ها از اهمیت والایی برخوردار است. خانواده نه تنها به وجود نوع انسانی استمرار می بخشد، بلکه پایه زندگی سالم فردی و اجتماعی نیز هست.

بر این اساس، نوشتار حاضر در پی آن است تا کارکردها و ظرفیت های مسجد را در تعالی و تحکیم بنیان خانواده بازنمایی کند. از این رو پس از نگاهی کوتاه به جایگاه مسجد در اسلام و راهبردهای جذب خانواده ها به مساجد، مهم ترین کارکردهای مسجد در رشد و تعالی خانواده بدین شرح شمرده شده اند: عبادت و معرفت، اخلاق و معنویت، آرامش و نشاط، نظم و انضباط، صبر و استقامت، حیا و عفاف، تقویت عواطف انسانی و بازسازی از انحرافات و کجروی ها.

در ادامه با بیان ظرفیت های مسجد در حل مشکلات خانوادگی، به برخی از این ظرفیت ها نظیر آموزش مهارت های زندگی، مداخله در بحران های خانوادگی، سرکشی از خانواده های آسیب دیده و ایجاد مراکز مشاوره خانواده در مساجد اشاره شده است. در پایان با توجه به جایگاه رفیع امام جماعت در مساجد و اعتمادی که اغلب مردم به آنها دارند، امام جماعت به مثابه مشاوره امین و دلسوز معرفی شده و خصوصیات رفتاری و اطلاعات مشاوره ای مورد نیاز ایشان به اختصار ارائه شده اند.

کلید واژه: کارکردهای مسجد، تحکیم خانواده، آسیب های خانوادگی، مشاوره خانواده، امام جماعت مشاور.

مسجد همواره مهم ترین پایگاه عبادت، معرفت، آرامش و خودسازی بوده است. نخستین خانه ای که در زمین بنا شده، خانه خدا بوده (1) (سوره آل عمران، آیه 96) و اولین کاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه انجام داد، ساختن مسجد بود. (قرائتی، 1386) در طول تاریخ، مساجد برای جوامع اسلامی آثار و برکات ارزشمندی همچون پایگاه عبادت و دفاع از حاکمیت اسلامی، تعلیم و تربیت و آشنایی با مبانی اسلام و احکام شرعی، کانون وحدت، همدلی و انسجام در میان مسلمین، فرهنگ سازی معاشرت عمومی، زدودن جهالت ها و خرافات از جامعه اسلامی، پابندی به قوانین دینی و اجرای شریعت الهی، تحکیم بنیان نظام خانواده و ... را به ارمغان آورده اند.

با نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی روشن می شود که اکثر اجتماعات دینی، سیاسی، فرهنگی و علمی _ آموزشی در مساجد برگزار می شده و بسیاری از خطابه های انسان ساز پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و عالمان دینی در این اماکن مقدس ایراد شده اند.

در منابع دینی بر حضور و توقف مؤمنین در مساجد بسیار تأکید شده است؛ تا جایی که امام علی علیه السلام می فرماید: «برای من نشستن در مسجد از نشستن در بهشت برتر است؛ زیرا نشستن در بهشت خشنودی نفسم را به دنبال دارد؛ ولی نشستن در مسجد مایه رضایت پروردگارم است.» (2) (حرالعالمی، 1416ق) در واقع مسجد پایگاه اصلی دین و کانون حیات معنوی انسان در جامعه اسلامی به حساب می آید. در احادیث آمده است فرشتگان برای

ص: 143

1- . إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ.

2- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَجَلَسُهُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رَضِيَ النَّفْسَ وَ الْجَامِعُ فِيهِ رَضِيَ رَبِّي (وسائل الشیعه، جلد 3، ص 199).

شخصی که از مسجد خارج می شود، دعا می کنند که سلامت باشد، خواسته هایش برآورده شود و پاداش وی بهشت باشد. (توانایان فرد، 1377)

جایگاه رفیع و نقش سازنده و مؤثر این پایگاه دینی در انتقال آموزه های دینی و اعتلای تربیت اسلامی و حل مشکلات مردم سبب شده است که مسجد به عنوان مرکز فعالیت های عبادی، آموزشی، فرهنگی، تربیتی و اخلاقی هر محله، شهر و روستایی شمرده شود.

این پایگاه مقدس در کنار سایر کارکردهای دینی و اجتماعی، می تواند نقش عمده ای در تعالی و تحکیم کانون مقدس خانواده ایفا کند. در واقع انس خانواده با مسجد و بهره گیری از اثرات معنوی آن باعث می شود تربیت دینی و بصیرت معنوی در نظام خانواده حاکم گشته و خانواده تجلی گاه ارزش های الهی شده و در نهایت زمینه سعادت مندی خانواده و اجتماع مهیا گردد. از این رو، می توان گفت ارتباط خانواده ها با مساجد تأثیر زیادی در پویایی و شکوفایی معنوی و همچنین حل مشکلات فردی و خانوادگی آنان دارد. چون حضور در مساجد علاوه بر عبادت و تأمین نیازهای معنوی انسان ها، زمینه تقویت روابط عاطفی و افزایش صمیمیت و مهرورزی توأم با معنویت را در میان والدین و فرزندان فراهم می سازد.

از سوی دیگر، خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و سنگ بنای شکل گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ ها از اهمیت والایی برخوردار است. (ساروخانی، 1370)

خانواده نه تنها به وجود نوع انسانی استمرار می بخشد، بلکه پایه زندگی سالم فردی و اجتماعی نیز هست. نیازهای جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی آدمی در سایه خانواده سالم برآورده می شود. به همین دلیل خانواده دارای ابعاد زیستی، عاطفی، اجتماعی و معنوی می باشد.

به جهت اهمیت این نهاد مقدس، در طول تاریخ همواره عالمان و مصلحان و نیز ادیان گوناگون، سعی در تحکیم آن نموده و قوانین و توصیه هایی برای استحکام آن عرضه کرده اند. هرچند خانواده با تولد فرزندان گسترش می یابد، ولی در همه حال رکن اساسی آن زن و شوهر هستند. زن و مرد برای ارضای نیازهای جنسی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و سایر نیازهای خود به ازدواج رو می آورند. تحقیقات روان شناسان نشان می دهد که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد از احساس رضایت مندی و سلامت جسمانی و روانی بیشتری برخوردارند. (هاوکینز⁽¹⁾ و بوث⁽²⁾، 2005؛ هلمز⁽³⁾ و بوهرلر⁽⁴⁾، 2007؛ ویلیامز⁽⁵⁾، ساسلر⁽⁶⁾ و نیکلسون⁽⁷⁾).

ص: 145

1- .Howkins, D.

2- .Booth, A.

3- .Helms, H.

4- .Buehler, C.

5- .Williams, K.

6- .Sassler, S.

7- .Nicholson.

2008؛ نقل از پور محسنی، 1389) همچنین افراد متأهل از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند و کمتر با مشکلات اقتصادی مواجه می گردند. (ویت (1) و گالاگر (2)، 2000)

دین اسلام مانند سایر ادیان، انسان ها را به ازدواج توصیه کرده و خانواده را محبوب ترین و عزیزترین نهاد بشری معرفی کرده است. (3) (مجلسی، 1412ق) قرآن کریم وجود دو جنس متفاوت و ایجاد صمیمیت و مهربانی بین آن دو را از نشانه های الهی شمرده و ازدواج را مایه

آرامش زن و مرد، دانسته است. (4) (سوره روم، آیه 21) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تشکیل خانواده را بخشی از سنت خود می داند و تأکید می کند هر کس آن را ترک کند، از روش پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله گرفته است. (5) (مجلسی، 1412ق)

در قرآن و سنت معصومین علیهم السلام آیات و روایات فراوانی وجود دارد که در آنها بر آثار مثبت فردی و اجتماعی نهاد خانواده تأکید شده است که از جمله آنها می توان به رشد فوق العاده دینداری (6) (حر العاملی، 1416ق) و کامل شدن شخصیت (مطهری، 1372) اشاره کرد.

روشن است که بیشتر آثار فردی و اجتماعی خانواده در پرتو برپایی خانواده سالم و موفق شکل خواهد گرفت. با این وجود، اکنون حفظ و استمرار خانواده سالم و بی مشکل در فرهنگ ها و جوامع مختلف دشوار شده است. (وایتمن (7)، مک هال (8) و کروتز (9)، 2007 و بیکر (10) و همکاران، 2009 نقل از پور محسنی، 1389) رشد فزاینده آمار طلاق که معتبرترین شاخص برای آشفتگی خانوادگی است، نشانگر وجود آسیب های جدی در بنیان نهاد خانواده است. (هال (11)، 2006 رزن گراندن (12) و همکاران، 2004)

در سال های اخیر آمار طلاق در ایران رشد فزاینده ای داشته است، به طوری که از 4/9%

ص: 146

1. - Waite, L.

2. - Gallagher, M.

3. - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ (بحارالانوار، جلد 100، ص 222).

4. - وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

5. - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (بحارالانوار، ج 100، ص 220).

6. - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ؛ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ (وسائل الشيعة، جلد 20، ص 17).

7. - Whiteman, S.

8. - McHale, S.

9. - Crouter, A.

10. - Baker, E.

11. - Hall, S.

12. - Rosen Grandon, J.

در سال 1380 به حدود 20% در سال 1392 رسیده است. (1) (سایت سازمان ثبت احوال کشور، 1393) این آمار به جز خانواده های آشفته ای است که زن و مرد به دلایل گوناگون از هم جدا نمی شوند.

به همین دلیل، در عصر حاضر تلاش برای حل تنش ها و اختلافات خانواده ها بیشتر مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان حوزه مسائل رفتاری و اجتماعی قرار گرفته است. در قرن بیستم با توسعه دانش جدید روان شناسی به تدریج خانواده درمانی در اغلب کشورها گسترش یافت.

پس از چند دهه رشد خانواده درمانی، روان شناسان به جنبه های معنوی خانواده ها توجه نمودند و بدین ترتیب، درمانگران وارد فضای جدیدی از مداخله ها شدند که در آن، نه تنها به دینداری زوج ها می پردازند، بلکه از آن برای حل سایر مشکلات و ناهنجاری های خانوادگی نیز استفاده می کنند. (والش (2)، 2009) این امر سبب شد که در کشورهای اسلامی، آموزه های اسلامی در باب ازدواج و خانواده بیشتر مورد

توجه مشاوران خانواده قرار گیرد. این روند از آن جهت اهمیت دارد که در اسلام، توصیه ها و روش های بسیاری برای حل مشکلات خانوادگی ارائه شده است.

ص: 147

1- . در سال 1392 در برابر 192757 ازدواج، 158753 طلاق ثبت شده است. بیشترین طلاق مربوط به استان های تهران و البرز و کم ترین طلاق متعلق به استان های سیستان و بلوچستان و یزد می باشد. (سایت های خبری 24/4/1392 به نقل از تویسرکانی رئیس سازمان ثبت احوال کشور).

2- . Walsh, f.

سلامت خانواده تأثیرات مهمی بر زوجین، فرزندان و کارآمدی فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. نارضایتی و ناکامی در ارضای نیازهای عاطفی _ روانی خانواده، جامعه را در معرض آسیب های زیادی قرار می دهد که دامنه آن از افسردگی، پرخاشگری و وسواس تا استعمال مواد مخدر و روابط نامشروع جنسی گسترده است. فرزندان چنین خانواده هایی نیز، اغلب سرنوشت شوم و ناخوشایندی در پیش دارند.

از آنجا که بسیاری از خانواده ها مؤمن و ملتزم به احکام و آموزه های اسلام هستند، مایلند مسائل خانوادگی خود را براساس مبانی اسلامی و در چارچوب احکام دینی تنظیم نموده و مشکلات احتمالی را نیز از طریق آن حل و فصل نمایند. به همین دلیل، در ایران قرن ها آموزش امور خانوادگی و مشاوره اخلاقی و خانوادگی توسط روحانیون و معتمدین محل، انجام می شده است. معمولاً ریش سفیدان و بزرگان فامیل به حل مشکلات جوان ها می پرداختند. به علاوه وجود روابط خویشاوندی گسترده بسیاری از مسائل را حل می کرد. والدین زوجین نیز در حل مشکلات آنها نقش فعالی داشتند.

اما در دهه های اخیر به علت پیچیدگی های عوامل اجتماعی _ فرهنگی، تخصصی شدن امور مشاوره ای و تمایل خانواده ها به استفاده از روان شناسان و مشاوران، اغلب مردم مشکلات خانوادگی خود را از طریق مراکز مشاوره و مشاوران کارآمد حل و فصل می کنند. با این وجود بیشتر مردم ترکیبی از روش های علمی و دینی را بر توصیه های صرفاً غربی که سازگاری چندانی با فرهنگ اسلامی ندارند، ترجیح می دهند و به مشاورین روحانی، دین باور

و مذهبی بیشتر اعتماد می کنند. یافته های تحقیقات متعدد نیز حاکی از آن است که استفاده کاربردی و نظام مند از آموزه های اسلامی، در کنار فنون روان شناسی مدرن باعث حل بهتر و مؤثرتر مشکلات زوجین و خانواده ها شده است. (به عنوان نمونه: سالاری فر، 1393 و 1385؛ دولتخواه، 1392؛ صفورایی، 1388؛ جدیری، 1389) در واقع، استفاده ترکیبی از آموزه های اسلامی و روان شناسی در مسائل خانواده بستر مناسبی برای تدوین خانواده درمانی اسلامی و حل مشکلات خانواده ها براساس آموزه های دینی و علمی ایجاد کرده است.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان کم رنگ شدن نقش مساجد از آنجا ناشی می شود که بیشتر متولیان مساجد با نیازهای روز جامعه آشنایی ندارند. از این رو، لازم است ائمه جماعات، هیئت امنا و سایر مسئولین و دست اندرکاران امور مساجد با استفاده از کارشناسان خبره، نیازهای خانواده ها را به صورت علمی مورد مطالعه قرار داده و برای برطرف کردن این نیازها برنامه ریزی نمایند.

به عقیده نگارنده، برای جذب خانواده ها و حضور آنها در مسجد نخست باید موانع حضور آنان شناخته شود تا با حذف این موانع، زمینه حضور خانواده ها در مسجد فراهم گردد.

به نظر می رسد عدم حضور مردم به ویژه جوانان در مساجد علل متعددی دارد که از جمله آنها می توان به این موارد اشاره کرد: غفلت از ارزش حضور در مسجد و نماز جماعت، بدرفتاری برخی نمازگزاران یا مسئولین مسجد، کثیفی و تمیز و مرتب نبودن برخی مساجد، کم سواد یا معنوی و اخلاقی نبودن بعضی امامان جماعت، سیاسی کردن فعالیت های مسجد، عیوب احتمالی برخی بستگان و نزدیکان امام جماعت، طولانی بودن نماز جماعت، رفتارهای نامناسب متولیان و دست اندرکاران مسجد، نداشتن فعالیت های جنبی مورد نیاز مردم و

علاوه بر موارد مذکور که بیشتر در مورد نمازخوان ها است، پاره ای از مردم هم که اساساً نماز نمی خوانند و به تبع آن رفت و آمدی به مسجد ندارند. بر اساس یک پژوهش میدانی بیش از 50% کسانی که مورد پرسش قرار گرفته بودند، نماز نمی خواندند. (به نقل از محمدی عراقی، 1376) نتیجه این تحقیق نشان می دهد بسیاری از خانواده ها اساساً با ارزش نماز و حضور در مساجد آشنا نیستند. از این رو، یکی از وظایف مهم ائمه جماعات و مسئولین فرهنگی کشور آشناسازی خانواده ها با ارزش ها، فواید، اسرار و فلسفه نماز، به ویژه نماز جماعت و حضور در مسجد است.

با این وجود، به منظور جلب مشارکت خانواده ها در فعالیت های دینی و ترغیب آنان به حضور در مساجد راهبردهای گوناگونی وجود دارد که متناسب با شرایط و امکانات هر منطقه می توان از آنها بهره برد. از باب نمونه در اینجا به چند راهبرد اصلی اشاره می کنیم:

1. مشارکت خانواده ها در اداره امور مسجد

یکی از راه های جذب خانواده ها به مسجد، مشارکت دادن آنان در اداره امور مسجد و انجام فعالیت های مسجد است. معمولاً، یک مسجد فعال و پویا دارای فعالیت های متعدد و متنوعی می باشد که گاه دامنه آن از برنامه های عبادی تا فعالیت های امدادی و تربیتی گسترده است. واگذار کردن بخشی از این فعالیت ها به خانواده ها نقش مؤثری در جذب آنان به مسجد دارد.

2. توجه جدی به بهداشت و نظافت مساجد

به طور کلی مردم به مکان های پاکیزه، زیبا، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش دارند. به همین دلیل، برای جذب آنان به مساجد باید این مکان ها همیشه آراسته و پاکیزه باشند.

متأسفانه یکی از مشکلات برخی مساجد کمی بهداشت و تمیزی آنهاست. فرش ها بو می دهند و پرده ها از شدت کثیفی سیاه شده اند؛ قرآن ها، مفاتیح ها، رساله ها و سایر کتب اغلب پاره و به صورت نامرتبی در قفسه ها رها شده اند؛ در و پنجره و قفسه های مسجد غبار گرفته اند؛ حیاط مسجد هم غالباً پر از مصالح ساختمانی یا برگ درختان است. متولیان مسجد هم تنها به طهارت شرعی و پاک بودن مسجد توجه دارند، غافل از این که در دنیای امروزی تمیزی و زیبایی اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل ما نباید در باب نظافت مساجد فقط در حد طهارت و مسائل فقهی اکتفا کنیم. چون آن چه در احکام شرعی آمده بیان حداقل های نظافت است و ما نمی توانیم انواع آلودگی ها، کثیفی ها و چیزهایی که مردم را متنفر می کند، ندیده بگیریم. (هاشمی رفسنجانی، 1376)

ابی بن کعب روایت می کند: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر دیوار مسجد، آب دهانی دید که بر آن چسبیده بود. فوراً آن حضرت با پارچه ای آن را پاک و تمیز کرد و آن پارچه را به بیرون مسجد انداخت و جای آن را با عطر خوش بو نمود.» (نمیری، 1417ق)

اتفاقاً مسجد چون محل رفت و آمد دائمی مردم است، بیش از سایر مکان ها نیاز به نظافت

و پاکیزگی دارد. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که مسجد را نظیف و خاکروبه های آن را بیرون بریزد، مورد رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.» (1) (ابن بابویه، 1413ق)

متصدیان مساجد توجه داشته باشند که حیاط و دیوارها، شبستان ها و فضای درونی، درها و پنجره ها، پرده ها، فرش ها، سجاده ها و هر چیزی که در مسجد مورد استفاده قرار می گیرد باید تمیز و پاکیزه باشند. نور، صدا و دما در حد مطلوب باشد و مسجد همواره معطر و خوشبو نگه داشته شود؛ نمازگزاران هم با لباس پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. (انصاری راد، 1388)

3. توجه به قسمت بانوان مساجد

زنان بخش عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند و حضور آنان در مساجد، فرصت مناسبی برای بهره گیری معنوی از این جایگاه مقدس و آشنایی با معارف اسلامی فراهم می آورد.

با این وجود، یکی از مسائلی که در اغلب مساجد به چشم می خورد؛ نامناسب بودن قسمت خانم ها است. متأسفانه محل اجتماع خانم ها از نظر نور، تهویه، فرش، مسیر رفت و آمد و غیره به مراتب بدتر از قسمت آقایان است. مخصوصاً اگر به این نکته توجه کنیم که خانم ها اغلب همراه فرزندان خود وارد مسجد می شوند و اگر قسمت بانوان مطلوب و خوشایند نباشد، اثر منفی بر روی کودکان خواهد داشت و آنها را از مسجد بیزار خواهد کرد.

مطمناً حضور بانوان در مساجد سهم به سزایی در جذب همسران و فرزندان آنها به مساجد خواهد داشت. به همین دلیل باید محل استقرار خانم ها بیش از قسمت آقایان از جذابیت، راحتی و مطلوبیت برخوردار باشد.

4. باز بودن دائمی مسجد به روی مردم

درهای مسجد باید همیشه برای عبادت کنندگان باز و چراغ هایش روشن باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: کسی که در مسجدی چراغی بیفروزد، تا زمانی که مسجد از نور آن روشن است فرشتگان و حاملان عرش برای او طلب آمرزش می کنند. (2)

(طوسی، 1412ق)

ص: 152

1- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ كَسَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ، لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنَ الثَّرَابِ مَا يَذُرُّ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ (من لا يحضره الفقيه، جلد 1، ص 233).

2- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السَّرَاجِ (التهذيب، جلد 3، ص 261).

بی تردید منظور پیامبر از روشن کردن مسجد، مهیا داشتن آن برای عبادت و فعالیت های دینی است. که در آن عصر نمونه برجسته آن روشن نگه داشتن مسجد بوده است. ولی امروزه، نیازهای دیگری مانند وسایل سرمازا و گرمزا، تلفن، آب، کتابخانه و حتی رایانه و خطوط اینترنتی نیز بدان افزوده شده است.

5. برخورداری از امام جماعت خوش فکر و مردم دار

در میان تمام کسانی که به نوعی در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیت ها، شایستگی ها، عملکرد، شخصیت و چگونگی برخورد او با مردم اثر شگرفی بر جذب یا دفع افراد به مسجد دارد. (نوبهار، 1375)

امام مسجد بایستی به عنوان یک الگوی اخلاقی و رفتاری تمام عیار مطرح باشد تا مردم، به ویژه جوانان در تمام امور فردی و اجتماعی به او تاسی نمایند. در واقع محتوای اخلاقی، معرفتی و دینی مسجد در امام جماعت خلاصه می شود. اگر وی با مسائل روز جامعه آشنا باشد و در زمینه کاری خود از آگاهی کامل برخوردار باشد، مطمئناً مسجد مورد توجه خانواده ها قرار خواهد گرفت.

6. برخورداری از هیئت امنای فعال و به روز

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای هیئت امنای مسجد را می طلبد. آنان می توانند با همفکری و همدلی، مسجدی فعال و با نشاط ایجاد کنند. مهم ترین خصوصیتی که این افراد بایستی واجد آن باشند، عبارتند از: داشتن روحیه کار جمعی و همکاری صمیمانه با یکدیگر، تقسیم کارها و داشتن شرح وظایف مشخص، علاقه به کارهای مسجد و جدی بودن در پیگیری امور، آشنایی با نیازهای جوانان و خانواده ها، اعتقاد به کار علمی و استفاده از تخصص های گوناگون در فعالیت های مسجد.

7. ارائه فعالیت های عام المنفعه

با نگاهی گذرا به تاریخ مساجد در می یابیم که مساجد علاوه بر نقش محوری خود که مکان عبادت پروردگار می باشد، کارکردهای گوناگون دیگری هم داشته اند.

مدیریت مسجد نوعی مدیریت معنوی است که با قلمرو فعالیت های متنوع آن سروکار دارد. از این رو، اداره امور آن مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می باشد. امام

جماعت و مسئولین مساجد در صورتی موفق خواهند بود که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری ترین کارکرد مسجد به شمار می آید، از سایر فعالیت های مسجد غافل نباشد.

بنابراین، مسجدی مطلوب است که در کنار توجه به مسائل عبادی، برای جنبه های فرهنگی، تربیتی، آموزشی و امدادی خانواده ها نیز برنامه داشته باشند و به صورت جدی به این امور اهتمام ورزند. مساجد فعال می توانند با انجام اقدامات مؤثر فوق گامی بزرگ در جهت تحکیم نهاد خانواده بردارند.

بررسی ها نشان می دهد مساجدی که دارای محلی برای فعالیت های ورزشی، فرهنگی، آموزشی و درمانی هستند، در جذب خانواده ها بسیار موفق بوده اند.

8. اجتناب از انحصاری کردن مسجد

مساجد از آن خداوند است (1) (سوره جن، آیه 18) و به هیچ شخص، نهاد یا گروهی اختصاص ندارد. مسجد متعلق به عموم مردم است و همه افراد فارغ از وابستگی های قومی، سیاسی، فرقه ای و نژادی باید بتوانند آزادانه از آن استفاده نمایند. متأسفانه امروزه در اغلب مساجد، پاره ای نهادهای جانبی نظیر کانون های فرهنگی و پایگاه های مقاومت، برخی مساجد را به صورت پایگاه انحصاری جناح یا نهاد خاصی در آورده اند و همین امر باعث دوری بسیاری از جوانان و خانواده ها از مساجد شده است.

ص: 154

1- . وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.

اشاره

این مکان شریف به سبب تقدس و معنویتی که دارد تأثیر زیادی بر رشد و تعالی افراد و خانواده ها می گذارد. کم نبوده اند کسانی که با رفت و آمد به مسجد، از ضلالت و گمراهی نجات یافته و راه سعادت و نیک بختی را پیدا کرده اند.

ظرفیت های مسجد در بازسازی روح و روان مؤمنین به گونه ای است که یک فرد یا خانواده مسجدی، تفاوت آشکاری با افراد یا خانواده های غیر مسجدی دارند. افراد و خانواده های مسجدی اغلب مؤمن تر، معنوی تر، اخلاقی تر، مهربان تر، با نشاط تر، منظم تر، باحیاط تر و در مسائل دینی آگاه ترند. این امر به خاطر خصوصیات ویژه و منحصر به فردی است که مسجد واجد آن است و به تدریج در اشخاصی که با مسجد انس دارند، تجلی می یابد.

از این رو، هر قدر اعضای خانواده ها بیشتر در مساجد حضور یابند، امکان تعالی آنها بیشتر می شود و آرامش درون خانواده نیز افزایش می یابد. در اینجا به برخی از ویژگی های تعالی بخش مسجد که آثار و نتایج آن در خانواده های مسجدی مشهود است، اشاره می کنیم:

1. مسجد کانون عبادت و معرفت

همانند هر عبادت گاه دیگری، مهم ترین کارکرد مسجد، انجام عبادت و کسب معرفت است. مؤمنین با حضور در مسجد می کوشند زمینه ایمان افزایی و دانش اندوزی را در خود مهیا کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن نصایحی به ابوذر فرمودند: ای ابوذر! جز برای سه چیز در مسجد حضور نداشته باش: نماز گزاردن، ذکر گفتن و بحث علمی کردن.⁽¹⁾ (مجلسی، 1412ق)

ص: 155

1- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةً: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرِ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ سَائِلٍ عَنِ عِلْمٍ (بحار الانوار، جلد 80، ص 370).

در واقع یکی از اهداف نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از برپا نمودن مسجد این بود که به مردم تفهیم نماید در نظام الهی علم و ایمان همواره با یکدیگر توأم هستند و کانون های توحید و عبادت مطلوب ترین مکان برای افزایش شناخت و معرفت، علم و آگاهی، تزکیه و تعلیم و اصیل ترین پایگاه برای بهسازی فکری، اخلاقی و رفتاری جامعه است.

بنابراین هر مسجدی باید هم کانون عبادت و نیایش خانواده و هم مرکز آموزش خودشناسی و خودسازی و آگاهی از اصول و مهارت های حیات طیبه و زندگی سعادت‌مندانه و خانواده باشد.

2. مسجد پایگاه رشد اخلاق و معنویت

اشاره

همانگونه که قبلاً بیان شد مسجد علاوه بر مکانی برای عبادت و بندگی، مکانی برای فراگیری علوم قرآن و معارف و دستورات اسلام نیز هست. مساجد از دو جهت در رشد فضائل اخلاقی تأثیر می گذارند:

2-1. آثار فضای معنوی مسجد

نفس حضور در فضای ملکوتی مسجد و رفت و آمد و نشستن در خانه خدا روح آدمی را جلا می دهد و آن را از غبار زشتی ها و ناروایی ها می پیراید. مساجد یکی از بهترین پایگاه های تأمل در خویشتن و تطهیر درون از رذائل و بدی هاست. مردم در مساجد با پروردگار خویش راز و نیاز کرده و روح و روان خویش را از آلودگی ها تصفیه می نمایند و با استغفار و انابه راه تقرب الی الله را می پیمایند.

2-2. سخنرانی های اخلاقی و معنوی مسجد

مسلمین از طریق نشستن در پای منابر و استماع سخنان عالمان دینی که به بیان آموزه های اعتقادی و اخلاقی و احکام اسلام می پردازند، با اندیشه و روش تربیتی و اخلاقی اسلام آشنا می شوند. خانواده های مسجدی با تأثیری که از این مباحث می پذیرند، فضایل اخلاقی را درونی ساخته و دستورات اسلام را در عمق روح و جان خود، نهادینه می کنند. به همین دلیل، سخنرانان در سخنرانی های خود بیشتر به مسائل اخلاقی، تربیتی، آداب معاشرت، مسائل خانوادگی، فنون همسرمداری، شیوه های فرزندپروری، سبک زندگی اسلامی، رفتار معصومین با همسر و فرزندان و همچنین الگوهای برتر اخلاقی بپردازند. همچنین توصیه می شود در صورت امکان جلسه های پرسش و پاسخ هم در پایان سخنرانی ها انجام شود تا خانواده ها با میل و رغبت بیشتری در سخنرانی ها و برنامه های مسجد شرکت کنند.

3. مسجد مکانی آرام بخشی و نشاط آفرین

مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خدای خود است و بدین جهت محیط آن سرشار از آرامش است. توصیه شده که برای حفظ آرامش و سکوت مسجد لازم است مؤمنان نماز، قرآن، دعا و مناجات را به طور آهسته انجام دهند تا مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در مساجد، صداهایتان بلند نشود و در آن به گفتگوهای بیهوده نپردازید.» (1) (مجلسی، 1412ق) امیرالمؤمنین علیه السلام: نیز تأکید می کند که همگان در مسجد باید آرامش و طمأنینه داشته باشند؛ چون مسجد خانه خدا و محبوب ترین مکان در نزد پروردگار است. (2) (ابن بابویه، 1413ق)

روشن است که حضور خانواده ها در چنین محیط آرام و دلپذیری از یک سو باعث آرامش و نشاط خود آنان می شود و از سوی دیگر، به طور غیر مستقیم به آنها می آموزد که در خانه یا سایر مکان ها نیز با ایجاد سر و صدا و همهمه زیاد موجب آزار و اذیت دیگران نشوند. به همین دلیل، حضور والدین و فرزندان در مسجد و شرکت در جلسات سخنرانی و سایر برنامه های دینی روحیه خانواده را شاداب و با نشاط می کند.

4. مسجد الهام بخشی نظم و انضباط در زندگی

وقتی یک خانواده مقید می شود که نمازها را در اوقاتی معین و همراه با جماعت و حضور در مسجد به جا آورد، به تدریج آنها وقت شناس و منظم می شوند. در حقیقت خانواده مسجدی از طریق حضور در مسجد و اقامه نماز جماعت در اوقات معین، نظم و وقت شناسی در زندگی را نیز می آموزد و یاد می گیرد که در سایر کارهایش منظم باشد. شایان ذکر است که یکی از عمده ترین عوامل موفقیت در زندگی برنامه ریزی و نظم در امور است و حضور خانواده در مسجد زمینه را برای برنامه ریزی زندگی بر اساس ارزش های دینی فراهم می آورد.

5. مسجد جلوه گاه نظافت و آراستگی

مؤمنین در هنگام رفتن به مسجد باید علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از جهت ظاهری و

ص: 157

1- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ، وَ لَا يُخَاصُّ فِيهَا بِالْبَاطِلِ (بحار الانوار، جلد 80، ص 370).

2- . قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سُكُونٍ وَ وَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَ أَحَبُّ الْبُقَاعِ إِلَيْهِ (من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 170).

جسمی نیز خود را آماده و آراسته نمایند. در قرآن تأکید شده است که هنگام حضور در مساجد آراسته باشید. (1) (سوره اعراف، آیه 31)

امام مجتبی علیه السلام در هنگام نماز بهترین لباس هایش را می پوشید و می فرمود: «خداوند متعال زیبایی را دوست دارد، پس خود را برای پروردگارم می آرایم. (2) (نوری، 1408ق) از امام رضا علیه السلام نقل شده است که محل جلوس جدش امام صادق در مسجد از بوی عطر آن حضرت شناخته می شد. (طبرسی، 1408ق) امام صادق علیه السلام دو رکعت نماز با عطر را بهتر از هفتاد رکعت نماز بی عطر می دانست. (3) (کلینی، 1413ق)

همه موارد مذکور، نشانگر اهمیت نظافت و بهداشت فردی نمازگزار است. هنگام صحبت دهان نمازگزار بوی بد ندهد؛ لباس نمازگزار کثیف و بدبو نباشد و پا و بدن او بوی عرق ندهد.

هم چنین باید از استفاده چیزهایی که باعث ناراحتی دیگران می شود، مانند غذاهایی که بوی بد می دهند، استعمال دخانیات و سیگار و یا پوشیدن لباس های زننده و امثال آن، پرهیز کرد. محمد بن مسلم می گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد خوردن سیر پرسیدم. امام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر بوییش از خوردن آن اجتناب می کرد و توصیه می کرد پس از خوردن سیر به مسجد نروید.» (4) (همان)

وقتی فردی خود را موظف بداند که در هنگام رفتن به مسجد لباس تمیز و زیبا بپوشد؛ به خودش عطر بزند و بدنش را خوش بو نماید؛ و سر و صورتش را اصلاح کند، بی تردید کم کم به عادت پاکیزگی و آراستگی دائمی مزین می گردد.

6. مسجد پایگاه صبر و استقامت در مشکلات و سختی ها

نماز به انسان می آموزد چگونه در مقابل امیال ناروا از خود پایداری نشان دهد. خداوند متعال در قرآن به مؤمنین سفارش می کند از شکیبایی و نماز یاری بجویند (5) (سوره بقره، آیه 45) و با تقویت اراده خویش، از انواع تمنیات و هوس های وسوسه انگیز نامشروع اجتناب کنند.

ص: 158

- 1- . یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ.
- 2- . إِذَا قَامَ الْمُجْتَبِی إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي (مستدرک الوسائل، جلد 3، ص 226).
- 3- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَاةٌ مُطَهِّبَةٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بَغَيْرِ طَيْبٍ (فروع الكافی، جلد 7، ص 511).
- 4- . قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهُ لِرِيحِهِ؛ فَقَالَ: مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْخَبِيَّةَ فَلَا يَقْرُبَ مَسْجِدَنَا (فروع الكافی، جلد 6، ص 388).
- 5- . وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ.

خانواده مسجدی با حضور در مسجد، وجودشان سرشار از عشق الهی شده و با صبر و استقامت آموخته شده از نماز، با ثبات قدم در صراط مستقیم به حرکت خود ادامه می دهند. شایان ذکر است که صبر و بردباری و تحمل، بهترین زیور ایمان و شریفترین صفات انسان به حساب می آید؛ به گونه ای که نسبت صبر به ایمان همچون نسبت سر به بدن معرفی شده است.⁽¹⁾ (کلینی، 1411ق)

7. مسجد خاستگاه حیا، حجاب و عفاف

بی تردید هر انسانی علاقمند است از عزت و کرامت نفس برخوردار باشد. یکی از عوامل مؤثر برای دستیابی به کرامت و عزت نفس حیا است. حیا از جمله صفات زیبای الهی و انبیاء و امامان و بندگان صالح و شایسته حضرت حق می باشند. افراد مسجدی به خاطر احترام خاصی که برای این جایگاه مقدس قائلند، پیوسته مراقب خویش هستند که سخن بیهوده یا رفتار ناشایستی از آنها سر نزند. این مراقبت باعث تقویت حیا در آنان می شود.

زنان در هنگام نماز با پوشش کامل به نماز می ایستند. بانوان در مساجد بیشتر مراقب حجاب و عفاف خود هستند و پایبندی به دستورات الهی در خصوص حریم میان زن و مرد در افراد مسجدی بیشتر است.

تقویت حیا در اعضای خانواده، خود به خود بهبود وضع حجاب و عفاف را در پی دارد. همان طور که در مسجد مردان و زنان در دو قسمت جداگانه به نماز جماعت می ایستند و حریم میان زن و مرد را رعایت می کنند، در خارج مسجد نیز این رفتار ارزشمند و خداپسندانه را رعایت کرده و به تدریج روحیه غیرت و عفاف بر جامعه حاکم می شود. بدیهی است که این امر بر خانواده ها تأثیر خواهد گذاشت و میزان وفاداری زن و شوهر نسبت به هم را بالا خواهد برد. افزون بر این، والدین مسجدی که با وقار و حجاب در جامعه حضور پیدا می کنند، این فرهنگ اسلامی را به فرزندان شان منتقل کرده و آنان را با حیا و عفاف آشنا می نمایند.

8. مسجد پرورش دهنده عواطف انسانی

با حضور در خانه خدا و انس با مسجد و انسان های نیک سرشت، بستر مناسبی برای پرورش عواطف انسانی در خانواده اهل مسجد مهیا می گردد که نتایج ارزنده آن علاوه بر کانون خانواده، در سطح جامعه نیز تجلی می یابد.

ص: 159

1- . قال علی ابن الحسین علیه السلام : الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ، ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ، ذَهَبَ الْإِيْمَانُ (اصول کافی، جلد 2، ص 94).

از این رو، معمولاً در بین افراد مسجدی، محبت و عطف بیشتر وجود دارد. آنها اغلب خوش اخلاق بوده و با دیگران رفتار گرم و صمیمانه ای دارند. به علاوه در اهالی مسجد روحیه جمع گرایی و همکاری بیشتر مشاهده می شود.

در واقع حضور در خانه خدا، زمینه را برای آراسته شدن به صفات خداگونه ای همچون رحمت، عطف و شفقت فراهم می سازد. با رشد عواطف مثبت انسانی و صفات پسندیده الهی، اموری نظیر صداقت، صمیمیت، مهرورزی، عفو و گذشت، تعاون و همکاری در خانواده و جامعه گسترش پیدا می کند.

9. مسجد پناه گاهی امن و مطمئن

مساجد پناه گاهی مطمئن و مأمنی آرامش بخش برای مؤمنان و مسلمانان به حساب می آیند. به همین دلیل در گذشته هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت، مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب رویه رو می شوند، به مساجد پناه می بردند. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که هرگاه بلاها و گرفتاری ها نازل شوند، اهل مسجد در عافیت و امنیت به سر خواهند برد. (1) (النوری، 1408ق)

بنابراین، مسجد مکانی امن برای خانواده هاست و خانه خدا زمینه امنیت خانوادگی و اجتماعی را مهیا می سازد. خانواده ای که پیوسته به مسجد رفت و آمد دارد و از برکات آن بهره مند می شوند، خداوند را حاضر و ناظر اعمال خود می دانند و پیوسته مراقب رفتار خویش هستند. از این رو، جامعه از خانواده هایی که اهل مسجدند، بیشتر احساس امنیت خاطر می کند و اعتماد مردم نسبت به آنان بیش از دیگر افراد جامعه است.

10. مسجد عامل بازدارنده از کجروی ها

اشاره

مساجد نقش مهمی در کاهش انحرافات و کجروی های فردی و اجتماعی دارند. تحقیقات متعدد نشان داده است کسانی که اهل عبادت و حضور در معابد و مساجد هستند، بسیار کمتر در معرض بزهکاری قرار می گیرند. خداوند متعال در آیه 45 سوره عنکبوت یکی از آثار و برکات نماز را دوری از زشتی ها و منکرات ذکر کرده است. (2)

امام علی علیه السلام می فرماید: «همانا نماز، گناهان را چون برگهای پاییزی فرو می ریزد و غل

ص: 160

1- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (مستدرک الوسائل، ج 3، ص 356).

2- . إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

اغلب بزهکاران از کسانی هستند که ارتباطی با خدا و نماز و مسجد ندارند و با ارزش های اخلاقی بیگانه اند. این افراد از معنویت تهی بوده و احساس طرد شدن از درگاه الهی را دارند. اما خانواده های اهل مسجد با حضور در خانه خدا و اقامه نماز خود را پیوسته در محضر خدا می بینند و همین امر آنها را از پلیدی ها و انحرافات باز می دارد.

حضور در مسجد علاوه بر آثار فوق، فواید فراوان دیگری مانند: تقویت اعتدال و ساده زیستی، مبارزه با تجملات و اسراف کاری، بخشنده گی و کمک به نیازمندان، افزایش هدفمندی و معناداری زندگی، کم شدن احساس تنهایی و بی کسی، پر تحرکی و میل به فعالیت های اجتماعی، یاری رسانی و خدمت به هموعان، را نیز در بردارد.

ظرفیت های مسجد در حل مشکلات خانوادگی

با توجه به تقدس و حرمتی که مساجد در نزد مردم دارند، این مراکز می توانند نقش برجسته و بی بدیلی در حل مشکلات خانوادگی مردم ایفا کنند. در صورتی که امام جماعت و متولیان مسجد، تحکیم نهاد خانواده را به مثابه وظیفه ای دینی و اخلاقی تلقی نمایند و از ظرفیت ها و امکانات مسجد برای تحقق این امر خدا پسندانه استفاده کنند، می توانند اولاً با آموزش مهارت های زندگی از بسیاری آشفتگی ها و نابسامانی های خانوادگی پیشگیری نمایند؛ ثانیاً با مداخله به موقع و مؤثر در بحران های خانوادگی و سرکشی از خانواده های آسیب دیده، در جهت کاهش آلام و رنج های خانواده های پیرامون مسجد، گام بردارند.

این فعالیت ها که هدف آنها کمک به استحکام و پایداری خانواده هاست بسیار متنوعند و از تشکیل صندوق قرض الحسنه و کمک مالی به خانواده های نیازمند یا ایجاد در مانگاه و تلاش برای درمان بیماری های آنان گرفته تا برگزاری جلسات آموزش مهارت های زندگی و سبک زندگی اسلامی و سرکشی از خانواده های آسیب دیده را شامل می شود. در اینجا برای نمونه به چند مورد از این راهبردها که اجرای آنها در اکثر مساجد کشور به آسانی میسر است، اشاره می کنیم.

1. آموزش مهارت های زندگی

در آموزش مهارت های زندگی سعی می شود هر رفتاری به اجزای کوچک تر تقسیم شود

ص: 161

1- . قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَإِنَّهَا لَتُحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ وَتُطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّيْقِ.

تا افراد بتوانند به راحتی آنها را تمرین کنند. در این آموزش ها علاوه بر یادگیری رفتارهای جدید، افراد می کوشند با شناخت خود، خدا، اطرافیان، جامعه و محیط زیست، شیوه تعامل بهینه با آنان را فراگیرند. (شریفی نیا، 1391)

آموزش مهارت های زندگی به افراد خانواده کمک می کند تا در زندگی واقعی راحت تر بوده و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شوند و خودشان را صادقانه تر ابراز کنند و در نتیجه زندگی موفق تر و شادتری را تجربه نمایند.

مساجد می توانند با استفاده از کارشناسان مجرب و متخصص در امور خانواده این کلاس ها را برای بانوان، آقایان و حتی فرزندان برگزار نمایند. البته در برگزاری این کلاس باید نکاتی همچون تناسب زمانی، محیط آموزشی مناسب، سطح دانش فراگیران، نیازها و اولویت های گروه هدف و تلفیق آموزه های دینی با فنون علمی مدرن به دقت رعایت شود.

2. مداخله در بحران های خانوادگی

یکی از مؤثرترین اقدامات برای مهار آسیب های خانواده های در معرض خطر، مداخله افراد آشنا به مسائل خانوادگی، با تجربه، خیرخواه، دلسوز و خوش بیان در درگیری های خانوادگی و رویدادهای بحران زای خانواده هاست. این نوع مداخلات باعث کنترل نسبی اوضاع و کاهش تنش و درگیری پیش آمده در خانواده است.

با توجه به این که اغلب اعضای هیئت امنای مساجد انسان هایی مؤمن، خیر، خوش نام و مورد اعتماد مردم هستند، می توانند با مداخله به موقع و مناسب خود در بحران های خانوادگی نقش برجسته ای در پیشگیری از نزاع های خانوادگی و احیانا طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها داشته باشند.

3. سرکشی از خانواده های آسیب دیده

به دلایل مختلف بعضی خانواده ها دچار آسیب و پریشانی می شوند. حوادثی از قبیل ورشکستگی، تصادف، مرگ عزیزان، بیماری سخت و صعب العلاج، زندانی شدن یکی از اعضای خانواده، اعتیاد، از دست دادن شغل و اموری از این دست می تواند یک خانواده را با فاجعه ای بزرگ

مواجه سازد. در چنین شرایطی انسانها بیش از هر چیزی نیاز به تسلی خاطر و حمایت اجتماعی دارند. اگر بعضی نمازگزاران سرشناس و موجه مسجد به همراه امام جماعت برنامه ای منظم برای شناسایی و سرکشی از این نوع خانواده ها داشته باشند

و ضمن شنیدن درد دل ها و مشکلاتشان، تا حد امکان کمک هایی به آنان ارائه دهند، بی تردید تأثیر شگرفی بر آرامش خانواده و کاهش اثرات آسیب خواهد داشت. پژوهش های متعدد تأیید کرده اند که ارائه حمایت های عاطفی و اجتماعی به میزان زیادی، تنش، تنهایی، اضطراب و سایر شرایط آسیب زا را کاهش داده و سلامت روانی دین داران را از طریق بهبود شرایط محیطی افزایش می دهد. (پولنر (1)، 1989؛ کیرک پاتریک (2) و هود (3)، 1990؛ آرگیل (4)، 2000) افزون بر این، روحانیون و مبلغان دینی می توانند با ایجاد فضای حمایتی معنوی، بعضی از اختلالات خلقی مثل افسردگی، احساس تنهایی و کمرویی را درمان نمایند.

پژوهش های انجام شده بیانگر آن است که حمایت های اجتماعی باعث می شود که افراد کمتر دچار اعتیاد به مواد مخدر شوند. (گورساک (5)، 1995)

4. ایجاد مراکز مشاوره خانواده

ایجاد مراکز مشاوره خانواده در مساجد موضوع جدیدی است که می تواند به جذابیت مسجد بیفزاید. در شرایط کنونی زوجین و خانواده ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت و راهنمایی هستند، به همین دلیل، ایجاد این گونه اماکن در مساجد که بیش از سایر مکان ها مورد اعتماد خانواده ها و مردم قرار دارند، ضروری به نظر می رسد.

البته مراکز مشاوره مساجد باید کلیه معیارها و استانداردهای یک مرکز مشاوره خوب و قابل قبول را داشته باشند. این مراکز علاوه بر این که بایستی از سازمان نظام روان شناسی دارای مجوز رسمی باشند، لازم علاوه بر فراهم آوردن مکانی امن، آرامبخش و دلنشین برای مراجعان، از نیروهای روان شناس و مشاور توانمند و با تجربه استفاده نمایند.

حداقل استانداردهای لازم برای یک مرکز مشاوره قابل قبول عبارتند از:

1. دست کم دارای یک اتاق اداری، یک سالن انتظار، یک آبدارخانه و سه اتاق برای مشاوره باشد. مرکز باید حداقل یک اتاق گروه درمانی، یک اتاق روان سنجی و یک اتاق آموزش گروهی داشته باشد.

ص: 163

1- Pollner, J. O .

2- Kirkpatrick, L. A .

3- Hood, R. W .

4- Argyle, M .

5- Gorsuch, R. L .

2. از تجهیزات و لوازم اداری مانند رایانه، میز اداری، صندلی راحتی و کاناپه، فایل، قفسه کتاب، وسایل کمک آموزشی مثل اورهد و ... به مقدار کافی برخوردار باشد.

3. کلیه اتاق های مرکز مشاوره با رنگ های روشن و آرام بخش مثل سبز روشن، سفید استخوانی، آبی کمرنگ، کرم ملایم و ... رنگ آمیزی شوند، تا محیط برای مراجعین دلنشین و آرامبخش باشد.

4. محیط مشاوره باید با گل های طبیعی یا مصنوعی و تصاویر زیبا از طبیعت تزئین گردد. دقت شود که در مراکز مشاوره عکس افراد یا شخصیت ها وجود نداشته باشد؛ چون ممکن است نشان دهنده جهت گیری سیاسی مرکز بوده و برای پاره ای افراد ناخوشایند باشد.

5. کلیه روان شناسان و مشاوران علاوه بر دارا بودن مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد روان شناسی، مشاوره، یا علوم تربیتی باید از اطلاعات دینی خوبی هم برخوردار باشد و از آنها در مشاوره های خود استفاده نمایند.

اشاره

در میان تمام کسانی که به نوعی در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیت ها، شایستگی ها، عملکرد، شخصیت و چگونگی برخورد او با مردم اثر شگرفی بر جذب یا دفع افراد به مسجد دارد. (نوبهار، 1375)

معمولاً ائمه جماعات مساجد به عنوان الگوهای اخلاقی و معنوی بیش از دیگران مورد وثوق و اعتماد مردم هستند و بسیاری از خانواده های مذهبی ترجیح می دهند مشکلاتشان را با امام جماعت در میان بگذارند و از آنها راهنمایی بخواهند.

اگر امام جماعت بخواهد مسئولیت خود را به بهترین نحو انجام دهد، باید رابطه صمیمانه ای با مردم برقرار کند. بدین منظور او باید واجد سه عنصر مقبولیت، محبوبیت و موفقیت باشد.

مقبولیت یعنی مردم او را واقعاً بپذیرند و به او اعتماد کنند. اگر امام جماعت مقبول نمازگزاران و اهل محل نباشد، کلام او تأثیری در مردم نخواهد داشت. از جمله عوامل مؤثر در مقبولیت امام جماعت این است که علاوه بر آگاهی کامل از مسائل دینی، فردی روشنفکر، آگاه و برخوردار از دانش روان شناسی و مسائل خانوادگی باشد.

محبوبیت به معنای آن است که علاوه بر پذیرش وی توسط مردم، آنها او را قلباً دوست بدارند و علاقمند به صحبت و ارتباط با وی باشند. مهربانی، خوش رویی، صداقت، گرمی و صمیمیت در برخوردها، انعطاف پذیری، شوخ طبعی و فروتنی باعث محبوبیت فرد می شود.

موفقیت هم زمانی حاصل می شود که اولاً امام جماعت در برقراری ارتباط مؤثر و همدلانه با مردم موفق باشد و ثانیاً با استفاده صحیح از تکنیک های آموزشی و تربیتی بتواند آنان را به درستی راهنمایی کند.

رابطه امام جماعت با نمازگزاران باید صمیمانه و مبتنی بر احترام و محبت متقابل باشد. بدین منظور باید همواره با آنان گفتگو کند؛ از مشکلات شان آگاه باشد؛ موفقیت هایشان را تبریک بگوید و از ناراحتی و غم هایشان ابراز تأسف کند.

ویژگی های امام جماعت مشاور

یک امام جماعت مشاور برای مشاوره دادن به خانواده ها، علاوه بر داشتن شرایط امام جماعت نظیر تقوا و عدالت، توانایی علمی و خصوصیات اخلاقی، باید از ویژگی های زیر نیز برخوردار باشد:

* دارای سلامت جسمی و روانی باشد.

* باهوش باشد و توانایی توجیه و متقاعدسازی دیگران را داشته باشد.

* به انسان ها و حل مشکلات آنها علاقمند باشد.

* انعطاف پذیر باشد و کسی را به پیروی و اطاعت از خویش مجبور نکند.

* رازدار باشد و هرگز اسرار مردم را فاش نسازد.

* متقی؛ خوش نام و قابل اعتماد باشد.

* به توانایی و محدودیت هایش آگاه باشد و در مسائلی که تخصص ندارد، مداخله نکند.

* ضمن آشنایی با علم روان شناسی و تعلیم و تربیت، به فنون و روش های مشاوره مسلط باشد.

* ذهن فعال و پویایی داشته باشد و بتواند سؤالات دقیق و مناسب را به موقع مطرح سازد.

* به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کند و از روابط اجتماعی خوبی برخوردار باشد.

* از سعه صدر برخوردار باشد و توان شنیدن مطالبی را که با آنها موافق نیست داشته باشد.

* انتقاد پذیر باشد و خود را کامل و بدون عیب و نقص نداند.

* دارای یکپارچگی درونی و انسجام شخصیتی باشد.

* عفیف و پاکدامن باشد و در گفتگوی با زنان و دختران مسائل شرعی و اخلاقی را کاملاً رعایت نماید.

* دارای اعتماد به نفس بوده و در ارائه راه حل ها از خود خلاقیت و ابتکار نشان دهد.

* دارای همدلی و خلوص بوده و درد و رنج مراجعین خود را درک نموده و با آنان همدلی نماید.

* انسان ها را با ارزش بداند و برای حل مشکلات آنها تمام توان خویش را به کار گیرد.

* مثبت اندیش و امیدوار باشد و همواره دیگران را امیدوار و خوش بین به حل مشکلاتشان نماید.

* خوش تیپ، خوش لباس و آراسته باشد. مواظب نظافت دهان و دندان و احیانا بوی بد دهان خود بوده، و هرگز از پاکیزگی لباس و بدن خود غافل نشود.

* رفتارش با مراجعین توأم با احترام و تواضع باشد و از خودخواهی، تکبر، خشکی و تندخویی بپرهیزد.

اطلاعات مورد نیاز امام جماعت مشاور

اشاره

کاری که یک مشاور خانواده باید برای مراجعینش انجام دهد دارای سه بعد شناختی، رفتاری و عاطفی است. در بعد شناختی مشاور باید کاری کند که مراجع، نخست به خودشناسی برسد و بعد دیگران را بشناسد و آنان را همان گونه که هستند، بپذیرد. در بعد رفتاری مشاور سعی می کند مراجع را از یک رفتار غیراخلاقی به یک رفتار اخلاقی سوق دهد. مثلاً می کوشد یک فرد دروغگو را به جایی برساند که دیگر دروغ نگوید. در بعد عاطفی مشاور تلاش می کند روابط از هم پاشیده شده اعضای خانواده را تبدیل به روابط صمیمانه کند. مثلاً فردی که وجودش پر از کینه و خشم است را به کسی تبدیل کند که وجودش پر از عشق و محبت است.

برای رسیدن به این اهداف لازم است مشاور تا حدودی با دانش خانواده و فنون مورد نیاز آشنا باشد. دامنه این دانش ها و فنون بسیار گسترده است که در اینجا امکان پرداختن به همه آنها وجود ندارد. ولی سه مورد اساسی برای مداخله در مسائل خانوادگی عبارتند از: آشنایی با ویژگی های خانواده سالم، آگاهی از مشکلات کنونی خانواده ها و اطلاع از فنون مداخله در مسائل خانوادگی. در ادامه هر یک از موارد فوق را به اختصار توضیح می دهیم.

1. آشنایی با ویژگی های خانواده سالم

بدون شناخت ویژگی های خانواده سالم، نمی توان درک درستی از آسیب ها و مشکلات خانوادگی داشت. از این رو، در این قسمت برخی از مهم ترین خصوصیات خانواده سالم را توضیح می دهیم.

از نظر روان شناسان خانواده سالم خانواده ای است که در رسیدن به اهداف و کارکردهای خود موفق باشد و اعضای آن احساس شادی و رضایت کنند. سلامت خانواده فرآیندی تعاملی است که با روابط و نتایج مثبت مرتبط است و به ساختار، کنش ها و ثمرات آن بستگی دارد. از آنجا که اساس خانواده زن و شوهر می باشند، روابط سالم و رضایت بخش بین زوجین شاخص مهمی برای خانواده سالم محسوب می شود.

حسینی (1390) خانواده ای را متعادل و سالم می داند که نیازهای مادی، عاطفی و روانی اعضای آن تأمین می شود؛ علائم مرضی ندارد و در شرایط مطلوب به سر می برد؛ اعضای خانواده شامل شوهر، زن و فرزندان با هم زندگی می کنند؛ پدر اقتصاد خانواده را اداره می کند و مادر به مدیریت داخلی منزل و همچنین تربیت فرزندان می پردازد؛ بین اعضای خانواده صمیمیت، پذیرش، توجه و رسیدگی نسبت به هم وجود دارد؛ والدین و فرزندان در روابط خود حدود شرعی و ارزش های اخلاقی را رعایت می کنند؛ فرزندان به والدین احترام می گذارند و بین آنها مشارکت، صمیمت، عطوفت و همدلی وجود دارد.

بدین ترتیب می توان گفت خانواده سالم خانواده ای است که دارای ویژگی های زیر باشد:

1. اعضای خانواده دارای عقاید دینی و ارزش های اخلاقی مشترکی هستند و خود را ملتزم و عامل بدان می دانند.
2. متناسب با توانایی، ظرفیت و رضایت زوجین و فرزندان، نقش ها و وظایف هر یک از اعضای خانواده به طور واضح و شفاف مشخص و تعریف شده است و هرکس با انجام درست وظایفش، نقش خود را به خوبی ایفا می کند.
3. اعضای خانواده ضمن مراقبت، مشارکت و همدلی با همدیگر، به استقلال شخصیت هم احترام می گذارند و تفاوت های فردی یکدیگر را می پذیرند.
4. برای اعضای خانواده مجال بروز طیف گسترده عواطف، از احساسات ملایم و محبت آمیز تا احساسات متعارض و غمگین وجود دارد و آنها می توانند بدون نگرانی از عواقب آن، احساسات خود را بروز دهند.
5. اعضای خانواده نسبت به هم وفادار بوده و همگی برای رشد و بهزیستی سایر اعضای خانواده تلاش می کنند.
6. اعضای خانواده با عشق و احترام با هم رفتار کرده و قدردانی و تشکر قلبی خود را نسبت به سایر اعضا ابراز می نمایند.
7. اعضای خانواده درباره همه مسائل زندگی و مشکلات خانوادگی با آرامش با هم گفتگو

می کنند و به جای انکار یا سرکوبی مشکلات، آنها را با صمیمیت و تفاهم بررسی می نمایند.

8. اعضای خانواده از صرف کردن وقت با هم لذت می برند و از نظر کمی و کیفی اوقات خوشی را با هم می گذرانند.

9. اعضای خانواده در مراحل مختلف زندگی به جای سرزنش و تحقیر، طرد و تمسخر، اجبار و تحمیل به یکدیگر، روش تعریف و تشکر، تأیید و پذیرش تشویق و پاداش و تأمین حق انتخاب و آزادی های مشروع را به کار می گیرند.

10. در هنگام وقوع اختلافات بین فردی یا بحران های خانوادگی می کوشند از طریق گفتگو، شوخی و بذله گویی و ابراز احساسات سازنده و مثبت نسبت به هم، مداخله بزرگترهای فامیل یا نزدیکان آگاه و دلسوز، و یا درخواست مشاوره از روان شناسان و متخصصان، مشکلات خود را حل نمایند.

به طور خلاصه می توان گفت با تقویت روابط و مناسبات مطلوب در خانواده، رفتارهای خانواده سالم در جلوه های زیر ظاهر می شود: گفتگوی سالم و مؤثر، رفتار ارتباطی خوب، رفتارهای معنوی، رفتار مناسب با خویشان و سایر مردم و روش های مؤثر برای حل اختلافات و تعارض ها. (دلشاد تهرانی، 1388)

شکل یک ساختار پویای خانواده سالم از دیدگاه اسلام را نشان می دهد. هر گونه اختلال در این مراحل به آسیب و آشفتگی خانواده منجر می شود.

2. آگاهی از آسیب های رایج خانواده

برای این که بتوانیم به خانواده ها کمک کنیم، بایستی عوامل آسیب زا و چگونگی مقابله با آنها را بشناسیم. در یک تقسیم بندی کلی می توانیم مهم ترین علل آسیب های خانوادگی را به سه دسته عوامل اجتماعی، عوامل شخصی و عوامل ارتباطی تقسیم کنیم.

2-1. عوامل اجتماعی

شیوع گسترده اموری مانند احساس از خود بیگانگی فرهنگی، پیدایش شیوه های جدید زندگی جنسی، تغییر نقش های زن و شوهر، آسان شدن جابجایی و مهاجرت، هسته ای شدن خانواده ها، در هم آمیختگی فرهنگی، اشتغال زوجین، عادی شدن طلاق و سست شدن ارزش های دینی و اخلاقی زمینه آسیب پذیری خانواده ها را افزایش داده است.

2-2. عوامل شخصی

مسائلی مثل برداشت ها و انتظارات غیرواقعی از ازدواج، ناهمخوانی اهداف زوجین، تغییر نگرش ها، سبک های احساسی و رفتاری متفاوت، مشکلات رفتاری و شخصیتی افراد و حالات روانی کنونی همسران، از جمله اموری هستند که باعث آشفتگی خانواده ها می شوند.

2-3. عوامل ارتباطی

مجموعه مسائلی که به کیفیت روابط والدین و فرزندان مربوط می شود، در این حیطه قرار می گیرند. مشکلاتی نظیر کمبود ارتباط کلامی و عاطفی، پرخاشگری های کلامی، رفتار ناخوشایند متقابل، الگوهای ارتباطی نامناسب، ناتوانی همسران در حل مشکلات بین فردیشان و روابط ناسالم فراخانوادگی از جمله عوامل آسیب زا به شمار می آیند.

این عوامل که منبع بسیاری از پریشانی ها و ناهنجاری های خانوادگی در عصر ماست، باعث بروز مشکلات عدیده ای در خانواده ها می شود که می توان آنها را در 5 گروه اصلی مشکلات شناختی، رفتاری، کلامی، عاطفی و روانی جای داد.

عقاید خرافی، باورهای غلط، ارزش های نادرست، نگرش های معیوب و انتظارات نامعقول مهم ترین مشکلات شناختی افراد خانواده را تشکیل می دهند معمولاً افکار و باورهای نادرست، باعث انجام رفتارهای ناسالم و آسیب زا می شوند. این رفتارها نظیر پرخاشگری بی تفاوتی، کناره جویی و ... خود منشأ بسیاری از مشکلات خانوادگی است که گاه فروپاشی بنیان خانواده را در پی دارند.

مشکلات کلامی نیز سهم بزرگی در آشفتگی روابط زوجین و فرزندان دارند. بسیاری از

زوج‌ها، و خانواده‌ها از نحوه ارتباط و گفتگوی با یکدیگر ناخشنود هستند. برخی بسیار ساکتند و به ندرت با هم صحبت می‌کنند؛ بعضی از لحن و نحوه گفتگو شکایت دارند و می‌گویند اغلب با لحن تحکم‌آمیز و غیر مؤدبانه با آنها صحبت می‌شود؛ پاره‌ای هم نمی‌توانند همدیگر را درک کنند و از حرف‌های طرف مقابل برداشت منفی می‌کنند.

گاه وقتی یکی از اعضای خانواده با دیگری صحبت می‌کند، او متوجه نمی‌شود که گوینده در حال تلاش برای برقراری رابطه با اوست؛ در نتیجه پاسخ‌تند و ناامید کننده‌ای می‌دهد همین امر اختلاف بین آنها را تشدید می‌کند. بسیاری از زوجها از گفتگو و مشاجره‌های رنج‌آور گله دارند و اظهار می‌دارند که اغلب سخنان طرف مقابل حاوی سرزنش کردن، حمله کردن، دفاع کردن، کناره‌گیری کردن یا آمیزه‌ای از اینهاست. برخی زوج‌ها هم خبر می‌دهند که گفتگوهایشان با هم عمقی ندارد و برای همین احساس دوری و جدایی می‌کنند.

بخش دیگری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از عواطف و احساساتی است که نسبت به هم ابراز می‌کنند. برخی شدیداً هیجانی هستند و نمی‌توانند احساسات ناراحت‌کننده خود را مهار نمایند. این افراد با افراط در احساسات منفی، مدام بر ناراحتی‌ها و مشکلاتی که به طور طبیعی در زندگی روزانه پدید می‌آید، انگشت می‌گذارند. گاهی تمرکز بر این هیجان‌های منفی به اندازه‌ای شدید می‌شود که همه ابعاد زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنان نمی‌توانند حتی وقتی سرکار هستند یا در موقعیت‌های لذت‌بخش به سر می‌برند، فکشان را از احساسات آشفته و ناراحت‌کننده رها سازند. گاهی این تمرکز افراطی بر احساسات منفی، به اندازه‌ای اعضای خانواده را از نظر عاطفی خسته می‌کند که دائماً احساس ناراحتی و فشار روانی می‌کنند و نمی‌توانند از جنبه‌های مثبت زندگی‌شان لذت ببرند.

و در نهایت گاهی مشکلات خانواده‌ها ناشی از اختلالات روانی و ناهنجاری‌های رفتاری یک یا چند نفر از اعضای خانواده است. ابتلای به افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس فکری و عملی، اختلال دوقطبی، بدکارکردی‌های جنسی، مصرف مواد مخدر و الکل یا اسکیزوفرنی، تأثیرات شدیدی بر نابسامانی‌های خانوادگی دارند. (اپستاین و باکوم، 2002)

نکته بسیار مهم در آسیب‌شناسی خانواده، ماهیت تعاملی آن است. یعنی در بیشتر مشکلات خانوادگی حتماً هر دو یا چند طرف نقش دارند. وقتی زن و شوهر در برابر مشکلی قرار می‌گیرند که نمی‌توانند آن را بین خود حل و فصل نمایند، ممکن است به یکی از چهار الگوی تعاملی نامناسب زیر رو آورند:

حمله متقابل: در این الگوی رفتاری همسران به جای حل مشکلاتشان به رفتارهای پرخاشگرانه متقابل نظیر انتقاد از هم، تهدید یکدیگر و گاه بدرفتاری های بدنی و عاطفی رو می آورند.

درخواست -کناره گیری: در این سبک رفتاری یکی از همسران دیگری را اغلب به شیوه پرخاشگرانه و تهاجمی دنبال می کند تا توجه و پذیرش او را به دست آورد؛ اما طرف مقابل از او کناره گیری می کند یا از توجه به او خودداری میکند.

کناره گیری متقابل: در این حالت هر دو همسر با هم قهر کرده و از یکدیگر فاصله می گیرند تا درگیر تعاملهای تنفرآمیز نشوند.

جدایی متقابل یا یک طرفه: در این شیوه یکی از همسران یا هر دو علاقه ای به طرف مقابل ندارد و حتی وقتی یکی از آنها به دیگری نزدیک می شود، او خود را کنار می کشد و از او دوری می کند.

به هر حال وقتی انتقادها و بی حرمتی های یکی از همسران، عزت نفس دیگری را به مخاطره می افکند، این باعث گوشه گیری یا رفتار دفاعی طرف مقابل می شود. همسران اغلب رها کردن یک رابطه خصمانه را بر این که با کسی زندگی کنند که دائماً موجب ناراحتی و افسردگی شود، ترجیح می دهند.

براساس تحقیقات انجام شده در حال حاضر مهم ترین علل اختلافات زناشویی در ایران ناسازگاری و عدم تفاهم، بی کاری و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، دخالت خانواده های زوجین، تعارض شدید با خانواده همسر، سوءظن و بدگمانی، اختلال دوقطبی، خشونت خانگی، خیانت های زناشویی و روابط جنسی نامشروع می باشد. (حسینی، 1386، محسن زاده و همکاران، 1390 و هنریان و یونسی، 1390)

بی تردید مشکلات فوق ریشه در مسائل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد و بدون توجه به آنها نمی توان چندان امیدی به حل ریشه ای مشکلات و تحکیم نهاد خانواده داشت. مشکلات فوق مسائلی همچون: تضعیف باورهای دینی در جامعه و خانواده ها، آشفتگی و جابجایی نقش های زن و شوهر در خانواده، استقلال اقتصادی زنان و تجملی شدن زندگی ها، کاهش نقش والدین و بزرگان فامیل در حمایت اجتماعی از زوج های جوان، و در نهایت تغییر ارزش های خانوادگی مانند کاهش قبح طلاق، بی صبری در مشکلات و کم اهمیت شدن حفظ خانواده را در پی داشته است. (قدسی، 1390؛ یونسی و بهرامی 1388)

مشاوره خانواده یک فعالیت تخصصی و حرفه ای است که طی آن مشاور در یک رابطه چهره به چهره، از تکنیک ها و فنون متنوعی برای حل مشکلات خانوادگی استفاده می کند. مهم ترین کار یک مشاور این است که اعضای خانواده از علل مشکلاتشان درک بهتری پیدا کنند و برای حل آن به راه حل های سازنده و مؤثری دست یابند؛ زیرا مشکل اساسی بسیاری از خانواده ها آن است که در عین رنج بردن، هیچ گاه

مسئله خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی دهند و اغلب از عوامل ایجاد کننده آن آگاه نیستند. وظیفه مشاور این است که با استفاده از فنون مشاوره ای آرام آرام مراجع را نسبت به ماهیت مشکل و راه حل های آن آگاه سازد.

برای کمک به خانواده ها نخست باید با والدین یا فرزندان بزرگ تر ارتباط برقرار کرد. مهم ترین اهداف این رابطه آن است که اولاً مشاور را به عنوان شخصی بپذیرند که می تواند برای حل مشکلات آنها مفید و مؤثر باشد؛ ثانیاً مطمئن شوند که مشاور فردی امین، رازدار، دلسوز، اخلاقی و بی طرف است و از هیچ کس جانبداری نمی کند.

مشاور خانواده باید همواره به این نکته توجه داشته باشد که تمامی مشکلات و آشفتگی های خانوادگی ماهیت زوجی و طرفینی دارد و در هر مشکلی حتماً دو طرف در آن نقش دارند. به همین دلیل، برای موفقیت آمیز بودن هر نوع مداخله ای باید طرفین مشارکت داشته و مسئولیت خود در بروز مشکل و حل آن را بپذیرند. یکی از مؤثرترین شیوه های تأثیرگذاری یک زوج بر دیگری، تغییر دادن رفتار خودش است. البته اگر یکی از زوجین با مشارکت خود، رفتارش را تغییر دهد ولی از طرف مقابل پاسخ مناسبی دریافت نکند، ممکن است او خشمگین یا رنجیده شود و کوشش خود را کاهش دهد. بنابراین مشاور بایستی هر دو طرف را به مشارکت در فرایند تغییر رفتار مشکل زا ترغیب کند و مسئولیت هر یک از آنها را در انجام توصیه های مشاوره ای گوشزد نماید. در واقع هر فرد باید به شیوه ای رفتار کند که با معیارها یا نظام ارزشی او به عنوان یک همسر خوب مطابقت داشته باشد. بدین منظور هر شخص می تواند از خود بپرسد: آیا من شیوه رفتار خودم را می پسندم و با آن موافقم؟ آیا این همان شیوه ای است که من دوست دارم همسر من نیز همان طور با من رفتار کند؟

بنابراین مشاور قبل از هر چیز باید بداند که آیا طرفین حاضرند در خود تغییر رفتاری انجام دهند؟ این موضوع خصوصاً زمانی که یک فرد نسبت به همسرش بدرفتاری می کند، بسیار اهمیت دارد. نظر به این که بسیاری از شکایات خانواده ها، مربوط به مشکلات ارتباطی

اعضای خانواده با یکدیگر می باشد، آموزش مهارت های کلامی و شیوه گفتگوی والدین و فرزندان اهمیت مضاعف می یابد. معمولاً گفتگوهای زوجین عمدتاً یا برای تبادل افکار و احساسات است یا برای تصمیم گیری و حل مسئله. مشاور باید این دو نوع ارتباط کلامی را به همسران و فرزندان آموزش دهد. به این مداخله مهارت آموزی می گویند. فرض این است که همسران فاقد این مهارت ها، با آموزش آنها را به کار خواهند گرفت.

هدف مشاور آن است که اعضای خانواده افکار و احساسات خویش را به شیوه باز و محترمانه، مبادله کنند.

رهنمودها در مورد شیوه گفتگوی سالم و سازنده بایستی خلاصه و آسان باشد تا همه اعضای خانواده آن را به خوبی بفهمند و بتوانند براساس آن عمل نمایند. مشاور برای تشخیص مشکلات خانواده ها می تواند از سؤالات زیر استفاده نماید:

1. چقدر به همسر یا فرزندان ابراز محبت می کنید؟
2. هنگام اختلافات چگونه خشم خود را کنترل می کنید؟
3. آیا از روابط زناشویی خود راضی هستید؟
4. آیا به راحتی با هم صحبت می کنید و در هنگام گفتگو شنونده خوبی هستید و با دقت به حرف های همسر یا فرزندتان گوش می دهید؟
5. چقدر به هم احترام می گذارید یا باعث تحقیر و آزار همدیگر می شوید؟
6. آیا با حقوق همسر و فرزندان و وظایف خود نسبت به آنها آشنایی دارید؟
7. در تصمیم گیری های مربوط به خانواده و خود چقدر با هم مشورت می کنید؟
8. چقدر به رعایت حدود شرعی در روابط زن و مرد نامحرم مقید هستید؟
9. چقدر مشکلات و اختلافات خود را به خانواده های اصلی انتقال می دهید؟
10. در خانه چقدر به احکام الهی توجه دارید و رضایت خداوند را در نظر می گیرید؟

مسجد مهم ترین و عالی ترین کانون الهی در جهت رشد و شکوفایی معنوی، علمی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، خانواده ها در اعصار مختلف بوده است. این مکان های مقدس علاوه بر نقش مهمی که در عبودیت و بندگی خداوند دارند، می توانند زمینه تقویت همبستگی و تحکیم نهاد مقدس خانواده را نیز فراهم سازند. از این رو، اگر جوامع اسلامی خواستار نظام خانوادگی مطلوب و سرشار از معنویت و اخلاق هستند، باید به این کانون های مقدس و بوستان های الهی که در طول تاریخ مهبط عبادت، معرفت و ارزش های اسلامی بوده اند، بیشتر توجه نمایند و با فراهم آوردن زمینه حضور خانواده ها در مساجد، نهاد خانواده را پایدار و مستحکم نموده و از این طریق با کاهش آسیب ها و

مفاسد، به ایجاد جامعه ای سالم و پویا کمک کنند. بدین منظور می توان اقدامات و برنامه های زیر را در دستور کار فعالیت های مساجد قرار داد:

1. امام جماعت، هیئت امناء و سایر مسئولان مساجد باید با برگزاری جلسات و نشست های مشترک، طرحی جامع برای استفاده از تمامی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد در جهت تحکیم بنیان خانواده تدوین نمایند. مسجد باید به درون خانواده ها برود و خانواده ها باید مسجد را پناهگاهی امن و مطمئن برای خود و فرزندان شان بدانند.

2. جلسات سخنرانی، بحث و گفتگو پیرامون مسائل خانوادگی در مساجد برگزار شود و در آنها نکات تربیتی مربوط به فنون همسرمداری، شیوه های فرزندپروری مسائل اخلاقی و حقوق خانواده ها و هر آنچه به خانواده مربوط می شود، مطرح شود تا از آسیب های فردی و اجتماعی خانواده ها و فرزندان کاسته شود. در این جلسات، باید از روان شناسان برجسته و کارشناسان تربیتی خبره استفاده شود تا بتوانند برای مسائل و مشکلات حاد و پیچیده امروزی که در بسیاری از خانواده ها و فرزندان پدید آمده است، راه حل های مناسب و کاربردی ارائه دهند.

3. برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برنامه ریزی های جامع و صحیح انجام گیرد. در ایام تعطیلات، بیشتر وقت کودکان و نوجوانان و جوانان به بطالت می گذرد. همین امر گاه زمینه ساز ناهنجاری های رفتاری و اختلافات خانوادگی در خانواده ها می شود. از این رو، لازم

است مساجد با اجرای برنامه های متنوع، جذاب و شاداب این قشر عظیم را به سوی مسجد فراخوانند. نوجوانان و جوانان به دلیل آمادگی های معنوی، نداشتن وابستگی به امور مادی و آزاد بودن فکر و ذهن شان، بهتر مفاهیم و ارزش های اخلاقی را درک می کنند و رفتارهای پسندیده زودتر در آنها شکل می گیرد.

4. مساجد فقط در ساعات نماز باز هستند و در بقیه اوقات بی استفاده اند. متولیان می توانند با اختصاص قسمتی از مسجد برای ارائه مشاوره و حل بحران های خانوادگی، از ظرفیت های مسجد برای تحکیم نهاد خانواده استفاده کنند. البته، بهتر است این کار با حضور امام جماعت، معتمدان و افراد خوش نام و نیکوکار محله انجام شود.

5. در هر منطقه، افراد مسن نیکوکار و متخصصی هستند که مایلند از تجارب و دانش خود برای کمک به خانواده ها استفاده کنند. متولیان مساجد می توانند با سازماندهی این افراد، از آنها برای اجرای برنامه های آموزش خانواده، حل تعارضات زوجین، شیوه های تربیت فرزند و همچنین حل مشکلات خانوادگی استفاده کنند تا علاوه بر بهره بردن از کمالات و تجارب گران قدرشان، زمینه آشنایی خانواده ها با این افراد نیز فراهم گردد.

قرآن کریم، ترجمه محمد مهد فولادوند، تهران و قم: دارالقرآن الکریم، 1373.

نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی، 1391.

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، 4 جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1413.

انصاری راد، علی اکبر، راهکارهای جذب جوانان به مساجد، 1388. مقاله در پایگاه:

www.andishegom.com

پورمحسنی، فرشته، طراحی برنامه توانمند سازی زوجین بر مبنای الگوی رضایتمندی زناشویی و مقایسه آن با برنامه توانمندسازی انریچ، رساله دکتری تهران: دانشگاه تربیت مدرس، 1389.

توانایان فرد، حسن، چهل ابتکار برای مساجد، تهران: راهیان نور، 1377.

جدیری، جعفر، ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی، اسلامی دین و روانشناسی شماره 8، 1389.

حراعاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. 30 جلد، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت ..، 1416.

حسینی بیرجندی، سید مهدی، نظریه ها و فنون خانواده درمانی، تهران: رشد، 1390.

حسینی، حسن، جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، نقل از بررسی مشکلات حقوقی زنان در دادگاه ها توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران: سلمان، 1386.

دلشاد تهرانی، مصطفی، درسنامه اخلاق خانوادگی، تهران: دریا، 1388.

دولت خواه، محمد، کاربرد نظریه روان درمانگری چند وجهی لازاروس در حل مشکلات زوجین با نگرش به منابع اسلامی، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1392، u.

ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش، 1370.

سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1385.

سالاری فر، محمدرضا، طراحی زوج درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر متون اسلامی و مقایسه کارآمدی آن با زوج درمانی شناختی رفتاری توسعه یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج ها، رساله دکتری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1393.

صفورایی، محمد مهدی، ساخت و اعتباریابی پرسش نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام.

رساله دکتری، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1388.

طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، بیروت: دار الحوراء، 1408ق.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، لبنان: دارالمتعارف المطبوعات، 1412ق.

قدسی، علی محمد و همکاران، بازدارنده ها و تسهیل کننده های اقتصادی - اجتماعی طلاق، مطالعات راهبردی زنان، 1390.

قزائتی، محسن، اولین سرمایه داران دنیا، مجله رشد مدیریت مدرسه. شماره 7، 1386.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع الکافی، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات، 1413.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، تحقیق محمد جواد الفقیه، فهرست و تصحیح 181، 1411ق.

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفا، 1412ق.

محسن زاده، فرشاد، نظری، علی و مختار، عارفی، مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق. مطالعات راهبردی زنان، 14(53)گروه اجتماعی، 1390.

مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت از نظر اسلام، قم و تهران: صدرا، 1372.

نمیری البصری، عمر بن شبه، تاریخ المدینه المنوره، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1417ق.

نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، تهران: ستاد اقامه نماز، 1375.

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1408ق.

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، جایگاه نماز در حکومت، مجموعه سخنرانی و مقالات نماز راهی به سوی کامیابی، بی جا: ستاد اقامه نماز، 1376.

هنریان و یونسی، بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، مطالعات روان شناسی بالینی، 1390.

یونسی، سیدجلال و فاضل، بهرامی، پیش بینی رضایت زناشویی و تفکر قطعی نگر در زوجین، فصلنامه روان شناسان ایرانی، سال پنجم، شماره 19، 1388.

Argyle, M. (2000). Psychology and religion. London: Routledge

Epstein, B.N. and Baucom, D.H. (2002). Enhanced Cognitive-Behavior Therapy for

Couples. Washington DC: APA

Gorsuch, R. L. (1995). "Religious aspects of substance abuse and recovery". Journal of Social Issues, 51(2), 65-83

- Hall,Scatt(2006).Marital meaning exploring young adults,behief system about marriage Journal of Family Issues. 27,
.1458-1437
- Kirkpatrick, L. A., Hood, R. W. (1990). "Intrinsic religious orientio: The boon or bane of contemporary psychology of
.religion". Journal for the Scientific Study of Religion, 29, 442-462
- Pollner, M. (1989). "Divine relations, social relation, and well-being". Journal of Health and Social Behavior, 30, 22-
.104
- Rosen Grandon ,J.R . Myers,J.E. Hattie.J.A.(2004). The relationship between marital characteristics , marital interaction
processes and marital satisfaction. Journal of Counseling Development, 82(1), 58-68
- .Walsh, Froma (2009). Spiritual Resources in family Therapy.New York :The Guilford Press

با اعتقاد به اینکه محیط، تأثیر به سزایی در شکل‌گیری شخصیت هر فرد دارد، می‌توان گفت کانون‌های عبادی و مذهبی نقش مهمی در فرآیند تربیتی انسان ایفا می‌کنند. چرا که بعد روحی انسان به جهت اینکه برخاسته از خاستگاه فطری و الهی است و به لحاظ انعطاف‌پذیری در امر پذیرش آموزه‌های تربیتی و اعتقادی، در چنین محیط‌هایی بهتر قابل رشد و تربیت‌پذیری است. در بین کانون‌های مذهبی، مسجد در صورت برخورداری از فضای مناسب از نظر علمی، معنوی، امکانات آموزشی، مدیریتی و اجرایی به عنوان امن‌ترین و مأنوس‌ترین مکان به لحاظ اقبال عمومی (یعنی حضور از هر گروه سنی و تحصیلی و با هر پایگاه اجتماعی و در هر سطح اعتقادی) در بین مسلمانان از جایگاه تربیتی ممتازی برخوردار است. هدف از نگارش این مقاله فراهم شدن فرصتی است برای آگاهی بیشتر از قابلیت‌های آموزشی و پرورشی مسجد و استمداد از آن در جهات گوناگون به خصوص در فراگیری آداب اجتماعی و نحوه تعامل فرزندان با جامعه در مسیر صحیح و کاربردی و متناسب با آموزه‌های دینی.

حاصل مباحث پرداخته شده در این نوشتار با این استدلال بیان می‌شود که در میان محیط‌های اجتماعی، مسجد با قابلیت باروری استعدادها و زمینه‌های بالفطره و بالقوه در کودکان و نوجوانان به جهت امتیاز دسترسی در همه ایام و با فضایی عامه‌پسند، برای تعامل خانواده و تربیت فرزندان در فرآیند کسب مهارت‌های اجتماعی و آداب معاشرت در جامعه مسلمین از کارکرد بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: تربیت، آداب اجتماعی، مسجد، سیره، تعامل.

در نظام خلقت ساختار روحی و روانی انسان به گونه ای طراحی شده است که از همان طفولیت و نوجوانی مهیای پذیرش و باروری است و به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام همچون زمینی کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. بعد از وراثت و خانواده، جامعه و محیط پیرامون، نقش انکار ناپذیری در قوام بخشی ساختار فکری و تربیتی انسان دارد. انسان برای حضور در محیط جدید نیاز به سطحی از آگاهی و شناخت دارد تا آمادگی لازم را جهت پذیرش آن محیط پیدا کند. برای ورود به عرصه اجتماع نیز فراگیری و کسب مهارت در ایجاد روابط صحیح تحت عنوان آداب معاشرت و نیز تعامل مداراگرانه به شرط حفظ استدلال و هویت شخصی تحت عنوان عزت نفس امری ضروری می نماید.

پرورش قابلیت ها و استعدادها بالقوه توأمان با احساس ارزشمندی و شرافت نفس منشأ عزت نفس است. تحصیل این مرحله و دیگر مراحل عالی تربیتی نیازمند کسب یک سری آموزش ها و تجربیاتی است که اگر با ممارست همراه شود نتیجه ای قابل قبول و مثمر ثمر به دنبال خواهد داشت.

انسان دانا نیز می تواند با بهره گیری از راه و روش تربیت یافتگان فرهنگ متعالی اسلام در الگوگیری از شخصیت های ممتازی چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مقصد و مسیر مستقیم تربیتی خود و فرزندانش را بیابد و خردمندانه و با اطمینان خاطر در آن قدم بگذارد. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام، مسجد به عنوان مرکز حکومتی و نیز تربیتی کانون توجه ایشان بود و چنان که سابقاً ذکر شد صرفاً به عنوان مرکز عبادی محسوب نمی شد. در میان محیط های اجتماعی، اماکن مذهبی از جمله مناسب ترین و مؤثرترین فضاها برای رشد

و تربیت است که با پیاده کردن اصول صحیح و آموزه های دینی و اجرای مراسم و مناسک اسلامی مبتنی بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از نتایج پرباری برخوردار است. بدین منظور در این مقاله به طور تفصیلی به کارکرد تربیتی و آموزشی مسجد در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان با نقش آداب پذیری و رشد اجتماعی به طور کاربردی توجه خواهد شد.

در بین کانون های عبادی، مساجد به علت دعوت و فراخوان عمومی و منظم جهت اجرای مراسم مذهبی و عبادی هر روزه در چند نوبت از پرکارکردترین مراکز مذهبی هستند که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام به غیر از امور عبادی در امور سیاسی، دفاعی و علمی نیز فعالیت داشته اند.

نظر به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام نشانگر این مطلب است که ایشان از مسجد به عنوان پایگاه تربیتی انسان ها بیشترین بهره برداری را می کردند. با درنگی بر آیات و روایات، اهمیت و فضیلت حضور در مسجد و جماعت مسلمین را به وضوح مشاهده می کنیم. از

جمله آیه 31 سوره مبارکه اعراف با این مضمون که: «ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید اما زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.»

و در همین سوره: «بگو پرورگدارم به دادگری فرمان داده است و (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همانگونه که شما را پدید آورد (به سوی او) بر می گردید.» (اعراف/32) و در سوره جن آمده است: «مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید.» (اعراف/18) و همچنین در روایات گوناگون بر این موضوع پرداخته شده است از جمله در روایتی در باب حرمت اهل مسجد آمده است: «زمانی که امراض مسری و آفات نازل شود، اهل مسجد از آن در امان اند.» (محدث نوری، 1408، ق، ج 3، ص 356)

این همه تأکید دین بر حضور در جمع مسلمین گویا در بردارنده حکمت و حکمت هایی است که اهل دنیا از آن غافل اند و بارها و بارها معصومین علیهم السلام در مواضع مختلف بدان اشاره

کرده اند. در خطبه 127 نهج البلاغه امام علی علیه السلام مردم را به سمت اجتماع و جماعت بزرگتر سوق می دهند و این گونه استدلال می فرمایند: «همراه جماعت بزرگتر باشید زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید زیرا کسانی که از جماعت کناره می گیرند طعمه شیطان اند، مانند گوسفندی که از گله جدا می افتد و گریه او را می درد.» (شریف الرضی، 1379)

غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و اولین و مهم ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است. زیرا خمیر مایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می یابد و نگرش ها و رغبت ها و رفتارهای درست و نادرست نسبت به پدیده های مختلف، از خانه سرچشمه می گیرد. (فخار، مسجد و خانواده، 139، ج 1) رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد مگر اینکه پدر و مادر، او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند. (مجلسی، 1364، ج 3، ص 281)

از مسائلی که خانواده ها نباید به آن بی توجهی کنند تربیت فرزندان از سنین نوجوانی است که هنوز بر صفحه دل او چیزی نوشته نشده و از رقت آن کاسته نشده است و به فرموده حضرت علی علیه السلام به فرزند گرامیشان امام حسن مجتبی علیه السلام در نوجوانی به تربیت و تأدیب ایشان اقدام کرده اند که هنوز قلب ایشان مثل زمین خالی از کشت و زرع است قبل از اینکه سخت شود (شخصیت نوجوان شکل بگیرد) و فکر و اندیشه شان مشغول گردد. (الشریف الرضی، 1379، نامه 31)

اقدام به تربیت در سنین بالاتر بهای سنگینی برای هر دو طرف (مربی و متربی) دارد از یک سو به جهت آمیختگی شخصیت فرزند با آن چه از بیرون از محیط خانه به او القاء شده است لجام گسیخته شده و رام کردن او به مهارت بالایی نیاز دارد و از جهت دیگر والدین باید به عنوان مربی با توان مضاعف و سعه صدری دو چندان به تربیت او همت گمارند که از تبعات آن زمان بری و شاید به خاطر درک کمتر شرایط درونی طرف مقابل ناامیدی از نتیجه تلاش باشد.

این نکته حائز اهمیت است که گاهی فرهنگ حاکم بر خانواده خود فراهم کننده شرایط نامساعد در مسیر تربیتی است که عملاً فرزند را به سوی شخصیتی نامتعادل سوق می دهد. فقدان دانش کافی در راهنمایی و آموزش، حاکمیت فضای ناسالم و عدم اعتماد، سستی اعتقاد دینی و ضعف، دیگر از عوامل مؤثر در بد تربیتی و ایجاد فقدان امنیت روانی است که چنین فرزندى حکم همان سبزه مزبله را پیدا می کند.

بنابراین هر خانواده ای صلاحیت به عهده گرفتن امر مقدس تربیت را ندارد و بدین ترتیب خانواده ای که بیشتر با استانداردهای اسلامی انطباق دارد، خانواده برتر است. اسلام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را برترین خانواده می شمارد و همگان را به الگوگیری از آن دعوت می کند. در صدر اسلام، مساجد صرفاً مراکز انجام دادن اعمال عبادی تلقی نمی شدند، بلکه همچنین مکان هایی برای انجام دادن فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی جامعه مسلمان محسوب می شدند. برخلاف محراب که از قبل به صورتی در عبادت گاه ها رایج بود، منبر از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مساجد به کار گرفته شده پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمان های مهم مانند اعلام حکم جهت شراب خوری، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می کردند. (ماهنامه مسجد، 1387، ص 45)

زمانی شرایط اقتضا می کرد تا حکومت در مساجد اداره شود اما در جامعه امروز می طلبد که مساجد به فعالیت های خاص خود پردازند. (همان) مساجد مرجع فکری جامعه هستند و پایگاه بسیج عمومی جهت پاسداری از ولایت و حریم دین مبین اسلام محسوب می شوند و هرچه جماعت مسجد عالم تر باشد، رونق مسجد نیز بیش تر است. از مهم ترین فواید حضور در مسجد نیز برپایی نماز جماعت، نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمین است و نیز احیای روح برادری بین مسلمانان است. در مسجد همه همراه و هم رنگ اند و هیچ ممنوعیتی

برای حضور طبقه ای از طبقات اجتماعی وجود ندارد و ثروتمندترین و قدرتمندترین فرد در کنار فقیرترین و ناتوان ترین فرد می ایستد. (فجرى، 1389، ص 129)

از دیگر فعالیت های حضور در مسجد بیدار شدن فطرت ها است: یکی از کارهای شیطان تبدیل روح خداجوی انسان به روح هوس آلود است تا جایی که وعظ و تذکر برایش ملالت آور باشد. مشغولیت به ظواهر بعضی لذت های بی ارزش و انس با محیط های کاذب و خلأ آفرین و سرگرم شدن به تکنیک های روز دنیا در حد افراط، دیگر جایی برای استقبال از مکان ها و جلسات ارزشمند و ضروری علمی و مذهبی نمی گذارد در حدی که گاهی جوانان

مكلف از مسائل مبتلا به روزمره و مسائل اخلاقی و حلال و حرام چیزی نمی دانند و در کنار آن روحیه خیرخواهی و نصیحت پذیری خود را از دست داده اند.

یکی از مسائل مهم در سالم نگاه داشتن فطرت فرزندان و تقویت روحیه دینداری آن ها داشتن همنشین مناسب و سالم می باشد. از آن جا که انسان موجودی اجتماعی و انس پذیر است در روابط اجتماعی ناگزیر از انتخاب دولت و همنشین می باشد. اهمیت همنشین صالح را در پیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر بهتر می توان درک کرد که : «ای اباذر، همنشین خوب بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از همنشین بد است.» (عاملی، 1389، ج 1، ص 121)

یکی از ارکان دوستی های صحیح و سالم مکان های مقدس مثل جمعه و جماعت است. گزینش چنین دوستانی عادتاً بر اساس تولی و تبری صورت می گیرد. از مهم ترین معیارهای دوست مناسب، ادب، علم و تقوا است. مجالست با این گروه دوستان موجب تقویت و بصیرت اندیشه و فضیلت های اخلاقی می شود و معمولاً شرکت کنندگان در جماعات مقدس مثل مسجد از چنین روحیات و کنش هایی برخوردارند.

ص: 191

برای ورود به محیط اجتماعی یادگیری یکسری هنجارهای مناسب با آن جامعه لازم است که این اقدام باعث ایجاد نظم و انضباط در روابط جمعی می شود. از هنجارهای جامعه اسلامی اظهار دوستی بوسیله سلام است. در فضیلت این عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «شایسته ترین مردم نزد خدا و رسولش کسی است که سلام را آغاز کند.» (کلینی، 1369، ج 4، ص 460) تا جایی که حتی سفارش فرموده اند که به کسی که پیش از سلام کردن سخن آغاز کند پاسخ دهید. (همان، ص 459)

از آداب حضور در مکان های مذهبی و عبادتی تقدیم سلام به جمع حاضر است. کسی که به هنگام دیدار گروه هم سخن خود در مکان مقدس ابلاغ سلام می کند یاد می گیرد در زمان حضور در اجتماعات دیگر که برای ورود به آن یقیناً در زمینه ای با آنان تجانس داشته ابتدا سلام کند خواه این زمینه عقیدتی باشد خواه وجه اقتصادی داشته باشد و خواه در زمینه های سیاسی و حکومتی و حتی به جهت ارتباط دوستانه و محافل خویشاوندی و رفاقت با دیگر اعضای گروه پیوندی داشته باشد.

از دیگر کارکردهای اعلان سلام در فضای مسجد عدم ملاحظات پایگاهی و طبقاتی است و این خصیصه در فرمایش حضرت رضا علیه السلام با این بیان آمده است که: «هر کس فقیر مسلمانی را ببیند و به گونه ای بر او سلام کند که با ثروتمند تفاوت داشته باشد در روز قیامت خدا را در حالتی دیدار می کند که بر وی خشمگین است.» (عالمی، 1389، ص 58)

از دیگر آداب اجتماعی که می توان از آن به عنوان تکمیل آداب سلام گفتن استفاده کرد رسم مصافحه یا همان دست دادن است به طوری که در روایات معصومین از آن برای رفع

کدورت ها و افزایش محبت یاد شده است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مصافحه کنید زیرا مصافحه کینه را از بین می برد.» (کلینی، 1369، ج 3، ص 264، ج 18) و حضرت امام باقر علیه السلام نیز در فضیلت این کار فرموده اند: «چون دو مؤمن به هم برسند و به یکدیگر دست دهند، خدا دستش را در میان دست آن ها گذارد و با آن که محبتش نسبت به رفیقش زیادتر است مصافحه کند.» (همان، ص 259، ج 2)

یکی دیگر از آداب حضور در محافل اجتماعی سکوت و بجا سخن گفتن است چه بسا در جمعی که فردی در حال ایراد سخن است، صحبت کردن مستمع را نوعی بی احترامی به خود خطاب کند. اما در باب سکوت و فضیلت آن روایاتی نقل شده بر ارزش آن نسبت به گفتار زیاد و نابجا تأکید شده است. از جمله امام صادق علیه السلام فرموده اند: «بنده مؤمن تا زمانی که خاموش است از نیکوکاران نوشته می شود و چون لب به سخن گشود نیکوکار یا بد کار نوشته شود (یعنی نیکی و بدی او بسته به کلامش است.)» (کلینی، 1388، ج 3، ص 309)

در محیط مقدسی مثل مسجد باید به این نکته بیشتر بها داد و توجه کرد چرا که محلی برای عبادت و تفکر در کار خدا و مناجات با او محسوب می شود و سخن گفتن غیر ضروری و خارج از حوزه اعتقادات و معنویات حرمت مقام و جایگاه شریف مسجد را زایل می کند.

تربیت فرزند در جهت حفظ هنجارهای مسجد سبب تقلید او به این امر در محیط اجتماع می شود. کودک یاد می گیرد هنگام شرکت در مجالس و عظم سکوت اختیار کند و حق مجلس را ادا کند و در محافل غیر از این، از پرگویی و سخن پراکنی خودداری نماید و البته باید به او یاد داد که به هنگام نیاز و ضرورت سکوت را رها کند و آن چه را لازم است بیان نماید چنان که در مضمون به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: «سخن گفتن در راه حق بهتر است از سکوت بر باطل» (ابن بابویه، 1413ق، ج 4، ص 396)

یکی از فواید مهم شرکت در جماعت مسلمین فراگیری آداب نظم و انضباط است. حضور به موقع برای اقامه نماز جماعت با اعلان اذان و تشکیل صفوف منظم نماز وسیله ای است برای آموزش نظم و انضباط اجتماعی که از رموز موفقیت در هرکاری شمرده شده و تأمین هدف زندگی به وجود آن بستگی دارد.

منابع دینی تأکید بسیاری بر این رفتار فردی و اجتماعی دارند و جایگاه آن را بعد از تقوای خدا دانسته اند. (أوصیکم بالتقوی و نظم امرکم)

تقسیم اوقات شبانه روز، دیدار اقوام و دوستان، انجام امور شخصی و اشتغالات، امور

بهداشتی و نظافتی، مخارج و هزینه های زندگی و ... با قرارگرفتن در دایره نظم از بهره وری لازم برخوردار می شود. در سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان مشاهده می شود که چگونه ارزش این نکته اخلاقی صورت عملی به خود گرفته است از تقسیم کارهای خانه و بیرون از خانه تا تقسیم زمان بیتوته و همخوابگی بین همسران متعدد که به این نحو رنگ عدالت نیز به خود گرفته است که حکایت از رعایت نظم در تمام ارکان زندگی دارد.

سفارش به مدارا با مردم از توصیه های دیگر دین جهت حفظ آرامش و وحدت جامعه مسلمین است که در معاشرت های شخصی هم به آن تاکید شده است تا جائیکه از شرایط عقل شمرده می شود. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : «خداوند مرا به سازگاری با مردم دستور داد همان طور که به انجام واجبات امر فرمود.» (کلینی، 1369، ج 4، ص 355، ح 5) و در جایی دیگر امر فرموده اند: «مدارا کردن با مردم نصف ایمان و لطف کردن به آن ها نصف زندگی است. با نیکان به طور پنهانی و با بدان آشکارا معاشرت داشته باشید و بدان رغبت زیاد نشان ندهید که بر شما ستم می کنند.» (همان) در این روایت حدود و نحوه معاشرت با هر گروه از نیکان و بدان نیز مشخص گردیده است.

در یک جامعه انواع تفکرات و سلیقه ها و آداب و رسوم ناشی از فرهنگ منطقه ای وجود دارد که برای تداوم حضور در اجتماع پذیرفتن و سازگاری نشان دادن، در رأس ارتباطات است. همان طور که در محیط مسجد همه قشر از طبقات فرهنگی جامعه حضور می یابند، با نظر به اینکه حکومت انگیزه واحد در تجمع است افراد ناگزیر از معاشرت صلح طلبانه هستند، در غیر این صورت هدف و مقصد اصلی را نیز از دست خواهند داد. حضرت علی علیه السلام نفسی را گرامی و کریم می دانند که نفاق و ناسازگاری و اختلاف و عدم موافقتش کم باشد. (همان، ج 4، ص 11)

به طور کامل آرامش و ثبات جامعه برآیند روحیه مسالمت آمیز افراد آن است، با این تفسیر مسلمانان در رعایت آن مسئولیت دو چندان دارند به طوری که باید در اوج کثرت بتوانند وحدت جامعه را حفظ کنند.

از دیگر کارکردهای مسجد کسب مهارت ابراز وجود است. برخورداری از روحیه متعادل و سالم در فرد نتیجه استقلال شخصیت و احساس قدرت و کارآمدی وی می باشد به گونه ای که هر قدر در بروز و ظهور توانمندی ها ضعیف عمل شود انگیزه حضور در نقش های اجتماعی نیز کم رنگ تر می گردد. در این بین حمایت روانی فرزند در موقعیت هایی که وی نسبت به محبت و توجه اعلام نیاز می کند موجب تقویت حس تکریم نفس نزد او می

شود به این شیوه اعتماد به نفس وی را قوت بخشیده و زمینه ابراز وجود و بالندگی فرد را در صحنه های مختلف فراهم می سازد. خانواده ای که در امر تربیت فرزند از سیاست و کیاست برخوردار است سعی در فراهم نمودن فرصت هایی برای ابراز وجود فرزندش می نماید.

به طور مثال گفتن اذان و اقامه جهت فراخوان برای امر نماز قرائت اشعار مذهبی و مناسبتی یا سروده های خود فرد، قرائت قرآن مخصوصاً با صوت و لحن، به عهده گرفتن اجرای مسابقات فرهنگی و اعطای جوایز توسط کودکان و نوجوانان به خصوص در مساجد محلات بستر مناسبی برای کسب تجربه است.

سیره عملی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این رابطه موید این مطلب و همچنین نمونه ای کاربردی برای الگوگیری خانواده ها در شیوه صحیح تربیت قلمداد می شود. نقل شده است: روزی علی علیه السلام در هنگام سخنرانی در مسجد رو به مردم کرد و فرمود از من پرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید اما هیچ کس بلند نشد تا سؤالی نماید. آن گاه امام علی علیه السلام پس از به جای آوردن حمد و ستایش پروردگار و درود فرستادن بر پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نگاهی به امام حسن مجتبی علیه السلام کرد و فرمود:

«فرزندم حسن برخیز بر منبر برو، سخنی بگو تا قریش پس از من تو را کوچک شمارند و نگویند حسن چیزی نمی داند.» امام حسن علیه السلام فرمود: «پدر جان، چگونه بر منبر بروم و سخن بگویم، در حالی که شما در میان مردم نشسته ای و به سخنان من گوش فرا می دهی و مرا می بینی؟» علی علیه السلام فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد! من خود را پنهان ساخته به سخنان تو گوش می دهم و تو را در حال سخنرانی می بینم در حالی که تو مرا نخواهی دید و امام حسن علیه السلام به دستور پدر بزرگوارش به منبر رفت.» (مجلسی، 1364، ج 2، ص 117)

از این داستان نکاتی را می توان برداشت نمود، نکته اول اینکه حضرت به طور غیر مستقیم فرزندان را در موقعیت دیده شدن و ابراز وجود قرار دادند و استدلالشان برای وادار کردن در سخنرانی بر روی منبر، در امان ماندن آن ها از تحقیر در آینده و برچسب نادانی بود. ضمناً با این کار و در همین فرصت مقام و منزلت الهی و جایگاه حکومتی امام حسن و امام حسین C را برای آینده مسلمین ترسیم کردند که این نشان از درایت و دور اندیشی آن حضرت دارد. از نکات دیگر اینکه با توجه به اینکه قصد تربیت کردن و آموزش در میان بود بنا به درخواست امام حسن علیه السلام در اجرای خواسته شان شرایط احساس آرامش و رضایت خاطر ایشان را با پنهان کردن خود ضمن گوش فرادادن فراهم کردند.

باید اذعان کرد روحیه نصیحت پذیری و پندآموزی در جوان امر تربیتی را سهل تر جلوه می دهد، گاهی اندرزی آن قدر نقش سازنده دارد که اثر زحمات خانواده ها و مراکز آموزشی در برابر اثر گذاری آن هیچ انگاشته می شود. نیاز است که یک جوان در فرآیند تربیتی به خودآگاهی و خداشناسی رسیده باشد تا برای ادامه مسیر از غفلت و جهالت او سوء استفاده نشود. حصول این امر با رساندن آیات نورانی الهی و احکام شرعی در ایام کودکی و نوجوانی امکان پذیر است زیرا در این سنین طینت پاک او آلوده به غبارهای بدآموزی و شیطنت ورزی نگشته و در جستجوی هستی شناسی و خداشناسی است و از لجاجت در پذیرش حقیقت دور است. هر چقدر انسان در معرفت نسبت به خدا و هدف او

از آفرینش انسان از معلومات و شناخت کافی برخوردار باشد از نیاز او به یادآوری آن ها از طریق موعظه کم نمی گردد زیرا از خصوصیات زندگی دنیوی و رخدادهای آن و نیز از خصیصه های انسان تنوع حالات است. گاهی در خوشی و راحتی به سر می برد و گاهی با ناملایمات دست و پنجه نرم می کند.

بی صبری و کفرگویی؛ هر دو حالت نتیجه غفلت زدگی است. چنانچه انسان در شرایط قرار گرفتن در محیط های موعظه و تذکر باشد با یادآوری الطاف و موهبت های پروردگار و اهداف او از خلقت انسان در پرتو محبت و عشق سعی در حفظ آرامش و تعادل خود دارد در احادیث نیز آمده است که دل را با شنیدن موعظه زنده بدار و به پرهیزگاری و پارسایی بمیران و به یقین نیرومند گردان و به حکمت روشن ساز و به ذکر مرگ خوار ساز. (الشریف الرضی، 1379، نامه 41)

با این تفاسیر مسجد بهترین مکان برای شنیدن اندرز و زنده داشتن دل است. وقتی نوجوان در مکانی مقدس مثل مسجد در معرض تذکر و وعظ قرار می گیرد دل او با آن حکمت ها انس می گیرد و مستعد پذیرش می گردد. خانواده متعهدی که فرزند خود را با این فضا انس دهند نفس او را آماده می کنند تا در محیط های دیگر برای قبول تذکر و نصیحت در حالی که جنبه خیرخواهی دارد، مهیا گردد. این دسته از فرزندان هستند که امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع را می پذیرند و حتی خود با هدف اصلاح معایب خویش خواهان نصیحت و راهنمایی می باشند. در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «پندپذیری انسان عاقل به وسیله ادب و تربیت است، چهارپایان و حیواناتند که تنها با ضرب و زدن تربیت می شوند.» (الحديث، 1368، ج 1، ص 48)

به این ترتیب چه بهتر که والدین برای تربیت فرزندان از کانونی ترین محیط یعنی مسجد

بهره گیرند چرا که مرکز شنیدن وعظ و اندرز محسوب می شود و از نظر چنین مشخصه ای جنبه همگانی دارد طوری که با موعظه عموم از نصیحت و موعظه شخصی در جمع و به نوعی از سرزنش و تحقیر جلوگیری به عمل می آید، به این نحو شأن و شخصیت انسان ها نیز محترم می ماند. در فواید روحیه نصیحت پذیری و پندگیری حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «کسی که اندرز و نصیحت را بپذیرد از رسوایی مصون خواهند ماند.» (تمیمی آمدی، 1410ق، ص 650)

با این تفاسیر روشن است که حفظ حرمت مسجد با شرکت در آن و رعایت آداب آن حاصل می شود و یکی از آداب آن استقبال از سخنان و حکمت های نورانی از منبع وحی و عترت و به عبارتی تقلید می باشد که در سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید شده است.

از ثمرات رفت و آمد در مساجد هشت مورد ذکر شده که از آنها آموختن سخنانی است که انسان را از لغزش و خطا باز می دارد و نیز یاد گرفتن راه های صحیح و هدایت بخش و ترک گناه از ترس خداوند و دوری از معصیت به خاطر شرم از مردم و ترس از رسوایی می باشد که همه این نتایج از قبل روحیه اندرز پذیری و شنیدن نصایح و تذکرات دینی و اعتقادی به سرانجام می نشیند.

رعایت ادب، احترام و معاشرت صحیح در اجتماع از دیگر ثمرات و آموزه های حاصله از شرکت در مسجد است: رشد و شکوفایی خصلت های انسانی و شخصیت کمال یافته بدون شاخصه ادب قابل توجه نیست و در اصل ارزش مقام علمی انسان و مرتبه انسانیت او با این خصیصه اعتبار می یابد و بار معرفتی آدمی با آن نشان داده می شود. یکی از مصادیق ادب، تواضع در برابر بزرگان به خصوص بزرگان دین و در رأس آنها ائمه اطهار علیهم السلام است. در رعایت ادب و احترام نسبت به بزرگترها از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «کسیکه به کودکان ما رحم نکند و به بزرگان ما عزت و احترامی نگذارد از ما نیست.» (مجلسی، 1377، ص 316)

ایشان احترام به سالخوردگان را در مرتبه اول اهمیت و توجه بالاتری قرار می دهند و آن را از نشانه های تجلیل از خدای عز و جل می شمرند با این بیان که: یکی از صورت های تکریم و تعظیم ذات اقدس الهی احترام و تجلیل سالخوردگان مسلمان است (کلینی، 1388، ج 6، ص 551) و در جای دیگر نیز فرموده اند، کسی که پیر مسلمانی را توقیر (احترام) و تجلیل نماید خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن می دارد. (ابن بابویه، 1372، ص 181)

جماعت شرکت کننده در مسجد را خردسال، نوجوان، جوان و کهنسال تشکیل می دهد. با توجه به فرمایشات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توجه به جایگاه و ارزش قشر ضعیف (بحث کهولت سن

و ضعف جسمانی) و کهنسال باید بیشتر مد نظر قرار گیرد چرا که با طی کرن دوران تلاش و خدمت در ایام جوانی و نشاط اکنون با کسب تجارب در پناه سعه صدر و استقامت به صفت وقار و متانت آراسته شده و از کوچکترها و جوانان که هنوز به جایگاه آنها نرسیده اند انتظار احترام دارند. کودکان و نوجوانان در این بستر تربیتی آداب احترام و تواضع به بزرگترها و به خصوص سالخورگان را فرا می گیرند؛ در هنگام ورود به آنها سلام می گویند از رها کردن خود در حضور آنها و دراز کردن پاها خودداری می کنند و در پذیرایی، از آنها آغاز می کنند و در مواقع نیاز دست آنها را می گیرند و عصای آن ها می شوند و از نصیحت ها و تجربیات آن ها استفاده می کنند و این آموزش ها را در محیط بیرون از مسجد و در اجتماعات دیگر پیاده می کنند چون این آداب را قبلا مکرر در مسجد تمرین کرده اند و به آن خو گرفته اند و هر جا حضور آن ها به چشم بخورد با اعتقاد به برکت وجودشان و ضرورت حفظ حرمت مقام و منزلت آنها می دانند چگونه ادب کنند.

از دیگر مصادیق ادب سخن گفتن به نیکویی و صوت کوتاه با عبارات عاری از الفاظ ناپسند و سخیف می باشد. بر زبان آوردن کلمات زشت و سبک، نشان دهنده حقارت نفس است. از دستورات دین این است که اگر دیگری با شما به بدی سخن گفت شما به نیکویی پاسخ او را بدهید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هیچ کس را ناسزا نگویند و هرگاه کسی شما را ناسزا گفت و رازی را از شما بر ملا ساخت، رازی را شما از او می دانید افشا نسازید.» (سهروردی، 1353، ص 35)

محیط آموزشی و تربیتی مسجد بستر مناسبی است برای مشاهده رفتارهای معاشرتی از نمازگزاران به کرات و شنیدن مواعظی در این رابطه و فراگیری آن ها و عادت به آن. این فرآیند کمک می کند تا خردسال و نوجوان آداب اسلامی و اجتماعی معاشرت را در کانون مسجد فراگیرد و در بیرون از محیط به آن عمل کند و یاد می گیرد که نسبت به هر احسان کننده ای از خانواده و والدین خود گرفته تا مربیان و مسئولان و دیگر همنوعان خدمتگزار قدرشناس و سپاسگزار باشد.

قابل اجرا ترین و تکرار پذیرترین و بایسته ترین و شایسته ترین شکل تشکر سر نهادن به خاک در برابر منعم ترین بی منت، خدای عز و جل است که از آداب هر نمازی است که در پایان آن به آن عمل شود.

از دیگر شاخه های ادب حفظ احترام والدین و اطاعت امر آنها است که در متون دینی

اعم از آیات و روایات به این موضوع تأکید فراوان شده چنانچه در سوره اسراء توصیه شده به پدر و مادر احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به، پیری رسند، به آن ها اف نگو و بر آن ها فریاد زن و با آن ها کریمانه سخن بگو.

رعایت حال پدر و مادر به خصوص در ایام پیری، رعایت ادب و احترام و تواضع در هنگام حضورشان با مصادیق کوتاه بودن صدا نسبت به صدای ایشان، رها نکردن خود به هر نحوی در حضور آنها، راه رفتن و قدم برداشتن پشت سر یا در کنار ایشان، نیکو سخن گفتن و خود را بزرگ نشمردن در مرتبه علمی و معلومات و دیگر فضایل و ... در کنار اطاعت امر ایشان و برآوردن حاجاتشان در غیر موارد منع شده از آداب حفظ شأن و جایگاه والدین است. تربیت شده مسجدی با سفارشات مؤکد دین از زبان امام جماعت و سخنران مدعو به این امر آشنا و مقید شده و در هر مکانی و هر محیطی به اجرای آن مبادرت می ورزد.

از کارکردهای اجتماعی مسجد ایجاد تقویت روحیه مشارکت اجتماعی و تعاون می باشد؛ معصومین خود در همکاری در کارهای پسندیده جامعه شرکت می کردند و مردم را یاری می کردند. حضرت امام سجاد علیه السلام به طور ناشناس در کاروان ها شرکت می کرد و نیازهای کاروانیان

را برآورد می ساخت. (مجلسی، 1364، ج 16، ص 271) قرآن کریم به این موضوع بدین عبارت اشاره کرده است: «در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری رسانید و در گناه و تجاوز یکدیگر را کمک نکنید.» (مائده / 2)

بدین ترتیب مسلمانان باید به هدف و ضرورت یاری و تعاون دقت و توجه کافی داشته باشد تا از هدف مقدس خدمت رسانی دور نیفتد. حضرت علی علیه السلام نیز تعاون و همکاری در امر خدمت رسانی را حق واجب خدا دانسته اند: «از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه تعاون و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است.» (الشریف الرضی، 1379، خطبه 216) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مثل مؤمنان را در پیوند و دوستی و رحمت به هم (و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر) مثل یک پیکر زنده می دانند اگر به درد آید دیگر اجزا پیکر با آن همدردی می کنند. (نوری طبری، 1408 ق، ج 12، باب 32، ص 424)

با در نظر گرفتن ویژگی های حیات دنیوی و احتیاج آدمی به هم نوع خود به جهت فقر ذاتی تربیت خصلت نیکوکاری و همکاری از توجه خاصی برخوردار است. لازم است به این مهم در کانون خانواده بیشتر توجه شود و زمینه پرورش این خوی و خصلت اجتماعی ابتدا در محیط خانواده فراهم گردد تا فرزند با تمرین در محبت و احسان به دیگری خصیصه

خودخواهی را در خود ضعیف کرده و با تقویت روحیه تعاون در جامعه کاملاً محو نماید.

نقش مسجد در فرآیند ایجاد و تقویت روحیه مشارکت در امور اجتماعی می تواند بسیار کارکردی و عملی باشد. مکان مسجد به علت برگزاری مراسم و مناسبت های مختلف و نبود نیروی رسمی در به عهده گیری آن نیاز به همکاری و همدلی بیشتری دارد خانواده در تعامل با مسجد می تواند از این فرصت (همکاری و مشارکت) در راهنمایی و تربیت فرزندان بیشترین بهره را ببرد.

به عهده گرفتن مراسم از امور پذیرایی، امکانات صوتی، دکور، دعوت از سخنران و مداح، پخش اعلامیه و دیگر ملزومات آن و کارهایی از قبیل جمع آوری کمک های مردمی، سازماندهی تشکیلات هیئت و در صورت وجود پایگاه بسیج همکاری با این نهاد قبول مسئولیت در آن، به عهده گرفتن امور نظافتی و انضباطی همه از زمینه های امکان همکاری فرزندان است که در حد سن و تجربه می توانند در آن فعالیت کنند. با فراهم شدن چنین زمینه هایی برای همکاری فرزندان در محیط اجتماع از فواید آن در جامعه بهره مند خواهند شد به طوری که آثار این تجارب در محیط مسجد در محیط خانواده و اجتماع مشهود است.

از فواید این تجارب ایجاد روحیه نشاط در فرزندان در تعامل و همکاری با مسجد و نیز کسب تجارب فنی و تجربه روابط عمومی با امتیاز مصونیت از انحرافات دیگر محیط ها و تربیت افراد با شخصیتی فعال و پویا در اجتماعات دیگر می باشد. و چنانچه فرزندی دارای روحیه انزوا طلبی و یا ضعف اعتماد به نفس و کمرویی باشد به تعدیل آن کمک می کند تا حدی که در مشارکت های سیاسی و نظرخواهی ها و مثل انتخابات خود را صاحب سهم می داند.

از دیگر کارکردهای مؤثر و در عین حال ضروری مسجد بصیرت و آگاهی سیاسی اجتماعی و فرهنگی است. یکی از حقوق مسلمانان برگردن هم اطلاع از اوضاع و احوال یکدیگر است و از این حیث همه انسان ها مسئول هستند. پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله کسی را مسلمان می داند که با آغاز روز به امور مسلمین اهتمام ورزد. (کلینی، 1388، ج 2، ص 163، ح 1) برای اقدام به هرکار و خدمتی و انجام هر مسئولیتی باید از آگاهی و دانش کافی بهره مند بود. در غیر این صورت چه بسا به اشتباه عمل شود و عده ای را نیز به ورطه هلاکت بکشاند. بصیرت نسبت به زمان و اتفاقات پیرامون اعم از حوادث سیاسی، مسائل فرهنگی و اجتماعی از مصادیق دانایی می باشد در این خصوص پیامبر صلی الله علیه و آله میفرماید: «خردمند باید به زمان خود بصیرت داشته باشد.» (ابن بابویه، 1382، ج 2، ص 297) عالم به زمان از امتیاز در امان ماندن

از فتنه ها برخوردار بوده و حق و باطل را بهتر تشخیص می دهد البته باید در نظر داشت علمی مفید تلقی می شود که با تعقل و سنجیدن بدست آید.

تربیت مسجدها وسیله مطمئنی است برای افزایش بصیرت و شناخت حق از باطل، از این امکان غیر از مسائل فرهنگی و موضوعات تربیتی و اخلاقی باید در مسائل سیاسی و تاریخی و اجتماعی بهره گرفت. اگر امام جماعت مسجد خود از درایت و بصیرت نسبت به تاریخ اسلام و اهل بیت و شناخت دشمن و اتفاقات روز برخوردار باشد زمینه راهنمایی جماعت مسلمین در مسجد و تربیت سیاسی و فرهنگی آن ها را به خوبی فراهم خواهد ساخت و در غیر این صورت بهتر است از عالم با تقوا و خبره در علوم روز و آشنا به جامعه و سیاست و حقوق و وظایف مسلمین جهت تبیین معارف اجتماعی و سیاسی و نظامی دعوت بعمل آورد تا با روشنگری اذهان دشمن و توطئه های او را بشناساند.

بی تفاوتی نسبت به وقایع جامعه خود و جوامع دیگر و سر در لاک خود فرو بردن نتیجه ای جز استعمار و استثمار فکری و فرهنگی دشمن و قبول و تن دادن به خواسته های او ندارد. حضرت علی علیه السلام نیز در این رابطه هشدار می دهند آن که به خواب رود دشمن او نخواهد

(شریف الرضی، 1379، نامه م92) و در جایی دیگر آمده است: «آنکه در برابر دشمنش به خواب غفلت فرو رود نیرنگ ها او را بیدار می کند.» (تمیمی آمدی، 1410ق، ح 284)

بنابراین خانواده ها ملزم هستند فرزندان نوجوان و جوان خود را برای حضور در مسجد و شنیدن معارف الهی تشویق کنند تا با کسب بصیرت کافی از هجمه فرهنگی دشمنان و توطئه های آنان در امان بمانند و اندیشه و عقاید شان نیز از کشیده شدن به این سو و آن سو حفظ گردد.

برای انسان شناخت عوامل غیر اختیاری در مسیر تربیت امکان پذیر نمی باشد و گاهی عوامل ژنتیک، تغذیه و ... در این مسیر تداخل ایجاد کنند و یا اراده و انتخاب خود شخص علت انحراف او از مسیر حق گردد و یا دیرتر به مقصد برسد. مهم ایجاد بستر مناسب جهت رشد و هدایت فرزندان توسط خانواده است که با انجام وظیفه و استمداد از خداوند در تحقق این امر مسئولیت از دوش والدین برداشته می شود.

حضرت علی علیه السلام در انتهای نامه 31 خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند: «استودع الله دینک و دیناک (دین و دنیای تو را به خدا می سپارم).» ایشان تمام تلاش خود را در ابلاغ معارف و احکام دین و همه همت خود را در آموزش و تربیت فرزندانشان به کار می گیرند اما نتیجه کار را به خدا واگذار می کنند.

دستآورد این بحث با این تفسیر قابل ذکر است که شاید بتوان گفت مراکز و کانون های تربیتی فراوانی همچون مدرسه، دانشگاه، محافل مذهبی و حسینیه ها، جلسات قرآن و ادعیه خانگی یا صنفی، زیارتگاه ها و موسسات و کانون های قرآنی وجود دارد که می توان از فضای آموزشی و تربیتی آن ها جهت رشد و هدایت گری فرزندان بهره برد اما

با نظر به چند ویژگی امتیاز مسجد را بر سایر محیط های تربیتی ثابت می کنیم:

* تقدس ویژه مکان مسجد تا جائیکه در لسان پروردگار به بیت الله شهرت دارد و به حفظ حرمت و جایگاه آن بسیار سفارش شده است.

* پراکنده بودن مساجد در تمام نقاط شهر یا روستا و معمولا با فواصل کم و قابل دسترس بودن برای عموم از جهت مکانی.

* امکان حضور همگان از طیف ها و صنف های مختلف.

* برپایی روزانه و چند نوبته جهت تجمع مسلمین.

* مشمولیت و دربرگیرندگی حوزه های مختلف (اعتقادی و دینی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و دفاعی).

* امکان تشکیل نهاد بسیج محلات (که این موقعیت از کارائی و بازدهی خاص و بالائی در تربیت نسل نوجوان و جوان برخوردار است).

* قرارگرفتن در شرایط اطمینان بخش و اعتمادآور به جهت سلوک دینی و مشی خیرخواهانه با تمرکز برگزینش ائمه جماعات و هیئت امناء معتمد و متعهد.

* تایید به جهت عملکرد مثبت تربیتی و بصیرت افزائی در حوزه های مختلف.

با توجه به ویژگی های شمارش شده و شرایط منحصر به فرد مسجد این نتیجه حاصل می شود که مساجد در روند تعاملی خانواده با آن در صورت استمرار نقشی بی بدیل ایفا می کنند و والدین می توانند با بهره گیری از فضای قابل اعتماد و معنوی مسجد در فرآیند تربیت اجتماعی فرزندان شان با منشأ دینی و با قابلیت جامعه پذیری و بلوغ اجتماعی از پشتوانه محکم و مناسبی برخوردار باشند.

در این میان نمی توان از نهاد مقدسی به نام بسیج بعنوان مبلغ خستگی ناپذیر ارزشهای اسلامی غفلت کرد چرا که دغدغه اصلی این نهاد ارزشی تربیت دینی نسل جوان است

و در این راستا از یکطرف با صبغه اسلامی و انقلابی پای در میدان گذاشته و از سویی دارای بهترین موقعیت در هدایت و رشد اجتماعی فرزندان می باشد که این هدف با ایثار و گذشت و اخلاص در عمل امتیاز ویژه ای را به خود اختصاص داده است. بدین منوال تعامل مساجد با نهاد بسیج در ایفای نقش تربیتی دستاورد بالایی را متوجه خود می سازد.

به این ترتیب پیشنهاد می شود مدیران نظام آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی با همکاری اساتید علوم تربیتی و جامعه شناسی، مراکز حوزوی و امور مساجد با پژوهش بیشتر و تدوین کتب در تبلیغ نقش کارکردی و کاربردی مساجد در تلفیق با نهاد کارا و پویای بسیج و سیاست گذاری های آن در امر تربیت همت گمارده تا شأن و منزلت رفیع آن ناشناخته نماند و از موقعیت ممتاز آن بیشترین بهره برداری به عمل آید.

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، ترجمه جعفری، قم نسیم کوثر، 1382.

ابن بابویه، محمدبن علی، عیون اخبارالرضا، ترجمه مستفید و غفاری، قم صدوق، 1372.

ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1413.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم دارالکتب الاسلامی، 1410.

چنارانی، محمدعلی، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، مشهد جلیل، 1382.

حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاه، ترجمه اکرامی، تهران دفتر فرهنگ اسلامی، 1380.

داوری، محمود، حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1389.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مشهور، 1379.

صادق زاده، قمصری علیرضا و حاجی آبادی محمد علی، مقالات برگزیده (همایش تربیت و در سیره و کلام امام علی علیه السلام، تربیت اسلامی، 1379.

طاهرزاده، اصغر، فرزندانم این چنین باید بود، اصفهان لب المیزان، 1383.

عاملی، شیخ حر، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام، مشهد آستان قدس، 1389.

علامه سهروردی، نهج الهدایه، ترجمه خطیب، افتخاریان، 1353.

فجری، محمد مهدی، رواق پرواز، قم مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، 1389.

فلسفی، محمدتقی، الحدیث، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1368.

فرید، مرتضی، الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1365.

کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، تهران کتابفروشی علمیه اسلامی، 1369 و ترجمه کمره ای، قم اسوه، 1375.

کلینی، محمدبن یعقوب، تحفه الاولیاء (ترجمه اصول کافی)، ترجمه اردکانی، قم دارالحدیث، 1388.

گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1387.

ماهنامه مسجد، (مدیرمسؤل: سبجانی نیا حسین)، شماره 127 و 49، تیر 1387.

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه موسوی همدانی، تهران کتابخانه مسجد ولیعصر، 1364.

مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت زهرا (ترجمه جلد 42 بحارالانوار)، ترجمه نجفی، قم اسلامیة، 1377.

محمدری شهری، غلامعلی احمد، حکمت نامه جوان، ترجمه مهریزی، قم دارالحديث، 1384.

معاونت فرهنگ آموزش و پرورش، نماز، مسجد و خانواده (مقالات برگزیده)، ستاد اقامه نماز، 1390.

نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسایل و مستنبط الوسایل، قم موسسه آل البيت: لاهیات التراث، 1408.

ص: 205

مقصود اصلی به وجود آمدن مسجد، ایجاد مکانی برای عبادت و برگزاری نماز می باشد. اما در طول تاریخ، این مکان، مرکزی برای اهداف نبوت و رسالت و رساندن پیام های اجتماعی، سیاسی، آموزشی و تربیتی و فعالیت ها و کارکردهای گسترده تری بوده است. از همان ابتدای ظهور اسلام مسجد پایگاهی برای آموزش خواندن و نوشتن، احکام و قرآن و حتی مکانی فرهنگی بوده است. همچنین مسجد مرکزی برای تبلیغ دین اسلام و مکانی برای همبستگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان به شمار می آمده است. اما متأسفانه امروزه به دلایل مختلفی استفاده و تأثیرگذاری این مکان مهم کم رنگ شده و نیاز است با توجه به تغییرات اجتماعی عصر حاضر، عوامل جذاب سازی مساجد برای حضور خانواده ها مطرح گردد و راه کار های مناسب ارائه شود. بر این اساس و با وجود چنین اهمیتی پرداختن به عوامل مختلف در رابطه با مسجد می تواند تأثیر به سزایی در جذب خانواده ها به چنین مکان مقدسی داشته باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی می باشد. در این روش از نظر منطقی جزئیات مربوط به موضوع تحقیقی در قالب پاسخ گویی به سؤالات تحقیق، بررسی شده و نتیجه گیری گردیده است. بنابراین سعی شده براساس آیات و روایات و نظر متخصصان و اندیشمندان، موضوع مورد نظر توصیف گردد و سپس با نگاهی تحلیلی به این عوامل پرداخته و در نهایت استنتاج به عمل آید. نتایج حاصل از بررسی یافته های تحقیق نشان می دهد که عملکردها و شایستگی های امام جماعت و متولیان فرهنگی و همچنین عوامل پیرامونی مسجد مانند معماری، زیبایی، فضا آرای و بهداشت در جذب خانواده ها

تأثیر به سزایی دارد. در مجموع این مقاله با درک جایگاه مهم مسجد در جامعه اسلامی، ویژگی های مسجد مورد توجه خانواده ها را مورد بحث و مطالعه قرار داده است.

کلید واژه ها: مسجد، جذاب سازی مساجد، زیبایی شناسی، معماری مسجد، امامان جماعت.

ص: 210

مسجد مهم ترین بنایی است که رابطه نزدیکی با فرهنگ و آداب مذهبی دارد. مسجد به عنوان عبادتگاه مسلمین باید نسبت به دیگر بناها، ساختمانی مشخص داشته باشد. زیرا مردم در آن به پرستش می نشینند. (شفایی، 1386، ص14)

به نظر می رسد به رغم جایگاه برجسته مسجد در آموزه های دین و نیز در تحولات تاریخی جوامع اسلامی، در عصر کنونی با ظهور فزاینده فناوری های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش ضریب نفوذ این فناوری ها در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی و نیز شکل گیری و گسترش نهادهای فرهنگی موازی و رقیب، تا حدودی جایگاه کنونی نهاد مسجد دستخوش تغییرات شده است. امروز در ایران، مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه نشر دین، از جایگاه مورد انتظار برخوردار نیست. عدم اهتمام به ظرفیت های مسجد برای پیشرفت جامعه و عدم بهره گیری اقشار جامعه از ظرفیت های ارتباطی و اجتماعی مسجد به عنوان اصلی ترین شبکه ارتباطی و زمینه ساز پیوند و اعتماد اجتماعی، سبب تنزل جایگاه و اهمیت این نهاد دینی در جامعه و بروز آسیب ها و چالش هایی در این زمینه شده است. (کرم اللهی، 1391، ص31)

در دنیای پیچیده امروزی، احیا، حفظ و توسعه جایگاه مسجد که می بایست در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... دارای نقش باشد نیازمند تلاش علمی و تخصصی است. در این راستا مساجد باید تمام همت خود را به تجهیز مادی و معنوی معطوف نمایند و با به کارگیری تمامی امکانات و فناوری روز دنیا، همانند گذشته، استوار باقی بمانند. (میرزایی و پژمان، 1391، ص51)

بنابراین پرداختن به عوامل جذب خانواده‌ها یکی از با اهمیت‌ترین مسائل جامعه ما می‌باشد. از این رو در این مقاله این عوامل در دو بخش امامان جماعت و متولیان فرهنگی و زیبا سازی مساجد مطرح شده است.

آن طور که تاریخ نشان می‌دهد، ساختمان مساجد در گذشته پاسخ‌گوی روحانی نیازهای ماوراء الطبیعه انسان‌ها و مرجع کسب اطلاع و اطلاع رسانی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری روزگار خود بوده است که انعکاس همه اینها را می‌توان در این بنا جست و جو کرد. (شفایی، 1386، ص 14)

مسجد اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که از تمامی اخبار و وقایع خبر می‌داد. زمانی که مؤذن اذان نابهنگام می‌گفت همگان می‌فهمیدند که حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می‌رساندند تا از آن خبر مطلع گردند. (محراب بیگی، 1376، ص 574)

امروزه مساجد، برخلاف بعضی از پرستش‌گاه‌ها در ادیان مختلف، نه تنها دور از دسترس نیستند که عموماً در دل بازارها و مجموعه‌های پررفت و آمد بنا می‌شوند و با درهای باز و گشاده و بهره‌مندی از زیباترین نمودهای معماری و هنری هر دوره، پذیرای نمازگزاران هستند. (محمدی و روزبهانی، 1392، ص 11)

امام خمینی W در زمینه مسجد می‌گوید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده، از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است.» (صحیفه امام، 1385، ج 7، ص 65)

مسجد مقدس‌ترین، پاک‌ترین، سرنوشت‌سازترین و اجتماعی‌ترین مکان و موقعیت حضور مسلمانان است. (حرعاملی، وسائل الشیعه ج 5، ص 241)

مولانا در سراسر مثنوی خویش به اهمیت جایگاه مسجد اشاره می‌نماید و در سطح تمثیلی، مسجد را دل پاک عارف قلمداد می‌کند که هر پدیده‌ای در آن به پرستش خداوند متعال مشغول است. تأکید بر نماز جماعت و فضیلت آن، پیراستگی مسجد از آسودگی‌های صوری و معنوی نیز از نکات دیگری است که در داستان‌های مثنوی بدان پرداخته شده است. (محمدی و روزبهانی، 1392)

مسجد محل سجود و خضوع و کرنش بندگان خدا در پیشگاه «الله» و جایی برای ایجاد

رابطه با پروردگار و اظهار عبودیت و کوچکی در برابر ربوبیت و عظمت خالق هستی است. قداست مسجد، در همین رابطه متقابل «عبودیت عبد و ربوبیت رب» نهفته است بنابراین عظمتش هم در معنویت آن است. (محدثی، 1386، ص 286)

با توجه به این اهمیت، ضرورت پرداختن به این بحث در عصر حاضر فراهم می گردد چرا که خانواده ها همچنان می بایست در ارتباط با این مرکز و پایگاه مهم قرار گیرند تا رسالت تبلیغ اسلام و تربیت اسلامی به معنای واقعی کلمه به وقوع بپیوندد.

در تحقیق حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سؤالات هستیم:

1. امامان جماعت و متولیان فرهنگی چه نقشی در جذب خانواده ها به مسجد دارند؟
2. عوامل پیرامونی مسجد، معماری، زیبایی ظاهری، فضاآرایی و بهداشت چه نقشی در جذب خانواده ها به مسجد دارند؟
3. راه کارهای جذاب سازی مساجد برای حضور خانواده ها چه می باشد؟

ص: 213

1. مفهوم مسجد در قرآن

مسجد جایگاه مؤمنان بوده و در دین مبین اسلام اهمیت والایی دارد. به طوری که کلمه «مسجد» در قرآن 22 بار و «مساجد» 6 بار تکرار شده است. (عبداللطیف، المعجم المفهرس)

واژه مسجد در قرآن به معنای پرستش گاه، مقام معبد اسلامی، پرستش خاص، مسجد الحرام و مسجد الاقصی به کار رفته است. در قاموس های عربی نیز به معنای مکان مسجد، مواضع سجده و هر مکانی که در آن عمل پرستش انجام شود، مورد استفاده است. معنای ضریح، کلیسا، نیایش گاه و معبد، معادل مسجد در زبان های سامی است و ریشه معنای عربی مسجد را که همان مزگت در فارسی است، از زبان آرامی دانسته اند، در نتیجه این واژه هر چه از سال های صدر اسلام فاصله می گیرد به صورت پررنگ تری تنها یک پرستش گاه اسلامی را به ذهن متبادر می کند. (آذرنوش و مکنوی، 1389، ص 5)

در اینجا نمونه هایی از آیات قرآن در زمینه مسجد آورده می شود.

قرآن راجع به حرمت مسجد و آداب اخلاقی-فرهنگی آن می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (سوره جن، آیه 18)

مسجدها ویژه خداست پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید.

همچنین در مورد جایگاه مسجد می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (سوره نور، آیه 36)

در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه ها] هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.

همچنین در مورد جایگاه اجتماعی مسجد در نهضت های دینی فرموده: «... و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا...» (سوره حج، آیه 40)

اگر خدا دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه ها و دیرها و مساجدی که در آن ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران شود ...

خداوند در قرآن در مورد ویژگی کسانی که به آبادی مسجدها همت می ورزند می فرماید: «ما كان للمشركين ان يعمرؤا مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون» (سوره توبه، آیه 17)

مشرکین را حق آن نیست که مساجد خدا را تعمیر کنند، با آن که خود شاهد بر کفر خویشان هستند، چه ایشان اعمالشان بی اجر و باطل و خود در جهنم جاودانند.

«انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و آتى الزكاة و لم يخشى الله»

(سوره توبه آیه 18)

مسجد های خدا را تنها کسی تعمیر می کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته و نماز به پا دارد و زکات دهد و جز از خدا نترسد.

علامه طباطبایی در ذیل این آیات اشاره می کند که کلمه مسجد اسم مکانی است که سجده در آن انجام می شود. مانند خانه ای که برای سجده برای خدا ساخته می شود. البته در این آیه مقصود از مساجد هر چند مطلق بناهایی است که برای عبادت خدا ساخته شده و لکن سیاق آیه دلالت دارد بر این که مقصود از آن عمارت مسجد الحرام است و در آیه بعدی حق تعمیر مسجد را برای مؤمنینی منحصر کرده که خدا ترس بوده و معتقد به روز جزا، زکات و نماز باشند. (طباطبایی، 1370، تفسیرالمیزان، جلد 9، ص 302-305)

2. کارکرد های مسجد

2-1. آموزشی

روزگاری مسجد، یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است. در فرهنگ مردم ما، مسجد کارکرد آموزشی نیز دارد و این مسئله از چندین جهت قابل تأمل است. خطبه های نماز، تلاش های آموزشی و مکتب ها، کتابخانه ها و حوزه های علمیه در مساجد خود دست آوردی آموزشی دارد.

ص: 216

جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنان که در روایت است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی گام برمی دارند؛ دسته ای خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و نادانان را تعلیم می دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلم) کار برتری انجام می دهد. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده ام. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.

2-2. فرهنگی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله محیط مسجد را کاملاً فرهنگی می دانستند، تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان برخی مسابقات برگزار می شد و حضرت ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل از چنین مسائلی استقبال می کردند. گرچه امروزه مراکز آموزشی و فرهنگی گسترش یافته است؛ اما نباید از این کارکرد مهم مسجد و بارور نمودن فرهنگی آن غافل شد. برگزاری جلسات شبی با قرآن، مسابقات کتابخوانی و... از جمله برنامه هایی هستند که می توان اجرا نمود. همچنین حضور امام جماعت مدتی قبل و بعد از نماز در مسجد برای پرسش و پاسخ، مشاوره و... شرایط ویژه جهت رشد فرهنگی مردم را به وجود می آورد.

2-3. تبلیغی

هدف از تبلیغ، رشد و افزایش معرفت دینی مردم و آشنا کردن آنان برای ادای وظایف دینی و اسلامی می باشد. شاید هیچ پایگاهی به اندازه «مساجد» در تبلیغ اسلامی ایفای نقش نکرده باشد؛ از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکنون اذان، نماز، وعظ و خطابه از مهم ترین برنامه های مساجد بوده و می باشد.

2-4. اجتماعی

اصولاً یکی از علل تأکید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بر حضور در نماز جماعت به صورت صفوف فشرده و منسجم، ایجاد روحیه تعاون در میان نمازگزاران و افزایش بُعد اجتماعی مسلمانان در کنار انجام اعمال عبادی آنان می باشد. و این حضور می تواند از هرج و مرج و عنان گسیختگی که جامعه به مرور زمان دچار آن می شود، جلوگیری کند و تشکیل

این اجتماعات در مکان مقدس مسجد، باعث می شود تا مؤمنین تحت توجه و ارشاد عالمان و مبلغان دینی قرار گیرند.

2-5. سیاسی

یکی از کارکردهای مهم مسجد، کارکرد سیاسی است که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن تأکید شده و هم اکنون نیز اهمیت آن کاملاً مشخص است. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره های بعد نیز بیشتر امور سیاسی آن روز مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و... در مسجد صورت می گرفت.

2-6. جهادی

بررسی کتب تاریخی به خوبی روشنگر آن است که از ابتدای اسلام تمامی فعالیت ها از جمله: گردآوری، تجهیز، سامان دهی و تجمع نیرو به هنگام احساس خطر و بیم از تعرض دشمن، در مسجد صورت گرفته است. مسجد نه تنها محل اعزام نیروها و طرح نقشه های جنگی بوده، بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می دادند در صورت وجود مسجد، چادر فرماندهی ایشان را در کنار آن نصب کنند.

2-7. رسانه ای

دین مبین اسلام از 1400 سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. به همین دلیل کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می شود که بتواند عمیق ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد یافت می شود. (فجری، 1388، ص 69-77)

ص: 218

1. امامان جماعت و متولیان فرهنگی

اشاره

مدیریت مسجد در سه سطح کلان، میانه و فرد قابل بررسی است. در لایه کلان مدیریت مساجد، حاکمیت و رأس نظام و نیز دولت و مجلس قرار می گیرند. در سطح مدیریت میانه مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی و سازمان های متولی امور مساجد جای می گیرند. مدیریت خرد مساجد نیز مدیریت بر لایه داخلی مسجد با محوریت امام جماعت است. در واقع، امام جماعت را مدیر مسجد می دانند. از این رو برای وضعیت مسجد در ایران می بایست به مدیریت انتمه جماعت بر مسجد توجه کرد. در توضیح لایه های مربوط به مدیریت باید گفت دولت اسلامی وظیفه آبادانی و ساخت مسجد را عهده داراست. متولیان امور فرهنگی نیز در اموری نظیر تولید محتوی، زمینه سازی و فرهنگ سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد دخیل اند. متولیان مستقیم اداره مسجد هم در جامعه ما و هم در لایه درونی مدیریت مسجد پرشمارند، در لایه درونی مدیریت مسجد نیز امام جماعت، هیأت امناء، خادم، بسیج، کانون های فرهنگی-هنری، مأمومین و مخاطبان هم حضور دارند. (کرم اللهی، 1391، ص38)

امام جماعت و یا «پیش نماز» به فردی اطلاق می شود که مردم در نماز جماعت، به او اقتدا می کنند. امام جماعت مدیر مجموعه مسجد است. به همین دلیل، محور اصلی اداره مسجد محسوب می شود.

از دیگر عناصر لایه داخلی مدیریت مسجد، هیأت امناء است. هیأت امناء را می توان شورای مدیریت مسجد نیز نامید. نظارت بر برنامه ریزی ها، حل مشکلات، برگزاری مراسم و برنامه های جانبی و مدیریت منابع مالی مسجد با همکاری امام جماعت به عهده این

شورا است. خادم نیز به شخص یا اشخاصی گفته می شود که در مساجد به امور نظافت، نگهداری، خدمات رسانی به مراجعه کنندگان و مانند آن اشتغال دارند. سابقه حضور بسیج و شکل گیری پایگاه های بسیج در مسجد مقارن با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از پایان جنگ، پایگاه های بسیج به عنوان نهادی تثبیت شده در کنار مساجد، به فعالیت خود ادامه دادند و به تدریج به فعالیت سیاسی و فرهنگی پرداختند. کانون های فرهنگی نیز در دهه اخیر به جمع عناصر دخیل در مدیریت مسجد پیوسته است. گروهی دیگر از سازمان ها و نهادهای مرتبط با

مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی کشور هستند. این قبیل نهادها، به رغم عدم دخالت مستقیم در اداره مسجد، به عنوان نهادهای زمینه ساز حضور فعال، پویا و اثربخش مسجد در جامعه، نقش به سزایی دارند. ضعف عملکرد متولیان امور فرهنگی می تواند برای مساجد آسیب زا باشند. این نهادها در اموری نظیر تولید محتوا، زمینه سازی و فرهنگ سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد و مانند آن دخالت دارند. حوزه های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما از جمله این نهادها محسوب می شوند. در میان این نهادها، جایگاه حوزه علمیه به دلیل تربیت روحانیون و ائمه جماعت مساجد از اهمیت بیشتری برخوردار است. (کرم اللهی، 1391، ص 39-42)

1-1. ویژگی های امامان جماعت

ابعاد وجودی امام جماعت به دو بعد «شناختی» و «رفتاری» تقسیم می شود: بُعد شناختی، شامل دانش، آگاهی و اطلاعات دینی، اجتماعی و همچنین دانش مدیریت مسجد می شود. بعد رفتاری، شامل رفتار و اخلاق فردی و اخلاق و رفتار اجتماعی است. «رفتار فردی» یعنی آراستگی باطن و آراستگی ظاهر و «رفتار اجتماعی» یعنی توانایی تعامل و برخورد مناسب با اقشار گوناگون جامعه، اعم از مخاطبان و غیر مخاطبان مسجد. توانایی اعمال مدیریت بر مسجد نیز در بعد کنشی قرار می گیرد.

بعد شناختی: یکی از مهم ترین ویژگی های امام جماعت، بهره مندی از دانش دینی و نیز دانش مورد نیاز جهت مخاطب شناسی و برقراری تعامل سازنده و اثربخش با مخاطبان است. امام جماعت باید عالم به علوم و معارف دینی و نیز آشنای با مسائل مستحدثه و دانش های زمانه باشد. از سوی دیگر، آشنایی با دانش مدیریت، امام جماعت را در مدیریت مسجد یاری می رساند.

بعد رفتاری: توصیه های اکید دین به این بُعد از ابعاد شخصیتی امامان جماعت که مهم ترین مبلغان دین به شمار می آیند نشان از اهمیت آن دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مردم را با غیرزبان و با عمل و کردار خود به دین حق دعوت کنید.» (کلینی، 1365، ج 2، ص 78) اخلاق فردی و اجتماعی امام جماعت در میزان اقبال مردم به مسجد نقش به سزایی دارد. بعد رفتاری امام جماعت به نوبه خود، شامل مؤلفه های فردی و اجتماعی به شرح ذیل است:

- کنش و رفتار فردی: رفتار فردی شامل دو مؤلفه آراستگی باطن و ظاهر است. مقصود از آراستگی باطن، بهره مندی امام جماعت از فضایل و صفات نیک اخلاقی است و منظور از آراستگی ظاهر، اهتمام امام جماعت به پاکیزگی، نظم در فعالیت ها، رعایت بهداشت فردی و مانند آن می باشد.

- کنش و رفتار اجتماعی: این حوزه، چگونگی تعامل و برخورد امام جماعت با اقشار گوناگون جامعه، اعم از مخاطبان و غیر مخاطبان مسجد را شامل می شود. علاوه بر این، افراد پیرامون امام جماعت نیز در این حوزه قرار می گیرند. این افراد شامل خانواده، دوستان و آشنایان امام جماعت می شوند. چگونگی تعامل و رفتار امامان جماعت با افراد پیرامون و همچنین ویژگی های ایشان در میزان جاذبه و توجه مردم به سمت مسجد تأثیرگذار است. توانایی عملی امام جماعت در مدیریت امور مسجد و برقراری توازن و انسجام میان عناصر مرتبط با مسجد نیز در این مقوله جای می گیرد. (کرم اللهی، 1391، ص 40)

2-1. شایستگی های امام جماعت و کارگزاران مسجد

در این قسمت سعی می شود شایستگی های اساسی مورد نیاز امام جماعت مطرح شود.

برابر نظر مرکز رسیدگی به امور مساجد، ویژگی های امام جماعت به عنوان مدیر اسلامی عبارتند از: 1- ایمان و تقوا 2- عدالت و امانت داری 3- توانایی 4- اخلاق و برخورد نیکو و زیبا 5- سعه صدر و تسلط بر خود 6- خردورزی و دوراندیشی 7- تعادل 8- تواضع 9- جدیت و تلاش 10- صداقت و وفای به پیمان 11- خواهان دانش جدید و افق های نوین فعالیت. مرکز یاد شده، ویژگی های دیگر امام جماعت را چنین برمی شمرد: امام جماعت باید از نظر علمی با قرآن و تفسیر، روایات و سخنان ائمه علیهم السلام آشنا باشد و توان پاسخ گویی به سؤالات فقهی و شبهات جدید کلامی را داشته باشد و از اخبار کشور و جهان آگاه باشد. از نظر گفتاری باید از پرحرفی و کلمات بیهوده، غیبت و بدگویی پرهیز کند. از نظر برخورد نیز

باید گشاده رو و خوش برخورد باشد؛ شخصیت افراد را حفظ کند و از تحقیر و تمسخر و پوزخند پرهیز کند. امام جماعت دارای چهار وظیفه اساسی است:

1- اقامه نماز جماعت 2- تعلیم و تربیت و نشر معارف 3- رهبری و مدیریت مسجد 4- برقراری ارتباط. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1386)

پیروی از سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله برای موفقیت امام جماعت در مسئولیت خود بسیار خطیر و مهم است. برخی از اصول سیره فردی و اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله عبارتند از: نظافت، آراستگی ظاهر، معطر بودن، سلام کردن، مصافحه، گشادگی چهره، برقراری ارتباط صمیمانه و احترام و ادب. (طالقانی و همکاران، 1389، ص 60)

همچنین بر اساس دیدگاه ائمه اطهار نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- محبوبیت: مهم ترین ویژگی امام جماعت محبوبیتی است که در میان نماز گزاران دارد. پیامبر فرمود: «ثمانیه لا یقبل الله لهم... و امام قوم یصلی بهم وهم له کارهون...» (شیخ صدوق، 1413 ه.ق، 1/59) یعنی هشت طایفه اند که خداوند از آنها نمازی را نمی پذیرد، یکی از آنها امام جماعتی است که مردم از نماز خواندن پشت سر وی کراهت داشته باشند و... .

از طرف دیگر رضایت آنان نیز پاداش فراوانی را برای او به دنبال می آورد، چرا که آن حضرت فرمودند: «من ام قوما باذنهم وهم به راضون... فله مثل اجر القوم و لا ینقض من اجورهم شیء» (عاملی، 1403 ه.ق، 8/349) یعنی هر کس امامت جمعی را با اجازه خودشان به عهده بگیرد و آنان به امامت او راضی باشند... پس برای او مانند ثواب نماز همه مأمومین خواهد بود، بی آنکه از اجر آنان چیزی کاسته شود.

- برخورداری از مراتب علم و تقوی: اگر امام جماعت بخواهد مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهد، باید روشنفکر، آگاه و برخوردار از مراتب علم و تقوا باشد. علاوه بر آن باید دارای قرائتی صحیح باشد و احکام نماز را نیک بداند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «ان سرکم ان ترکوا صلاتکم فقد مواتکم» (عاملی، ج 5، ابواب صلاه الجماعه، باب 26، حدیث 4. یعنی اگر پاکیزه نگه داشتن نماز شما را خوشحال می کند، پس بهترین خود را پیشوا قرار دهید.

- آشنایی با شیوه های تبلیغ: از مهم ترین ویژگی های امام جماعت، نحوه آموزش و تبلیغی است که در پیش می گیرد. وی در این زمینه، اولاً باید مخاطب خود را بشناسد و ثانیاً باید به آن چه می گوید عمل نماید. امام صادق علیه السلام در این مورد فرموده است: «اگر عالم و دانشمند

به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دل ها می لغزد، آن چنان که باران از روی سنگ صاف و شیب های لغزنده کوه لغزان است.» (کلینی، 1382:1/8) (به نقل از مصطفوی نیا و همکاران، 1392، صص 189-207)

3-1. وظایف امام جماعت

امام جماعت علاوه بر مدیریت صحیح مسجد و اقامه نماز جماعت، لازم است مواردی را مدنظر قرار دهد:

1-3-1. مدیریت مسجد

یکی از مهم ترین مسائل در مسجد مدیریت آن است؛ اما با توجه به اهمیت برنامه ریزی در برنامه های دینی، فرهنگی و آموزشی مسجد، ضروری است که ائمه جماعات اولین برنامه ریز باشند تا بتوانند اهل مساجد را هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی آنان و هم به منظور بهره برداری در مسائل سیاسی و اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم مهیا سازند. رسیدن به اهداف مذکور نیازمند برنامه ریزی، سازماندهی امکانات و نیروها و نهایتاً کنترل و نظارت بر اجرای برنامه هاست. بنابراین آنچه مهم به نظر می رسد این است که ائمه جماعات با آگاهی کامل به مدیریت مسجد علاوه بر مشورت با نمازگزاران و هیئت امنای مسجد، تصمیم نهایی را خود اتخاذ و اعمال نمایند. اهمیت این موضوع تا آنجا است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً مدیریت و امامت مسجد النبی را به عهده داشتند و در غیاب ایشان، مدیریت مسجد به عهده کسانی بوده است که به تشخیص آن حضرت صلاحیت امامت را داشته اند. (فجری، 1388، ص 32)

2-3-1. مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان

از جمله مهم ترین مسائل قابل دقت در مسجد این است که نماز جماعت در اول وقت شرعی و بدون فوت وقت آغاز گردد. و برنامه هایی مثل سخنرانی ها و دعاها ی طولانی، بعد از اتمام نماز صورت پذیرد. با کمال تأسف در برخی مساجد، مستحبات بین نماز به اندازه ای طولانی می شود که عده ای نماز دوم را فردای خوانده و گاه به همین دلیل اصلاً در مسجد حاضر نمی شوند و از فیض جماعت محروم می مانند. به یقین ثواب نماز جماعت با انجام حداقل مستحبات همراه با جمعیت بیشتر بسیار بهتر از نماز طولانی با انجام همه مستحبات

ص: 223

خواهد بود. آمار نشان می دهد آنچه که مردم را از مسجد گریزان می سازد، طولانی کردن نماز و فاصله بین دو نماز است. (قرآنی، 1387، ص 79)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْرَانِكَ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ» (الكافی، ج 3، ص 310)؛ هر گاه امام جماعت بودی، یک الله اکبر برای تو کافی است؛ زیرا افرادی که کار دارند یا ضعیف و پیر هستند با تو می باشند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «آخِرُ مَا فَارَقْتُ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ أَضْعَفٍ مَنْ خَلْفَكَ...» (وسائل الشیعه، ج 5، ص 447)؛ آخرین سخنی که با آن از محبوب قلبم جدا شدم، این بود که فرمود: یا علی! به هنگام نماز [جماعت]، نمازی متناسب با حال ضعیف ترین کسی که به تو اقتدا کرده است بخوان.

این حدیث شریف گویای آن است که یکی از راه های جلب و جذب مسلمانان به کانون مسجد و نماز جماعت، کوتاه برگزار نمودن نماز جماعت است.

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَائَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقُعُودِهِ وَقِيَامِهِ زِدَتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَلَمْ تَجَاوِزْ تَرَاثِيهِ وَكَانَتْ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةَ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَلَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ». (وسائل الشیعه، ج 8، ص 420)

کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشست و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف های او تجاوز نمی کند و جایگاه چنین امامی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیت خود تلاش ننموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است.

3-3-1. تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات

اگرچه اجرای این برنامه در همه مساجد ضروری نمی باشد؛ اما مناسب است امام جماعت با توجه به نیاز محل، ساعتی را به صورت روزانه یا هفتگی در مسجد حضور یابد و به سؤالات پاسخ گفته و به رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی بپردازد و در صورت نیاز با مراکز حوزوی و متخصصین در تماس باشد تا سؤالات به خوبی پاسخ داده شود.

3-3-1. حفظ آرامش مسجد

امام جماعت موظف است از هرگونه برنامه ای که نظم مسجد را برهم زده و یا در شأن

مسجد نمی باشد، جلوگیری نماید. همچنین لازم است از هرگونه سیاسی بازی و طرفداری از گروه خاص که باعث تشنج در مسجد و از بین رفتن فضای عبادت است جلوگیری کند.

5-3-1. ارائه برنامه هایی که بر جذابیت مسجد بیافزاید

در برنامه سخنرانی مسجد، حتی المقدور از افراد آگاه به مسائل سیاسی و روز، متعهد و جذاب استفاده شود تا مردم علاوه بر تنوع و جذابیت، از اوضاع کشور و منطقه محل زندگی، مطلع شده، سؤالات خویش را مطرح نموده و جواب دریافت نمایند.

6-3-1. تشکیل هیئت امناء

هر امام جماعتی نیاز به افرادی دارد که در اداره مسجد، او را یاری نمایند؛ اما مهم این است که این افراد چه با نام هیئت امناء (که از افراد مورد اطمینان محل می باشند) و چه با دادن مسئولیت های مختلف به افراد دارای صلاحیت، مثل: مسئول واحد پشتیبانی-مالی، واحد عمرانی-خدماتی، واحد فرهنگی-هنری و ورزشی، واحد روابط عمومی و ... تحت نظارت و مدیریت امام جماعت برنامه های مسجد را پیگیری نمایند. همچنین برخی مساجد که هیئت امناء داشته و آنها مسئول دعوت از امام جماعت می باشند، لازم است به این مسئله واقف گردند که انتخاب امام جماعت، به معنای انتخاب مدیر در تمام فعالیت های مسجد است و تمام برنامه های مسجد باید با موافقت و هماهنگی امام جماعت انجام گیرد. (فجری، 1388، ص 32-33)

4-1. شایستگی های فعالان (کارگزاران)

فعالان یا کارگزاران یک مسجد، علاوه بر انجام امور عملیاتی، هم چون بازو و معاون امام جماعت عمل می کنند. (خصوصاً اعضای هیئت امناء) از این رو، از یک سو ویژگی های فردی این افراد مانند توانمندی های آنها اهمیت پیدا می کنند و از سوی دیگر، ویژگی های بین فردی

(گروهی) آنها حائز اهمیت است. در نتیجه، شایستگی های فعالان طبق این توضیحات در دو مؤلفه ویژگی های فردی و بین فردی طبقه بندی شده است. عناصر توانمندی شخصی، فضایل ایمانی-اخلاقی و انگیزش این افراد (شامل مهارت و دانش، شجاعت، صداقت و وفای به عهد، نیت خدمت گذاری، امانت داری و مسئولیت پذیری، سعه صدر و مدارا و تلاش و پشتکار در مسجد) در مؤلفه «ویژگی های فردی» معرفی شده اند. از آن جهت که این افراد، گروه یا تیمی از فعالان اداره امور مسجد را شکل می دهند، برخی ویژگی های اثرگذار بر

عملکرد گروه مانند همبستگی، برادری و انسجام، وجهه یا اعتبار محلی، احترام و اعتماد متقابل و الفت و محبت بین قلوب آنها به عنوان جمعی از مؤمنین در ویژگی های بین فردی مطرح شده اند. انسجام گروه، احساس ما بودن است که اعضای یک گروه را به یکدیگر پیوند می دهد. اعتماد و ایمان متقابل به رفتار و مقاصد دیگران نیز، از جمله عوامل مهم در رفتار یک گروه است. نیت خدمت به خانه خدا، از شاخص های مهم این بخش است و ارزش کارها به نیت انجام آنهاست. در فضیلت خدمت گزاری به مسجد، اشاره به این حدیث، مناسب است: «هر کس مسجدی را جارو کند، خداوند برای او ثواب آزاد کردن یک بنده را بنویسد و هر کس مسجد را غبارروبی کند، خدای عزوجل وی را از رحمتش دوچندان برخوردار گرداند.» (طالقانی و همکاران، 1389، ص 61-62)

ص: 226

1. اهمیت زیبایی شناسی در اسلام

یکی از اهداف جذب خانواده ها به مسجد، پرورش شور و شوق افراد نسبت به مفاهیم اساسی دین هم چون تقوی، ایثار است و تنها ارائه مستقیم معارف الهی نیست. پس نقش اساسی مسجد رفتن، فراهم آوردن شرایطی است که فرد با تجربه واقعه ای درونی به دین گرایش یابد. در واقع نمی توان از طریق تبلیغ بدون ترغیب و تربیت بدون تمایل درونی، فردی را به دوست داشتن چیزی واداشت. متولیان فرهنگی و سازندگان مساجد می توانند مایه های فطری درون خانواده ها را از طریق کشش های زیبایی شناختی پرورش دهند. بنابراین هدایت احساسات و عواطف خانواده ها از طریق توجه به ابعاد زیبایی شناختی و تأثیر روش های مبتنی بر بعد زیبایی میسر می شود. زیبایی عشق را می آفریند و عشق حرکت و شور در عمل را ایجاد می نماید و برای انتقال فرهنگ اسلامی از طریق مسجد نیازمند انسان هایی هستیم که در این ابعاد پرورش یافته باشند. (شریف زاده، 1389، ص 105)

اساساً یکی از نیازهای فطری انسان میل به زیبایی و جمال دوستی است. در انسان گرایش به جمال و زیبایی وجود دارد، چه به معنای «زیبایی دوستی» و چه به معنای «زیبایی آفرینی» که نامش هنر است. (مطهری، 1373)

در دین اسلام به عناصر زیبایی شناسی اشاره شده است. اساساً آفرینش از نظر قرآن کریم با جمال و زیبایی آمیخته است. در قرآن می فرماید: «انا جعلنا ما علی الارض زینته لها» (سوره کهف، آیه 7) یعنی ما آنچه از مناظر طبیعی که در روی زمین است به عنوان زینت زمین قرار دادیم و کره زمین را بدان مزین ساختیم. در واقع ترغیب و تشویق به کار جمیل و زیبا در قرآن کریم بار ها مورد اشاره قرار گرفته است.

برای استفاده از نمادهای هنری در جذب خانواده ها به مسجد باید مفهوم زیبایی و تربیت هنری را بشناسیم، مفهوم نمادها، سطح و انواع آن را نیز شناسایی کنیم.

نماد در اصطلاح به معنای نشانه و حکایت از معنای ماورای خود است، با این تفاوت که نشانه مانند علائم راهنمایی به نحو اعتباری و قراردادی بر ورای خود دلالت می کند، اما نماد بر حسب نوع دلالت طبیعی، ورای خود را حکایت می کند. (قدردان قراملکی، 1381، ص 65)

منظور از زبان نمادین این است که زبان، واژگان و گزاره های آن بر معنای ظاهری آن دلالت نمی کند. موضوع نماد از دو منظر قابل بررسی است؛ بیان نمادین و هستی شناسی نمادین. در نگاه نمادین که مرتبط با زیبایی هنری است، مفهوم نمادها و زبان ها به هم نزدیک می شوند. در لغت نامه ورد رفرنس (word reference, 2006)، زیبایی شناسی «درک زیبایی یا چیزهای زیبا» و «مطلوبیت چیزی از نظر زیبایی» تعریف شده است. (صابری و رضوانی، 1391، ص 114)

ویژگی های زیبایی شناسی دامنه متنوعی از حیطه ها را دربر می گیرد. سیبلی (1959) فهرستی فراهم می کند که دامنه مفهوم زیباشناسی را نشان می دهد. این دامنه شامل حیطه های هماهنگی، آرامش، قدرتمندی، دلپذیری، پراحساسی، گیرایی و جلب کنندگی است. از نظر وی با دستیابی به این فهرست در هنر معماری، می توان مفهوم کلی یک ویژگی زیباشناختی را در زندگی نشان داد. برای مثال، هماهنگی یک ویژگی صوری است. خشم (مانند آرامش) یک ویژگی عاطفی است، و قشنگی (همانند دلپذیری) یک ویژگی صوری و ارزشی است. اگر بتوان

این فهرست را چنین گسترش داد و ویژگی های دیگر آثار هنری و معماری نظیر رنگ، شکل یا دوام را کنار گذاشت، می توان ویژگی های زیبایی شناسی را از دیگر ویژگی ها متمایز ساخت. (گلدمن، 1388، ص 94)

زیبایی شناسی محیط یکی از حوزه های جدید زیبایی شناسی است که در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کرده است. این نوع زیبایی شناسی بر مباحثی تأکید دارد که به درک زیبا شناختی جهان نه تنها محیط های طبیعی، بلکه فضاهایی که به دست انسان ساخته شده یا تحت تأثیر انسان بوده منجر می شود. (کارلسون، 1388، ص 292)

بنابراین این موضوع در سه مقوله: زیبایی فضای مسجد؛ معماری و مهندسی مسجد و فضای فیزیکی و بهداشتی قابل پی گیری است.

مسجد، محل تجلی مجموعه ای از هنرهای است که مصداق مسلم هنر شهودی است. در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می کند بلکه مهم ترین نمود هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی های بارز آن است. معماری مسجد به گونه ای مسیر تحولات و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی جوامع مسلمان را نشان می دهد و نمایانگر عمق برداشت های فرهیختگان و سازندگان هر زمان از جوهره ذهنیت و ایمان جامعه مسلمان معاصر آن است. بنای مسجد زمانی معنا می یابد که انسان مسلمان در آن پا نهاده و قدم به قدم فضاهای آن را طی می کند تا به فضای غایی آن برسد و در زیر سقفی مدور که نمادی از آسمان است رو در روی محراب بایستد. و اینها همه مقدمه اند، تا وی در این فضای مهیا شده برای عبادتش، آغازگر راز و نیازی شود که خود آداب و مراحل منظم دارد. تمام نظم تجریدی هنر متعالی اسلامی، بازتابی است از محتوای عارفانه ای که بر پایه ایدئولوژی اسلام بنا شده است. به یقین نمی توان، مسائل عقلانی و انتزاعی را از ابعاد احساسی و عاطفی آن جدا دانست. تا این احساس برانگیخته نشود و وجدان و فطرت انسانی احیا نگردد ایمان، ریشه ندوانیده است. بنابراین می توان مسجد را از آن حیث، جایگاه تجلی هنر و معماری اسلامی قلمداد کرد که هنرهای گوناگون، بر روی هم فضا و مکان خاصی را پدید می آورند، فضا و مکانی که برای ایجاد رابطه میان خدا و خلق او مناسب باشد و در عین شکوه و جلال، آراستگی و تزیین آن، ذهن انسان را به جای توجه به خداوند سبجان به خود مشغول نسازد.

نکته ای که در اینجا حائز اهمیت می باشد این است که مهندسان مسلمان باید به طراحی و اجرای مسجد نیز آشنا باشند. نکته مهم در ساخت مساجد این است که هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده است. این اصول چنین هستند: «مردم داری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی و درون گرایی که مهندسان سازه برای ساخت و طراحی مساجد باید این اصول را محور توجه خود قرار دهند.» (پیرنیا، 1383)

«زیبایی معناداری که در معماری اجزاء و عناصر مسجد موج می زنند نه تنها انسان را از یاد خداوند غافل نمی سازد بلکه او را متوجه وزن اشکال و صور روحانی آن می کند. چرا که معمار به واسطه هنر و با استفاده از مصالح و ملزومات کار هنری، هم زمان با خلق یک بنای زیبا به مفهوم سازی نیز می پردازند. به طوری که بنای ساخته شده با اعتقادات سازندگان آن پیوندی ناگسستنی دارد، در واقع ساختمان زیبا، جمال باطن پدید آورنده آن را هویدا

تأثیر شکل و فرم در انتقال معانی و مفاهیم از دو منظر حس زیبایی شناختی و گرافیک محیطی قابل بررسی است.

- حس زیبایی شناختی: یکی از نیازهای روان شناختی انسان، نیاز به حس زیبایی شناختی است و زیبا شناختی از آن جهت که کیفیت درونی و ناظر بر حالات درونی آدمی است، ارضاء آن می تواند مقدمه ای برای رویکرد آدمی به معنویت و پرستش خداوند باشد.

- گرافیک محیطی: در یک محیط، باید میان زیبایی و عملکرد ارتباط برقرار نمود. طراحی محیطی برای زیبا ساختن محیط بصری، آگاه کردن و ارتباط برقرار کردن به عنوان یک اهرم پر قدرت عمل می کند. در گرافیک محیطی یا طراحی، برای ایجاد ارتباط بصری با مخاطبان، طراح باید پیامی به ایشان القاء نماید، پیامی هدفدار در جهت شناساندن و معرفی محیط، این پیام باید در وهله اول، کاربردی بوده و بعد زیبا شناسانه آن مراعات گردد. به عبارت دیگر، در جهت زیبایی و مطلوب نمودن محیط تلاش صورت پذیرد. نمادهای وحدت در اجزاء و عناصر مسجد نه تنها در یک قالب کلی و پیکره ظاهری در محیط زندگی ما می تواند به عنوان مکانی وحدت آفرین محسوب گردد، بلکه تک تک عناصر و اجزاء متشکله آن نیز در درون و ماهیت خود نمایی از مؤلفه های وحدت را آشکار می سازند. منتهی در این بخش استنباط مفاهیم وحدت به صورت زیرکانه، ماهرانه و به شیوه ای هنرمندانه تجلی پیدا می کند که تنها اهل فن و متخصصان برجسته این رشته هستند که توانایی کشف راز و رمز و مصادیق این وحدت را دارا می باشند. برای نمونه، در اثبات این مدعا از چند مورد می توان نام برد. نخست این که مساجد اسلامی را می توان مجموعه

بی نظیری از انواع و اقسام هنرهای اسلامی دانست. از طراحی بنا و معماری کلی ساختمان گرفته تا کاشی کاری و گچبری و آینه کاری و خوشنویسی و شعر و نجاری و منبت کاری و ... حتی فرش های مساجد و این یعنی مجموعه ای تمام عیار از آثار هنری. این هنرهای مختلف و گوناگون، در عین تکراری که دارند؛ باید نهایتاً اثر واحدی بنام مسجد را خلق کنند. نقش و نگاره های اسلیمی دیواره ها و خطوط کوفی و نستعلیق اطراف محراب و گنبد درونی و برجستگی و فرورفتگی مقرنس ها و نهایتاً قوس منحنی حاکم بر کلیت معماری مسجد، باید در کمال سازگاری و هماهنگی با یکدیگر قرار گیرند و اوج هماهنگی و وحدت میان اعتقادات و باورهای دینی مردم با مسجد، این پایگاه توحیدی را می توان در آثار هنری و معماری خاص بکار رفته در آن که نمود ظاهری پیدا کرده، مشاهده نمود.

رنگ و نور و آب سه گانه اعظم زیبایی شناسی معماری اسلامی اند. نور جلوه « الله نور السموات و الارض » است که حضورش در معماری اسلامی، به ویژه در مسجد، تجلی نور الله است در کاستن از صعوبت و سختی و سردی سنگ و بنا. تأثیر رنگ در معماری اسلامی، انکار ناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مؤلفه های مهم در فضا سازی معنوی و روحانی مسجد می باشد. استفاده از رنگ های سبز، فیروزه ای و آبی در معماری اسلامی بسیار معمول و فرا گیر می باشد. کاربرد رنگ آبی لاجوردی و آبی فیروزه ای از عمده ترین رنگ های زمینه ای دیوارها، کاشی ها، محراب و گنبد و صحن و شبستان و ... مساجد است. حضور جدی آب در معماری اسلامی به ویژه در مسجد، نه تنها آن را عاملی فیزیکی برای تطهیر عابدی قرار می دهد که برای عبادات خود به این تطهیر نیاز دارد، بلکه به بنا نیز صفت تطهیر عطا می کند، همچنین گنبد و مناره دو نماد اصلی در معماری خارجی مسجد، مهم ترین نماد کالبدی مسجد از دور است، پوسته ای که آسمان را خیمه زده و به درون برده است و سر در درون دارد، و در نقطه مقابل آن دستی از زمینی که بر آسمان برآمده و به گل نشسته است (گلدسته). گنبد رو به فضای درون و منار سر بر آسمان بیرون تمثیلی از دو سیر انسان، سیر در آفاق و سیر در انفس، و تمثیلی از فضایی مناسب برای خودسازی و خودآگاهی «شبستان» و فضایی مناسب پیام رسانی و جامعه سازی و تعهد در مقابل از قوه به فعل درآوردن استعداد های فطری فرد و مسئولیت در مقابل امت است. یکی از ویژگی های بارز معماری مساجد، حیاط است، حیاط نخستین فضایی است که نمازگزار در هنگام ورود به مسجد به منظور وضو گرفتن و ورود به شبستان در آن قرار می گیرد. صحن مسجد به عنوان فضایی با معنا و هویت دهنده بر مسجد، از ویژگی های معنوی و ابعاد عملکردی مهمی برخوردار است که در تفسیر فضای مسجد و شکل دادن به ساختار نظام فضایی آن مهم ترین نقش را ایفا می کند. شبستان اصلی ترین فضای تجمع، انسجام و تمرکز مسجد محسوب می گردد و در واقع نقطه گرانیگاه و اصلی تجمعات عبادی می باشد. در شبستان بسیاری از حرکت ها و برنامه های وحدت آفرین شکل می گیرد و در واقع قلب تپنده حرکت های وحدت زا و توحیدی به شمار می رود. محراب در واقع نقطه ارتباط معنوی بین عبد و معبود و نقطه وحدت و ارتباط بین عالم ظاهر با عالم معنا و اتصال این جهان

مادی به جهان ماورایی است. محراب نقطه پرواز و عروج و نقطه اتصال زمین و آسمان از بعد معنوی می باشد. محراب نمایانگر قلب مسجد و موقعیت دیوار سمت قبله است. (بررسی هنر و زیبا سازی در طراحی مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1391)

5. روش های مختلف، برای بیان مفهوم در معماری مسجد

* تشبیه: معادل «قرینه سازی» در معماری؛

* استعاره: معادل «نمادگرایی» در معماری؛

* کنایه: معادل «رمزگرایی» در معماری؛

* تمثیل: معادل «آوردن نمونه و نشانه» در معماری؛

در همه اینها حرکت از مصداق به مفهوم برای بیان یک مفهوم به کار رفته که روش عام تری است.

- رمزگرایی (وجودگرایی): مساجد نمونه بارزی از تلفیق فرم های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی می باشند و ارتباطات نمادین در این هنر بارز است.

- درون گرایی و برون گرایی (درون و بیرون): درون گرایی در مسجد از دو جنبه فیزیکی و مفهومی مطرح است. «در این معماری هر فضای داخلی، خلوتگاه و محل توجه به باطن و هر فضای خارجی جلوه گاه و محل توجه به ظاهر است.» (شفایی، 1386، ص 16)

6. فضای فیزیکی و بهداشتی

- پیروی از قوانین متعارف هندسی و نظم، تناسبات هندسی دقیق قوی و پرکاری، نسبت مشخص برای طول و عرض و ارتفاع در پلان و نما و تمامی اجزاء و ... در مسجد کاملاً مشهود است.

- قرینه سازی در مسجد از بطن روحیه متعادل ایرانی اسلامی و فلسفه شرقی حاکم بر این ملت می باشد که در واقع تقارن را می توان «آوردن چیزی برای شناخت و یادآوری چیز دیگر و در نهایت به معنای فراتری دانست. تقارن از نظر بصری یک تعادل و نظم را ایجاد می کند که کلیت یک سیستم و سازمان اجزاء آن سهل الدرك می شود و در نتیجه انسان خود را در فضای درک شده اش پیدا می کند. «قرینه ها حضور عبادت را در میان گرفته، محرم یکدیگرند و سازنده فضای محرم و آشنا می شوند. پنجره ها درگاه ها و طاق نماها در دیوارها، قرینه نشسته و انعکاس نگاه تعالی طلب می باشند. نقش این طرف، طنین زیبایی

مساجد وقتی می توانند نقش واقعی خود را در تربیت دینی عبادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی ایفا کنند که بتوانند خانواده ها را جذب و حفظ نمایند. رسیدگی به بهداشت مساجد مانند تغییر در معماری امکانات گرمای و سرمازا و وجود فعالیت های فرهنگی مانند کتابخانه و ... از راهکارهای عملی جذب خانواده ها به مسجد می باشد.

- نظافت و بهداشت مساجد تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی به شمار می رود که باعث گرویدن خانواده ها به مسجد و نماز می شود، لذا مسئولان مسجد باید در خصوص غبارروبی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش ها و عطر افشانی اقدام کنند. نظافت دستشویی، ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی ها و به کار بردن خوشبو کننده های مناسب از ضروریات مساجد است.

- وسایل صوتی و گرمازا و سرمازا مسائل ناخوشایندی مثل نامناسب بودن صدای بلند گوها، سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد، تنظیم نامناسب نور در مسجد و دیگر عواملی از این قبیل باعث ایجاد سابقه ذهنی منفی در اذهان افرادی که به مسجد می روند، شده و موجبات نارضایتی و گریز خانواده ها از مسجد است. رفع این مشکل مدیریت مدبرانه هیئت امنای مسجد و افراد اداره کننده امورات و مناسبت های مسجد را می طلبد.

نظر به این که در این مقاله مشخص گردید که ویژگی های مثبت امامان جماعت و متولیان فرهنگی و زیباسازی مساجد موجب جذب خانواده ها برای رفتن به مسجد می شود. بنابراین در این راستا می توان با در نظر گرفتن کارکرد های مختلف مساجد، راه کار های زیر را مطرح کرد:

1. در حوزه انتخاب امامان جماعت، از روحانیون شایسته و فعال استفاده شود، زیرا برای جذب خانواده ها مناسب است. از دیگر ویژگی های مهم برای انتخاب امام جماعت، می توان به این موارد اشاره کرد: محبوبیت و مقبولیت، آشنایی با کارکردهای مسجد، آشنایی با دانش مدیریت، توجه به وظائف امام جماعت، مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان، تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات، حفظ آرامش مسجد، ارائه برنامه هایی خلاقانه (مانند تبدیل سخنرانی های رسمی به کلاس های صمیمی).

2. در حوزه فرهنگی می توان گفت مسجد باید کانون انرژی و شور و هیجان باشد و فقط از ساختار های سنتی استفاده نکند بلکه از ساختار های به روز استفاده نماید. برای تقویت نقش فرهنگی مساجد می توان با اقدام به تأسیس کتابخانه، عرضه و فروش کتاب با تخفیف های مناسب، تأسیس مراکز توزیع فیلم و سی دی، کلاس های آموزشی و فرهنگی، برگزاری جلسه های سخنرانی، نصب و راه اندازی خدمات رایانه ای و اینترنتی زمینه های جذب خانواده هارا افزایش داد.

3. در حوزه زیباسازی مساجد باید به این نکته مهم اشاره کرد که یکی از ویژگی ها و جاذبه های مساجد ارضاء حس زیبایی شناختی است تا از این طریق بتوان به پرورش دینی افراد کمک نمود. سوق دادن افراد به سمت خدا و متوجه ساختن ایشان به فرامین الهی اگر

چه از کارکردهای مساجد است اما این خود مستلزم توجه به زیبایی شناسی است. اگر مسجد بتواند احساس نیاز به پرستش کردن و فواید، اهمیت و ضرورت آن را بررسی و تبیین نماید و همچنین بتواند جنبه های زیبا شناختی کارکردهای خود را به درستی به مردم نشان دهند، در واقع به میزان جاذبه خود افزوده است. در این مسیر در نظر گرفتن این موارد ضروری است: اهمیت دادن به زیبایی و شکوه مسجد در عین سادگی و پرهیز از اسراف و دنیاگرایی؛ تنظیم نور مسجد به اندازه ای، که نه مصداق اسراف باشد، نه آن قدر کم نور و دلگیر کننده که بر روحیه اشخاص بازتاب منفی ایجاد کند؛ معماری در پی خلق فضایی باشد تا فرد بتواند حضور خدا را احساس نماید؛ نوآوری و ابتکار در عرصه ساخت و ساز

مسجد که هماهنگی با توصیه های دینی داشته و از مایه های سنتی الهام گرفته باشد مانند مسجدی که دارای صحن و حیاط و حوض و آب نما بوده و باعث ایجاد نشاط و سرزندگی و عامل معنوی مؤثری برای جذب افراد خواهد بود.

در پایان انتظار می رود براساس دستاورد های این پژوهش، مسئولین و سازندگان مساجد در جهت بهبودی وضعیت این مکان مقدس برای دستیابی به هدف جذب خانواده ها برای حضور در مساجد اقدام کنند.

قرآن مجید.

آذرنوش، آذرتاش و مکوندی، محمود، «بررسی زبان شناختی واژه قرآنی مسجد»، دو فصلنامه تحقیقات علوم قرآنی و حدیث، شماره 13، 1389.

بختیار نصرآبادی، آمنه و بختیار نصرآبادی، حسنعلی و انصاری، مریم، تحلیلی بر مؤلفه های زیبایی شناختی در معماری فضاهاى آموزشى با توجه به رویکرد اسلامى، دو فصلنامه تربیت اسلامى، شماره 17، سال هشتم، 1392.

بررسی هنر و زیبا سازی در طراحی مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1391.

پیر نیا، محمدکریم، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، 1383.

حراملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت وسائل الشیعه، 1409 ق.

حراملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ترجمه محمدرضا ضمیری، قم، موسسه فرهنگى تبيان، 1387.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی 1385، u.

رضی مصطفوی نیا، سید محمد و همکاران، ویژگی های امام جماعت موفق و شایسته، مجموعه مقالات نماز و نهضت مسجد سازی، موسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، 1392.

شریف زاده، حکیمه السادات و تسلیمیان، ناصر، نقش عنصر زیبایی شناسی در تربیت دینی، فصل نامه کاوش های دینی، شماره سوم، 1389.

شفائی، رضا، رابطه موسیقایی نماز و بنای مسجد: باز شناخت معماری مسجد، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت 1386.

صابری، رضا و سعیدی رضوانی، محمود، کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی، دو فصلنامه تربیت اسلامى 1391.

طالقانی، غلامرضا و همکاران، مدیریت مسجد: تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی، شماره 3 و 4، 1389.

طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، 1370.

ص: 236

عبدالبطلی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن کریم، مصر، مطبعه دارالکتب قاهره، انتشارات اسماعیلیان، 1354.

فجرى، محمد مهدى، آشنایی با کارکرد های مسجد، مجله مبلغان، شماره 120، 1388.

قدردان قراملکی، محمد حسن، زبان قرآن از منظر علامه طباطبائی، فصلنامه قیسات، شماره 25، 1381.

قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، مؤسسه مسجد، قم، چاپ اول، 1387.

کارلسون، آلن، زیبایی شناسی محیط زیست، ترجمه کریم پورزید، مجله نیم سالانه زیبا شناخت، سال دهم، شماره 20، 1388.

کرم اللهی، نعمت الله و کاشانی زاده امیر مسلم، تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره 11، تابستان 1391.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

گلدمن، آلن، امر زیبایی شناختی، ترجمه ابوالفضل مسلمی، مجله نیم سالانه زیبا شناخت، سال دهم، شماره 20، 1388.

محراب بیگی، محمد علی، مسجد فرهنگ مردم، فصلنامه هنر و معماری، شماره 33، 1376.

محدثی، جواد، هنر دینی: واکاوی هنر در قلمرو مکتب، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1386.

محمدی، علی و روزبهانی، علی رضا، مسجد در آئینه مثنوی، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال چهارم، بهار 1392.

مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته حال آینده، دانشگاه هنر پردیس اصفهان، انتشارات دانشگاه هنر، 1376.

مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، 1373.

میرزایی، خلیل و پروین، پژمان، مسجد، خانواده، سلامت اجتماعی، فصلنامه علوم تربیتی، شماره 128، 1391.

نقش مسجد در فرهنگ سازی برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار

اشاره

عصمت دانش

ص: 239

چکیده

در فرهنگ اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده مقدس و خانواده به مثابه دژی استوار و اصلی ترین نهاد اجتماع محسوب می شود که بیشترین مسئولیت را در تحوّل و شکوفایی شخصیت، تربیت و تعالی، پرورش مهارت های اجتماعی و سعادت انسان، و نیز سلامت و اعتلای جوامع بشری برعهده دارد. در تعالی خانواده مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی قوی اسلام می تواند نقش چشمگیری در مسجدمحوری شدن خانواده ها و تربیت دینی جوانان برای ازدواج آسان و به هنگام و همچنین استحکام بنیان خانواده ها داشته باشد. هدف از این مقاله تحلیلی-پژوهشی، شناسایی و معرفی نقش مسجد، در فرهنگ سازی برای ازدواج و تشکیل خانواده ای پایدار در عصر پیچیده کنونی است. روش این پژوهش از یک سو توصیفی-تحلیلی و کتابخانه ای و از سوی دیگر میدانی می باشد که با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته پدید آمده است. یافته ها نشان می دهد به رغم اهمیتی که مساجد در صدر اسلام در همه ابعاد زندگی بشری و رفع مسائل و مشکلات مسلمانان از جمله مشکلات اقتصادی، فرهنگی، دینی و عبادی، آموزشی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی داشته است، در حال حاضر از این پایگاه امن، بیشتر برای مراسم عبادی و مجالس ختم و یادبود استفاده می شود. در این مقاله باآزمون سه فرضیه پژوهش، راهکارهای کاربردی اسلامی برای فرهنگ سازی به منظور برجسته کردن نقش محوری مساجد در جامعه و پذیرش این نقش از سوی جوانان و خانواده ها برای ازدواج و تشکیل خانواده ارائه شده است.

کلیدواژه ها: ازدواج آسان، خانواده، فرهنگ سازی، مسجد محوری.

ازدواج در فرهنگ اسلامی، پیوندی مقدّس و عاملی مؤثر در حفظ پاک دامن و طهارت دل ها است که موجب حفظ دین، افزایش ثواب عبادات، به وجودآورنده مودّت و رحمت می شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس می خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج، عفت پیشه سازد. (احمدپناهی، 1385، 35-36) ازدواج مهم ترین و اصلی ترین عامل ارتباطی میان انسان ها است که صمیمی ترین نوع رابطه بین زن و مرد و به تبع آن خانواده شکل می گیرد و کلیه نیازها اعم از جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی زن و شوهر با این پیوند مقدس برآورده می شود. (روزن-گرانندن، مایر و هاتی 2004، 59)

همه مکاتب از اهمیّت ازدواج و تشکیل خانواده سخن گفته اند، ولی ارزش و اعتباری که اسلام برای ازدواج قائل شده است در هیچ مکتبی دیده نمی شود. به گونه ای که خداوند رحمان یکی از آیات و نشانه های قدرت خود را در ازدواج و آفریدن همسرانی از نوع خود انسان برای او می داند تا در کنار یکدیگر با دوستی و رحمتی که بین آنان قرار داده است به آرامش و سکون نایل آیند. (روم/ 21) البته چیزی که مایه سکون است همان مودّت و رحمت الهی است که جاذبه ای معنوی بین زن و مرد ایجاد می کند، وگرنه شهوات نمی تواند نشانه ای از نشانه های خدا باشد و موجب آرامش گردد. (جوادی آملی، 1371، 39-40) اسلام معتقد است هر اقدام نیکوکارانه ای باید از خانواده آغاز شود و این سخن پیامبرگرامی ما است که فرمود: «إِذَا بُمَاتَ عَوْلٌ» یعنی نخست از خانواده آغاز کن. (قائمی امیری، 1392) اسلام بنا به اهمیّت موضوع، مهر تأیید بر ازدواج و روابط زناشویی تمام اقوام و ملل زده است (مطهری، 1392، 190) و می خواهد خواسته ها و نیازهای طبیعی انسان در چارچوب قواعد

الهی برآورده شود، تا بی بندوباری و هرج و مرج در همه زمینه ها، از جمله در اقناع غریزه جنسی، از جامعه اسلامی رخت بربندد. (قائم امیری، 1392، 17)

به خاطر تمامی این مزایا است که برای رشد همه جانبه شخصیت و سلامت جسمی و روانی انسان ازدواج امری اجتناب ناپذیر است. نتایج پژوهش ها نیز نشان می دهند ازدواج نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی زوجین ایفا می کند؛ (وود، گیزلینگ و ایولر، 2007، 1) و به طور کلی، افراد متأهل سالمتر از کسانی هستند که ازدواج نکرده اند؛ (شونبورن، 2004، 22) همچنین رابطه مثبتی بین ازدواج و آرامش روانی وجود دارد؛ (ویلسون و اسوالد، 2005، 91) و صرف نظر از جنس و سن، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد به طور معناداری سطح شادکامی و سطح کلی سلامت جسمی و روانی بیشتر و نشانه های بدنی، علائم اضطراب، اختلال در خواب، میزان افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی کمتری دارند. (دانش، 1389، 57)

اسلام به همان میزان که به تشکیل خانواده تأکید فراوان دارد، برای حفظ و تداوم آن و دور نگهداشتن آن از خطر تزلزل و از هم پاشیدن نیز برنامه هایی را پیش بینی و تهیه کرده است. از جمله آن که ارضاء همه لذات را در چارچوب نظام خانواده مشروع می داند و زن و مرد را از حرکات و رفتار بدون رعایت نظام دین برحذر می دارد. این مراقبت ها و رعایت ها به دلایل مهم و به دلیل نقش های سازنده و متعددی است که خانواده باید ایفاکننده آنها باشد. (قائم امیری، 1392، 17-18) پژوهش ها نیز نشان داده اند افرادی که تقیّدات مذهبی دارند بهتر از عهده این مسئولیت ها برمی آیند و سازگاری و تداوم زندگی زناشویی آنها بیشتر است. هانلر و گنکوز نیز (2005، 133) دریافتند تأثیر مثبت مذهب بر رضایت زناشویی و تداوم زندگی زوجین به لحاظ این است که مذهب نه تنها رهنمودهایی برای زندگی دارد بلکه ارائه دهنده نظام ارزش ها و باورها است. پژوهش اورتینکال و ونستیوجن (2006، 498) نیز نشان داد افرادی که مذهبی ترند در زندگی ثبات بیشتری دارند و از زندگی خود راضی ترند.

از این رو با توجه به نقشی که تقیّدات مذهبی در رضایت از زندگی، سازگاری و تداوم زندگی زناشویی دارد، از یک سو فراهم آوردن بستر و زمینه تربیت و پرورش دختران و پسران مذهبی و با ایمان و آماده سازی آنها برای ازدواجی سنجیده و به هنگام بسیار ضروری به نظر می رسد؛ و از سوی دیگر لازم است برای داشتن یک چنین ازدواجی از همان سال های آغاز کودکی برنامه ریزی کرد. در این راستا، در تعالی خانواده مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی قوی

اسلام می تواند در استحکام بنیان خانواده نقش شایان توجهی در جامعه داشته باشد. مسجد در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و والایی برخوردار است، به گونه ای که به عنوان خانه خدا بر روی زمین معرفی شده است. (حر عاملی، 1414ه ق) این پایگاه اجتماعی در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات، بلکه مرکز تصمیم گیری های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و نیز مکان نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان های متعهد به ویژه جوانان؛ و همچنین جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانه محکمی

برای حکومت اسلامی بوده است. (امام خمینی 65، 1385، e)

این پایگاه عظیم نقش عمده ای در تعالی و تحکیم کانون مقدس خانواده داشته و دارد. در واقع با انس خانواده با مسجد و بهره گیری از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد است که تربیت دینی، بصیرت و معرفت والا در نظام خانواده حاکم و خانواده تجلی گاه ارزش های الهی

می شود و به این طریق زمینه سعادت مندی خانواده و اجتماع فراهم می آید. از این رو با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل «نقش مسجد در ازدواج آسان، به هنگام و پایدار» به اجرا درآمد که به این سؤال پاسخ دهد: «چه برنامه ها و تدابیری توسط دانشمندان اسلامی، مسئولین، روانشناسان و جامعه شناسان باید اتخاذ و انجام شود تا این پایگاه مقدس بتواند نقش الهی و محوری دیرینه خود را در ازدواج و تشکیل و تحکیم بنیان خانواده ایفا کند؟

ص: 245

1. ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله

ازدواج به عنوان سنگ بنای تشکیل خانواده با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد صورت می گیرد (دانش، 1384، 11) و در منطق قرآن کریم به وجود آورنده مطمئن ترین و آرامش بخش ترین رابطه ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. (احمدپناهی، 1385، 35) در اهمیت ازدواج پیامبرگامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «در نزد خدای عزوجل هیچ چیز محبوب تر از خانه ای نیست که با ازدواج آبادان شود.» (کلینی، 1388، 328) هر چند خانواده از نظر ظاهری کوچک ترین، ساده ترین و طبیعی ترین نهاد اجتماعی است، ولی در ارزیابی واقعی یکی از مهم ترین و پرارزش ترین نهادهای هر جامعه است. این ادعا به آن جهت است که به نظر جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی و روانی، پایه و اساس یک جامعه سالم یا فاسد و همچنین استواری یا ناپایداری جوامع، به خانواده بستگی دارد (قائم امیری، 1392، 16) و چگونگی بافت، روابط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط آنها با محیط اجتماعی و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی بر ساختار جامعه تأثیر شایانی بجای می گذارد و متقابلاً این ساختارها، خانواده و کارکرد آن را تحت تأثیر قرار می دهد. (مهدوی و غنیمی، 1387، 78) در این میان نحوه روابط و چگونگی تعاملات زن و شوهر از همه مهم تر است؛ زیرا پایه و اساس نخستین سلول اجتماعی به عنوان خانواده و تداوم آن، سلامت نسل های آینده، انتقال ارزش ها، اعتلای فرهنگ و پیشرفت هر جامعه ای در گرو روابط منطقی و سازگاران زن و شوهر نهفته است. (دانش، 1384، 11) بنابراین، سلامت و سعادت و بهروزی جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین «زن» با «شوهر» و والدین با فرزندان بستگی

دارد. به بیان دیگر، تعالی هر خانواده در سایه تربیت و اخلاق اسلامی نمود پیدا می کند.

(پسندیده، 1384، 7)

اما به رغم نقش و تاثیر متقابلی که خانواده و جامعه بر یکدیگر دارند، پژوهش ها نشان می دهند که در سال های اخیر احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه میان زن و مرد به سستی گراییده و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشی شده است (حمید، عیدی بایگی و دهقانی، 1391، 86) و طلاق، نفرت انگیزترین کار حلال نزد خداوند (مجیدی خوانساری، 1385، 434) به میزان زیادی افزایش یافته است. همچنین بر اساس داده های موجود، نرخ کلی ازدواج افراد در میهن اسلامی ما کاهش یافته است. اکنون نسبت به ده سال قبل افراد کمتری مایل به ازدواج هستند. از سوی دیگر آمارها بیانگر آنند که میانگین سن ازدواج نیز در کشور ما افزایش یافته است. بنابراین با وجود خوشایند بودن پیوند ازدواج پژوهش ها حکایت از آن دارند که رضایت زوجین به آسانی به دست نمی آید در نتیجه قوی ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم ترین قرارگاه آن یعنی سامانه خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد. (دانش، 1389، 169) بدیهی است با سست شدن بنای خانواده و از هم پاشیدن کانون خانواده ها، جامعه نیز متزلزل خواهد شد و در نتیجه جرایم و انحرافات در جای جای این کره خاکی گسترش خواهد یافت. خانواده به علت حصاری که بر اطراف خود دارد، مانع بروز بسیاری از فجایع و جنایات است. هنگامی که این حصار شکسته یا برداشته شود، نابسامانی و آشفتگی به وجود می آید و در نهایت زمینه بروز انحرافات و آسیب های اجتماعی فراهم می شود. (قائم امیری، 1392، 2) اکنون برای جلوگیری از سست و متزلزل شدن کانون خانواده و پیامدهای نامطلوب آن در جامعه، باید دید عوامل موثر در تحکیم ازدواج و خانواده چیست؟

2. عوامل موثر در تحکیم ازدواج

2-1. اعتقادات مذهبی

پیش بینی می شود اعتقادات مذهبی یکی از عواملی است که نقش مهمی در تداوم زندگی زناشویی، حفظ و استمرار خانواده داشته باشد. پژوهش کال و هیتون (1997، 382) نشان داد رابطه ای مثبت بین خودشناسی و سازگاری زناشویی وجود دارد، از سوی دیگر رابطه بین دو نهاد مذهب و خانواده نیز مثبت است چون هر دو ارزش های مشابهی را مورد تأکید

ص: 248

سازگاری زناشویی را تقویت کند و استحکام بخشد. پژوهش دانش (1389، 167) نشان داد، مشاوره اسلامی با تأکید بر خودشناسی و استفاده از مجموعه ای از آموزه های اسلامی روش مداخله ای مؤثری برای حلّ اختلاف های زناشویی و افزایش سازگاری در زوجین ناسازگار و تحکیم خانواده آنها است. سولیوان (2001، 614) دریافت افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی ترند. احمدی نوده، فتحی آشتیانی و عرب نیا (1385، 55) نیز با بررسی 1320 نفر (660 زوج) ساکن استان تهران به این نتیجه دست یافتند که میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی که تقیّدات مذهبی زیادی دارند به طور معنی داری بیش از کسانی است که دارای تقیّدات مذهبی کم هستند. یافته های پژوهش خدایاری فرد، شهابی و اکبری زردخانه (1386، 612) نشان داد رابطه سازگاری زناشویی و نگرش مذهبی مثبت و معنادار است، و از بین چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی، نگرش مذهبی بیشترین رابطه را با رضایت دو نفری دارد. به اعتقاد ماهونی (2005، 701) این که افراد ازدواج را به عنوان مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر، بر مبنای مذهب تفسیر می کنند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می دهد.

همچنین پژوهش مارش و دالاس (2001، 350) در مورد زوج های رومی دارای مذهب کاتولیک نیز نشان داد اعتقادات و باورهای مذهبی اثر بالقوه ای بر کنترل خشم در وقایع استرس زای زندگی و تعارضات خانوادگی دارد و ارتباط با خدا فاصله ای را که بین زوجین وجود دارد پر می کند. در نتیجه ارتباطی بین روابط زناشویی و ارتباط با خدا وجود دارد. چندین مطالعه نشان داده است که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی درمان می تواند در بهبود روابط زن و شوهر ناسازگار مفید باشد. بدین صورت که هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می گیرد، مذهب می تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش های مذهبی مشترک، اختلاف نظر بین زوجین را تعدیل کند. از این رو درمانگران می توانند نقش باورهای مذهبی و بُعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند. (روس وستفیلد و انسلی، 2001 و پترسونز، های وورث، ترنر و رسکین، 2000)

2-2. انتظارات زن و شوهر

عامل دیگر در ازدواج و استمرار خانواده توقّعات و انتظاراتی است که زن و شوهر از یکدیگر

دارند. در تمام روابط بین فردی از جمله در ازدواج، افراد با اعتقادات و انتظارات معینی وارد رابطه می شوند، که بر رفتار آنها به شیوه ای مثبت یا منفی تأثیرگذار است. ریوز (2010) انتظارات را به عنوان تصویری از ازدواج تعریف کرده است که زن و شوهر در بافت ارتباط با یکدیگر برای خود خلق می کنند. عده ای از پژوهشگران انتظارات زناشویی را معیارها، فرضیه های ذهنی، چارچوب های از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی می دانند، که زنها و شوهرها درباره همسر و زندگی زناشویی خود دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد و یا نباشد. (خمسه، 1382) پژوهش والر و مکلاهان (2005)، 65 نشان داد توقعات غیرمنطقی و رویاپردازی غیر واقع بینانه زن ها در اولین سالهای ازدواج، منجر به عدم رضایت از زندگی زناشویی و یا طلاق در سال های بعد می شود. در همین راستا گالووی (2013) ارتباط بین دفعات مشاهده فیلم عاشقانه و شکل گیری باورهای ناکارآمد در روابط عاشقانه را در 228 دانشجوی دانشگاه نوادا، لاس وگاس، بررسی کرد. نتایج او یافته های پژوهش سرگین و نابی (2002، 260) را تأیید کرد؛ مبنی بر این که تماشای مکرر فیلم های عاشقانه در تلویزیون باعث می شود باورهای اسطوره ای و آرمان گرایانه درباره عشق تقویت شود و انتظارات غیرواقعی از رابطه جنسی، عشق و ازدواج شکل گیرد و در نتیجه اختلافات زناشویی بین زن و شوهر به وجود آید. انتظارات یکی از پنج پدیده شناختی است که چنانچه نادرست و افراطی یا تحریف شود، منجر به آشفتگی و اختلاف در زندگی زناشویی می شود. پنج پدیده شناختی شامل انتظارات، ادراکات، اسنادها، معیارها و فرضیه ها هستند که هریک از آنها به شدت بر باورها و رفتار انسان تأثیرگذارند. (شارپ و گاننگ، 2004، 72) به اعتقاد لورنس، نیلن و کاب (2007، 157) انتظارات به افراد اجازه می دهد که در مواجهه با موقعیت ها و افراد جدید، براساس انتظارات خود رفتار و وقایع را درک، پیش بینی و کنترل کنند. عوامل مؤثر بر شکل گیری انتظارات شامل خانواده مبدأ، روند اجتماعی شدن، ساختار فرصت ها، و فرهنگ است. (بخشوده و بهرامی احسان، 1391، 28)

3-2. مهارت های ارتباطی

عامل دیگری که پیش بینی می شود نقش چشمگیری در تداوم ازدواج و زندگی زناشویی داشته باشد، مهارت های ارتباطی مؤثر برای مبادلات سالم بین زوجین است. با تشکیل خانواده زوج های جوان با شماری از وظایف رو به رو می شوند، که طی این فرآیند روابط آنها براساس میزان مهارت های ارتباطی و توانایی آنها در استفاده از این مهارت ها شکل

مطلوب، تعامل و روابط سالم بین زوجین است. در این زمینه نتایج پژوهش بخشوده و بهرامی احسان (1391، 42) نشان داد که از میان مولفه‌های «مبادلات سالم» و «انتظارات زناشویی» بالا-خص ارتباط عاطفی و تأمین عاطفی می‌تواند به طور معناداری ابعاد «رضایت» و «توافق» را در مقیاس رضایت زناشویی تبیین کند و «سلامت جسم و روان» زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش کار (2002) نشان داد زوج‌های آشفته که فاقد مهارت لازم برای زندگی زناشویی هستند از طریق تحقیر، سرزنش، انتقاد و بی تفاوتی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. این تعاملات منفی به احساس ترس، آسیب روانی و خشم منتهی می‌شود. این پژوهشگر با استفاده از معنادرمانی گروهی زوجین، به این نتیجه دست یافت که خودکنترلی و ارتباطات عاطفی زوجین با تغییر معنایی که به زندگی دادند، افزایش یافته است. مطالعات گاتمن (2003، 29) نشان داده است که زوج‌های آشفته چون بیشتر امیال خود را دنبال می‌کنند به فکر امیال خود هستند، در نتیجه بیشتر درگیر تعامل‌های منفی هستند تا مثبت.

در مقابل زمانی که خانواده از الگوهای ارتباطی مؤثر استفاده می‌کند، بدیهی است که انتقال و درک واضحی از محتوا به قصد هر پیام اتفاق می‌افتد؛ در این صورت نیازهای روانی زوجین و اعضای خانواده ارضا می‌شود و ارتباط زوج‌ها با یکدیگر و شرکت آنها در اجتماع تداوم می‌یابد. به عبارت دیگر ارتباطات پویا، حس ایمنی را برای زوجین در ارتباطات صمیمی به ارمغان می‌آورد. (استانلی، مارکمن و ویتون، 2002، 662) به همین جهت است که خانواده درمانگران و زوج درمانگران، اغلب به درمان نقص مهارت‌های ارتباطی می‌پردازند و با بهبود بخشیدن ارتباط میان زوجین بسیاری از مسائل آنها را حل می‌کنند. به عنوان مثال دانش (1389، 388) در پژوهش خود با استفاده از روش درمانگری تحلیل ارتباط محاوره‌ای (T.A) به زوج‌های ناسازگار مهارت‌های ارتباطی مؤثر را آموزش داد و آنها توانستند با کاربرد این مهارت‌ها، مشکلات ارتباطی خود را با استفاده از انواع نوازش کارآمد از جمله گوش دادن فعال و پرهیز از سرزنش حل کنند. همچنین زوج‌ها توانستند با ماندن در وضعیت «من خوبم، تو خوبی» مانع بازی‌های نقش قربانی و نجات دهنده یا منفعت طلبی یک جانبه و زجر دهنده شوند، و از طریق مهارت‌های حل مسئله و انتقادهای سازنده، توانستند به رفع مشکلات ارتباطی خود بپردازند و با بهبود عملکرد «بالغانه» خود، حس سودمندی و ارزشمندی یعنی حرمت نفس را در خود ایجاد و تقویت کنند. لیدرر (2006، 10) معتقد است زن و شوهرهای

خشنود و سازگار نه تنها یکدیگر را سرزنش نمی کنند، بلکه به دنبال عواملی هستند که تأثیر مثبتی بر روابط آنها بر جای بگذارد. راگ و برادبوری (2003، 330) نیز با بررسی 56 زوج تازه ازدواج کرده به این نتیجه دست یافتند که 68 درصد ازدواج ها را می توان بر اساس متغیرهای ارتباط و پرخاشگری و پیامدهای آن طبقه بندی کرد؛ به علاوه، عدم مهارت های ارتباطی و پرخاشگری متمایزکننده زوج های جدا شده یا طلاق گرفته از زوج هایی است که متاهل باقی مانده بودند. بدین ترتیب این پژوهشگران پیشنهاد می کنند تمرکز بر هر دو عامل در درمان و تلاش های مربوط به استحکام زناشویی و جلوگیری از طلاق ضرورت دارد. لاوی و بن آری (2004، 213) با پژوهش خود نشان دادند تعاملات بین فردی با تظاهرات هیجانی رابطه دارد. تعاملات مثبتی بر خودشناسی و هشیاری به رفتار، به صمیمیت و اعتماد و هیجان های مثبت منتهی می شود و تعاملات مثبتی بر رفتارهای دفاعی و ناآگاهانه به تحقیر و بدبینی و هیجان های منفی منجر می گردد. تامپسون، ویفن و بلاین (2005، 103) نیز دریافتند هیجان های منفی با ناسازگاری زناشویی رابطه دارد.

2-4. مهارت های ارتباطی دین محور

پژوهش ها نشان می دهند آموزش مهارت های ارتباطی دین محور تأثیر چشمگیری بر رضایت و سازگاری زناشویی و تداوم آن داشته است. به عنوان مثال خدایاری فرد، غباری بناب، فقیهی و وحدت (1381، 39) در مطالعه موردی خود با آموزش عفو و گذشت مثبتی بر رویکرد اسلامی توانستند سازگاری زناشویی آزمودنی خود را افزایش دهند. دانش (1389، 179) با آموزش خودشناسی و ده اصل و روش ایمانی مثبتی بر رویکرد اسلامی از جمله رعایت اعتدال در زندگی، عفو و گذشت، دلبستگی به یکدیگر، سکوت به جا، احترام متقابل و جز آن، توانست زوجین را ترغیب کند به هدف از آفرینش فکر کنند و پاسخ ها و رفتارهای خود را با این معانی تطبیق دهند. این پژوهشگر با این آموزش ها توانست سطح سازگاری زناشویی زوج ها را به طور معنی داری افزایش دهد و به آنها بیاموزد به منظور مهار کردن رفتار خود برخلاف امیال غیرمنطقی خود عمل کنند.

بنابر آنچه گفته شد به نظر می رسد از بدو تولد کلیه آموزه ها، الگوها، رسانه ها، دیده ها و شنیده ها بر اعتقادات، انتظارات و مهارت ها و رفتار و شخصیت انسان تأثیرگذار است و آنها را شکل می دهد. مهم ترین متون دینی ما یعنی قرآن و کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام سرشار از توصیه های کارآمد و متناسب با عصر حاضر است که در مورد اساسی ترین تا

جزیی ترین موارد تربیتی، آموزه های کاربردی دارد. مجموعه تعالیم اسلامی درباره خانواده، ما را به نظام و ساختاری رهنمون می کند که پاسخگوی همه نیازهای مادی، روانی، معنوی و ارتباطی

خانواده است. خانواده به این دلیل در اسلام اهمیت فراوانی دارد که وجود آدمی از درون خانواده ریشه می گیرد و در آن تکوین می یابد. درواقع، آثار خلقت انسان با خانواده شروع شده است. آیا چنین ویژگی ای سر این نیست که خانواده رکن عالم هستی است و به کل هستی جهت می دهد؟ خانواده سنگ بنای اجتماع است و اگر خانواده ها سالم و متعالی و استوار باشند، می توان به داشتن جامعه ای سالم و متعالی و استوار امیدوار بود. هر قدر روابط همسران بهتر، سالم تر و پرجاذبه تر باشد، زندگی شیرین تر، باصفاتر و بهداشت روانی فردی و خانوادگی بیشتر می شود و در نتیجه فرزندان پر نشاط و موفق تر تربیت می شوند. البته، عکس این قضیه نیز صادق است. به طور کلی سلامت و استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده و برخورداری پدران و مادران از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی های مستمر آنها، ضامن رشد مطلوب ابعاد مختلف شخصیت در کودکان و نوجوانان است و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کج روی ها و اختلالات روانی و اجتماعی نیز در گرو سلامت خانواده است.

5-2. اهمیت مسجد در خانواده

در این راستا، در تعالی خانواده مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی قوی اسلام می تواند در استحکام بنیان خانواده نقش چشمگیری داشته باشد. با نگاهی حتی اجمالی به دوران زندگی پر بار وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در می یابیم که نخستین اقدام ایشان در مدینه احداث مسجد بود. ایشان همّت زیادی برای ساخت مسجد داشتند و حتی خود بیش از دیگران زحمت می کشیدند و مسجد را خانه عموم مسلمانان می دانستند. در زمان ایشان در مسجد تمام مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زناشویی و جنسی و روانی، دفاعی و پزشکی مردم مطرح می شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با تدبیر خاص خود مشکلات را حل می کردند و با انجام این امور، تعالیم و سنت زیبای دین اسلام را به نمایش می گذاشتند. به طوری که خیلی از مردم با دیدن رفتار و منش و خلق و خوی پیامبر مسلمان شدند و قرآن هم البته این خلق و خوی رفتاری پیامبر را تأیید می کند و می فرماید: «اگر این خلق و خوی و رفتار نیک تو نبود مردم از دور تو پراکنده می شدند.» (قلم/4) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد مسجد و اهمیت و جایگاه آن می فرماید: «محبوبترین جای شهرها نزد خدا مسجدها است.» (نهج الفصاحه، حدیث شماره 71) از سوی دیگر در اهمیت ازدواج فرموده اند: «هیچ بنیانی محبوب تر از بنیان ازدواج

و تشکیل خانواده نیست.» (وسائل الشیعه، جلد 14، 30) اکنون باید دانست چه اقداماتی باید صورت گیرد که محبوب ترین کار نزد خدا «ازدواج» در محبوب ترین مکان نزد خدا «مسجد» انجام شود؟ از این دیدگاه نوآوری این پژوهش و ضرورت انجام آن برای کشف راهکارهایی مقبول و کاربرپذیر در جامعه کنونی برجسته می شود.

(ب) فرضیه های پژوهش

بنابر آنچه تا کنون ذکر شد در پژوهش حاضر فرضیه های زیر طرح شد تا با آزمون آنها از طریق بررسی کتابخانه ای و میدانی مشخص شود برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار چه اقداماتی باید انجام شود تا خانواده، مسجدمحور و مسجد، بستری برای نهضت خانواده سازی گردد.

انس خانواده با مسجد باعث بهره گیری خانواده از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد، ازدواج آسان و به هنگام جوانان می شود.

وجود جاذبه هایی در مسجد باعث حضور مسلمانان به ویژه جوانان در مسجد، تقویت بُعد فردی و شکل گیری دوستی های ایمانی بین آنها و ازدواج آسان می شود.

با تغییر طرحواره های ذهنی مردم، آنها می پذیرند برای ازدواج آسان مراسم عقدشان در این مکان مقدس انجام شود.

(ج) روش پژوهش

روش این پژوهش از یک سو توصیفی-تحلیلی و کتابخانه ای است؛ که با استفاده از آیه های قرآن کریم، سخنان انبیاء، معصومین، اولیاء، دانشمندان اسلامی و روان شناسان و نیز تجربیات بالینی و مطالعات نگارنده تدوین شده است. از سوی دیگر این تحقیق یک پژوهش میدانی است که با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته، و انتخاب 50 نفر از اهالی شهر محمدیه قزوین با روش نمونه گیری در دسترس دیدگاه های آنها نسبت به مسجد و کارکردهای مسجد در حال حاضر ارزیابی شده است.

فرضیه اول پژوهش این بود: «انس خانواده با مسجد باعث بهره گیری خانواده از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد، ازدواج آسان و به هنگام جوانان می شود.»

انس خانواده و افراد با مساجد نیاز به رفت و آمد به مسجد و حضور مداوم در مسجد دارد. به همین جهت در بیان فضیلت پاداش رفت و آمد به مسجد سخنان ارزنده ای از معصومین علیهم السلام ذکر شده که ضرورت فرهنگ سازی برای ارتباط مردم با مساجد را به عنوان یک فریضه ارزشمند و عامل عمده در پویایی و شکوفایی معنوی آنان و تقرب به خداوند نشان می دهد. حضور در مساجد مورد تأکید قرآن و معصومین علیهم السلام است. زیرا نه تنها زمینه کسب علم و دانش را فراهم می سازد بلکه منجر به تعالی و تحکیم بنیان خانواده می شود و زمینه ایجاد روابط عاطفی و سرشار از صمیمیت، مهرورزی، صلح و صفا توأم با معنویت را در میان والدین و فرزندان در کانون خانواده مهیا می سازد و باعث رشد و بالندگی جامعه اسلامی می شود. در حدیثی از رسول خدا نقل شده است: «هرکس بامدادان به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را یاد بگیرد یا به دیگری یاد بدهد، اجر به جای آورنده عمره کامل را دارد و کسی که در شب به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را فراگیرد یا به دیگری آموزد، پاداش یک حجّ کامل برای او است.» (بحارالانوار، ج 1، 185)

از دید نگارنده این مقاله معانی زیادی در این حدیث زیبا نهفته است. اول آن که به رفت و آمد مسلمانان در بامدادان و شامگاهان اشاره می کند که موجب عادت به مسجد رفتن و انس و الفت با مسجد می شود. دوم آن که هدف و قصد از رفتن به مسجد نه تنها برگزاری فرایض دینی بلکه یادگرفتن کاری خوب و یاد دادن آن به دیگری است، که این به خودسازی خود و دیگران و نیز برقراری ارتباط و دوستی با دیگران اشاره دارد. سوم آن که مسجد رفتن در بامدادان ثواب حجّ عمره و در شامگاهان پاداش یک حجّ کامل دارد، که نشان می دهد حضور

در مسجد در شامگاهان بعد از کار روزانه و تعارضات ناشی از تعاملات گوناگون با افراد مختلف، تاثیر بیشتری در رفع خستگی، خودسازی، یادگیری و یاددهی و تقویت روحیه انسان دارد.

پیامبر برای ترغیب مردم به حضور در مسجد و مسجد محور شدن فرموده است: «به آنها که در ظلمات شب به سوی مساجد می روند بشارت ده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.» (نهج الفصاحه، حدیث 3009: 416) و در ذمّ نرفتن به مسجد فرموده است: «نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل در نماز جماعت شرکت نکند، ارزش ندارد.» (تفسیر نمونه، ج 7، 209) امام علی علیه السلام بارها می فرمود: «هر که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست آورد؛ برادری که در راه خدا از او بهره مند گردد، دانشی برگزیده، نشانه ای استوار، رحمتی مورد انتظار، سخنی که او را از تباهی باز دارد، سخنی که بشنود و او را بر راه هدایت رهنمون شود و یا گناهی را به سبب بیم یا آرزم ترک کند.» (شیخ صدوق، 1382، 75) امام حسن علیه السلام همواره می فرمود: «اهل مسجد زائران خدایند و بر میزبان سزاوار است که به دیدار کننده اش هدیه بدهد.» (نهج الحیاه، ج 5، 508) امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت نموده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر که قرآن گفتارش و مسجد خانه اش باشد خداوند خانه هایی برای او در بهشت بنا نهد» و نیز فرمود: «هر که پیاده سوی مسجدها می رود پای خویش را بر هیچ خشک و تری ننهد، جز آن که این زمین تا زمین هفتم برای او خدا را تسبیح گویند و به پاکی یاد کنند.» (شیخ صدوق، 1382، 75) در خصوص پاداش نماز جماعت امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز جماعت بر نماز فرادا بیست و چهار درجه برتری دارد و معادل بیست و پنج نماز فرادا به شمار می آید.» (محمّدی ری شهری، 1386، ج 5)

بدیهی است این همه تأکید و ترغیب معصومین برای حضور در مسجد یقیناً مزایای زیادی برای انسان دارد از جمله این که از بُعد فردی، حضور افراد خانواده در مسجد برای خواندن نمازهای یومیّه که توصیه شده در اوقاتی معین و اول وقت همراه با جماعت خوانده شود، ضمن ثواب و پاداش فراوان که از ناحیه حق تعالی به آنان وعده داده شده است و عنایت می گردد، زمینه وقت شناسی و نظم در زندگی را بر اساس معیار دینی به آنان می آموزد؛ که عمده ترین عامل موفقیت در همه ابعاد زندگی از جمله

زندگی زناشویی است. به گونه ای که امام علی علیه السلام تقوی و نظم را هم ردیف هم قرار داده و فرموده است: «اوصیکم به تقوی الله و نظم امرکم.» (نهج البلاغه، 421) این حدیث نشان می دهد که جایگاه نظم در زندگی چقدر والا است؛ به حدی که پس از امر به تقوی، به نظم در امور توصیه شده است. بدیهی است تمرین و استمرار حضور

فرزندان با پدر و مادر در مسجد در اوقات معین، هم تقوی و نظم و هماهنگی رفتاری و موقعیت شناسی را به افراد خانواده می آموزد و هم انس و الفت بین افراد خانواده با یکدیگر بیشتر می شود. از بُعد اجتماعی انس با مسجد زمینه آشنایی خانواده های مسجد محور را با یکدیگر فراهم می کند که باعث می شود بزرگترها و افراد خانواده ها به روحیات، شخصیت، اعتقادات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی یکدیگر پی ببرند، که این امر می تواند در انتخاب همسر هم کفو و تسهیل ازدواج آسان و به هنگام فرزندان آنها و جوانان نقش داشته باشد.

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است. (طریحی، 1375، ج 1، 359) در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام در مورد تناسب بین زوجین و سنخیت دختر و پسر سفارش زیادی شده و دینداری مهم ترین تناسب و سنخیت یا هم کفوی است که بین دختر و پسر باید لحاظ شود. خداوند می فرماید: «زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلّق دارند، و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند.» (نور/ 26) رسول اکرم صلی الله علیه و آله

درباره هم کفوی دختر و پسر می فرماید: «کسانی را که همتا و هم شأن یکدیگر هستند، ازدواج دهید و از کسانی که همتا و هم شأن شما هستند همسر بگیرید تا برای فرزندانتان مادر مناسبی باشد.» (بحارالانوار، ج 103) «مرد مؤمن هم شأن زن مؤمن و مرد مسلمان نیز هم شأن زن مسلمان است.» (وسائل الشیعه، ج 14، 44) حدیثی از علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام نقل شده است که: «خداوند با اسلام هر پستی را از میان برداشته و هر نقصانی را کامل نموده و انسان های مورد ملامت را کرامت بخشیده است. پس بر مسلمان ملامتی نیست و به راستی که ملامت ها، ملامت های جاهلی است.» (الکافی، ج 5، 345) امام صادق علیه السلام می فرماید: «کفو در ازدواج مردی است که پاکدامن و قادر بر نفقه باشد.» (الکافی، ج 5، 347) دین مقدس اسلام، پسر معتقد و مسلمان را کفو دختر مسلمان می داند نه امتیازات و ملاک های دیگر از جمله مال و ثروت و نظایر آن را. البته دختر و پسر از آن جا که با همدیگر ترکیب می شوند بهتر است نه تنها از جهت دینداری و تدین و اخلاق نیکو، بلکه از نظر تحصیلات علمی و از حیث فکری و فرهنگی و مسائل جسمانی و تناسب سنّی و زیبایی و شرافت خانوادگی و ظاهر و قیافه نیز کفو هم باشند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می شود؛ زیرا انس با مسجد منتهی به دینداری و تربیت دینی جوانان می شود و می تواند به ازدواجی سنجیده و آسان با افرادی هم کفو منتهی شود.

اما آنچه باید بیش از پیش برای انس مردم با مسجد به آن توجه کرد این است که هر

چند حضور در مسجد نشان از تعهد اخلاقی و پابندی اهل خانواده به معتقدات و دستورات الهی و شریعت مبین دارد و با حضور والدین و فرزندان در مسجد که خانه خدا و قرارگاهی است که با نام و یاد خدا آرامش بر قلوب و اهل خانواده حاکم می شود، و با اقامه نماز یا شرکت در جلسات و مناسبت های دینی، سخنرانی، عزاداری و اعیاد اسلامی، روحیه نشاط و آرامش و شادابی در خانواده اهل مسجد و آشنایی آنها با یکدیگر ایجاد می شود؛ اما طبق اصل اقتصاد روانی، نزدیکی راه و تجهیزات و فضای مناسب و در دسترس در مسجد برای وضو و آماده شدن برای اقامه نماز، می تواند عامل مهمی برای ترغیب افراد خانواده برای حضور باهم در مسجد باشد و موجب استمرار این حضور و انس با مسجد شود.

بررسی های این پژوهشگر نشان داد که تعداد مساجد در روستاها، شهرها و استان های ایران اسلامی به اندازه کافی نیست. در این پژوهش نیز برای جمع آوری اطلاعات در زمینه وجود تعداد کافی مساجد در محل زندگی افراد، که نقش مهمی در حضور مستمر افراد در مسجد دارد، از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که توسط 50 نفر (40 زن و 10 مرد) در شهر محمدیه استان قزوین تکمیل گردید. ویژگی های جمعیت شناختی آنها در جدول 1 آمده است.

جدول 1 ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها

جنس	زن	فروانی	درصد
	مرد	۱۰	۲۰
	زن	۴۰	۸۰
سن	۲۰-۳۰ سال	۳۲	۶۴
	۳۰-۴۰ سال	۱۲	۲۴
	بالای ۴۰ سال	۶	۱۲
وضعیت تاهل	مجرد	۲۶	۵۲
	نامزد	۹	۱۸
	متاهل	۱۵	۳۰
میزان تحصیلات	دیپلم	۲۸	۵۶
	فوق دیپلم	۱۲	۲۴
	لیسانس	۱۰	۲۰

همان طور که جدول 1 نشان می دهد 64 درصد آزمودنی ها از لحاظ سن در دهه 20 سال؛ 24 درصد در دهه 30 سال و 12 درصد آنها در دهه 40 سال قرار دارند. بنابراین می توان گفت اکثر آزمودنیهای این پژوهش جوان هستند. از نظر وضع تأهل 52 درصد یعنی اکثرشان مجردند و از نظر تحصیلات نیز اکثرشان یعنی 56 درصد مدرک دیپلم دارند.

آزمودنی های این پژوهش به این سؤال که آیا در محله تان مسجد است؟ 38 درصد (19 نفر) پاسخ آری و 62 درصد (31 نفر) پاسخ خیر دادند؛ و علت عدم حضور یا حضور گاه گاهی خود را نبود مسجد در محله شان ذکر کردند. بدیهی است این امر مانع رفت و آمد و انس خانواده با مسجد و برخورداری از مزایای می شود که پیشتر به آنها اشاره شد. همخوان با این یافته پژوهش حاضر، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه امام صادق علیه السلام اصفهان در گفت و گو با خبرنگار صاحب نیوز مطرح کرده است که در اصفهان با کمبود مسجد مواجهند و در آنجا هم تعداد مساجد با تعداد جمعیت از لحاظ پراکندگی هماهنگی ندارد و در مناطقی با حدود 12 هزار نفر جمعیت هنوز یک مسجد در محل احداث نشده است. همچنین وی عنوان کرده است که مساجد موجود نیز پویایی و نشاط لازم را برای جذب مردم به مسجد ندارند. (مقواساز، 20/3/1393)

بی جهت نیست که در بیان فضیلت اهمیت بنا و آبادانی مساجد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «هرکه مسجدی بسازد گرچه به اندازه جایی باشد که شتر مرغ در آن تخم بگذارد، خداوند برای او خانه ای در بهشت می سازد» (نهج الفصاحه، حدیث 3011، 416؛ وسائل الشیعه، باب 8، از ابواب احکام مساجد) و فرمود: «خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد آن را از بانیان مساجد دور می گرداند» (نهج الفصاحه، حدیث 3008، 416) و نیز فرمود: «کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می تابد برای او استغفار می کنند.» (تفسیر نمونه، ج 7، 318)

یکی از نکات قابل تأمل در مطالعه منابع قرآنی و روایتی مربوط به مساجد، توجه خاص خداوند متعال به ساخت مساجد و آبادانی آنها است. ساخت مساجد به عنوان مرکز نشر معارف دینی و شکل گیری حرکت های اجتماعی، از بنیادی ترین پیشنهاد های اسلام برای ترمیم فرهنگ جامعه و تربیت دینی یک اجتماع است. آیات و روایات مختلفی که مؤمنان در آن به ساختن مساجد و رسیدگی به امور آن توصیه، تشویق و ترغیب شده اند، به دلیل رابطه مستقیم میان آبادی مراکز دینی و استحکام خانواده و نیرومندی جنبش های فرهنگی و اجتماعی

است. به عنوان نمونه ای بارز، می توان فرهنگ سکولار را پس از کناره گیری کلیسا از جامعه مسیحیت مدّ نظر قرار داد. به بیانی واضح تر می توان گفت که تعطیلی یک مرکز مذهبی باعث شد تا دین از صحنه زندگی اجتماعی کناره گیرد. (قلی زاده، 1392)

در همین راستا آگاهی و درایت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله

از آثار و برکات ارزشمند انس مردم با مسجد، پیامدها و آثار مطلوب آن در انسان سازی، اتحاد افراد خانواده و مسلمانان بود که باعث شد نخستین اقدامشان به محض ورود به مدینه، تهیه و تدارک احداث مسجد باشد. این اقدام موهبت هایی به ارمغان آورد، که از آن میان می توان به ایجاد مرکزیت عبادی، تعلیم و تربیت و علم و دانش آموزی، آشنایی با مبانی فقهی و احکام دینی، وحدت، همدلی و انسجام در میان آحاد مختلف جامعه مسلمین، و نیز تحکیم مبانی اعتقادی و فرهنگ سازی دینی در معاشرت با مردم، زدودن انواع و اقسام جاهلیت ها، پایبندی به قوانین دینی، اجرای شریعت الهی، تحکیم بنیان نظام خانواده و مهمتر از همه انس با مسجد اشاره کرد. مقام معظم رهبری نیز می فرمایند: اگر مسجد محور باشد، آسیب ها و تهدیدهای اجتماعی ما کم می شود. (حر، 1390، 27)

اما در مورد احداث مساجد و برخورداری افراد خانواده از آثار و برکات انس با مسجد، طبق دستورات خداوند متعال توجّه به نکاتی ضروری است و اهمیّت دارد؛ زیرا در قرآن کریم مساجد به عنوان مرکز شکل گیری و سرچشمه فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی، از دو بُعد و منظر مورد توجه قرار گرفته است. منظر اول، توجه ویژه به ساخت و تلاش در جهت آبادانی مساجد؛ و منظر دوم، توجه به روح معنوی و مذهبی مساجد با مراقبت بر ابعاد باطنی آن است. (قلی زاده، 1392) خداوند در قرآن، به وضوح صفات کسانی را که سازندگان مساجد هستند بیان می کند و می فرماید: «مساجد الهی را تنها کسانی می توانند آباد کنند که ایمان به خدا و روز قیامت دارند و نماز برپا می دارند و زکات می پردازند و از چیزی جز خدا نمی ترسد، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.» (توبه/18) توجه به هر دو منظر می تواند نقش مهمی در حضور مردم، خانواده ها و به ویژه جوانان در مسجد داشته باشد. زیرا مسجد در روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله خانه مؤمن است و تنها جایگاه عبادت نیست بلکه خانه حاجات مؤمن و حلقه اتصال مؤمن با خالق یکتا و بی نیاز است.

در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مساجد به همّت و به دست مبارک پیامبر و یاران مؤمن ایشان احداث می شد. بنابراین جایگاهی بسیار عزیز و مقدّس بود و به علاوه بقیه مسلمانان هم به

گذاری باعث می شد که مسلمانان مسجد را خانه خود بدانند. همچنین یکی از درخشان ترین دوران مسجد در تاریخ اسلامی، دوران حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسجد کوفه بود که نمادی از نیرومندی مسجد به عنوان یک مرکز مذهبی در مبارزه با فسادهای فرهنگی، اجتماعی و برقراری عدالت برای جذب مردم و خانواده ها و جوانان به مسجد بود. (حر 1390، 27) در مورد تأکید خدای سبحان بر حفظ روح مذهبی و توجه به باطن افراد و جریانات در ساخت مسجد، می توان استدلال کرد که گاهی ممکن است افراد و جریان های منحرف که از قدرت مسجد در اثرگذاری فرهنگی در اجتماع مطلع اند، از مسجد به عنوان وسیله ای برای ایجاد و ترویج افکار انحرافی و نادرست خود استفاده کنند. چنان که در زمان پیامبر عده ای از اهل مدینه برای محو آثار پیامبر در جامعه و مبارزه با مؤمنان، دست به تأسیس مسجدی در کنار مسجد قبا زدند تا به واسطه آن و با کمک ابی عامر راهب که از محاربان بود، بتوانند پیامبر اکرم را از مدینه بیرون کنند. خداوند نیز در آیات ۱۰۷ تا ۱۱۱ سوره توبه، مسجدی را که منافقان برای اهداف شوم خود بنا کرده بودند، مسجد ضار نامید و آن را در مقایسه با مسجد قبا که اساس آن بر تقوا و پیراسته بودن از زینت ها و حجاب های معنوی بود، فاقد هرگونه ارزشی دانست. آیات و روایات مربوط به این داستان که حکایت از آتش زدن این مسجد به دستور پیامبر خدا دارد، بیانگر این مطلب است که مسلمان نه تنها نباید در حمایت جنبش های فرهنگی و اجتماعی منحرف قد علم کند، بلکه باید تمام قد در جهت مبارزه با آن بکوشد. (قلی زاده، 1392)

بنابراین هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون های انسان سازی و کلاس های عالی تربیت در می آیند که بنیانگزاران و پاسداران شجاع داشته باشند، که از هیچ کس جز خدا ترسند، و تحت تاثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند، و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند. (تفسیر نمونه، ج 7، 317) مسجد، خانه خدا و مکان مقدّسی است که قلب جامعه است و باید توسط مؤمنین احداث شود. چنین مسجدی روزی پنج نوبت مسلمانان را از مجموعه ها و اجزاء شهر در خود جمع می کند و ایمان آنان را تازه می سازد. همچنین اقامه نماز جمعه وسیله ای برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفتگو درباره مسائل خانواده، بهداشت، مسکن و تصمیم گیری های سیاسی، آشنایی و انس خانواده های مسجد محور بایکدیگر است. از این رو مسجد از جهات مختلف در به کمال رساندن افراد و جامعه نقش دارد.

روژه گارودی فیلسوف مسلمان فرانسوی در کتاب خود مسجد آئینه اسلام می نویسد: «در دوران عظمت اسلام تمام زندگی شهر در مسجد جریان داشت، در آنجا بود که قراردادهای تجاری بسته می شد، زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی شناسد، اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنی بوده است که انسان 24 ساعت شبانه روز در محضر خداوند به سر می برد و هر عملی در زیر نگاه او انجام می شود، بنابراین هر عملی که توأم با تقوی باشد یک بُعد قدسی دارد و نماز درنگی است در سلسله لحظات گوناگون، درنگی که به سایر لحظات معنی می دهد. بنابراین نماز از بقیه اعمال جدا نیست.» (بی آزار شیرازی 1377، 86)

برای رسیدن به تکامل و آماده شدن برای یک ازدواج پایدار، نخستین گام کسب «معرفت و بصیرت» یعنی نورانیت دل و دیده است؛ که بخش عمده ای از آن را می توان در مسجد و اقامه نماز جماعت به دست آورد. شناخت و معرفتی که به فهم مقام والای پروردگار، شناخت دین برگزیده آن یعنی اسلام و شناخت نسبت به دستورات ارزنده آن بیانجامد؛ سرمثلاً این معرفت و رسیدن به کمال یعنی قرب الی الله است. در ارتباط با اهمیت بصیرت و معرفت در قرآن آمده است: «آیات الهی و کتاب آسمانی که سبب بصیرت شما است البته از طرف خدا آمده است، پس هر که بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب نیستم.» (انعام/ 104)

2-1. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم این بود: «وجود جاذبه هایی در مسجد باعث حضور مسلمانان به ویژه جوانان در مسجد، تقویت بُعد فردی و شکل گیری دوستی های ایمانی بین آنها و ازدواج آسان می شود.»

در راستای بررسی فرضیه دوم باید گفت؛ «هر چند موضوعیت مکان هایی همچون مسجد در ایجاد تجمّعات و به راه انداختن حرکت های گروهی است، اما در عین حال نباید از اهمیت و توانایی مسجد در تقویت بُعد فردی افراد مسلمان نیز غافل شد. مسجد به عنوان مرکز عبادی مسلمانان، محل رویارویی انسان با حقیقت نفس شیطانی خود است. نمود این جنبه کارایی مسجد را می توان در اعمالی عبادی چون اعتکاف به نظاره نشست که فرد با عزلت گزینی از اجتماع و با خلوت با خدای خویش، درصدد ارتقای سطح فکری و اخلاقی خود است. همین اعمال از آن جهت که ضامن سلامت روحانی تک تک افراد جامعه است، باعث جریان سازی فرهنگی در سطح وسیعی از اجتماع خواهد شد.» (قلی زاده، 1392)

افزون بر این کارکرد پر جاذبه ای که به آن اشاره شد، جاذبه و رسالت مهم دیگر مسجد از بدو شروع خود، تقویت بُعد اجتماعی و شکل گیری دوستی های ایمانی و نیز حفظ خانه و خانواده و تلاش برای رفع مشکلات خانوادگی و اجتماعی مسلمانان بوده است. در مساجد تمام مشکلات شخصی، خانوادگی و اجتماعی مردم اعم از فقر، بیماری و نظایر آن اطلاع رسانی و رفع می شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد را جایگاه تعالی روح و جسم قرار داده بود و آن را خانه و حریم مأمونی کرده بود و مسلمانان با روح و جسمشان پیامبر را در پیشبرد اهداف الهی یاری می نمودند. (قرائتی، 1381) در دوران بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مسجد پایگاه حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی مردم بود. (قرائتی، 1372)

جاذبه دیگر مسجد، مشورت مسلمانان با پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله بود که مشورت در تمام مراحل زندگی پر افتخار پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله جایگاه خاصی داشت و مساجدی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با همکاری مؤمنین می ساختند، پایگاه رسمی برای مشاوره های سلامت جسمی و روانی، ازدواج، حفظ خانواده، مشاوره اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی بود؛ به گونه ای که افراد گوناگون بدون محدودیت نزد رسول خدا می آمدند و پس از مشاوره برای اجرای راهکارهای پیشنهادی رسول خدا از او جدا می شدند و پس از موفقیت در اجرا و یا احتمالاً ناهمواری در اجرا دوباره نزد رسول خدا باز می گشتند و از پیشرفت ها و یا احتمالاً چرایی ناتوانی خود می گفتند تا رسول خدا با بینش الهی خود راهکار دیگری را برای موفقیتشان تعیین کند. (نوبهار، 1378)

در این پژوهش نیز برای جمع آوری اطلاعاتی در مورد میزان جاذبه مساجد، انواع فعالیت های مساجد و میزان جاذبه آنها از سوی آزمودنی های این پژوهش ارزیابی و در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2. فراوانی و درصد انواع فعالیت های مسجد و میزان جاذبه آنها برای آزمودنیها

گویه ها	دینی	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	سرگرمی	دیگر (ذکر کنید)
مسجد شما بیشتر به چه اموری می پردازد؟	۳۸ نفر ۷۶ درصد	۷ نفر ۱۴ درصد	۲ نفر ۴ درصد	۳ نفر ۶ درصد	-	-
فعالیت های فرهنگی مسجدتان را چگونه ارزیابی می کنید؟	۲۹ نفر ۵۸ درصد	۱۱ نفر ۲۲ درصد	۸ نفر ۱۶ درصد	۲ نفر ۴ درصد	جذاب	غیر جذاب
کیفیت برگزاری جشن ها و اعیاد مذهبی در مسجد چگونه است؟	۱۴ نفر ۲۸ درصد	۱۸ نفر ۳۶ درصد	۳ نفر ۳۶ درصد	-	جذاب	غیر جذاب

جدول 2 نشان می دهد فعالیت دینی مسجد با رقم 76 بیشترین درصد را در میان دیگر فعالیت ها؛ و فعالیت فرهنگی رقم 6 درصد را به خود اختصاص داده است. به علاوه هیچ برنامه ای برای فعالیت های سرگرم کننده یا ارائه خدمات مشاوره ای برای جذب جوانان در نظر گرفته نشده و مهمتر این که فقط 10 درصد از فعالیت های فرهنگی از نظر افراد اهل مسجدی جذاب بوده است. کیفیت برگزاری جشن ها و اعیاد مذهبی در مسجد وضعیت بهتری نسبت به فعالیت های فرهنگی دارد، زیرا 24 درصد افراد آن را جذاب اعلام کرده اند و این در حالی است که 76 درصد آن را خسته کننده و غیر جذاب اعلام کرده اند. بدیهی است اگر مسجد برای خانواده ها و جوانان جاذبه نداشته باشد، در مسجد حضور پیدا نمی کنند و نه تنها از نظر بُعد فردی رشد پیدا نمی کنند بلکه باهم آشنا نمی شوند و روابط دوستانه نیز در آنها شکل نمی گیرد.

حال آن که مسجد جایگاه ویژه ای در روابط اجتماعی و سطح جامعه دارد، تجربیات نشان داده است بسیاری از دوستی ها و برادری های اصیل و مؤثر در همین فضای مسجد شکل می گیرد. مؤلفه های مختلفی در جذابیت مسجد و شکل گیری روابط دوستی بین جوانان و خانواده ها نقش دارد؛ مثلاً می توان از میان آنها به فضای مسجد، امام جماعت، برنامه های جنبی مسجد، افرادی که به مسجد رفت و آمد می کنند و گروه ها و حلقه هایی که در مسجد شکل می گیرد اشاره کرد. (دبیری، 1392)

از میان مؤلفه ها امام جماعت مسجد، نقش بسیار مهمی در ایجاد و هدایت رابط دوستی جوانان و انس و الفت خانواده ها با یکدیگر دارد. در درجه اول، توان یک امام جماعت در چنین امر مهمی به شخصیت فردی خود او و در درجه دوم به مهارت های اجتماعی او بستگی دارد. در بعد شخصیت فردی رفتار امام جماعت در فضای مسجد در شکل گیری فضای غالب در مسجد بسیار مؤثر است. امامی که ذاتاً فردی

خوش برخورد، گرم و موفق در روابط اجتماعی باشد، به تبع او چنین فضایی در مسجد نیز شکل می گیرد. مسئله لطافت روحی و سلامت و صافی روحی در ایجاد فضای دوستی و جذب جوانان و خانواده ها به مسجد بسیار مؤثر است. قرآن کریم خطاب به پیامبر می فرماید: «و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك؛ اگر با آنها درشت خوی و سنگدل بودی قطعاً از گرد تو پراکنده می شدند.» (آل عمران/159)

در تاریخ صدر اسلام آنجا که درباره شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت می شود به تواتر به مسئله خوش برخوردی و جذابیت شخصیت ایشان اشاره شده است. در علم کلام آنجا که از اوصاف انبیای الهی بحث می شود نظر متکلمان اسلامی و به خصوص شیعه درباره ویژگی های شخصیتی انبیا آن است که طبق قاعده لطف هر صفتی که در امر ابلاغ و ترویج وحی الهی مؤثر باشد، در شخصیت نبی هر عصر موجود است؛ از جمله آن کمالات شخصیتی، رابطه با مردم است. موارد بسیاری در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که صرف برخورد کریمانه و اخلاق متعالی ایشان باعث جذب و هدایت افراد به سوی دین اسلام شده است. بی جهت نیست که در روایات مختلف در مورد شخصیت امام جماعت و ویژگی های مختلف او حساسیت های ویژه ای نشان داده شده و حتی در برخی نظریات فقهی خوش چهره بودن پس از تقوا و فضیلت از مرجحات امام جماعت برشمرده شده است. (دبیری، 1392)

مهارت های اجتماعی امام جماعت نیز نقش به سزایی در تحکیم فضای روابط دوستی اسلامی در مسجد دارد. امام جماعتی که فاقد مهارت های اجتماعی باشد، و فقط به رفت و آمد ساده به مسجد و اقامه نماز اکتفا کند، نه خود در ایجاد رابطه با دیگران اقدام می کند و نه سعی دارد با ایجاد فضای مناسب دیگران را به روابط محکم دوستی ایمانی تشویق کند؛ که در نتیجه این امام جماعت فاصله بسیاری با امام جماعت از دیدگاه اسلام دارد. امام جماعت می تواند در سخنرانی ها و متناسب با مجالس، مسئله دوستی و اهمیت آن را در سعادت آینده هر فرد از منظر اسلام تبیین کند؛ چرا که آگاهی از معارف دینی در این امر مهم، بالاترین وسیله برای ایجاد انگیزه در افراد برای مشارکت در ایجاد روابط دوستی ایمانی است.

بنابراین فرضیه دوم پژوهش حاضر تایید می شود؛ زیرا با ایجاد جاذبه هایی در مسجد برای حضور مسلمانان به ویژه جوانان در مسجد، نه تنها بستر رشد فردی، بلکه زمینه رشد اجتماعی و مهارت های ارتباطی نیز برای آنان فراهم می شود؛ و دوستی های ایمانی بین آنها

و خانواده هایشان شکل می گیرد و زمینه ازدواج آسان، سنجیده و منطقی افراد با ایمان با یکدیگر مهیا می گردد. آثار و پیامدهای حضور در مسجد برای تعالی و آمادگی دختران و پسران جوان برای ازدواجی سنجیده و به هنگام و نیز تحکیم بنیان خانواده متعدد است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می شود.

دوری از گناه و جرم. انس با مسجد عامل بازدارنده از انحرافات است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این راستا فرمود: «کسی که با مسجد انس گیرد خدای تعالی نیز با او انس گیرد.» (عزیزی، 1376، 50) در واقع خانواده اهل مسجد با حضور در خانه خدا و اقامه نماز نیرو و جان تازه می گیرند و خود را پیوسته در محضر خداوند می بینند و از این که در محضر الهی معصیت نمایند، شرمسار می شوند. امام علی علیه السلام فرمودند: «... همانا نماز، گناهان را چون برگهای پاییزی فرو می ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن ها می گشاید»؛ و نیز فرمود رسول خدا پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش، پس پیامبر صلی الله علیه و آله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد و خود نیز در انجام نماز شکیبا بود.» (نهج البلاغه، خطبه 199، 307)

با مراجعه به آمار جرایم در کشور و بررسی مجرمان، این نکته به خوبی مشخص می شود که کسانی که مرتکب جرائم می شوند، با مسجد بیگانه هستند. اهل مسجد حتی اگر مجازاتی هم برای قانون شکنان وجود نداشته باشد، در بیشتر موارد به دلیل رعایت حق الناس و ترس از عذاب اخروی، قانون را زیر پا نمی گذارند؛ و خود را موظف به رعایت قانون می دانند. در حالی که در پیشرفته ترین کشورها هنگامی که ابزارهای کنترل از میان برداشته می شود، افراد خود را رها می یابند و قانون را زیر پا می گذارند. اما انسان های دین دار برای قانون ارزشی الهی قائل هستند به نحوی که هیچ گاه حاضر نیستند پا را از محدوده آن فراتر بگذارند (مغانلو، 1392) و این از موهبت های مسجد محور شدن در تقویت بُعد فردی و الهی انسان است.

امنیت فردی. یکی از آثار و برکات عمده نماز همانطور که خداوند می فرماید: «دوری از زشتی ها و منکرات است.» (عنکبوت/ 45) به علاوه مهار نفس برای دوری از گناه منجر به افزایش عزّت نفس و اطمینان نفس در فرد می شود و آرامشی وصف ناشدنی را در او به وجود می آورد که رضایت خدا و رضایت فرد در آن جاری است. خداوند می فرماید «ای نفس قدسی و دل آرام به یاد خدا، امروز به حضور پروردگارت بازآی که تو خشنود و او راضی از تو است.» (بلد/ 27 و 28)

امنیت اجتماعی. خداوند می فرماید «آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند.» (زلزله/ 7) خانواده های مسجد محور نه تنها از گناهان دوری می کنند بلکه نیکوکار نیز هستند. از این رو جامعه به خانواده اهل مسجد اعتماد بیشتری نسبت به بقیه افراد جامعه دارد و از مجاورت و مجالست با آنها امنیت خاطر بیشتری احساس می کند. اکثر مجرمان و بزهکاران که به نوعی امنیت اجتماعی و خانوادگی را به خطر می اندازند اهل ارتباط با خدا و نماز و مسجد نبوده اند. پس مسجد و نماز باعث دوری از گناه و ایجاد امنیت در جامعه و حیطه اجتماعی می شود.

صبر و بردباری. صبر و تحمّل و شکیبایی بهترین زیور ایمان و شریف ترین صفات انسان به حساب می آید. به گونه ای که صبر نصف ایمان و یقین تمامی ایمان معرفی شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «با صبر پرتوان و یقین نیکو و پرنشاط، غم ها و غصه های خویش را دور نما.» (لقمانی، 1385، 121) خانواده اهل مسجد که انس حضور در مسجد، تمامی وجودشان را مملو از عشق به خدا نموده از صبر و نماز در زندگی کمک می گیرند.

حیا. «حیا» از صفات زیبای الهی و انبیاء و معصومین علیهم السلام و بندگان صالح و شایسته خدا است. با حضور در مسجد و احترام خاص به این جایگاه مقدس و مراقبه در مورد دوری از سخنان بیهوده یا حرکات ناشایست، زمینه حیا از خداوند فراهم می شود. امام علی علیه السلام در خصوص احترام و حرمت مسجد می فرمایند: «هر کس حرمت مسجد را حفظ کند خدا را در روز قیامت با چهره ای خندان و شادمان ملاقات می کند و خداوند نامه اش را به دست راستش می دهد.» (زینالی، 1372، 45) این مراقبه در زمینه های دیگر زندگی از جمله

«حیا در خانواده» را به ویژه برای دختران و پسران جوان که در حال حاضر بسیار کم رنگ شده است، به ارمغان می آورد.

حجاب. زنان در هنگام نماز باید «تمام بدن» حتی سر و موی خود را بپوشانند (مکارم

شیرازی 1391، مسئله 727، 143) و با پوشش صحیح و کامل به نماز بایستند. این دستور ارزنده الهی یعنی رعایت «حجاب» در مساجد و مراقبت بر آن، پابندی به دستورات الهی در خصوص حریم میان زن و مرد، وقار و حجاب و عفاف را برای زنان و مردان به ارمغان می آورد و آنها را قادر می سازد این فرهنگ و ارزش متعالی اسلام را در کانون خانواده به فرزندانشان منتقل نمایند.

رشد عاطفی. نماز این توانمندی را دارد که بخاطر پشتوانه عظیم معارف اسلامی از انسان های عادی نمونه های فضیلت، تقوا و شیفتگان کرامت انسانی و ره یافتگان به شاخه طوبی را تربیت کند. (سعیدتهرانی 1387، 108) با حضور در مسجد و آگاهی از مشکلات هموعان در زمینه های مختلف خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و مسائل مربوط به بیماری و تلاش برای رفع آنها از یکسو صفات پسندیده الهی و عواطف انسانی در وجود انسان رشد می کند. از طرف دیگر رشد عواطف انسانی، باعث می شود کانون خانواده مسجدی، محل آرامش و صداقت، صمیمیت، مهرورزی، عفو و گذشت، تعاون و همکاری شود و به این طریق زمینه برای شکوفایی استعدادها و نبوغ و خلاقیت، نوآوری و مهارت های ارتباطی افراد خانواده فراهم شود.

قانون گرایی. مسجد مکانی است که ضمن آشنایی مردم با قوانین، اهمیت رعایت آن نیز گوشزد می شود. نماز جماعت عبادتی است که افراد در آن به صورت غیرمستقیم، آموزش قانون گرایی را می بینند. متابعت از امام جماعت، مثال بسیار بارز این ادعاست. کم یا زیاد کردن یک رکن در نماز، باعث ابطال آن می شود. در نماز جماعت، تبعیت از امام جماعت چنان مهم است که اضافه کردن عمدی یک رکن آن را باطل نمی کند؛ مثلاً اگر کسی به گمان این که امام جماعت سر از رکوع برداشته، سر از رکوع بردارد و متوجه شود که امام جماعت هنوز در حال رکوع است، باید به رکوع بازگردد. فرد در اینجا می آموزد که تبعیت از امام جماعت بر همه چیز اولویت دارد. این فرد در جامعه نیز می آموزد که قانون بر تمام مصالح فردی اولویت دارد. حس پذیرش این واقعیت در این فرد، با حضور در نماز جماعت تقویت می شود. مساجد به صورت دیگری نیز به قانون گرایی و قانون پذیری آحاد جامعه کمک می کنند و آن آموزش احکام و فقه است که شاید در ابتدا رابطه بین فقه مدار بودن و قانون گرا بودن مشخص نباشد. فقه همانند قانون مجموعه ای از بایدها و نبایدها است و درواقع، خود قانون است؛ منتها قانون دین.

لذا کسانی که دستورهای دینی را اجرا می کنند و به مسجد رفت و آمد دارند، راحت تر، تن به قانون می دهند. این افراد در مسجد آموزش رعایت و احترام به قانون را دیده اند. کسانی که به مساجد رفت و آمد دارند، به طور طبیعی از دیگران قانون مدارترند و برای قانون ارزش بیشتری قائل هستند. (مغانلو 1392)

فضایل و کمالات. با حضور در خانه خدا و انس با مسجد و نماز انواع کمالات برای خانواده اهل مسجد مهیا می شود که نتایج ارزنده آن علاوه بر کانون خانواده در جامعه نیز بروز می کند چند نمونه از این فضایل عبارتند از: شخصیت رشد یافته، اعتماد به نفس، عزت نفس، رعایت اعتدال و عدالت، نظم و انضباط در امور، پابندی به اصل مهم مشورت، اعتدال و ساده زیستی و مبارزه با تجملات و اسراف، تربیت

دینی توأم با عقلانیت، نورانی شدن دل و شکوفایی فکر و اندیشه، هدفمند بودن و امید داشتن و پر تحرک و علاقه مندی به خدمت به هموعان، پابندی به دانش و حقیقت طلبی، طهارت جسم و جان. (حر، 1390، 34)

بنابر آنچه گفته شد فرضیه دوم پژوهش نیز تایید می شود. زیرا جذب مردم به مسجد باعث بلوغ و پختگی نظام خانواده می گردد. خانواده مسجدی خانواده ای مطلوب و سرشار از معنویت، اخلاق و شکوفایی و پویایی است، و همه این سجایای اخلاقی نقش به سزایی در ازدواج آسان و به هنگام جوانان و تحکیم خانواده دارد. طبق بررسی های به عمل آمده در این پژوهش که پیشتر به آن اشاره شد مساجد کنونی برای مردم جاذبه ندارند. از این رو باید به این کانون های مقدس و بوستان های الهی و بهشتی یعنی «مسجد» که در طول تاریخ کانون های بیداری و معرفت و بصیرت اسلامی نیز بوده اند، بیشتر توجه و جاذبه هایی در مسجد ایجاد شود که ارتباط مردم به ویژه جوان نسل امروز با مساجد را حفظ کند و استمرار بخشد.

3-1. آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم این بود: «با تغییر طرحواره های ذهنی مردم، آنها می پذیرند برای ازدواج آسان مراسم عقدشان در این مکان مقدس انجام شود.» برای آزمون فرضیه سوم نظرات مردم در مورد کارکردهای کنونی مسجد در برگزاری مراسم عقد ارزیابی و در جدول 3 ارائه شد.

گویه ها	بله	خیر	
تاکنون در مسجد محل شما مراسم عقد صورت گرفته است؟	۲ نفر ۴ درصد	۴۸ نفر ۹۶ درصد	
نظر شما درباره برگزاری مراسم عقد در مسجد چیست؟	موافق	راجع به آن فکر نکرده ام	مخالف
	۱۶ نفر ۳۲ درصد	۱۸ نفر ۳۶ درصد	۱۶ درصد ۳۲ درصد
خودتان حاضر بودید یا هستید که مراسم عقدتان را در مسجد برگزار نمایید؟	بلی	خیر	
	۲۱ نفر ۴۲ درصد	۲۹ نفر ۵۸ درصد	

همان طور که جدول 3 نشان می دهد، فقط 4 درصد افراد مراسم عقدشان در مسجد برگزار شده است و 36 درصد از افراد تا کنون راجع به برگزاری مراسم عقد در مسجد فکر نکرده اند و 58 درصد افراد حاضر نیستند مراسم عقدشان در مسجد برگزار شود. ولی خوشبختانه 32 درصد با برگزاری مراسم عقد در مسجد موافقت و 42 درصد نیز حاضرند مراسم عقدشان در مسجد برگزار شود.

دلایل مخالفت آزمودنی های این پژوهش با برگزاری مراسم عقد در مسجد با طرح سؤالاتی بررسی شد که نتیجه آن در زیر آمده است. 80 درصد آزمودنی ها فعالیت های مذهبی و فرهنگی مسجد را در جهت ترغیب جوانان و خانواده ها برای ازدواج و حتی برگزاری عقد در مساجد کافی نمی دانند و حتی بسیار اندک می دانند. این افراد معتقدند برای حفظ حرمت مسجد باید مردم آموزش ببینند زیرا تاکنون چنین برنامه های آموزشی در مساجد اجرا نشده است. 75 درصد آنها گزارش دادند که عمده فعالیت مسجد محلشان برای نماز و نیز مراسم عزاداری، ختم و یادبود است، بنابراین برگزاری مراسم عقد در مسجد دور از ذهنیت مردم و با طرحواره های ذهنی آنها ناسازگار است. 65 درصد آنها پیشنهاد کردند برای ترغیب جوانان به ازدواج آسان، باید کلاس های آموزشی و مشاوره فردی و گروهی و نیز تسهیلاتی ولو اندک

برای کمک به برگزاری مراسم ازدواج ایجاد شود. این یافته ها نشان می دهد که برای برگزاری مراسم عقد در مسجد و احیای سنت دیرینه اسلام نیاز به فرهنگ سازی، آموزش برای حفظ حرمت مسجد و نیز تجهیز مسجد به فضاها و وسایل مناسب است.

مسجد با فرهنگ سازی می تواند جایگاهی شایسته برای برگزاری مراسم عقد ازدواج باشد، پیامبر اکرم، مراسم عقد ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام را در مسجد برگزار کردند (بحارالانوار، ج 43، 120) و به دستور آن حضرت، سفره وسیعی در مسجد گسترده و بسیاری از مردان و زنان مسلمان اطعام شدند (همان، 114) و آنگاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه را در دست علی علیه السلام گذاشتند و برای آن دو دعا کردند. (همان، 116) به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعضی از مساجد مانند مسجد مالزی و اندونزی نیز بخشی فعالیت های خود را به برگزاری مراسم عقد اختصاص داده اند. (بی آزار شیرازی، 1377، 89) در چنین مراسمی، اجتماع مسلمانان گره می خورد و سبب استحکام خانواده نیز می شود. زن و شوهر با برگزاری این مراسم می توانند از نظر اخلاقی متعهد شوند که یاور خوبی برای یکدیگر باشند و برگزاری مراسم آنان در مسجد سبب تقویت روحیه دینی، باقی ماندن محبت و آرامش بین آنان و باعث می شود بنیان خانواده شان با رعایت عفاف و عدم بی بندوباری جنسی محکم شود. بی بندوباری در اسلام و برای کسی که مسجدی است، صحیح نیست. این روحیه می تواند استحکام بیشتری به زندگی بدهد. به علاوه برگزاری مراسم عقد در مسجد برای زوجین این تعهد مذهبی را ایجاد می کند که به جامعه و محیط اسلامی وابسته اند. (علوی مهر، 19/11/1391)

مشخص شد که زوجیت بنیادی است که خلقت الهی مبتنی بر آن و قانونی است عمومی که گستره هستی را در بر گرفته است. از سوی دیگر بررسی ها نشان داد که امروزه این امر مقدس و حیاتی تحت الشعاع اندیشه ها و ارزش های مادی و غیرانسانی قرار گرفته و این نیاز فطری بشر در حصار قواعدی سخت، محبوس و زندانی شده است؛ تا آنجا که جوانان برای گریز از قواعد انسانی، به ارضای غریزه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج اقدام و به این وسیله نهاد خانواده را متزلزل می کنند و در نتیجه سلامت اخلاقی و آرامش روانی خود و جامعه را به خطر می اندازند. همچنین بیان شد با توجه به نقشی که ازدواج در تنظیم روابط جنسی و جلوگیری از فساد و ناهنجاری های اجتماعی دارد و نیز ارزش والایی که دین اسلام به این امر مقدس داده است و باتوجه به این که در حال حاضر کانون بسیاری از خانواده ها به سستی گراییده و سن ازدواج نیز در جامعه اسلامی ما رو به افزایش است؛ ضروری است مسئولان مملکتی، دانشمندان و روانشناسان اسلامی و دست اندرکاران امور فرهنگی، تدابیری مناسب اتخاذ کنند.

همچنین با تأیید فرضیه های این پژوهش مشخص شد از جمله تدابیر و اقدامهای موثری که می تواند در ازدواج ساده و آسان، کم هزینه اما با دوام نقش داشته باشد، تربیت دینی جوانان اعم از دختر یا پسر است و بهترین و کارآمدترین شیوه تربیت جوان ها در گذشته، حال و آینده که تجربه موفقی هم بوده است، هدایت جوان های جامعه به سوی مساجد است. در این زمینه بیان شد مساجد به عنوان مهم ترین پایگاه تربیتی لازم است به برنامه ها و وسایلی مجهز شوند؛ و با آموزش خانواده ها زمینه رشد فردی، اجتماعی، تقوا و تعهد را در افراد فراهم کنند تا گامی مؤثر در جهت رفع موانع ازدواج آسان و به هنگام جوانان برداشته شود. بیان شد جوان چه دختر یا پسر در فضای روحانی مسجد، اتکای به کلمه الله و این که به ظواهر دنیایی کم توجه باشد را می آموزد. در عین آن که می آموزد از زیبایی های دنیوی که خداوند آفریده است باید به درستی و به اندازه بهره بگیرد؛ و یاد می گیرد که ازدواجی آسان و بعد از آن یک زندگی زناشویی ساده و کم هزینه اما آرامش بخش در کنار همسری هم کفو خود طلب کند و عرصه را بر خود و خانواده و نزدیکان دشوار و گاه غیرممکن نسازد. بزرگترها نیز در همین فضای خوب و ساده می آموزند که در انتخاب عروس یا داماد برای خانواده، دینداری را ملاک قرار دهند و به دور از نگرانی های معمول، سخت نگیرند اما دقیق باشند.

بنابراین نتیجه گیری می شود تربیت انسان در همه ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی از همان بدو تولد باید بر اساس قوانین الهی و تربیت دینی باشد که این خود متضمن راهکارهای زیربنایی دیگری است، که با برنامه ریزی حساب شده از سوی مسئولین و اجرای آن توسط اسلام شناسان، روان شناسان، مشاوران و مربیان، که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود، به اجرا در آید.

1-2. راهکارها برای انس خانواده با مسجد

1. در هر کوی و محله ای مسجدی با فضایی پویا و پر نشاط با یاری مردم همان محله ساخته شود، تا مردم و خانواده ها بتوانند به آسانی در آن حضور یابند، مسجد را از آن خود بدانند و با مسجد انس بگیرند.

2. فضای داخلی مسجد، لوازم و همچنین فضای بیرونی مسجد باید به گونه ای باشد که همه بتوانند از آن استفاده نمایند؛ برای مثال باید چیدمان مهر و قرآن و سایر کتاب های دعا به نحوی باشد که هم کودکان و هم بزرگسالان بتوانند از آن استفاده نمایند.

3. یکی از راهکارهای مهم، ایجاد زمینه برای حضور پررنگ بانوان در برنامه های عبادی و آموزشی است. زیرا بانوان به عنوان همسر، خواهر، دختر و به ویژه مادر، می توانند نقش مستقیم و غیرمستقیمی در انس افراد خانواده با مسجد داشته باشند. مدیران مساجد باید توجه

داشته باشند که برای حضور بانوان در مساجد مهم ترین نکته ایجاد محیطی امن و بدون استرس، چه در مسیر مسجد و چه در داخل مسجد است. فضایی را که در مساجد برای خانم ها در نظر می گیرند، می توان با استفاده از ابزار و دیواره هایی که قابلیت باز و بسته شدن دارند در مواقع لزوم افزایش یا کاهش داد و دلنشین کرد. تا بانوان بیشتر بتوانند از سخنرانی و دیگر برنامه های آموزنده مسجد استفاده کنند. تشکیل کلاس های آموزشی و مهارتی در زمینه های اخلاقی، قرآنی، مهارت های زنانه، تربیت فرزند و نظایر آن می تواند در ایجاد انگیزه برای حضور بانوان در مسجد مؤثر واقع شود.

4. دست اندرکاران مساجد می توانند با برنامه مناسب برای ایجاد انگیزه در کودکان، آنها را مورد احترام قرار دهند و آنها را از دیگران جدا نکنند و در بین بزرگ ترها بنشانند. حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: «کودکان و نوجوانان را در قسمت عقب صفوف قرار ندهید، بلکه آنان را در میان بزرگسالان پراکنده سازید.» (طوسی 1364، ج 2، 380) تشکیل کلاس های

آموزشی مناسب با سن کودکان و نوجوانان و اداره صحیح و اصولی به طوری که دل زدگی در آنها ایجاد نکند و نیز آموزش قرآن و احکام در لابه لای آموزش ها علاوه بر اینکه سبب رفع خستگی می شود (بحار الانوار، ج ۷۵، ۱۳۷) می تواند در ایجاد انگیزه آنها نیز مؤثر باشد.

5. در مورد حضور بزرگسالان در مسجد همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمودند: «برکت با سالمندان شما قرین است» (محمّدی ری شهری 1386، حدیث ۹۹۲۷)، و نیز می فرمایند: «احترام به فرد سالخورده از اّمّت من، احترام به من است.» (محدث نوری طبرسی، ج ۳، ۴۴۶) بنابراین لازم است حضور کهنسالان در مجامع و جلسات و خانه ها مغتنم و موجب برکت شمرده شود و مهندسی ساختمان مسجد با در نظر گرفتن همه مخاطبان به ویژه این قشر انجام شود. مثل کوتاه کردن پله ها، سرویس های بهداشتی در دسترس و توالت فرنگی، ایجاد جایگاه مناسب برای نشستن آنها و تهیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز آن دسته از کهنسالانی که دچار بیماری هستند جهت تسهیل در انجام عبادات مثل صندلی هایی که برای این منظور تهیه شده است در کنار حفظ کرامت و منزلت آنان می تواند در این امر بسیار مؤثر باشد. (بانشی 1392) پس برای حضور و انس خانواده با مسجد نه تنها باید مسجد به اندازه کافی در تمام مناطق احداث شود، بلکه ساختمان و تجهیزات آن باید مناسب همه اقشار و به گونه ای باشد که در آنجا افراد حتّی بیشتر از خانه خود احساس راحتی، آرامش و امنیت کنند.

2-2. راهکار برای ایجاد جاذبه در مسجد برای مسلمانان به ویژه جوانان

1. برای جذب مردم به سوی مسجد امام جماعت باید فردی باشد که علاوه بر تأثیر مستقیم بر دوستی های ایمانی بین مردم، بتواند راهکارهای تأثیر هوشمندانه و غیر مستقیم را هم در نظر بگیرد و بسیاری از دوستی ها و برادری ها را در قالب گروه ها و همکاری های گروهی شکل دهد. برای تنظیم کارهای مسجد با کمک بزرگان و هیئت امنای مسجد گروه هایی را به خصوص از جوانان برای انجام و مدیریت کارها انتخاب کند. امام جماعت باید مردم و جوانان را به مشارکت و فعالیت های روزانه و هفتگی مسجد تشویق کند؛ مثلاً فعالیت های مسجد را برای برگزاری مجالس و مناسبت ها به گروه هایی از جوانان مستعد و علاقه مند اهل مسجد بسپارد.

2. فعالیت های مسجد در زمینه کتابخانه، سالن مطالعه مجهز به فناوریهای جدید و کامپیوتر، ورزش، کارگاه های آموزشی معارف دینی، صندوق های مالی جهت فعالیت در

امور خیریه و نظایر آن همگی فعالیت هایی است که امام جماعت باید با مدیریتی هوشمندانه، بسیاری از مردم و جوانانی را که به مسجد رفت و آمد دارند به مشارکت و دخالت مستقیم به این امور تشویق کند. این مهم علاوه بر این که در افراد این حس اصیل را ایجاد می کند که مسجد از آن خودشان است و خودشان در شکل گیری و فرآیند امور مسجدشان مستقیماً دخیلند، به تشکیل روابط مستحکم بین فردی در قالب گردهمایی مشارکت کننده منتهی می شود. تجربه نشان داده است که دوستی هایی که در چنین فضاهاى مقدسى شکل می گیرد بسیار اصیل، طولانی و تأثیرگذار در شخصیت و آینده فرد است و مثل اعلای اخوت اسلامى و برادری ایمانى است و موجب جذب افراد به سوى مسجد می شود.

3. امام جماعت می تواند با حمایت های مردمی مراکز مشاوره را در مسجد خود در فضا و موقعیت مناسب دایر کند و از بهترین متخصصان متعهد در حیطه روانشناسی، مشاوره، روانپزشکی، پزشکی و جز آن دعوت کند تا این متخصصان با ارائه خدمات در زمینه استرس های کارایی، ازدواج، تحصیلات، پدیده های نظیر اعتیاد، طلاق، خودکشی، زندان، بزه های انفرادی و جمعی، اختلال های رفتاری و روانی به حل و درمان مشکلات مردم پردازند و با برگزاری کارگاههای آموزشی بتوانند مهارت های زندگی، مهارت های ارتباطی، مهارت های زناشویی را به جوانان و به خانواده ها آموزش دهند.

4. برای این که افراد کم درآمد نیز بتوانند از خدمات مشاوره در زمینه های گوناگون استفاده کنند لازم است امام جماعت برنامه ریزی کند تا این افراد با حداقل پول و یا رایگان بتوانند از منابع مالی که مسجد در اختیار دارد و نیز از کمک های مردم خیر استفاده کنند. نیاز به مشاوره

در این دوره از زمان بیش از پیش احساس می شود و چون اکثر مردم توان پرداخت هزینه های مشاوره خصوصی را ندارند، ممکن است دست به رفتارهای ناهنجار بزنند. برای پیشگیری از ناهنجاری های رفتاری و عواقب شوم آن، باید مساجد به عنوان پایگاه فکری اسلام سنت دیرینه خود را احیاء کنند. با مشاوره تخصصی و به هنگام دیگر ناهنجاری های اجتماعی در این حد نخواهد بود. قرائتی (1372) عنوان کرده است زندانیانی که در زندان خدمات مشاوره دریافت کرده اند همگی ادعا کرده اند که اگر در بیرون از زندان جایگاهی برای مشورت داشتند هرگز پایشان به زندان کشیده نمی شد و هرگز دچار لغزش و اشتباه نمی شدند.

5. همچنین برای ایجاد جاذبه در مسجد می توان در زمینه فرهنگی و پژوهشی در طول

سال به ویژه در ایام تابستان و اوقات فراغت کلاس های متنوع آموزشی و غیر آموزشی و پژوهشی تشکیل داد و روحیه پژوهش و تحقیق و تفکر در زمینه های مختلف را در نوجوانان و جوانان تقویت کرد، و آنها را ترغیب نمود برای پاسخ به سؤالات و کنجکاوی های خود به ویژه در زمینه اعتقادی و معنوی به تحقیق و تفحص بپردازند. برای آموزش می توان از استادان متعهد و مجرب محل و حتی خود دانش آموزان و دانشجویان در زمینه های علمی، پژوهشی و هنری مانند خط، نقاشی، طراحی، آشپزی، خیاطی و غیره استفاده کرد. این کار علاوه بر پر کردن وقت های مرده و جلوگیری از هدر رفتن وقت، زمینه ارتباط و جذب مردم به ویژه جوانان را به مسجد ایجاد می کند. از سوی دیگر به این طریق می توان عده ای از جوانان را مشغول به کار و صاحب درآمد کرد و بر جاذبه مسجد افزود.

6. برای نفوذ مسجد در خانواده ها می توان واحدهای ویژه برای افراد گوناگون خانواده تأسیس کرد. تشکیل واحد یا کمیته ویژه جوانان، زنان، سالمندان، کودکان، نوجوانان و نظایر آن که این کار موجب آشنایی افراد خانواده، با مسجد و تألیف قلوب و جذبشان به این نهاد اجتماعی می شود.

7. تشکیل کمیته حل اختلافات خانوادگی و محلی در مسجد قبل از مراجعه به مراکز قضایی و حلّ و فصل آن توسط کارشناسان خبره در مسجد و یا تشکیل انجمن مسجد و مدرسه محل، تشکیل انجمن رفع گرفتاری های مردم در زمینه مشکلات تحصیلی، اداری، بیماری و به ویژه تأسیس مرکز ازدواج جهت شناسایی و معرفی افراد مناسب به یکدیگر توسط متخصصان متعهد، اعطای وام مناسب، اجرای مسابقه های گوناگون و نظایر آن می تواند زمینه جذب و ارتباط فعال میان خانه و مدرسه و مسجد را فراهم سازد.

3-2. راهکار برای تغییر طرحواره های ذهنی مردم برای برگزاری مراسم عقدشان در مسجد

1. طبق یافته های این پژوهش مشخص شد اکنون برای مساجد یکسری کارکردهای حداقلی تعریف شده و طرحواره های ذهنی مردم این است که مسجد غیر از برگزاری نمازهای یومیه، مناسبت های مذهبی و مجالس ختم درگذشتگان کاربرد دیگری ندارد. این درحالی است که مسجد توانایی بالقوه آن را دارد که از آن در امور مختلف اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، ازدواج و غیره، به عنوان یک پایگاه امن در جامعه استفاده شود.

2. همه ما انسان ها از طریق «ارتباط» به «یادگیری» می پردازیم. در صورتی که با

ارائه روش های گوناگون و ابتکاری به ارتباط بین مسجد و خانه دست یابیم، یادگیری در زمینه های مذهبی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روابط زناشویی به صورت مناسب صورت خواهد گرفت و ارتباط دو سویه بین خانواده و مسجد بسیاری از مشکلات را برطرف خواهد کرد. بنابراین از طریق برنامه های متنوع خانوادگی، ورزشی، علمی و دینی باید پویایی و نشاط در مساجد به وجود آید و مساجد بتوانند از عهده کارکردهایی که در گذشته داشتند برآیند تا جوان امروز و خانواده ها به سمت آمدن به مساجد سوق پیدا کنند و به مساجد وصل شوند و نگرش و ذهنیت درستی نسبت به ظرفیت ها و کارکردهای این مکان مقدس پیدا کنند.

3. با اجرای راهکارهایی که ذکر شد، وقتی خانواده مسجد محور شود، به ازدواج به عنوان یک امر ارزشی دارای جایگاه اساسی در اخلاق جنسی می نگرد و به عنوان یک سنت حسنه در کلام الله، آن را به وجود آورنده مطمئن ترین و آرام بخش ترین رابطه و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار می بیند. از این رو چه برای خانواده ها و چه برای دختران و پسران جوان مهم ترین معیار در انتخاب همسر ایمان و اخلاق اسلامی و معیار برای برگزاری مراسم عقد و ازدواج در این مکان مقدس، دوری از تجملات بیهوده، اسراف و بی بندوباری می شود.

4. برای مثبت کردن طرحواره های ذهنی مردم نسبت به کارکردهای مسجد، می توان با رعایت شئون اسلامی فیلم های متعدّد و جذابی از زندگی معصومین علیهم السلام تهیه کرد، و روش و سیره آنها را در مراحل مختلف تشکیل خانواده اعم از خواستگاری، مراسم عقد، مراسم عروسی، تهیه جهیزیه و حتی نحوه ارتباطات آنها در زندگی زناشویی به تصویر کشید. در این زمینه می توان از مراسم عقد کشورهای مسلمانانی چون اندونزی و

مالزی که در مسجد برگزار می شود، فیلم تهیه کرد. به علاوه می توان از تجربیات این کشورها برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است در زمینه اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی و حرمت مسجد به وجود آید استفاده کرد.

5. پس از این که اطلاعات لازم در زمینه مذکور جمع آوری شد، لازم است سالی زیبا و مجهز به تجهیزات سفره عقد برای برگزاری مراسم عقد در مسجد در نظر گرفته شود. بدیهی است برگزاری این مراسم مقدس در خانه خدا تبرک و برکت بیشتری برای عروس و داماد به ارمغان می آورد. زیرا با این کار از بی بندباری های احتمالی و نیز هزینه های آنچنانی برای چیدمان سفره عقد در باشگاه ها، باغ ها، و منازل جلوگیری و وجوه آن صرف امور خیریه یا آبادانی مسجد می شود.

6. از آنجا که رفتار و کردار پیامبر صلی الله علیه و آله الگو است، برای تغییر ذهنیت مردم برای برگزاری مراسم عقد در مسجد و در ضمن حفظ حرمت مسجد، لازم است ابتدا روحانیون شاخص، امام جماعت، افراد مؤمن، و نیز ثروتمندان معتقد به اسلام، مراسم عقد خود یا فرزندان خود را در مسجد برگزار کنند. نوع پوشش، رفتار، گفتار، نوع خوردها و آشامیدنی آنها در برگزاری این جشن و سرور اسلامی می تواند الگوی مطلوبی برای برگزاری مراسم عقد دیگر خانواده های مسجدی در مسجد باشد.

7. برگزاری مراسم عقد در مسجد محاسن بسیاری دارد. همین که مدعوین در کارت دعوت بخوانند که مکان مراسم در مسجد است، سعی خواهند کرد از پوشیدن لباس های نامناسب و آرایش های خاص اجتناب کنند و با ظاهری مناسب وارد عروسی شوند. در نظر برخی از مردم، مسجد جای عزا است و صوت قرآن هم فقط آنها را یاد مردگان و مراسم فاتحه خوانی می اندازد. با نهادینه شدن مراسم ازدواج و عروسی در مساجد چنین تفکر غلطی کمرنگ خواهد شد.

8. رسانه ها به ویژه صدا و سیما می تواند نقش حائز اهمیتی در مثبت کردن ذهنیت مردم داشته باشد. به عنوان مثال با فیلم برداری از برگزاری مراسم عقد و عروسی در مسجد به ویژه روحانیون شاخص و پخش این فیلم ها و دادن جلوه های ویژه به آن می توان ازدواج معنوی، آسان، به هنگام و به دور از اسراف و بی بندوباری ها را در اذهان عمومی جا انداخت .

9. برای مثبت کردن ذهنیت مردم به مسجد مسئولین باید در ایام تعطیلات مناسبت های مذهبی تجدید نظر کنند. در حال حاضر بیشتر، ایام وفات ائمه معصومین علیهم السلام تعطیل است؛ و مساجد و رسانه ها در این ایام به نوحه خوانی و مرثیه سرایی می پردازند که در نتیجه مسجد به عنوان جایگاهی برای عزاداری در طر حواره ذهنی مردم تثبیت می شود. می توان با ایجاد توازن بین ایام وفات و تولد ائمه معصومین علیهم السلام برای تعطیلات، و با برگزاری مناسب مراسم جشن و سرور در مسجد و رسانه ها این ذهنیت را که مسجد جای جشن و سرور نیز می تواند باشد پرورش داد. به علاوه هم اکنون مساجد و شبکه های صدا و سیما در سالگرد تولد یا ازدواج ائمه معصومین علیهم السلام نوحه می خوانند و گاهی سینه می زنند که در این مورد نیاز به آموزش و برنامه ریزی حس می شود.

10. با ارتباط هیئت امناء مساجد با معاونت پژوهشی دانشگاه ها می توان پژوهش های مقطعی و طولی با پرداخت کمک هزینه پژوهشی به دانشجویان

ترتیب داد و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را به سمت انجام پژوهش هایی برای مقایسه سلامت زندگی، صمیمت، پایداری ازدواج، مسایل اقتصادی و سایر مفاهیم ارزشی در ازدواج مسجدي ها و غیر مسجدي ها ترغیب کرد و با انتشار نتایج این پژوهش ها، ذهنیت مردم را به سمت مسجد محوری و دینداری سوق داد.

ص: 279

قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمدآیتی، تهران، سروش، واحد احیای هنرهای اسلامی، 1374.

قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، آجود، پخش و نشر کتاب جواد الائمه، 1390.

امام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر جمال، 1385.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد 7، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی 1385، u.

احمدپناهی، علی، ازدواج در اسلام با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان شناختی، ماهنامه معرفت، مرداد 1385.

احمدی نوده، خدابخش و علی فتحی آشتیانی و علیرضا عرب نیا، بررسی رابطه بین تقیّدات مذهبی و سازگاری زناشوی، فصلنامه خانواده پژوهی 2، 1385.

بانشی، علی، نقش متولیان در مرکز شدن یک مسجد، خانه ای برای همه، 1392. سایت مسجد:

<http://www.masjed.ir/fa/article/750>

بخشوده، اسماء و هادی بهرامی احسان، نقش «انتظارات زناشویی» و «مبادلات سالم» در پیش بینی «رضایت زناشویی زوجین»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، بهار و تابستان 1391.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، مسجد قلب جامعه اسلامی، نشریه فرهنگ کوثر، 1377.

پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۴.

جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1371.

جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1371.

حر، سید حسین، نقش مسجد در تعالی و تحکیم بنیان خانواده، فصلنامه قرآنی کوثر، 1390.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت دار احیاء التراث، بیروت، 1414 ق.

حمید، نجمه و مجید عیدی بایگی و مصطفی دهقانی، اثربخشی «روان درمانی شناختی-رفتاری مذهب محور» بر «سازگاری زناشویی»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، بهار و تابستان 1391.

خدایاری فرد، محمد و روح الله شهابی و سعید اکبری زردخانه، رابطه نگرش مذهبی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه خانواده پژوهی، 1386.

خدایاری فرد، محمد و باقر غباری بناب و علی نقی فقیهی و شادی وحدت، روش درمانی عفو و گذشت با تأکید بر دیدگاه اسلامی، بررسی یک مطالعه موردی، فصلنامه اندیشه و رفتار، 1381.

خمس، اکرم، آموزش قبل از ازدواج، تهران دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان، 1382.

دانش، عصمت، نقش خودشناسی در درمان اختلافات زناشویی، انتشارات گلشن اندیشه، 1384.

دانش، عصمت، افزایش سازگاری زناشویی زوجهای ناسازگار با مشاوره از چشم اندازی اسلامی، فصلنامه مطالعات روانشناختی، تابستان 1389.

دانش، عصمت، بررسی اثربخشی روش ارتباط محاوره ای در افزایش سازگاری زناشویی زوج های ناسازگار، فصلنامه خانواده پژوهی، پاییز 1389.

دانش، عصمت، مقایسه سطح شادکامی و سلامت جسمی و روانی دانشجویان دختر و پسر متأهل و مجرد دانشگاه، فصلنامه روان شناسی کاربردی، زمستان 1389.

دبیری، حمیدرضا، راه کارها و ظرفیت های پیش روی امام جماعت در مسجد برای ایجاد فضای دوستی و برادری، 1392. سایت مسجد:

<http://www.masjed.ir/fa/article>

زینالی، حسین، چهل حدیث مسجد، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1373.

سعیدتهرانی، جواد، فروغ نیایش، نشر شارق، تهران، 1387.

شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات ارمغان طوبی، تهران، 1382.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، ناشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، جلد 2 مصحح حسن خراسان، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1364.

عزیزی، عباس، فضایل و آثار مسجد در آئینه قرآن و حدیث، قم، انتشارات نبوغ، 1376.

علوی مهر، حسین، نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان، سایت مسجد، 1391.

قائم امیری، علی، خانواده در اسلام، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، 1392.

قرائتی، محسن، تفسیر سوره اسراء، ناشر مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، 1381.

قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ناشر طرح اقامه نماز، قم، 1372.

قلی زاده، مهدی، نقش مسجد در دگرگونی های فرهنگی، سایت مسجد، 1392.

کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ترجم، گروه مترجمان اشرف رحیمیان، محمدحسی، قم، ناشر قدس، 1388.

لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، قم، انتشارات بهشت بیش، 1385.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1362.

مجیدی خوانساری، غلامحسین، نهج الفصاحه، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان، 1385، 434، حدیث 2306.

محدث نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیقات و نشر معارف اهل البیت: منبع الکترونیکی.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ هفتم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث قم، 1386.

مغانلو، علیرضا، نقش حیاتی و حمایتی مسجد در قانون گرایی و قانون پذیری افراد جامعه، سایت مسجد، 1392.

مقواساز، علی، فعالیت های محلی «مسجد محور» شود/ مناطقی با حدود 12 هزار نفر جمعیت هنوز یک مسجد در محل ندارند، 1393. سایت خبرنگار صاحب نیوز: <http://sahebnews.ir>

مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، چاپ پنجاه و نهم، تهران، نشر فکریتر، 1391.

مطهری، مرتضی، داستان راستان، جلد اول، چاپ هفتاد و سوم، قم، انتشارات صدرا، 1392.

مهدوی، محمد صادق و حسن غنیمتی، بررسی آثار و نتایج ازدواج دانشجویی در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مجله علوم اجتماعی، جامعه شناسی، فروردین 1387.

نهج الحیاه، ج 5، ترجمه محمددشتی، فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، قم، نشر محدث، 1382.

نهج الفصاحه، تنظیم محمد امین شریعتی و عبدالرسول پیمانی، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء، 1386.

نوبهار، رحیم، ویژگی های مسجد نمونه، دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد، سایت اندیشه قم، 1378.

Call, V. R. A., Heaton, T. B. Religious influence on marital stability, Journal for the Scientific Study of Religion, 1997, 36, 382-392.

Carr, A. Family Therapy: Concepts, process and practice, New York, Wiley, 2002.

Galloway, L. Does Movie Viewing Cultivate Unrealistic Expectations about Love and Marriage? (April 15, 2013). Graduate Research Symposium (GCUA). Paper 11. http://digitalscholarship.unlv.edu/grad_symposium/2013/april_15/11

Gottman, J. The role of conflict engagement, escalation and avoidance in marital interaction. Journal of Counseling and Clinical Psychology, 2003, 76, 26–32

Huñler, O. S. Genç, Ö. Z. T. I. The effect of religiousness on marital satisfaction, Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. Contemporary Family Therapy, 2005, 27(1), 123–136

Lawrence, E., Nylen, K., Cobb, R.J. Prenatal Expectation and Marital Satisfaction over the Transition to Parenthood. Journal of Family Psychology, (2007), 21(2), 155–164

Lederer, W. The mirage of marriage. New York, Norton Co. 2006

Lavee, Y., Ben-Ari, A. Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality. Journal of Family Psychology, 2004, 48(3), 206–217

Mahoney, A. Religion and conflict in marital and parent child relationship, Journal Of Social Issues, 2005, 61(4), 689–706

Marsh, R, Dallos, R, Roman Catholic couples: wrath and religion, Family Process, Fall 2001, 40(3), 343–60

Orathinkal, J. Vansteewegen, A, Religiosity and Marital Satisfaction, Contemporary Family Therapy, 2006, 28, 497–504

- Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., Raskin, M. Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course, *Journal of Marital and Family Therapy*, 2000, 26, 199–210
- Rose, E. M., Westefeld, J. S., Ansley, T. N. Spiritual issues in counseling, Client's beliefs and preference, *Journal of Counseling Psychology*, 2001, 48, 67–71
- Rios, C. M, The Relationship between Premarital Advice, Expectations and Marital Satisfaction, unpublished Master Thesis, University of Logan, 2010, [On-Line], Available: www.proquest.com
- Rogge, R.D., Bradbury, T. N. Till Violence do us part: The differing roles of communication and aggression in predicating adverse marital outcomes, *Journal of consulting and Clinical psychology*, 2003, 77(2), 320–335
- Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E. Hattie J. A, The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital Satisfaction, *Journal of Counseling Development*, 2004, 82, 58–68
- Schoenborn, Ch. A. Marital Status and Health, United States, 1999–2002, *Advance Data*, 2004, 351, 1–33
- Stanley, S. M., Markman H. J., Whitton, S. W, Communication, Conflict, and Commitment: Insights on the Foundations of Relationship Success from a National Survey, *Family Process*, 2002, 41, 659–675
- Sharp, E. A., Ganeng, L. H, Raising Awareness about Marital Expectation, Are Unrealistic Beliefs by Integrative Teaching? *Family Relations*, 2004, 49(1), 71–76
- Segrin, C., Nabi, R. L, Does television viewing cultivate unrealistic expectations about marriage? *Journal of Communication*, 2002, 52(2), 247–263

- Sullivan, T, Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples, *Journal of Family Psychology*, 2001, 15: 610–628
- Thompson, J. M., Wiffen, V. E., Blain, M. D, Depressive symptoms, sex and perceptions of intimate relationships, *Journal of Social and Personal Relationship*, 2005, 37, 102–109
- Waller, M R. McLanahan S. S, His and her marriage expectations, Determinants and consequences, *Journal of Marriage and Family*, February 2005, 67(1), 53–67
- Wilson, Ch. M., Oswald, A.J, How Does Marriage Affect Physical and Psychological Health? A Survey of the Longitudinal Evidence, University of East Anglia, UK, University of Warwick, UK, and Harvard University, 2005
- Wood, R. G., Goesling, B., Avellar, S, The Effects of Marriage on Health, A Synthesis of Recent Research Evidence, Washington, DC, U.S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation, Office of Human Services Policy, 2007, p. 1

رسالت مساجد که مظهر تجلّی اسم ربّ ودود و مریگیری الهی است و در تداوم مسیر تزکیه و تعلیم انبیاء به نقش آفرینی می پردازد بیش از هر زمان در بحران ها و تهاجمات علیه اسلام از صدر اسلام مشهود است، به نحوی که آغاز و انجام هر غزوه و دفاع پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمین از مسجد بوده و به مسجد ختم شده است، امروز که این رسالت به عهده علمای عظام و روحانیت معزز و اولیاء خدوم مساجد است، ضرورت اهتمام به امور مسلمین و پیشگیری از خطراتی که جامعه اسلامی و حرث و نسل را تهدید می کند بیش از پیش احساس می شود، از مهم ترین این مسائل تهاجم دشمن یا جنگ نرم تدارک دیده شده آنها به سبک زندگی و فرهنگ اسلامی ماست که با تغییر نگرش خانواده و به ویژه زنان سعی در تغییر سبک زندگی، برنامه ها و اولویت های مادران از توجه به خانواده و تربیت نیروی انسانی صالح و سالم و شاداب به حضور اجتماعی و شغل و تحصیل است و آن را به عنوان اولویت تربیت و رشد خود مطرح می کنند و در این عرصه وسوسه شیطانی حتّی مؤمنین متوکل ما را هم هدف قرار داده است و آنها تأکید می کنند که می دانیم که رزق و روزی انسان ها با خداست و فرزند برکت می آورد اما تربیت او برای ما مهم است، لذا از اولویت های اساسی مساجد، آشنا کردن با آیات و روایات در تشخیص دقیق وظایف مؤمنین است که در دو بخش به بررسی آثار تکثیر نسل در آیات و روایات می پردازیم.

در قرآن یکی از اهداف تزویج به آرامش رسیدن مرد و زن در کنار هم می باشد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم/ 21) و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید.

از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً، و در میان همه انسان ها به صورت عموم، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می کند: و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و در آیه دیگر می فرماید: «فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْإِنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری/ 11) «او آفریننده آسمان ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت هایی از چهارپایان آفرید و شما را به وسیله همسران تکثیر می کند، همانند او چیزی نیست و او شنوا و بیناست.»

طبق آیه فوق هدف دیگر تزویج، تکثیر نسل (فرزنددار شدن می باشد) که خود از لوازم تحقق هدف اولی یعنی به آرامش رسیدن همسران نیز هست، چنانچه می دانیم که زن و مرد بالفطره علاقمند به فرزنددار شدن می باشند، یعنی یکی از خصوصیات طبیعی و غریزی انسانی در دنیا، گرایش به فرزند است که مسلماً ارضاء این نیاز فطری موجب آرامش آنها در زندگی خواهد بود و عدم وجود آن در برخی اوقات موجب سردی و حتی سست شدن پایه های زندگی خواهد شد. لذا همانطور که ازدواج در اسلام امر مقدسی قلمداد شده و به انجام آن در آیات و روایات تأکید و توصیه فراوان شده است، به فرزنددار شدن نیز که از لوازم پایداری و

بنای زندگی است سفارش بسیار گردیده، چنانچه در روایاتی مشهور در ترغیب به سنت حسنه ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «النَّكاح سنتی فمن رغب سنتی فلیس منی» (مجلسی، 1362، ج 23، ص 220، ح 103) «ازدواج سنت من است پس هرکه از سنت من روی گرداند از من نیست» و در روایتی دیگر ایشان صلی الله علیه و آله فرمود: «تزوَّجوا فانی مکاثر بکم الامم و لاتکونوا کربانیه النصارى» (پاییز، 1374، ح 1144؛ مجلسی، 1362، ج 82) «ازدواج کنید که من به زیادی جمعیت شما مسلمانان بر ملل دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرید.» و باز می فرمایند: «تزوَّجوا الودود الودود، فانی مکاثر بکم الانبیاء» (پاییز، 1374، ح 1144؛ نوری، 1414ق، ص 178) «با زنِ مهربان و بچه آور ازدواج کنید زیرا من به کثرت جمعیت شما مسلمانان بر سایر پیغمبران افتخار می کنم.»

در هیچ یک از این آیات و روایات قید فرزند صالح شرط فرزندآوری قرار نگرفته چرا که چنین شرطی محال است زیرا انسانی که به دنیا نیامده صالح یا غیرصالح بودنش معلوم نمی شود؛ ضمن اینکه توصیه به فرزند زیاد آوردن و توصیه به تربیت نیکو و صالح نیز با هم منافاتی ندارد و قاعدتاً از خانواده مؤمن که رعایت موازین اسلامی و اخلاقی را می کند انتظار پرورش فرزند صالح وجود دارد مگر در موارد استثناء.

1-2. گشایش روزی

وسعت و گشایش روزی از وعده هایی است که خداوند همراه با آوردن فرزند داده است. در ادامه آیه قبل می گوید: «مقالید السموات و الارض یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر انّه بکل شیء علیم.» (شوری، 12) «کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد و برای هر کس بخواهد محدود می سازد، او از همه چیز آگاه است.»

به نظر می رسد این آیه نتیجه ای برای آیه قبل «فاطر السموات و الارض جعل لکم من انفسکم ازواجاً» باشد چنانچه می فرماید آفریننده آسمان و زمین خداست و کلیدهای آسمان و زمین (خزائن عالم) نیز دست اوست، تمام رزق و روزی ها نیز در قبضه قدرت خداوند است و بر طبق مشیتش که از حکمت او سرچشمه می گیرد و مصالح بندگان در آن ملحوظ است آن را تقسیم می کند و از آنجا که بهره مند ساختن همه موجودات زنده از روزی ها نیاز به علم و آگاهی از مقدار احتیاجات و محل و سایر خصوصیات آن دارد؛ در آخرین توصیف اضافه می کند او به همه چیز داناست. «انّه بکل شیء علیم»

این آیه به قرینه آیه قبل و با توجه به آیاتی که دلالت بر آن می‌کند که از ترس فقر فرزندانان را نکشید «و لا تقتلوا اولادکم خشیه اطلاق نحن نرزقکم و ایاهم» (اسراء، 31) که خداوند روزی آنها را می‌دهد. بیانگر آن است که استنباط عوام از آنکه آوردن فرزند که موجب ازدیاد مخارج خانواده می‌شود ممکن است آنها را به فقر بکشاند غلط است، چرا که طبق آیه شریفه خداوند وعده می‌دهد که هر فرزندی را که به شما می‌دهد روزی آن را نیز جلوتر از آن که حتی به دنیا بیاید می‌فرستد چنانچه هنگام به دنیا آمدن نوزاد روزی اش را جلوتر در سینه مادر قرار داده است بنابراین افزایش فرزندان با افزایش روزی رابطه مستقیم دارد؛ بلکه قرآن فراتر از آنچه شما نگران آن هستید (روزی فرزند به دنیا آمده)، به روزی شما هم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و ایاهم» روزی شما هم به دست ما است، (پس از چه هراس دارید؟) لذا می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها اینکه فرزند بار مضاعف بر دوش خانواده نمی‌باشد بلکه به مجرد آمدن فرزند درآمد خانواده وسعت و برکت نیز می‌یابد.

1-3. علم و اراده خداوند

علم و اراده خداوند بر کل هستی و جهان حاکم است و فرزندان شدن به علم و اراده اوست چنانچه می‌فرماید: «ان الله یخفی علیه شی فی الارض و لا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم» «بی گمان هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نیست. اوست که شما را در رحم‌ها هر گونه که بخواهد صورتگری می‌کند. خدایی جز او نیست که شکست ناپذیر حکیم است.» (آل عمران، 5 و 6) «والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً و ما تحمل من اثی و لا تضع الا بعلمه و لا ینقص من عمره الا فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر» (فاطر، 11) «و خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس نطفه‌ای، آنگاه شما را زوج‌ها گردانید و هیچ زنی باردار نمی‌شود و بار نمی‌نهد مگر به علم او، هیچ کهن سالی عمر طولانی نمی‌کند و یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر آنکه در کتابی [مسطور] است. بی شک این [کار] بر خدا آسان است.» آیات قرآن در جای دیگر نیز به علم خداوند در فرزنددار شدن انسان اینگونه اشاره می‌کند که: «افریتم ما تمنون. انتم تخلقونه ام نحن الخالقون» (واقعۀ 58 و 59)؛ آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید آگاهید؟ آیا شما آن را آفرینش می‌دهید یا ما آفریننده ایم.

آیا یقین دارید که این نطفه به جنین و فرزند تبدیل شود و آیا شما مراحل آفرینش آن را در رحم و شکم هایتان به عهده دارید یا به دست پر قدرت خداوند این کار صورت می‌گیرد.

این آیات بیانگر آن است که فرزندان را شدن انسان به علم و اراده خداوند است، و نه خواست و اراده انسان به تنهایی. از این آیات و آیه قبل که وعده خداوند در دادن روزی فرزند است نتیجه می گیریم که خداوند که با علم و آگاهی و اراده خود فرزندی را عطا می کند روزی آن را هم حتماً عطا می کند. شاید اگر فرزندان شدن تنها به خواست و اراده انسان بود و خداوند هم به روزی آن وعده نداده بود مشیت عطاء روزی توسط خداوند، گاهی بر خواست ما تعلق نمی گرفت؛ حال آنکه خداوند، خلقت و روزی نه تنها انسان، بلکه تمام موجودات را نیز از آن خود می داند و می فرماید: «هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن بر خداست، و قرارگاه او را می داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل می شود (نیز) باخبر است و در هر جا باشد روزیش را به او می رساند. (وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسَدَّعَهَا؛ تمام این حقایق (با همه حدود و مرزهایش) در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است.» (كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (هود / 6)

طرز روزی رساندن خداوند به موجودات مختلف، بسیار حیرت انگیز است، از جنینی که در شکم مادر قرار گرفته تا حشرات گوناگونی که در اعماق تاریک زمین و لانه های پر پیچ و خم و در لابلای درختان و بر فراز کوه ها و در قعر درّه ها زندگی دارند، از دیدگاه علم او هرگز مخفی و پنهان نیستند، و همانگونه که قرآن می گوید خداوند، هم جایگاه و «آدرس اصلی» آنها را می داند و هم محل سیار آنان را، و در هر جا باشند روزیشان را به آنان حواله می کند. (مکارم شیرازی، 1382، ج 2، ص 326)

و در پاسخ این سؤال که آیا روزی هر کس از آغاز تا پایان عمر تعیین شده، و خواه ناخواه به او می رسد؟ باید بگوییم درست است که روزی هر کس مقدر و ثابت است، ولی در عین حال مشروط به سعی و تلاش و کوشش می باشد، و هرگاه این شرط حاصل نشود مشروط نیز از میان خواهد رفت.

نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی در واقع ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تأمین زندگی به هر در می زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی شود.

آیات قرآن و احادیث اسلامی به این گونه افراد هشدار می دهد که بیهوده دست و پا نزنند، همین اندازه که آنها در طریق مشروع گام بگذارند و تلاش و کوشش کنند، مطمئن باشند خداوند از این راه همه نیازمندی های آنها را تأمین می کند. چرا که طبق آیات، خداوند عالم

است و توانا، عالم است بر نیاز موجودی که خلق کرده و تواناست بر خلق او و عطاء روزی (رفع نیازش) چنان که وعده کرده است، صادقاً لا يُخْلِفُ (قمی، بی تا، جوشن کبیر، فراز 100) یعنی راست وعده ای است که خلاف وعده نمی کند.

1-4. حکمت پروردگار

همانطور که در قبل اشاره کردیم که عطاء فرزند به علم و اراده خداوند است چگونگی و زمان آفرینش آن نیز براساس حکمت و اراده خداوند است، لذا هر زمان که صلاح بداند و برای هر کس که بخواهد و مشیّت او تعلق بگیرد فرزند عطا می کند. زودهنگام و یا در کهنسالی، چنانچه در آیات قرآن اشاره می کند که اسحاق و اسماعیل را براساس حکمت خود در پیری به ابراهیم علیه السلام بخشیدیم.

«الحمد لله الذی وهب لی علیّ للکبر اسمعیل و اسحق ان ربی لسمیع الدعاء» (ابراهیم/39)؛ ستایش خدای را که در وقت پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا کرد. به راستی پروردگار من شنونده دعاست.

این آیات نشانگر آن است که خداوند چقدر حکیمانه فرزند عطا می کند که زمان آن هم براساس حکمت اوست. چگونه خداوندی که علاوه بر اصل آفرینش، زمان آفرینش را نیز حکیمانه تقدیر می کند نیازها و ملزومات بقاء و زندگی آفریده و مخلوق خود را در نظر نداشته باشد و روزی او را حکیمانه تقدیر ننماید؟! او که چگونگی خلقت انسان را نیز حکیمانه تقدیر می کند. چنانچه درباره شیوه بارداری حضرت مریم و تولّد حضرت عیسی می فرماید: «اذکر فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً فاتخذت من دونهم حجاباً...» (مریم / 21 - 15) «و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود در ناحیه شرقی [بیت المقدس] خلوت گزید و میان خود و آنها پرده ای افکند [برای عبادت] پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد. مریم گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزکار باشی. گفت: من فقط فرستاده پروردگار توام بر این که به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت چگونه مرا پسری باشد با آن که دست بشری به من نرسیده و بدکاره هم نبوده ام. گفت: اینگونه پروردگار تو فرمود: آن بر من آسان است و برای این است که او را آیتی برای مردم قرار دهیم و رحمتی از جانب ما باشد و این امری حتمی است.» البته لازم به ذکر است که خداوند همه آنچه را که برای ما تقدیر می کند براساس اسباب و لوازم آن محقق

می شود نه به معنای این که خداوند قادر نیست بدون اسباب و علل کاری انجام دهد، بلکه استثنائاتی است که از آن تعبیر به معجزه می شود که آن هم برای معرفی حجت خداست و قدرت آن نیز در دست اوست؛ اما مشیت او نیست که همه کارها به این نحو انجام شود. لذا داشتن فرزند در هر سنی به مشیت پروردگار امکان پذیر است.

1-5. عامل نزدیکی به خداوند

1-5-1. توسل و توکل به خدا

همانطور که گفتیم داشتن فرزند از مواهب بزرگ و نیاز فطری و غریزی انسان است که موجب آرامش، استحکام و بقاء خانواده می باشد و اسلام هم به آوردن آن توصیه می کند. اما زمان و چگونگی اعطاء آن براساس علم و حکمت خداوند است، یکی از حکمت های تأخیر در اعطاء این موهبت این است که بنده به واسطه دعا و درخواست از خداوند به او تقرب بیشتری پیدا می کند. قرآن به استجابت دعای حضرت زکریا و حضرت ابراهیم اشاره می کند. «و زکریا از نادی ربّه رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجه انهم کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین»؛ (انبیاء/ 90 - 89) و زکریا را هنگامی که پروردگار خود را خواند: پروردگارا مرا تنها [بی فرزند] مگذار و تو بهترین وارثانی. پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و [نازایی] همسرش را برای او اصلاح کردیم به راستی آنها را در کارهای نیک پیشقدم بودند و ما را از روی امید و بیم می خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند و البته آزمایشی است برای بندگان خدا که آیا از رحمت خداوند مأیوس می شوند یا به او توکل و اعتماد دارند. «و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین» (مریم/ 2) «و با بیم و امید ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.» و تأکید بر این نکته که فرزندان شدن به امر و اراده خداوند است و نه فقط خواست و اراده انسان یعنی اگر خواست خداوند بر اعطاء آن باشد مسلماً بر خواست بنده غالب خواهد شد و مسلماً از خواست او هیچ مفرّ و گریزی وجود ندارد. «وکان امرأ مقضیاً» «واین امری حتمی است» «فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتی مت قبل هذا وکنت نسیاً منسیاً» (مریم/ 23)؛ آنگاه درد زایمان او (حضرت مریم) را بسوی تنه نخلی کشاند. گفت: ای کاش پیش از این مرده و یکسره فراموش شده بودم!» (انبیاء / 90) «پس (به ناگاه فرزندش) از زیر (پای) او، وی را ندا داد که اندوه مخور، همانا خداوند در زیر پایت جویی روان قرار داده است....» (مریم/ 24) و اینگونه خداوند به وی آرامش داد.

از دیگر عوامل نزدیکی به خداوند نیکی کردن به بندگان اوست، خصوصاً کسانی که برگردن ما حقی دارند:

«وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا»؛ (اسراء/ 23) و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بر الرجل بولده بره بوالديه» «نیکی مرد به فرزندش، نیکی اوست به پدر و مادرش.» (طبرسی، 1370، 1 / 475 / 163)

یکی از مصادیق نیکی به دیگران دعای خیر درباره آنهاست از آنجا که در قرآن به والدین و فرزند هر دو سوگند یاد شده که به نوعی اهمیت هر یک را می توان نتیجه گرفت «و والد و ما ولد» (بلد/ 3) در دعای متقابل والدین و فرزندان در حق یکدیگر، دعای والدین تأثیر بسزایی دارد، لذا توصیه شده که والدین علاوه بر انجام تکالیف و وظایف خود در قبال فرزندانشان، در حق آنان و برای اصلاح و عاقبت به خیری آنها دعا کنند و زمینه باقیات الصالحات را برای خود فراهم کنند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «رحم الله من اعان ولده علی بره وهوان یعفو عن سیئه ویدعو له فیما بینه و بینا لله ؛ خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود یاری رساند، بدین گونه که از گناه و خطای او درگذرد و به درگاه خدا برایش دعا کند.» (مجلسی، 1362، ج 70، ص 98، ح 104)

و البته این محقق نمی شود مگر اینکه ما صاحب فرزند باشیم و مسلماً کثرت فرزندان با کثرت دعا و کثرت نیکی می تواند رابطه مستقیم داشته باشد.

1-6. مغفرت و بخشش

1-6-1. پاداش سختی

برخی با استناد به روایتی ضعیف که «قَلَّتْ عیال» را «احدا لیسارین» عنوان می کند سعی در اثبات ضرورت کنترل جمعیت دارند و این مطلب را توصیه به کم فرزندی تفسیر می کنند در حالیکه اگر از ضعف روایت صرف نظر کنیم آیا هدف از زندگی راحت طلبی است و آیا برای تحصیل و تربیت به سختی نمی افتند و آیا معنی روایت توصیفی است یا تکلیفی و تعیین

مسیر زندگی؟ پس معنی لقد خلقناه الانسان فی کبد چیست؟ آیا راه رشد از میان سختی ها عبور کردن نیست؟

در آیات و روایات بسیاری آمده که هر سختی که به مؤمن وارد شود باعث مغفرت و بخشش گناهان اوست.

طبق فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله: «هیچ درد و رنج و اندوه و حزن و غمی به مسلمان نمی رسد، حتّی تیغی که به پای او می رود، مگر این که خداوند متعال، گناهان وی را به خاطر آن می آمرزد.» (مجلسی، 1362، ج 77، ص 144) لذا رنج و مشقّت دوران بارداری و شیرخواری برای مادر اجر و ثوابی بسیار داشته موجب مغفرت وی می باشد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما من مرض او وجع یصیب الومن الا کفاره لذنبه. هیچ بیماری یا دردی نیست که به مؤمن برسد، مگر این که کفاره گناه او باشد.» (ترمذی، 1357ق، ص 2648) همچنین تحمّل سختی کار و تلاش پدر برای اداره زندگی و تهیه ملزومات و مایحتاج فرزندان و رفع نیازهای مادی و معنوی آنها نیز اجر و ثوابی بسیار دارد و موجب مغفرت

وی است؛ جای دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده؛ «من بات کالاً فی طلب الحلال بات مغفورا له»؛ هرکه برای کسب درآمد حلال، خود را به رنج افکند، آمرزیده است. (متقی هندی، 1409ق، ص 9215)

به همین دلیل در آیات قرآن به حقّ پدر و مادر سفارش شده است. «و وصّینا الانسان بوالدیه حملته امّه وهنّاً علی وهن وفضاله فی عامین ان اشکرلی و لوالدیک الی المصیر» (لقمان/14) «و ما به انسان در حق پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با ضعف روزافزون حمل کرد و دوران شیرخواری او در دو سال است که شکرگذار من و پدر و مادرت باش که به سوی من است بازگشت.»

1-6-2. خدمت به خانواده

از عوامل دیگر مغفرت، خدمت به خانواده است؛ چنانچه اجر کسب روزی حلال، بیشتر از جهاد فی سبیل الله بیان شده است. «ان الذی یطلب من فضل یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله» (مجلسی، 1362، ج 29، ص 339، ح 78) کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش در طلب روزی خدا بر آید پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می کند و در جای دیگر کفّاره گناهان بزرگ شمرده شده؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «خدمه العیال کفاره للکبائر وتطفی غضب الرّب» «خدمت کردن به خانواده، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می نشاند.» (شهیدی، 1363، ص 751، ح 276)

ص: 298

در آیات و روایات فوق وجود فرزند وسیله ای برای مغفرت و آمرزش والدین ذکر شده است. عکس این حقیقت نیز در آیات قرآن وجود دارد که مغفرت و بخشش خداوند موجب نزول رحمت و برکت می شود و یکی از این رحمت ها اعطاء فرزند است. چنانچه می فرماید: «فقلت استغفروا ربکم انه کان غفاراً» (نوح/10) «از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است و شما را می بخشد.» «یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا» (نوح / 12) «خدا از آسمان باران های پر خیر و برکت را پیاپی می باراند. [و اینگونه زمینه را برای افزایش دارایی شما فراهم کرده و شما را کمک می کند] و با اعطاء فرزند شما را یاری می کند.»

از جمع آیات و روایات این بخش نتیجه می گیریم که فرزند رابطه مستقیمی با بخشش و مغفرت خداوند دارد یعنی نسبت آنها سبب و مسبب می باشند، چنانچه رنج و سختی حاصل از رشد و تربیت فرزند موجب مغفرت والدین است، یکی از پاداش های مغفرت و بخشش انسان نیز اعطاء فرزند است.

البته گاهی اوقات سختی ها و رنج و مصائبی که به انسان مؤمن، خصوصاً اولیاء خدا و پیامبران می رسد بخاطر آزمایش و علو مقام آنها می باشد، اما نتیجه یکسان می باشد چنانچه حضرت ایوب نتیجه آزمایش و صبر خود را بر مصائب و بلاهای زنده شدن دوباره فرزندان و دو برابر شدن آنها مشاهده نمود. «فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضرر و ءاتیناه اهلہ و مثلهم معهم رحمہ من عندنا و ذکرى للعابدین» (انبیاء/84) «پس دعای او را اجابت نمودیم و آسیب وارد شده بر او را برطرف کردیم و خانواده او و نظیرشان را همراه با آنان مجدداً به وی عطا کردیم تا رحمتی از جانب ما و تذکری برای خداپرستان باشد.»

1-6-3. درخواست مغفرت

یکی دیگر از عوامل آمرزش، دعا و درخواست مغفرت برای درگذشتگان است، خصوصاً دعای متقابل والدین و فرزندان نسبت به هم، به سبب علاقه و حقوقی که بین آنهاست. «یلزم الوالد من الحقوق لولده مایلزم الولد من الحقوق لوالده» (متقی هندی، 1409. ق، 45344) «همچنان که پدر بر فرزند حقوقی دارد، فرزند را نیز بر پدر حقوقی است.»

لذا، دعای فرزندان نیز در حق والدین خویش و طلب آمرزش برای آنها نیز مؤثر و نزدیک به اجابت است، از همین روی توصیه شده که فرزندان برای والدین خود در زمان حیات

ایشان و چه پس از مرگ ایشان دعا کنند چنانچه در قرآن فرموده: «و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا.» (اسراء/24) «بار پروردگارا پدر و مادر مرا مشمول رحمت خویش قرار ده (رحم کن) همانگونه که در کودکی مرا تربیت کرده اند.»

از دیدگاه علامه طباطبایی: آیه بیش از این دلالت ندارد که دعای فرزند در مظنه اجابت است و همچنین دعائی بی خاصیت نیست. زیرا هم گفتیم که ممکن است به اجابت برسد و هم اینکه ادبی است دینی که فرزند از آن استفاده می برد، ولو در موردی مستجاب نشود و پدر و مادر از آن بهره مند نگردند. (موسوی همدانی، 1374، ش 111/13)

و طبرسی نیز گفته است: این آیه دلالت دارد بر این که دعای فرزند برای پدر و مادرش که از دنیا رفته اند مسموع است، زیرا اگر مسموع نبود و برای آنها اثری نداشت معنا نداشت که در این آیه امر به دعا کند. (طبرسی، 1415ق، 61246)

در موارد فراوانی از قرآن از زبان پیامبران برای والدین ایشان طلب مغفرت شده «ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب» (ابراهیم/41) «ای پروردگار من روزی که حساب برپا می شود، مرا و پدر و مادر و مؤمنان را بیامرز.» البته طلب مغفرت پیامبران برای خویش و پدران و مادرانشان که در قرآن به طور مکرر بیان شده با عصمت پیامبران منافات ندارد زیرا طلب مغفرت برای ترک اولی بوده است و یا اینکه ایشان بخاطر آنکه به نظر خودشان، حق خدا یا عبادت خدا را ادا نکرده بودند طلب مغفرت می کردند.

1-7. باقیات الصالحات

1-7-1. اولاد صالح

همانطور که می دانیم و در متون دینی هم اشاره شده، با مرگ پرونده اعمال انسان کاملاً بسته نمی شود؛ بلکه اثرات برخی از اعمال انسان در هنگام حیات تا مدّت ها و شاید ابد باقی بماند و لذا اثرات و نتیجه آن مستوجب پاداش و عقوبت برای بنیانگذار و عامل آن شود. یکی از این اعمال تربیت صحیح فرزند (فرزند صالح) است که بعد از مرگ والدین می تواند موجب باقیات الصالحات پدر و مادر شود یا بالعکس. لذا می فرماید: «آن جا (بود که) زکریا پرودگار را خواند و گفت: پروردگارا، از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی» و «ابراهیم عرضه داشت، ای پرودگار من مرا (فرزندی) از شایستگان بخش.» «رب هب لی من الصالحین» (صافات/100) «ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و

اجعلنا للمتقين اماما» (فرقان/ 74) «پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان.»

روایتی است از امام صادق علیه السلام: فلانی - حضرت نام این مرد را برد- گفت: من علاقه‌ای به داشتن فرزند نداشتم تا این که روزی در عرفة جوانی را در کنار خود دیدم که دعا می‌کرد می‌گریست و می‌گفت: خدایا، پدر و مادرم، پدر و مادرم. از آن موقع که این را شنیدم به داشتن فرزند علاقه مند شدم. (کلینی، 1375، ص 3/5)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرماید: «الولد الصالح ريحانة من الله، قسمها بين عباده» «فرزند شایسته دسته‌گلی است از جانب خداوند که میان بندگانش قسمت می‌کند.» (کلینی، 1375، ص 1 و 2) از آنجا که کثرت دعا کنندگان در استجابت آن مؤثر است لذا کثرت فرزندان صالح به مؤمنین توصیه می‌گردد.

1-7-2. نیکنامی

یکی دیگر از مظاهر باقیات الصالحات به نیکي یاد کردن انسان است پس از مرگ او. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «الولد الصالح اجمل الذکرین» «فرزند صالح، زیباترین نام نیک است.» (مجلسی، 1362، ج 85، ص 101، ح 104)

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «میراث خداوند عزوجل از بنده مؤمن خود فرزندی است که، پس از مرگ او، خدا را عبادت کند.» حضرت صادق علیه السلام سپس آیه زکریا را تلاوت کرد: «از جانب خود به من ولی (و جانشینی) ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب ارث برد.» (مجلسی، 1362، ج 85، ص 101، ح 104)

1-7-3. صدقه جاریه

فرزندان صالحی که باعث نیک نامی والدین خود می‌شوند؛ اعمال و کردار خوب آنها نیز صدقه جاریه والدین، موجب آمرزش آنهاست. روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «عیسی بن مریم بر گوری گذشت که صاحب آن عذاب می‌کشید سال بعد نیز از همان گور گذشت و دید دیگر عذاب نمی‌شود. عرض کرد پروردگارا پارسال از این گور عبور کردم و صاحبش عذاب می‌شد و امسال که از آن می‌گذرم دیگر عذاب نمی‌کشد؟ خداوند جل جلاله به او وحی فرمود: ای روح الله فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی را درست کرد و یتیمی را سرپرستی نمود و من بخاطر این کارهای فرزندش او را آمرزیدم.» (حرالعالمی، 1403ق، ج 2، ص 560، ح 11)

از آنجا که وزر و گناه فرزندان در صورت عدم مشارکت والدین بر عهده آنها نیست و بلعکس هر عمل خوب آنها که مستوجب پاداش است بعنوان خیرات برای والدین صالح ایشان ثبت می گردد، لذا عقل نیز حکم می کند که قصاص قبل از جنایت نکرده و به گفته برخی عوام از ترس اینکه فرزندان ما ناشایست و غیر صالح شوند از آوردن فرزند اعراض نکنیم. چنانچه فحوی روایات و آیات نیز این را می رساند که باید لوازم صلاح و تربیت صحیح آنها را فراهم کنیم و ضمن دعا و توکل بر خدا نتیجه را به خدا بسپاریم و در این صورت نتیجه هر چه شود ما مأجوریم همانطور که حضرت نوح نیز بخاطر داشتن فرزندی ناخلف مورد عقاب واقع نشد.

از فحوی آیات و روایات در می یابیم کثرت فرزندان صالح؛ موجب کثرت دعا گویان، صدقات جاریه، نیک نامی و در نتیجه باقیات الصالحات والدین است.

2. کنترل جمعیت اهداف و نتایج آن از منظر قرآن و روایات

2-1. تغییر فرهنگ و نگرش

از آنجا که ارزش های یک جامعه فرهنگ آن جامعه را تشکیل می دهد و فرهنگ هویت یک ملت است، بنابراین هجوم فرهنگی، بهترین راه انحطاط ارزش هاست. یکی از ارزش های اسلامی و دینی ساده زیستی و قناعت همراه با صمیمیت و همدلی است و توکل به خداوند و مأیوس نشدن از رحمت و اسعه او و اعتماد به آنچه خداوند وعده داده است.

با همین توکل است که انسان می تواند در برابر شدائد و سختی ها ایستادگی کند و از وسوسه ها و تهدیدهای دشمن در امان بماند. «التوکل علی الله نجاه من کل سوء، وحرز من کل عدو» (مجلسی، 1362، ج 56، ص 79، ح 78) «توکل برخداوند مایه نجات از هر بدی و محفوظ ماندن از هر دشمنی است.» چنانچه از صدر اسلام تاکنون از شعب ابی طالب تا تحریم اقتصادی ایران پیروان اسلام با توکل به خدا، به مقاومت و ایستادگی پرداختند و بهترین الگو و سرمشق کشورها بودند و هستند.

ترس از فقر از جمله اموری است که همه جوامع در همه اعصار و در هر طبقه از آن گریزان بودند؛ اما برای مؤمنینی که ضمن تلاش و کار به خدا توکل داشته و از او مدد می جویند معنی و مفهوم ندارد. اما نگرش اینکه تعریف فقر و رفاه چیست چنانچه امام هادی علیه السلام می فرماید: «الفقر شرّ النفس وشدّه القنوط؛ فقر، سیری ناپذیری نفس است و نومیدی شدید» (مجلسی، 1362، ج 3، ص 368، ح 78) و نگرش سبک و چگونگی زندگی مرفه، چیزی است که

دشمنان برای رسیدن به هدف خود به وسیله آن به فرهنگ ما هجوم آوردند و برای رسیدن به اهداف خود از هیچ عملی مضایقه ننمودند، چنانچه امام علی علیه السلام می فرماید: «ضرر الفقر أحمد من أشر الغنى (تمیمی آمدی، 1410، ص 5904)؛ زیان فقر، پسندیده تر از سرمستی توانگری است.» و «افقر الناس من قتر علی نفسه مع الغنى السعه، و خلفه لغیره (تمیمی آمدی، 1410، 3342)؛ فقیر ترین، مردم کسی است که با وجود توانگری و برخورداری، زندگی را بر خود تنگ گیرد و مالش را برای دیگری باقی گذارد.»

خودداری از آوردن فرزند به بهانه ترس از فقر و سختی زندگی یکی از دسیسه های شیطانی است، چرا که خداوند در آیات متعدّد فرزند را موجب نزول رحمت و برکت دانسته و روزی وی را خود وعده داده است. «و لا تقتلوا اولادکم خشیه املق نحن نرزقکم و ایاکم ان قتلهم کان خطئاً کبیر (اسراء/ 31)؛ فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید این ما هستیم که آنان و شما را روزی می دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ!»

آیه فوق مربوط است به رسوم دوران جاهلیت، زمانی که اعراب بجای توکل بر خدا و پرستش او بتها را شریک خداوند قرار داده و بر شیطان تأسی می نمودند و گمان می کردند که خود روزی ده آنها هستند و چون خود را ناتوان می دیدند و از شریکانشان (بت ها) هم کاری ساخته نبود و آنها را در زندگیشان مؤثر نمی یافتند فرزندان خود را زنده به گور می کردند و یا قربانی بت ها می نمودند. در حالیکه خداوند می فرماید: «انّ ربی یسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له؛ (سبا/ 39) وسعت رزق خداوند است که برای هر کس از بندگان که بخواهد وسعت ایجاد می کند و برای هر کس نخواهد تنگ می گرداند.»

نکته جالب اینکه طبق آیه می فرماید: نه تنها رزق فرزندان دست خداست و فرزند عامل فقر نیست بلکه گاهی رزق و روزی ما در سایه روزی فرزندان است. «نحن نرزقهم و ایاکم»

پس کثرت فرزندان موجب فقر نیست؛ چنانچه در روایات بسیاری به عوامل فقر و تنگدستی اشاره شده است، از آن جمله؛ دم از ناداری زدن، حرص زدن، از فضل خداوند نطلبیدن، خیانت در امانت، کاهلی و ناتوانی، سرکیسه کردن مردم و نفرین فرزند؛ (محمّدی ری شهری، 1375، باب فقر، قسم عوامل فقر) امام صادق علیه السلام می فرماید: «ایما رجل دعا علی ولده أورثه الفقر (مجلسی، 1362، ج 77، ص 99، ح 104)؛ هر مردی که فرزند خود را نفرین کند فقر برایش به ارث گذارد.»

البته مسلماً این منافاتی با این قضیه ندارد که لوازم و اسباب ترقی و زندگی بهتر و دارای امکانات بیشتر را انسان باید با ساماندهی و برنامه ریزی فرصت ها و البته با

توکل و حسن ظن به خداوند بدست بگیرد، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سعی می کردند برای نیازمندان به جای برطرف کردن نیاز آنی آنها کار و سرمایه ایجاد کنند؛ مثلاً با دادن طیور زنده به آنها که منجر به تولید مثل و افزایش آن می شد زمینه کار و سرمایه را برای آنها فراهم می نمودند. مانند مثل معروف که می گوید بجای دادن ماهی، ماهیگیری

را یاد دهید. اما متأسفانه تغییر نگرش در فرهنگ مردم از قناعت و توکل به سمت کسب حداکثر رفاه و امکانات؛ تسهیلاتی، که شاید بیشتر آنها در بیشتر اوقات و به دلایل متعدّد از جمله نداشتن وقت، همدلی، صمیمیت و... نه تنها به آسایش و راحتی آنها کمک نمی کند، بلکه اضطراب ناشی از، از دست رفتن آن نیز دغدغه ای بر مشکلات فکری و روحی آنها می افزاید.

در واقع دشمنان اسلام با تغییر سبک زندگی و تغییر فرهنگ و نگرش مسلمانان برنامه های بلند مدت قطع نسل مسلمین را دنبال می کنند.

2-2. زیبا جلوه دادن گناه

یکی از دسیسه های شریکانی که مشرکین برای خداوند برگزیدند این است که اعمال حرام و گناه را در نظرشان زینت دهند یعنی بعد از قدم اول که تغییر نگرش و فرهنگ یعنی عدم توکل به خدا و شریک قرار دادن و مؤثر دانستن غیر اوست؛ پا را فراتر می گذارند و گناهان و اعمال حرام را که دست مایه نگرش های غلط است در نظرشان جلوه می دهد.

همانطور که در روایات هم آمده، انسانی که از راه صراط خارج شده ابتدا ذهن و نگرش او دچار تردید و شبهه و خطا می گردد و سپس این نگرش و افکار موجب نزدیکی او به گناه و ارتکاب عمل حرام می شود و این گناهان کم کم قلب او را سیاه می کند؛ چنانچه توبه نکند و بر گناه اصرار ورزد اعمال زشت ملکه او شده، تردید و ترس از گناه در او از بین برود و تا حدی پیش می رود که اعمال خود را بر حق می بیند و برایش زیبا جلوه می کند.

«من کثر فکرة فی المعاصی دعتہ إلیها (تمیمی آمدی، 1410، ج 5، ص 321)؛ کسی که در مورد گناهان زیاد فکر می کند، گناهان او را به سوی خود می کشند.»

«لازینّ لهم فی الارض و لاغوبنهم اجمعین (حجر/ 39)؛ [شیطان گفت] من هم [باطل را] در روی زمین حتماً برایشان می آرایم (زینت می دهم) و همه را گمراه می سازم.»

و باز می فرماید، کشتن فرزند فعل حرام است. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ (انعام / 151)؛ بیایید آنچه پروردگارتان بر شما حرام

کرده بخوانم و آن اینکه چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان را از بیم فقر نکشید.»

همان چیزی که در نظرشان زینت داده بودند: «و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکاؤهم» (انعام / 137) در این آیه می فرماید: «همچنین برای بسیاری از مشرکین، شریکانشان کشتن فرزند [یعنی همان فعل حرام] را زینت داده بودند.»

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «دل بنده همیشه پذیرای بیم و امید است، تا آنگاه که خونی را به نا حق بریزد؛ پس چون خون ریخت دلش واژگون شود و بر اثر گناه کوره آهنگری تقطیده و سیاه شود و دیگر نه کار خوب را، خوب داند و نه کار بد را، زشت شمارد.» (متقی هندی، 1409ق، 3995)

2-3. هلاکت مسلمین

چنانچه گفتیم در ادامه آیه قبل خداوند می فرماید «قتل اولادهم شرکائهم» (انعام / 137)؛ کشتن فرزندان را زینت داده بودند که آنها را هلاک کنند.» یعنی کشتن فرزندان موجب هلاکت می شود که می توان دو نتیجه از آن گرفت. یکی اینکه به دلیل انجام حرام (قربانی کردن فرزندان خود برای بت ها و یا زنده به گور کردن آنها) به دلالت قرآن، هلاک می شدند و دوم آنکه تعداد نفرات آنها که به دلالت آیات متعدد که (فرزند را) موجب قوت و قدرت می داند رو به کاهش و سستی می رود.

«یمددکم باموال و بنین (نوح / 12)؛ و شما را به اموال و پسران مدد کند.»

و نیز می فرماید:

«الذین من قبلکم کانوا اشد منک قوه و اکثر اموالا و اولادا فاستمتعوا بخلاقهم و خضتم کالذی خاضوا اولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره و اولئک هم الخاسرون (توبه / 69)؛ (شما منافقان) که همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه انفاق پوئیدند) و آنها از شما نیرومندتر و اموال و فرزندان شان فروتر بود، آنها از بهره خود (در دنیا در راه هوس ها و گناه) استفاده کردند، شما نیز از بهره خود در این راه استفاده کردید و اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد و آنها زیانکارانند.»

از فحوی آیات می توان استفاده کرد که یکی از بهره هایی که نصیب انسان می شود اموال و فرزندان است که موجب قدرت و قوت انسان می گردد. لکن به واسطه انجام گناهان

و پرداختن به هوس ها و کارهای باطل این نعمت از انسان گرفته می شود و هنگامی که این نعمت که موجب قدرت و نیروی ما بوده با معاصی از بین برود هلاکت ما امری حتمی است.

2-4. مشتبّه ساختن دین

در ادامه همان آیه می فرماید «ليردوهم و ليلبسوا عليهم (انعام / 137)؛ و دینشان را بر آنان مشوش و مشتبّه سازند. [و یگانه پرستی را با خرافات بیامیزند]» حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اشبهه علی اربع شعب: اعجاب بالزينة و تسويل النفس، و تاوّل العوج، و لبس الحق بالباطل؛ شبهه چهار شاخه دارد: دل باختن در برابر زیور (دنیا)، وسوسه نفس، توجیه کردن کجی ها و آمیختن حق به باطل.» (کلینی، 1375، ج 1، ص 393، ح 2)

عشق به بت ها کار را به جایی رسانده بود که این عمل زشت از نظر آنها زیبا جلوه می کرد و حتی به آن افتخار می کردند؛ این آداب و رسوم غلط باعث شد تا کم کم آئین حق ابراهیمی تحریف و دگرگون گشته و خرافات به عنوان عبادت تلقی شود. کاری که مایه هلاکت نسل آنان می گردید. از قسمت قبل آیه پی بردیم که گناه باعث هلاکت انسان می شود و بدتر از آن توجیه و تزئین آن گناه است که علاوه بر آنکه عامل سقوط و هلاکت انسان است، دین آنها را هم مشتبّه ساخته و با خرافات آمیخته می کند. اینچنین طبق آیه قرآن، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال جلوه می دهند. «قل أرى يتم ما انزل الله لكم من رزق فجعلتم منه حراماً و حلالاً قل و الله أدن لكم ام على الله تفكرون (یونس/ 59)؛ آن روزی هایی که خدا برای شما نازل کرده و شما برخی از آنها را حرام و برخی را حلال قرار داده اید. آیا خدا به شما اجازه داده است یا بر خدا دروغ می بندید.

لذا دشمنان اسلام که بزرگترین خطر را افراد دین دار می دانند ضمن اینکه برای هلاکت آنها از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند پیوسته در صدد هستند تا دین آنها را مشتبّه ساخته با انواع خرافات بیامیزند.

و برای خداوند شریک قائل می شدند. «و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء إن يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون (یونس/ 66)؛ و کسانی که غیر از خدا شریکانی (برای او) می خوانند، از چه پیروی می کنند آنها صرفاً از پندار پیروی می کنند و جز دروغ نمی گویند.»

و قربانی کردن فرزندان را برای بت ها مایه تقرب خود به خدا می دانند. «قتل اولادهم شركائهم» بخاطر شرکائشان (بتها) گاهی فرزندان خود را قربانی می کردند و یا نذر می نمودند که اگر فرزندی نصیب آنها شد آن را برای بت قربانی کنند و اینگونه حرام خداوند را حلال می نمودند.

چنانچه گفتیم اموال و اولاد مایه قوت و قدرت است، در قرآن آیات متعددی وجود دارد که نشانگر افتخار و برتری جویی کفار بر مسلمین به دلیل کثرت اولاد و فرزندان و یا تعداد نفرات و سربازان بیشتر می باشد. «وقالوا نحن اکثر اموالا و اولادا و ما نحن ليعذبين (سباء/34)؛ و گفتند اموال و اولاد ما بیشتر است [این آستانه تقرب ما به خداست] و ما عذاب نخواهیم شد.»

و باز می فرماید: «اعلموا انما الحيوه الدنيا لعب و لهو و زينه و تفاخر بينكم و تكاثر في الاموال و الاولاد؛ (حدید/20) بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زینت و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و اولاد و فرزندان است.»

خداوند پیامبر خود را هشدار می دهد که مبدا فکر کنی چرا اموال و اولاد که مایه قدرت و قوت است خداوند به کافران و مشرکان عطا نموده است، چرا که ما همین نعمت اولاد و ثروت را برای کفار و کسانی که گناهکارند و از کفر خویش بر نمی گردند، از آنجا که خود فکر نمی کنند مایه عذاب و نعمت قرار می دهیم.

«فلا تعجبك اموالهم انما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوه الدنيا و تزهق انفسهم و هم كافرون (توبه/56)؛ پس مبدا اموال و اولاد آنها تو را به شگفت آورد، جز این نیست که خدا می خواهد در زندگی دنیا با اینها عذابشان کند و جانیشان در حال کفر بر آید.»

اکنون نیز دشمنان اسلام با تلاش برای کاهش جمعیت کشورهای دیگر و برنامه ریزی دقیقی برای افزایش جمعیت و توان خود تلاش می کنند تا اهداف سلطه گرانه خود را با هزینه کمتری پیگیری کنند.

تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه طلبی و برتری طلبی قدرت های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان، رنگ و لعاب کمک های بشر دوستانه و رفاهی و توسعه ای به خود گرفته است.

(1) این شعار بشر دوستانه پوششی است برای اجرای مخفیانه و مکارانه برنامه های سیاسی آنها، جهت تقطیع نسل مسلمین و هلاکت آنها و دست یافتن بر منابع و امکانات حداکثری و با هدف قرار گرفتن در قله اقتدار جهانی و سلطه بر سایر کشورها.

ص: 307

«بار خداوندا تحیت و درود بر محمد و آل او بفرست و با مقام عزت خود سرحداتی کشور مسلمین را محفوظ بدار! و مرزداران و نگهبانان آن را به قوت خودت تأیید فرما! و از ثروت و هدیه های خود عطایشان را گوارا بنما (تا آن که عرض می کند..) خداوندا بدین جهت، دشمنانشان راسست گردان... و در جمعیت و تعدادشان کاهش بده و قلوبشان را از ترس و وحشت سرشار نما و دستشان را از گشادگی ببند!»

تا آن که عرض می کند: «بار خداوندا! رحم زن هایشان را عقیم کن و اصلا ب مردانشان را از نطفه خشک نما.... بار خداوندا به واسطه آن اهل اسلام را قدرت بخش و خانه هایشان را مصون بدار و اموالشان را بدان بارور و با ثمر کن و آنان را از جنگ و نبرد با آنها فارغ گردان تا به عبادت تو پردازند و از کارزار و منازعه با آنها آسوده کن تا با تو خلوت نمایند تا به جایی برسد که در هیچ نقطه از سیط خاک غیر تو پرستیده نشود!» (اشعرانی، 1386، ص 94 تا 96)

قرآن کریم.

آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، 1410ق.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار پیامبر صلی الله علیه و آله با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، 1374ش.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1357ق.

حرالعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، جلد 14، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان، 1403ق.

شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الاخبار، انتشارات شریف رضی، قم، 1363.

صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: علامه آیت الله میرزا ابو الحسن شعرانی، انتشارات قائم آل محمد، 1386.

طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، 1370.

قمی، عباس، سفینه البحار، انتشارات اسوه، قم، 1414ق.

قمی، عباس، مفاتیح الجنان.

کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، چاپ سوم، 1405ق. میزان الحکمه، ویرایش جدید، قم، دارالحديث، چاپ اول، 1375.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ویرایش جدید، قم، دارالحديث، چاپ اول، 1375.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، ناشر: دارالکتب اسلامی، تهران، 1362ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، 1382.

متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414ق.

مقاله حاضر در صدد تبیین حضور بانوان در مسجد، از منظر تاریخ و فقه پویای اسلامی است. نویسنده با استناد به شواهد تاریخی و آیات و روایاتی که جواز یا عدم جواز حضور زنان در مسجد را بیان می کند، به تبیین این موضوع پرداخته است. مقاله در پنج گفتار تنظیم شده است:

در گفتار اول، تاریخچه حضور زنان در مسجد مورد بررسی قرار گرفت. شواهد تاریخی دال بر حضور در قبل اسلام و بعد از ظهور اسلام و عصر ائمه اطهار: تشریح شد.

در گفتار دوم، حضور زنان در مسجد از نگاه فقه و فقها مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، ادله فقها و دانشمندان قائل به افضلیت نماز برای زنان در خانه و قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در گفتار سوم، به تبیین و تشریح شرایط لازم برای حضور زنان در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی پرداخته شد.

در گفتار چهارم، به نقش برجسته زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل و شاخصه های زنان و مادران مسجدی پرداخته شد.

در گفتار آخر (پنجم)، نقش مسجد در غنی سازی اوقات فراغت زنان و خانواده ها مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: مسجد، زنان، تاریخچه حضور زنان در مسجد، عدم جواز حضور، شرایط حضور، نقش برجسته زنان و مادران مسجدی، غنی سازی اوقات فراغت زنان و خانواده.

تربیت نفوس انسانی و رسیدن به کمال، از مهم ترین اهداف ارسال رسل و احکام ادیان الهی است. اسلام برای تربیت الهی مردان و زنان، دستورها و راهکارهایی در نظر گرفته است که از جمله مهم ترین آنها حضور در مسجد، اماکن و معابد مذهبی است.

زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسب دارند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید.

اسلام، با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری، تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با حفظ حریم، عفت و پاکدامنی خود، در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند. تاریخ اسلام سرشار از صحنه هایی است که زنان آفریدگار آن بودند. در این نوشتار برآنیم تا با مطالعه و بررسی تاریخ اسلام، (شواهد تاریخی) منابع فقهی و روایی اسلام به جواز حضور زنان در مسجد و نقش زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل پردازیم.

اشاره

با بررسی تاریخچه حضور زنان در مسجد از منظر قرآن و روایات، به روشنی درمی یابیم که حضور زنان در مساجد و معابد (همزمان با حضور مردان) در ادیان الهی گذشته امری مشروع و عادی بوده است و هیچ گونه منعی در این مورد وجود نداشته است؛ چنان که مستندات قرآنی زیادی بر این مدعا وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می کنیم:

1-1. وحی به عمران بن اُشهم

خداوند پیش از ولادت حضرت مریم علیها السلام به پدرش «عمران بن اُشهم» که از نوادگان حضرت سلیمان بود، وحی کرد که فرزندی به او عطا خواهد کرد که به اذن خدا بیماران را شفا خواهد داد و مردگان را زنده خواهد کرد و او را به سوی بنی اسرائیل مبعوث خواهد کرد. وی این مطلب را برای همسرش «حنّه» بازگو کرد. (عیاشی 1380ق، ج 1، 171) پس از اینکه حنّه باردار شد، به تصوّر این که، این جنین همان فرزند موعود خواهد بود، او را نذر معبد کرد. (مجلسی 1404ق، ج 14، 203) تا در آنجا به عبادت کنندگان خدمت کند. (عیاشی 1380ق، ج 1، 170) پس از ولادت حضرت مریم و فهمیدن آنکه این مولود دختر است، تعجب کرد که چگونه این دختر، همان پیامبر موعود خواهد بود. (قمی

1404ق، ج 1، 101) نگرانی مادر حضرت مریم علیها السلام جهت ایّام حیض وی بود، نه از جهت اصل حضور وی. او با این که زن بود، معاف نشد بلکه مشکل حضور دائمش برداشته شد و احتمال دارد خداوند حضرت مریم علیها السلام را از مشکلاتی که زنان را از حضور در مسجد منع می کند پاک کرده باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه ای

که به نجاشی می نویسد از حضرت مریم علیها السلام با صفت طَیِّبَةُ «بتول» یاد می کند. (ابن خلدون 1363،434) واژه «بتول»، در اینجا به زنی گفته می شود که خون حیض نبیند. شیخ صدوق از امام علی علیه السلام روایت کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: ای رسول خدا! «بتول» یعنی چه؟ از شما شنیده ایم که گفته اید مریم و فاطمه هر دو بتول هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بتول آن زنی را می گویند که حیض نمی شود؛ زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است. (صدوق، 1385ق، ج 1، 181، ح 144)

2-1. ساخت محرابی اختصاصی برای حضرت مریم در مسجد

در روایت آمده است محرابی اختصاصی برای حضرت مریم علیها السلام در معبد ساخته شد. خداوند به حضرت مریم علیها السلام دستور داد همراه مردان به عبادت پروردگار پردازد. حضرت مریم علیها السلام در محراب به عبادت خداوند می پرداخت. «هر وقت که زکریا، (که شوهر خاله اش بود) به محراب نزد او می رفت، پیش او خوراکی می یافت.» (آل عمران/37)

3-1. ایجاد حجاب بین خود (حضرت مریم) و مردان در مسجد

4-1. رسیدن دستور مبنی بر عبادت حضرت مریم همراه مردان

قرآن کریم در آیه 43 سورة آل عمران می فرماید: «ای مریم! پروردگارت را خاضعانه فرمانبردار باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع بگزار.» از عبارت «با رکوع کنندگان رکوع بگزار» استفاده می شود که حضور زن در نماز جماعت همراه مردان در مسجد، جایز است.

5-1. عبادت حضرت مریم در محراب مسجد

همچنین خروج آن حضرت هنگام وضع حمل از مسجد که نشان دهنده جواز حضور او در مسجد است، چون ابتدا باید وارد شده باشد تا سپس جهت وضع حمل خارج شود.

2. در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اشاره

بعد از ظهور اسلام و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به مواردی بر می خوریم که نه تنها نشان دهنده جواز حضور زنان در مسجد، بلکه بیانگر اهمیت حضور آنان و اهتمام و رغبت آن حضرت به این امر است. پس از ظهور اسلام، زنان جایگاه ممتازی در جامعه پیدا کردند. اسلام بسیاری

از آداب، رسوم و باورهای غلط درباره زنان را رد و ابطال نمود. در ذیل به نمونه هایی از حضور زنان در مسجد اشاره می کنیم:

1-2. برپایی اولین نماز جماعت در مسجد الحرام با حضور حضرت خدیجه علیها السلام که به پیامبر صلی الله علیه و آله اقتدا می کرد

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام تنها مسلمانان روی زمین بودند، نماز را به جماعت می خواندند. عقیف کندی می گوید: من تاجر بودم، سالی به مکه آمدم، امر بس شگفتی را مشاهده نمودم، دیدم همه مردم به بت های چوبی و فلزی و سنگی در کعبه متوجه هستند، در این میان فقط سه نفر به سوی شام (مسجد الاقصی) عبادت می کنند.

عباس بن عبدالمطلب نزد من بود از او پرسیدم: اینها چه کسانی هستند و چه می کنند؟ گفت: آن مرد که جلو ایستاده برادرزاده ام «محمد» است و پسری که سمت راست او ایستاده، برادرزاده دیگر «علی» است و زنی که با آنها نماز می گذارد، «خدیجه» همسر «محمد» است. پرسیدم: آیا مردم هم به دین و آیین او آمده اند؟! جواب داد: «به خدا سوگند، که به کران تا کران این زمین پهناور، جز این سه تن و انسان توحیدگرا، کس دیگری را بر این دین نمی شناسم.» (ابن اثیر، ج 3، 414)

2-2. بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد

بیعت در لغت به معنای عهد و پیمان و در اصطلاح به معنای پذیرش ریاست و حکومت کسی است. (لسان العرب، 1413ق، ج 1، 557، «بیع») بیعت از سنت های عصر جاهلی است که به دوره اسلامی منتقل شده و مورد تأیید دین اسلام نیز قرار گرفته است. افزون بر مردان، زنان نیز در موارد متعدد با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرده اند که از میان آنها بیعت زنان پس از فتح مکه به «بیعت نساء» مشهور شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله با فتح مکه پس از بیعت مردان با ایشان، زنان را نیز به بیعت فراخواند که در آیه 12 سوره «ممتحنه»، مواد بیعت این گونه طرح شده و فاقد هرگونه تعهد سیاسی است: «ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند که با تو بیعت کنند [با این شرط] که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند، دروغی را که در میان دست و پایشان برافته باشند پیش نیاورند، [فرزند دیگران را به شوهران خود نسبت ندهند]

و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنها از خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

3-2. تغییر قبله

زنان هنگام تغییر قبله در مسجد ذوقبلتین حضور داشتند. یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله «نوله بنت اسلم» است که در روز تغییر قبله، در نماز جماعت مسجد بنی حارثه شرکت داشت و ماجرای آن روز را چنین تعریف می کند: دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت المقدس خوانده بودیم، که شخصی خبر آورد: پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف بیت الله الحرام روی کرده است؛ بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الله الحرام گزاردیم. (اسدالغابه، ج 5، 557)

2_4. سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به خروج زنان از مسجد بعد از مردان

روایت است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون مسجد بودند و دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند، ایشان رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما. (ابوداود، ج 2، 533، ح 5272)

2_5. وجود «باب النساء» در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که نشان دهنده رغبت پیامبر صلی الله علیه و آله و کثرت حضور زنان است

به طوری که باب مخصوص داشتند. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، «باب النساء» مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم. (ابوداود، ج 2، 533، ح 5272)

6-2. اعتکاف همه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران خود در مسجد و جواز اعتکاف زنان در مسجد

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «اعتکاف یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون اینکه بنشیند برگردد، و زنان مثل مردان هستند.» (کلینی، 1405ق، ج 4، 176، ح 2 و 177، ح 1) بنابراین، معلوم می شود زنان هم می توانند به مسجد بیایند و معتکف شوند. در روایتی آمده است: زنان پیامبر صلی الله علیه و آله گاه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند. (ابوداود، ج 1، 523، ح 2476) قرآن کریم هم می فرماید: «با زنان هنگام

اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید.» (بقره/ 187) بنابراین روایت، اگر زنان بیرون از مسجد باشند، این سخن خداوند در قرآن معنا ندارد؛ از این رو یا معتکفان با زنانشان معتکف بودند یا زنان در مسجد به دیدار مردان می آمدند. در روایتی آمده است:

«امام صادق علیه السلام فرمود: اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند.» (طوسی، 1406ق، ج 1، 398، ح 1240)

2-7. تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه پوستی به نام محجنه (ام محجن) در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد که خادم و نظافت کننده مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

ابوسعید می گوید: زنی سیاه چرده، که مسجد را جارو می کرد، شبی وفات کرد. هنگامی که صبح شد، پیامبر صلی الله علیه و آله را از مرگش با خبر کردند. ایشان فرمودند: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحابش بر قبر او حاضر شدند، آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت

و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند، بر او نماز گزاردند و برای او دعا کردند. (بخاری، 1419ق، ج 1، 119 و 116، ج 2، 92) طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می بینم. (اسدالغابه، ج 5، 617)

2-8. پرستاری زنان از مجروحان در مسجد

در تاریخ نقل شده است که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می کردند. واقدی می نویسد:

«در ماجرای جنگ اُحُد مردم در مسجد، چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم بندی می کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را در خیمه «کُعبیه»، دختر سعد بن عتبّه در مسجد پیامبر، جای داد. این زن زخمی ها را معالجه می نمود و از اشیاء گمشده و پراکنده نگهداری می کرد.» (سبائی مکی، 1373ش، 47)

2-9. همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در رفتن به مسجد

نقل شده است: روزی امام علی علیه السلام وارد منزل می شود و همسرش، فاطمه علیها السلام را نمی یابد؛ از منزل خارج می شود و به سوی مسجد روانه می گردد، در مسجد نماز می خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع می کند و به آن تکیه می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در حالی که

حسنین علیهم السلام را در آغوش داشتند و دست امّ کلثوم را در دست گرفته بودند به مسجد می آیند. در مسجد می بینند که امام علی علیه السلام همان گونه که بر شن ها تکیه داده بود خوابش برده است. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی علیه السلام می گذارد و مقداری فشار می دهد و می گوید: «قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ» (بلند شو ای ابوتراب). در این حدیث مشاهده می شود که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد تشریف برده اند، در حالی که ضرورتی هم نبوده است. (واقعی مغازی، 1361 ش، ج 1، ص 386 و 180)

10-2. علم آموزی زنان مسلمان در مساجد

شواهد نشان می دهد که تعلّم در مساجد، خاصّ مردان نبوده است. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوش دهند و گاهی از آن حضرت سؤال کنند. اگر احساس می شد زنان، به هر دلیل، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دوباره موعظه و نصیحت می کرد. (ابوداود، ج 1، ص 137، ح 517)

11-2. حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد

حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش با خبر شد و آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمودند: شوهر را به علت همسرش بخشیدم. (نوری، 1408 ق، ج 3، 376، ح 3821) به نظر می آید این زن در مسجد بوده است که مطلع شده است یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده است و در محراب حاضر شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله به این حضور اعتراض نکرده اند.

12-2. سرعت نماز پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر گریه نوزاد که معلوم می شود آمدن زن و بچه به مسجد نه اینکه پیامبر را ناراحت نکرده، بلکه بخاطر مادری، جماعت را کوتاه کرده است.

امام صادق علیه السلام از پدر گرامیش نقل می کند که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود.» (حرّ عاملی، 1409 ق، ج 5، 470)

13-2. نماز صبح را حضرت زودتر می خواندند که تا هوا تاریک است زنان به خانه ها برسند

در منابع اهل سنّت نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان

مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی به منزل برمی گشتند. به علت تاریکی، دیگران آنها را، و حتی خودشان یکدیگر را نمی شناختند. (بخاری جعفی 1419ق، ج 1، ص 211)

2-14. حضور «فاطمه بنت اسد»، مادر امام علی علیه السلام، در مسجدالحرام هنگام وضع حمل

او که زنی پارسا بود به مسجد آمده بود، در صورتی که اگر منع بود، نمی آمد و در این مورد کسی ایشان را سرزنش نکرد بلکه سند افتخار هم شد.

2-15.

در منابع اصیل اهل سنت آمده است: فاطمه بنت قیس می گوید: «چون زمان عده ام سپری شد، صدای منادی نماز جمعه را شنیدم، و به همراه دیگر مردمان که می رفتند، روانه شدم و در صف اول صفوف زنان که به دنبال صفوف مردان بود، ایستادم.» (قشیری نیشابوری، ج 2، 32-33؛ بخاری 1419ق، ج 1، 439 و ج 3، 119)

2-16.

در زمان خلیفه دوم (عمر)، زنان به امامت شخصی به نام «سلیمان بن ابی خثیمه» انصاری در رجه مسجد، نماز جماعت می خواندند چنان که مردان به امامت ابی بن کعب نماز جماعت برگزار می کردند. (ابن سعد، ج 5، 26-27)

در روایتی آمده است: «زنی قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالتبی حاضر می شد، عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد؛ وی به این شرط که او را از نماز جماعت در مسجد منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند؛ عمر نیز با نارضایتی پذیرفت؛ بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز همین شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت مسجد می رفت...» (احمد حنبل، ج 40، 1)

2-17.

در تاریخ آمده است که: خلیفه سوم (عثمان) مردان و زنان را در نماز جماعت مسجد در یک جا جمع کرد، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خلافتش دوباره زنان را از مردان جدا کرد و شخصی به نام «عرفجه» با زنان نماز می خواند. (ابن سعد، ج 5، 26-27)

2-18

در برخی روایات نبوی صلی الله علیه و آله آمده است که هرگاه زنان اذن حضور در مسجد را در شب هنگام

ص: 323

خواستند، اجازه دهید؛ «هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید.» (حسام الدین هندی، 1409ق، ج 11، 677، ح 20872)

پیامبر صلی الله علیه و آله در دو بیان جداگانه می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ» (همان، ج 7، 677، ح 20872) و نیز فرمود: «شب هنگام که زنان برای رفتن به مسجد اجازه می خواهند، رخصت دهید.» (حسام الدین هندی، 1409ق، ج 11، ص 677، ح 20872) در شب که خوف بیشتر برای زنان است می فرماید: اجازه دهید، پس در روز اولی است که به مسجد بروند.

19-2. سیره خود پیامبر صلی الله علیه و آله ، دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است

چنان که ابن عباس درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و عملکرد ایشان چنین می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله دختران و زنان خود را برای اقامه جماعت در نمازهای عیدین به خارج خانه می بردند.» (ابن جوزی 1417ق، 201)

20-2.

امام علی علیه السلام درباره حضور زنان در نماز جماعت مسجد، در روزهای آغازین رسالت نبوی صلی الله علیه و آله چنین می فرماید: «زنان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جای می آوردند. به زنان دستور داده شده بود که چون لباس مردان کوتاه بود، قبل از مردان سر از سجده برندارند.» (صدوق 1405ق، ج 1، 396 و قشیری نیشابوری، ج 4، ص 161) بنابراین، حتی در منابع اهل سنت نیز روایات و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که بیانگر حضور زنان در مسجد و جماعات است.

با توجه به مطالب یادشده، به خوبی درمی یابیم که حضور زنان در مسجد و جماعت ها در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ، از نظر تاریخی امر ثابت و مسلم است.

3. در عصر ائمه اطهار

1-3.

روایتی از عایشه نقل شده است: «لَوْ أَذْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَحْدَثَ النِّسَاءُ لَمَنْعَهُنَّ مِنَ الْخُرُوجِ» این گفته نشان دهنده حضور زنان در مسجد در زمان امام علی علیه السلام است.

2-3. حضور حضرت زهرا علیها السلام در مسجد برای احقاق حق

در تاریخ آمده است که حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از حق خود (فدک) و دفاع از امام علی علیه السلام به مسجد آمدند، (ابن ابی الحدید، ج 16، 211 و اربلی 1405ق، 102) (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه فدکیه) را در محابّه با ابوبکر عنوان کردند. (قشیری نیشابوری، ج 4، 162) به طوری که ابوبکر مجبور شد قبale فدک را به او برگرداند. (هرچند توسط عمر پس گرفته شد).

سخنان نخست فاطمه علیها السلام در مسجد النبی، سینای صلابت و خطبه خدایی آن حضرت بود که تا روز رستاخیز همگان را از گنجینه معارف و حقایق بهره مند ساخت و دایرهالمعارفی از ناب ترین آموزه های آسمانی را ارائه نمود. (صدوق، 1405ق، ج 3، 567)

3-3. در تاریخ خونبار تشیع در مورد حضرت زینب علیها السلام آمده است

خطبه کوبنده سفیر کربلا در مسجد اموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید دچار سردرگمی شد و ترسید با افشاگری های دختر علی بن ابی طالب علیه السلام پایه های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس زمانی بیشتر شد که حضرت زینب علیها السلام در مسجد شام هنگامی که امام سجاد علیه السلام مشغول ایراد خطبه افشاگرانه خود بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد.

در سیره رفتاری آن بانوی بزرگوار ثبت است: برای این که نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدّش، رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت، با وجود این مشاهده می کنیم وقتی که اسلام در خطر می افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و آن گونه در بازار کوفه، آتشین سخنرانی کرد یا در مسجد اموی شام و مجلس یزید آن گونه در میان نامحرمان سخنرانی نمود و از اسلام و امام سجاد علیه السلام دفاع کرد. (ابومخنف الازدی، 205 و 226)

ص: 325

روایات وارده در خصوص حضور زنان در مسجد، بر دو قسم قابل تقسیم است:

اشاره

دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته است، و دسته ای از روایات، بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است. فقها و اندیشمندان شیعه با توجه به این دو دسته از روایات و نیز دسته دیگری از روایات که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد برای انسان _ اعم از زن و مرد _ است، نسبت به حضور زنان در مسجد، اختلاف نظر دارند.

عده ای همچون، علامه حلی حضور بانوان را در مساجد مکروه دانسته اند. (حلی، 1414ق، ج 1، 90)

عده زیادی از فقها گرچه حکم به کراهت نداده اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زن افضل شمرده اند؛ دلیل این دو دسته، برخی آیات و روایات است که در ذیل به تشریح آن می پردازیم.

برخی از فقهای عظام شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور زنان در مساجد دانسته اند.

ادله فقها و دانشمندان قائل به افضلیت نماز برای زنان در خانه

1-1. آیات

خداوند در قرآن کریم به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دستورهای خاصی داده است تا ارزش و احترام آنان محفوظ بماند. از جمله:

1-1-1. «ای زنان پیامبر! اگر تقوای پیشه کنید، مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ پس در گفتار، نرمی نکنید تا آن که بیمار دل است، طمع کند و سخن پسندیده بگوید.» (احزاب/32)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...» می نویسد: «خداوند آنها را از خضوع در گفتار که همان نازک و نرم ساختن کلام با مردان به گونه ای هوس انگیز

و شهوت زاست، نهی کرده است؛ تا آنان که بیمار دلند، یعنی از ایمان قوی و بازدارنده از میل به فحشا برخوردار نیستند، به طمع خام نیفتند.» و در ذیل جمله «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» می فرماید: «سخن معمولی و درست و استوار که مورد

قبول دین و عرف اسلامی است بگویید. یعنی سخنی که آهنگ آن به بیش از مدلول و معنای آن اشاره نداشته و از اشاره به فساد و هوس و شهوت خالی باشد.» (طباطبائی 1392ق، ج 16، 174)

در تفسیر نمونه آمده است: بلکه هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگوئید؛ نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توأم با اداء و اطوار مخصوصی است که افراد شهوتران را به فکر گناه می افکند سخن بگوئید. (مکارم شیرازی و دیگران 1368ش، ج 17، 289)

«خضوع در قول (گفتار)»، حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای کلمات است؛ نظیر سخن گفتن زن با همسر خود در موارد خاص یا حرف زدن مادر با کودک خردسال خود در مواقعی که می خواهد توجه او را به خود جلب کند. ویژگی این نوع گویش آن است که احساس ویژه ای در مخاطب ایجاد کرده، و دل او را به گوینده جلب می کند. قرآن کریم در این آیه شریفه از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته است که در ارتباط گفتاری خود با مردان، این گونه سخن نگویند؛ زیرا این امر سبب طمع مردان ضعیف الایمان در آنان می شود. بنابراین، معنای آیه این است: هنگام سخن گفتن با مردان اجنبی، صدای خود را نازک نکنید و کلمات و جملات را نرم و دلربا ادا نکنید؛ زیرا این گونه سخن گفتن آنان را (نسبت به مسائل جنسی) به طمع می اندازد. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 8، 155 و تفسیر صافی، ج 4، 186)

گرچه آیه شریفه در ردیف آیاتی است که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد خطاب قرار داده و نهی در آن با «فاء» بر جمله «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسَّ شَأْنٌ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ» (احزاب/32) که خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تفریع و بر آن مترتب شده و ظاهرش این است که دستوری که در آیه بیان شده ویژه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و آنان را از خضوع در گفتار نهی کرده، اما روشن است که رعایت این ادب برای همه زنان است و به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد؛ زیرا اولاً، نزول آیه در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل بر اختصاصی بودن حکم آیه به آنان نیست. ثانیاً، «فاء» در «فیطمع»، سببیه است و به علّیت و سببیت این گونه سخن گفتن در تحریک و تهییج مرد و تمایل او به زن اشاره دارد و چون این علّت در کیفیت گویش جنس زن وجود دارد و مربوط به

طبیعت زن است، پس عمومیت دارد و مختص همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. در نتیجه، رعایت این ادب مخصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده، همه زنان را شامل می شود. (موسوی خویی 1410ق، ج 1، 103) گرچه از فاء تفریع فهمیده می شود که رعایت این ادب برای زنان پیامبر شایسته تر است. (طباطبائی 1392ق، ج 16، 308)

پس از آنکه آیه زنان را از کیفیت نامطلوب ارتباط گفتاری نهی کرد، به بیان کیفیت صحیح اشاره کرده و فرموده است: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا».

این قسمت از آیه شریفه پاسخی به این پرسش است که زن در ارتباط گفتاری خود با مردان، به چه طرز و با چه کیفیتی سخن بگوید. جوابی که آیه داده این است که زن باید به گونه معروف و به شیوه پسندیده سخن بگوید.

قول معروف چیست؟ جمله «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» در این آیه، در مقابل «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» قرار گرفته است. از این رو، به قرینه مقابله فهمیده می شود «قول معروف» چیزی در مقابل «خضوع در قول» است. بنابراین، «قول معروف» گفتاری است که در طرز ادای آن ناز و کرشمه، ادا و اطوار و نازکی صدا و هر چیزی که مخاطب را به طمع بیندازد و دل او را به زن جلب کند وجود نداشته نباشد. (طباطبائی 1392ق، ج 16، 308)

نکته شایان توجه این که، زن به خاطر جاذبه طبیعی خود، در همه جنبه های رفتاریش می تواند بر مردان تأثیر بگذارد؛ مثلاً هنگام سخن گفتن، با نرم و نازک کردن صدایش و استفاده از لحن فریبنده، حرکات لب و دهان و شوخی ها، می تواند تأثیر زیادی در قلب افرادی که بیمار دل هستند و ایمانی ندارند تا در برابر تحریک ها مقاومت کنند، بگذارد.

1-1-2. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید. (احزاب/33)

واژه «قرن» از وقر- یقر به معنای استقر، مستقر شدن و بر جای ماندن است. «سید قطب» با توجه به این معنا، نوشته است: «قرن، تعبیر لطیفی است؛ یعنی: خانه، پایگاه زن است؛ از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می تواند از منزل خارج شود.» (سید قطب، ج 5، 2859)

در تفسیر «فرقان» نیز آمده است: قرن از قرّ یقرّ، امر آن: «اقرن» است. آیه شریفه، زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند. (صادقی تهرانی، ج 22، 105)

«تبرّج» به معنای خودنمایی و جلوه‌گری است. در کهن‌ترین متن لغوی یعنی کتاب «العين» آمده است: آنگاه که زن زیبایی‌های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می‌شود: تبرّج کرده است. (فراهیدی 1409ق، ج 6، 115)

صاحب مصباح المنیر نیز جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌ها را مفهوم تبرّج دانسته و نوشته است: «تبرجت المرئنه؛ یعنی: زن، زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در مقابل نامحرم، آشکار سازد.» (فیومی، ج 1، 238)

صاحب کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» پس از آن که اقوال مختلف را نقل کرده، نتیجه گرفته است: ماده برج، به معنای ظهور و آشکار ساختن است. از این رو، بر قصر مرتفع، ساختمان بلند و... همچنین بر زنی که زیبایی‌هایش را در مقابل نامحرم ظاهر می‌سازد، اطلاق می‌شود.

همچنین در تفسیر المیزان در تعریف تبرّج آمده است: «کلمه تبرّج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است. همان‌طور که برج قلعه برای همه هویداست...»

(طباطبائی 1392ق، ج 16، 462)

در تفسیر نمونه، ذیل آیه «لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» آمده است: همچون جاهلیت نخستین، در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینتی خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید... تبرّج به معنی آشکار شدن در برابر مردم است... (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان 1368ش، ج 17، 287)

این آیه شریفه، بیانگر اهمیت حجاب اسلامی و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد همانند زنان عصر جاهلیت نخستین، برای حضور در اجتماع، از خودنمایی و خودآرایی بپرهیزند. روشن است که مراد، محصور و محبوس نمودن زن در خانه و بریدن او با اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه، یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت رفته، در جنگ‌ها شرکت جسته و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منعی نفرموده است.

3-1-1. «ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان و مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.» (احزاب/59)

این آیه شریفه، فلسفه پوشش زنان را با تعبیر «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» بیان کرده است: یعنی پوشش، نزدیک‌ترین راه است که زنان به ستر و عفاف شناخته شوند و ناهالان

و فاسدان در مقام تعقیب آنان برنیایند و به آنها اذیت و بی احترامی نکنند و نگاه هوس آلود و پرتما به آنان نداشته باشند. (طبرسی، 1423ق، ج 20، 177)

زینت زن اگر برای خود و محرمش حفظ شود، پاداشی ارزنده نزد خدا برای وی در نظر گرفته شده و زنان باید بکوشند تا با خویشنداری به آن پاداش دست یابند و خدا خواسته تا ارجمند باشند و جایگاه آنان بر جا باشد. به هر صورت، این دستورات فقط برای همسران و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. وقتی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باید در خانه بمانند تا حرمت آنان خدشه دار نشود، دیگر زنان هم چنین هستند این سفارش به خودداری از بیرون آمدن از خانه، به دلیل حفظ شئون اسلامی است. (طبرسی، 1423ق، ج 4، ص 370؛ علی بن ابراهیم قمی، ج 2، ص 196؛ العروسی الحویزی، 1412ق، ج 4، ص 307)

2-1. روایات

همچنین قائلین به افضلیت نماز برای بانوان در خانه، به برخی از احادیث وارده از معصومان: که بر افضلیت نماز زنان در خانه دلالت دارد، تمسک جسته اند. جهت اختصار به نمونه هایی از این روایات از منابع شیعه و سنی، اشاره می کنیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است در حالی که بیست و پنج درجه فضیلت دارد.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 5، 237 و مجلسی 1405ق، ج 80، 371)

همچنین فرمودند: «بهترین مسجد زنان، خانه است؛ و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است؛ و نماز او در ایوان برتر از نمازش در حیاط خانه اش است؛ و نماز او در حیاط خانه، برتر از نمازش بر پشت بام خانه است.» (صدوق 1405ق، ج 1، 374، ح 1088)

در «نهج الفصاحه» نیز از آن حضرت چنین نقل شده است: «بهترین مسجد زنان، کنج خانه آنها است.» (پاینده، 1374ش، 474، ح 1532)

«نمازی که زن، در تاریک ترین گوشه خانه خود بجا می آورد، از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است.» (همان، 690، ح 2588)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «بهترین مساجد برای زنان شما خانه ها است.» (صدوق 1405، ج 1، 238 و مجلسی 1405ق، ج 80، 371)

همچنین فرمودند: «نماز زن در اطاق عقبی (پستو)، برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن، برتر از نمازش در خانه اش است.» (صدوق 1405ق، ج 1، 397 و حرّ عاملی 1409ق، ج 5، 236)

ص: 330

یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: «بهترین مساجد برای زنان، اطاق های عقب خانه های آنان است.» (زرکشی 1403ق، 309)

همانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. (ابوداود، ج 1، 137، ح 57)

پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه واجب نیست.» (مجلسی 1405ق، ج 81، 115)

از نظر فقهی، در فقه شیعه و سنی در این مسئله تقریباً نظریه واحدی وجود دارد و آن این که ادله وجوب نماز جمعه به چند دسته تریخص داده است؛ یک دسته از آنها زنان هستند. نماز جمعه یک تکلیف واجب است که در زمان حضور معصوم علیه السلام واجب تعیینی بود. چند گروه از این حضور معاف بودند؛ بنابراین، بیان و لسان ادله، رفع کلفت و الزام است، نه ایجاد ممانعت؛ به عبارت دیگر، وجوب نماز جمعه منوط به مذکر بودن است، نه جواز آن. بر همین اساس، فتوای اکثر قریب به اتفاق فقههای عظام این است که در صورت حضور، نماز جمعه زنان صحیح و کفایت از نماز ظهر آنان می کند. حتی برخی از این هم فراتر رفته و فرموده اند: زنان در صورت عدم حضور، تکلیفی نسبت به نماز جمعه ندارند؛ ولی اگر در جماعت حضور پیدا کردند، بر آنها واجب می شود. مانند صاحب سرائر که می نویسد: در صورت عدم حضور، نماز جمعه جایز و گرنه واجب است. (مروارید، 1413ق، ج 4، ص 718)

شهید اول، در «دروس الشرعیّه» می گوید: «و مع الحضور، تجب.» (همان، ج 28، 647)

برخی از علما، فتوای فوق را درباره باقی معذورین غیر از زنان؛ مانند بیماران، صحیح می دانند، ولی در زنان صحیح نمی دانند. چنان که محقق اردبیلی با این نظر مخالفت نمودند. وی گرچه نماز جمعه زنان را فقط مجزی دانسته، نه واجب؛ ولی برای فرق میان زنان و سایر معذورین؛ چه از نظر اجزاء و عدم اجزاء و چه از حیث وجوب و عدم وجوب، ادله وارده را تمام نمی داند، بلکه می فرماید:

«فهو رخصه (1) منوطه بالعله فعلی تقدیر عدمها لایسقط... لأن الساقط هو السعی والشهود... و سقوط الشهود لایستلزم سقوط الصلاه مطلقاً...» بعد می فرماید تمام ادله در مورد زنان هم جاری هستند؛ «فالفرق بینها و بین غیرها محل تأمل.» (محقق اردبیلی 1409ق، ج 2، 345)

امام خمینی² نیز نماز جمعه برای زنان را جایز و مجزی از نماز ظهرشان می دانند. (امام خمینی، ج 1، کتاب الصلاه، فیمن تجب علیه صلاه الجمعه، 237)

ص: 331

1 - البته خود ایشان در ادامه بحث احتمال هم می دهند که رفع وجوب، رخصتی نباشد، بلکه عزیمتی باشد، مثل نماز مسافر.

به هر حال، حکم فقهی مسئله در کلمات فقهای عظام موجود است و غرض از این توضیح، ارائه گزارشی از جواز حضور زنان در نماز جمعه، سنت بودن آن در کتاب های روایی و فقهی بود. مبنی بر اینکه فتوای مشهور فقهای عظام، جواز و اجزای نماز جمعه زنان است.

همچنین منابع روایی اهل سنت نیز روایاتی که رجحان نماز در خانه را بر نماز جماعت زنان ثابت می کنند، وجود دارد؛ از جمله، روایت ذیل که ابوداود و حاکم نقل کرده اند: «نماز زن در خانه اش، از نماز در مسجد برتر است؛ البته در کتاب «تحریر المرأة فی عصر الرساله» در صحت این روایت خدشه شده است.» (ابوشقه 1411ق، ج 13، ص 220)

در کتاب های فقهی معاصر فقهای اهل سنت، مسئله خروج زنان برای اقامه جماعت، منوط به ایمنی از وقوع در فتنه، عدم ازدحام مردان در خیابان ها و بازارهای منتهی به مساجد ذکر شده است. برخی نیز برای جمع میان هر دو فضیلت؛ یعنی جماعت زنان و عدم حضور در میان مردان، نماز جماعت زنان در خانه را پیشنهاد داده اند. (العک - الشیخ - خالد - موسوعه فقه المرأة المسلمه من الکتاب والسنه)

به نظر می رسد با وجود روایات فراوانی که در کتاب های روایی اهل سنت وجود دارد که هم ترغیب پیامبر صلی الله علیه و آله به شرکت زنان در جماعت را می رساند و هم سیره متشرعین عصر رسالت را بیان می کند، منع تنزیهی علمای اهل سنت از شرکت زنان در جماعت کمی عجیب می باشد.

بسیاری از فقهای عظام نیز با توجه به اهمیت حفظ حجاب، از روایات «منع خروج زنان از خانه»، همین معنا (افضالیت نماز در خانه) را استنباط کرده اند.

در کتاب «روضه المتقین» در شرح روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ» (صدوق 1405ق، ج 1، ص 238، ح 718؛ حرّ عاملی 1409ق، ج 5، ص 237، ح 6432 و 6434؛ مجلسی 1405ق، ج 80، ص 371، ح 32) آمده است: «لأنّها أقربُ إلى عَصَةِ مَتْنِهِنَّ وَ سِتْرِهِنَّ؛ نماز خواندن زنان در خانه به عصمت و عفاف آنان نزدیک تر است.» (مجلسی، محمدتقی، ج 2، ص 107)

صاحب مفتاح الکرامه در جمع آوری اقوال در این باره آورده است: «هل شرعیه إتيان المساجد للرجال خاصّه أو لهم وللنساء؟ فی نهایه الأحکام و کشف الإلتباس، هذا الحکم یعنی: إتيان المساجد مختصّ بالرجال دون النساء لأنّهنّ أمره بالإستتار و فی (حاشیه المیسر): إنّما تستحبّ الفريضة فی المسجد فی حقّ الرجال أمّا النساء فبيوتهن مطلقاً. و فی مجمع البرهان خبر یونس بن ضبیان يدلّ علی اختصاص

فضيله المسجد بالرجال كما هو المذكور في الكتب والمشهور بينهم وفي التذکره يكره للنساء الإتيان الى المساجد وفي (الدروس) للنساء الاختلاف اليها كالرجال وإن كان البيت افضل و خصوصاً لذوات الهيئات وفي (النفليه) صلوه المرأة في دارها في (الذكرى) الاقرب شرعيه اتيان المساجد للنساء وفي موضع آخر من كشف الالتباس ان صلوه المرأة في بيتها افضل من صلاتها في المسجد وفي (اللمعه والروضه) الافضل المسجد لغير المرأة أو مطلقاً بناءً على اطلاق المسجد على بيتها وقالوا ايضاً: و مسجد المرأة بيتها بمعنى ان صلاتها فيه افضل من خروجها الى المسجد أو بمعنى كون صلاتها فيه كالمسجد في الفضيله فلا تقتصر الى طلبها بالخروج و هل هو كمسجد مطلق أو هو كما تريد الخروج اليه، فتخلف بحسبه الظاهر الثاني قلت: و من تتبع مباحث الجماعه و الأوقات و مباحث الحيض و الاستحاضه و غيرها، ظهر له ان الاصحاب قائلون بشرعيه اتيان المساجد للنساء فينبغي التأمل في محل النزاع؛ آیا رفتن به مسجد فقط برای مردان مشروع است یا برای زنان نیز جایز است؟

در «نهایه الأحكام» و «كشف الالتباس» این امر مختص مردان شمرده شده است، نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان شدن داده شده است.

در حاشیه «میسی» آمده است: خواندن نماز در مسجد برای مردان مستحب است، اما استحباب نماز در خانه برای زنان به طور مطلق ثابت است.

و در «مجمع البرهان» در خبر یونس بن ضبیان آمده: فضیلت رفتن به مسجد برای مردان ثابت است، نه برای زنان.

همان طور که مشهور بین فقها هم همین است.

و علامه حلی در «تذکره» می نویسد: رفتن زنان به مسجد مکروه است.

و در «نفلیه» آمده است: نماز زن باید در خانه اش برپا شود.

و علامه در «ذکرى» می گوید: نماز زن در خانه اش افضل از مسجد است.

و شهید اول و دوم در «لمعه» و «روضه» می گویند: بهتر این است که بگوییم مسجد برای غیر زنان است یا این حکم به طور مطلق جاری است. بنابراین که خانه برای زنان در حکم مسجد است.

و شهید اول و ثانی نیز در معنای «مسجد المرأة بیتها» گفته اند: یعنی نماز خواندن زنان در خانه افضل از رفتن آنها به مسجد است یا به این معنا است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست. البته صاحب «مفتاح الکرامه» بعد از نقل اقوال می گوید: «کسی که مباحث احکام جماعت، اوقات، مباحث حیض، استحاضه و غیر

آنها را تتبع کند، برایش روشن می شود که اصحاب، قائل به شرعیت رفتن زنان به مسجد هستند. بنابراین، سزاوار است در خصوص این موضوع دقت شود.» (حسینی عاملی، 1416ق، ج2، ص228-229)

شهید ثانی؛ در «شرح لمعه» می گوید: «بهتر آن است که بگوییم رفتن به مسجد برای غیر زنان است یا این که بگوییم: خانه به طور مطلق «مسجد» زن است. ناگفته نماند معنای این که مسجد زن، خانه اوست، این است که نماز زن در خانه اش از رفتن او به مسجد برتر است یا به این معنا که اقامه نماز در خانه در فضیلت، مثل مسجد است و نیازی به رفتن او به مسجد نیست.» (شهید ثانی، 1410ق، ج1، ص63)

در کتاب «عروه الوثقی» آمده است: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الْمَسْجِدِ؛ نماز زن در خانه بهتر از نماز او در مسجد است.» (طباطبایی یزدی، 1409ق، ج1، ص426)

امام خمینی^u در تحریرالوسیله آورده است: «برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است.» (موسوی الخمینی، ج1، ص152) بنابراین از مجموع دلائل یادشده (آیات و روایات) می توان این گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد برای زنان بهتر است. اما با تأملی در روایات یادشده، در می یابیم که معمولاً تلاش شده تا به نحوی به مسئله حجاب و پوشش اسلامی اهمیت بدهند و به همین دلیل هم به نماز در خانه فضیلت داده اند.

3-1. نقد و بررسی

بدون تردید، اندام زن به ویژه اگر با آرایه ها و پیرایه هایی، آراسته گردد، هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند نقش آفرینی داشته باشد.

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور وی در عرصه های مختلف اجتماعی را رقم زده است و با دستورات حکیمانه ای که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی هدف و بی اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فسادگری و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. از این رو، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هرگونه تجاوز، شریعت اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. چنان که در مباحث گذشته گفته شد، زنان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد حضور پیدا می کردند، بنابراین حضور زنان در مسجد با حفظ شئون اسلامی و فوائد فراوانی که بر این حضور مترتب است، امری مستحب و نیکوست و توصیه به بجا آوردن نماز در خانه، از باب احتیاط در حجاب و پوشیده بودن آنهاست. بر همین اساس، صاحب «دروس» فرموده است: «رفتن به مسجد برای زن مستحب است مانند مردان، گر چه خانه بهتر است.» (حسینی عاملی، 1416ق، ج 2، ص 228-229)

همچنین فقهای معاصر نیز این دیدگاه را تأیید کرده اند؛ امام خمینی² در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.» (موسوی الخمینی، مسئله 893)

همچنین حضرت آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: «برای زن ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند.» (مکارم شیرازی، مسئله 817) بنابراین، اگر کسی بگوید چون برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند و روایات و آیات و نیز دیدگاه های دانشمندان بزرگ اسلامی هم گواه بر این است، دلیل استواری نخواهد بود؛ از این رو که، این برتری در روایات نمی تواند مانعی باشد برای ارزش نمازی که زن می تواند در مسجد به دست آورد.

اگر نماز در خانه برای زن سزاوارتر باشد، به همین اندازه نیز خواندن نماز در مسجد یا شرکت در دعاها و دیگر مراسم های معنوی، سفارش شده و اهمیت هر کدام در جای خود محفوظ است.

و نیز به همین مقدار که کراهت رفتن زنان به مساجد در روایات اشاره شده، در برابر، روایات بسیاری هم وجود دارد که حضور بانوان در مسجد را جائز می داند. به جهت اختصار به برخی از روایات، اشاره می کنیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همسران را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید. البته باید موقع بیرون رفتن بوی خوش (عطر) استعمال نکنند.» (ابوداود، ج 1، ص 155، ح 565 و 566 و 567)

همچنین در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید.» (همان، ح 568)

در کتاب کنز العمال نیز در باب «حکم اذن زنان»، از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «شب هنگام که زنان برای رفتن به مسجد اجازه می خواهند، رخصت دهید.» (حسام الدین هندی، 1409ق، ج 11، ص 677، ح 20872)

همچنین آن حضرت می فرماید: «وقتی که زنان شما برای رفتن به مسجد جهت اقامه نماز اجازه می خواهند، منع نکنید.» (همان، ح 20873) در منابع معتبر اهل سنت، روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله به همین تعبیر آمده است: «همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اذن خواست، مانع نشوید.» (بخاری، 1419ق، ج 2، ص 406، باب 555 و 558؛ قشیری النیشابوری،

ج 4، ص 161؛ شعیب السّانی، 1348ق، ج 2، ص 42) همچنین آن حضرت می فرماید: «باز ندارید زنان را از فیض مسجد، آن هنگام که از شما اجازه می خواهند.» (قشیری نیشابوری، ج 4، ص 161)

برخی از روایات مزبور علاوه بر تصریح در جواز خروج زنان برای اقامه جماعت در مسجد، حاکی از این است که بحث حضور زنان برای اقامه جماعت عشاء یا صبح که مستلزم خروج در تاریکی بوده، برای مردان مشکل به نظر می رسیده و حضرت با کلام فوق می خواهد که مردان رفع ممانعت نمایند. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و پاکدامنی خود را حفظ کنند، افضل بودن نماز

در مسجد برای زنان همچون مردان است و جای هیچ گونه تردیدی نیست و طبق این روایات نباید آنان را از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم کرد.

در اینجا، به بعضی از افرادی که دیدگاه مخالفی نسبت به حضور اجتماعی زنان دارند و آموزه های دینی و قرآن کریم را به عنوان پشتیبانی برای حبس کردن زن به چهار چوب خانه می دانند، می گوئیم: آیا به راستی آموزه های اصیل دینی و قرآنی با حضور اجتماعی زنان مخالف است و یا این مقوله نیز همچون بسیاری از موارد دیگر، نظر متحجرانه ای است که با نام دین در جوامع اسلامی و حتی جوامع غربی شیوع پیدا کرده است؟

قرآن کریم درباره حضور زنان در اجتماع، مؤمنان راستین را چنین معرفی می فرماید: «مؤمنان راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده، به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی، جامعه را خوب می شناسند و در مسائل جمعی حضور دارند. آنها منزوی نیستند در فعالیت های اجتماعی حضور دارند.» (نور/62)

«أَمْرٌ جَامِعٌ»، در این آیه شریفه همان مسائل جمعی یک نظام است. این حضور می تواند

اشکال مختلفی پیدا کند، مثل حضور در مسجد برای نماز جماعت و فراگیری احکام و دستورات دینی، انتخابات، نماز جمعه، و سایر فعالیت های سیاسی و اجتماعی که در سرنوشت افراد جامعه تأثیرگذار است که این شمول هم شامل مردان می شود و هم شامل زنان.

ملاحظه می کنیم اطلاق آیه شریفه به گونه ای است که این حکم برای زن و مرد (هر دو) قابل اجرا است.

روایات یادشده نیز گذشته از خلل در اسناد آنها، از جهت دلالت نیز مورد تأمل اند.

گذشته از دلایلی که تا کنون بدان استناد شد، روایات زیادی (روایات عام) از طریق ائمه معصومان: به ما رسیده است، مبنی بر این که مسجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد. (حسام الدین هندی، 1409ق، ج 7، ص 650؛ نوری مازندرانی، 1408ق، ج 3، ص 359، 554)

علاوه بر اینها، حضور زنان و مردان در مسجد، زنده نگه داشتن شعائر الهی است؛ چنان که ائمه اطهار: تأکید و تشویق فوق العاده ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرامی داشتن آیین دینی، نشانه دینداری و پابندی به مقدّسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می شود که از آن دسته است: مسجد و روزه داری و روزهای ویژه ای مانند عیدها، که امام خمینی^{۱۱} آنها را «یوم الله» می خواندند: امام خمینی^{۱۲} کرامت و برتری این اماکن را این گونه بیان می نمودند: «در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجدالحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدّس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، بعد مسجد بازار است.» (موسوی الخمینی، مسئله 893)

مسجد که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله خانه خدا (حرّ عاملی 1409ق، ج 1، ص 268)، انوار الهی (نوری مازندرانی، 1408ق، ج 3، ص 447)، جایگاه پیامبران (همان، ص 313 و 359) و نیز بوستان بهشتی شمرده شده است، بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم، نشان دهنده پرهیزکاری است: «و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.» (حج/32) بر این اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است و محروم کردن آنان از این فیض بزرگ، یکی از اقسام هتک و بی احترامی است که خود ستمی بس بزرگ است.

عده ای از فقهای عظام شیعه معتقدند که نه تنها حضور بانوان در مسجد مانند دیگر عرصه های اجتماعی (البته با رعایت شئون اسلامی) جائز است، بلکه امری نیکو و مستحب می باشد. (محقق اردبیلی، 1409ق، ج2، ص159؛ شهید اول، 1412ق، ج1، ص155) حتی بعضی از فقهای معاصر می فرمایند: برای زنان در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند. (مکارم شیرازی، مسئله 817)

ادله قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد، عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مساجد و بهره مندی از فضائل مسجد بر انسان، قطع نظر از جنسیت است. این عده که اکثریت علما را تشکیل می دهند بر این مدّعی خود به برخی از شواهد تاریخی نیز تمسک نمودند.

در منابع روایی اسلام، روایات زیادی وجود دارد که همگی بیانگر این است که مساجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است. با اندکی دقت در این روایات، به روشنی درمی یابیم که میان مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه هایی مانند، «انسان های با تقوا، مؤمن، متّین، اهل مسجد، منع نکردن و جز آن،» اختصاص به گروهی ندارد و برای عموم مسلمانان است.

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «هنگامی که دیدید شخصی بر رفت و آمد به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانه انسان های با تقوا و صالح است.» (نوری مازندرانی، 1408ق، ج3، ص362)

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «مسجد خانه هر مؤمنی است.» (حسام الدین هندی، 1409ق، ج7، ص650؛ نوری مازندرانی، 1408ق، ج3، ص359، 554) آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متّقیان و پرهیزکاران دانسته اند. (حسام الدین هندی، 1409ق، ج7، ص659، ح20785؛ پاینده، 1374ق، ص596، ح3083)

و نیز فرمودند: «هر کس خانه اش مسجد باشد، خداوند کارش را با رحمت و شادی قرار داده، و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد.» (نوری مازندرانی، 1408ق، ج7، ص659)

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «اهل مسجد، زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که بر

زائرش هدیه ای بدهد.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 5، ص 201، صدوق، 1363ش، ص 291)

همچنین روایات متعدّدی که در آنها واژه «مشی» و «مَن اسرج» آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد، ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 5، ص 201؛ صدوق، 1363ش، ص 291)

و همچنین در روایتی دیگر فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله: «خداوند فرمود: آگاه باش که خانه های من در زمین مساجد هستند و برای اهل آسمان ها همچون ستارگان برای اهل زمین می درخشند؛ آگاه باش، خوشا بحال کسی که مساجد خانه های اوست [بیشتر وقت ها در مساجد، نمازهایش را می خواند]؛ آگاه باش، خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه ام زیارت کند؛ آگاه باش، بر زیارت شده واجب است که زائرش را تکریم کند؛ آگاه باش، به کسانی که در تاریکی ها به مساجد می روند بشارت بده به نور ساطع در روز قیامت.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 1، ص 382؛ ابن ماجه، ج 1، ص 257، ح 781)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «هرکس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند.» (صدوق 1405ق، ج 1، ص 233؛ مجلسی، 1405ق، ج 84، ص 13)

امام علی علیه السلام در مورد همسایه مسجد فرموده است: «نماز همسایه مسجد _ در خانه _ نماز کامل نیست؛ جز اینکه عذری داشته باشد. از آن حضرت سؤال شد که همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود.» (مجلسی، 1405ق، ج 83، ص 379؛ نوری مازندرانی، 1408ق، ج 3، ص 356؛ تمیمی مغربی، 1385ق، ج 1، ص 148)

همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: «همسایه مسجد اگر مانعی برایش نبوده و سالم باشد و در این حال برای نماز واجب در مسجد حاضر نشود، نمازش مقبول درگاه الهی نخواهد بود.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 3، ص 479، روایت 5) حتّی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام تأکید بر این امر می فرمایند: «لَا صَلاَةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ؛ یعنی همسایه مسجد نمازش مقبول نیست، مگر در مسجد. (همان، ص 478، روایت 1) این احادیث و دهها روایت دیگر همه دلالت بر این دارد که نماز خواندن همسایه مسجد بدون عذر در غیر از مسجد کراهت دارد، و سیره و فتاوی فقهای ما نیز رد طول تاریخ برگرفته از همین تأکیدها می باشد.

در روایتی دیگر آمده است: «امام علی علیه السلام در جواب عدّه ای که به حضرت گفتند: عدّه ای

از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمی شوند، فرمود: باید در نماز جماعت ما حضور یابند، یا اینکه از ما دوری گزینند و همسایه ما نشوند و ما هم همسایه آنها نشویم.» (حرّ عاملی 1409ق، ج3، ص479) از این رو، روایاتی که با کلمات: «مَنْ»، «مَنْ مَشَى»، «مَنْ أَسْرَجَ» «مُتَّقِينَ»، «مُؤْمِن» و «اهل المسجد، جارالمسجد» و امثال این واژه ها شروع شده، دلالت بر عموم می کند.

همچنین دیگر روایاتی که به طور عام، (اعمّ از زن و مرد) مورد تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنائی بخشیدن به مساجد شده است. (صدوق 1405ق، ج1، ص238، ح716؛ طوسی، 1414ق، ص139)

ص: 340

اشاره

به طور کلی در شریعت اسلام برای حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماع، مانند شرکت در مساجد و جماعات، دستوراتی ارائه شده است که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

1. رعایت حجاب و پوشش اسلامی

از روایات بسیاری که درباره وظایف و چگونگی روابط اجتماعی زنان از حضرات معصومان: صادر شده است، به خوبی استفاده می شود که یکی از مسائل مهمی که زنان در هنگام حضور در صحنه های اجتماعی باید رعایت کنند، حفظ حجاب و عفت و به طور کلی حفظ جامعه از ایجاد فساد و فحشا و منکرات است.

و جوب رعایت حجاب (پوشش) در زنان، حکم ضروری دین و از امور بدیهی قرآن کریم است. چنان که قرآن کریم می فرماید: «به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خویش را _ جز آن مقدار که قهراً نمایان می شود _ بر بیگانه آشکار نسازند، جز برای شوهران، و گوشه های روسری خویش را بر سینه افکنند. (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)» (نور/31)

این آیه شریفه بیانگر این است که مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نگاه های هوس آلود دوری کند و شخصی پاکدامن و منزّه باشد. این آیه شریفه نه تنها زنان را به نحوه رفتارشان آشنا می کند، بلکه مردان را نیز به وظایفی که در برخورد با بانوان دارند، تنبّه می دهد.

قرآن کریم، از اهل ایمان می خواهد که برای حفظ عفت و پاکدامنی خود و جامعه، نگاهشان را مهار سازند: «به مؤمنین بگو: دیدگان خویش را از نگاه به زنان اجنبی باز گیرند و فرج های خویش را نگهدارند؛ این برای ایشان پاکیزه تر است که خدا از کارهایی که می کنید آگاه است.» (نور/30)

در روایات اسلامی، جملاستی مشاهده می شود که بیانگر عقوبت و آثار مخرب نگاه حرام (ر.ک: اسلامپور کریمی، ش ۱۴۲ مجله پیام زن، ص ۶۸ و پاسدار اسلام، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ش ۲۸۱، سال ۱۳۸۴ ش) در دنیا و آخرت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می افشاند و همین امر برای هلاکت بیننده اش کافی است.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۴، ح ۷)

نگاه حرام، قدرت تصمیم گیری صحیح و استفاده از عقل را از انسان سلب می کند، و بیشتر انحرافات جنسی و خلاف اخلاق اسلامی، از یک نگاه آغاز شده است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

شایان ذکر است آنچه گذشت، ویژه نگاه مرد به زن نیست؛ بلکه نگاه معنادار (حرام) زن به مرد نیز همین آثار را در پی دارد. از اینکه می بینیم در آموزه های دینی در خصوص زنان درباره رعایت حجاب و پوشش اهتمام بیشتری شده، به این دلیل است که در زنان زمینه بیشتری برای خودنمایی وجود دارد.

پس زنان باید پوشش مناسبی داشته باشند و آرایش و زیور خود را آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنمایند. بنابراین، پوشش اسلامی برای زنان در همه حال امری واجب است و باید به دستور قرآن کریم و حضرات معصومان: رفتار کنند. اصولاً زیبایی انسان ها به ویژه زنان، برای خود آنان یا شوهرانشان است و اگر در رفت و آمدها به نمایش درآید، موجب خشم خدا می شود و کارهایی هم که سبب جلب توجه نامحرم می گردد پسندیده نیست. اگر نحوه راه رفتن و یا سخن گفتن، توجه دیگران را جلب نماید، سبب می شود که از فضیلت هائی که برای رفتن به مسجد ذکر شده است، به گناه تبدیل شود و گاه ممکن است با بی توجهی، به جای خشنودی خداوند، خشم غضب خداوند برای او ثبت شود.

۲. عدم تعطر و تزین

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد، آدابی ذکر شده است که رعایت آنها مستحب و ترک آنها با جایگاه مساجد منافات دارد. یکی از آن آداب زینت کردن به هنگام رفتن به مسجد است.

خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می شود،

دستور می دهد: «ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.» (اعراف/31)

زینت این در آیه شریفه هم شامل «زینت های جسمانی» است که عبارت از پوشیدن لباس های مرتّب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می شود، و هم شامل «زینت های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی یتّ و اخلاص. (علی بابائی، 1382ش، ج ۲، ص 40)

طبق احادیث و کتاب های تفسیری، مقصود از زینت در آیه شریفه، پوشیدن لباس پاکیزه و فاخر، شانه زدن موی، در دست کردن انگشتر فاخر، عطر زدن و... است. (حرّ عاملی 1409ق، ج ۱، ص ۴۲۶)

در روایات رسیده، استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیره آنان شمرده شده و تأکید گردیده است که: مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند. صاحب کتاب «عروه الوثقی» می گوید: «مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس های تازه استفاده کند.» (طباطبایی یزدی، 1409ق، ج 1، ص ۴۲۶)

در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی خویش، برای خرید عطر بیشتر از خوراک هزینه می کرد.» (طبرسی، 1376ش، ص 43؛ مجلسی 1405ق، ج ۱۶، ص ۲۴۸) آن حضرت صلی الله علیه و آله به پیروان خویش توصیه می فرماید: «از شایستگی مرد آن است که در هر روز به خویش عطر بزند و اگر ممکن نیست، هر دو روز یکبار و اگر این هم ممکن نیست، پس در هر جمعه آن را ترک نکند.» (مجلسی 1405ق، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ کلینی، 1405، ج 6، ص 510، ح 4) در سیره امام حسن علیه السلام آمده است: «خیثمه بن ابی خثیمه گفت: امام حسن علیه السلام هنگامی که به نماز بر می خاست، بهترین لباس هایش را می پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس هایت را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می آرایم، چنان که خدای تعالی می فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد بگیری. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم.» (نوری مازندرانی، 1408ق، ج 3، ص 226؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۲) بنابر مطالب یادشده درمی یابیم که استفاده از لباس های تازه و بوی خوش و زینت دادن سر و صورت به هنگام رفتن به مسجد، یکی از مصادیق «زینت» در آیه شریفه است که امری مطلوب و نیکو شمرده شده است. اما همین امر مستحب که این قدر تأکید شده است در مورد زنان روا

نیست؛ زیرا تزئین (آرایش) زنان باید برای شوهرانشان باشد و بیرون از خانه سبب تحریک دیگران می گردد که از نظر شرع مقدّس ممنوع است. بر این اساس، در منابع روایی اسلام تأکید شده است که حضور زنان در مسجد باید بدون استفاده از عطر و بوی خوش باشد؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «زنان هنگام حضور در مسجد، از بوی خوش استفاده نکنند.» (النووی، 1407ق، ج 4، ص 199؛ قشیری نیشابوری، ج 2، ص 33)

و در روایت دیگر نبوی صلی الله علیه و آله آمده است: «هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به مسجد برود، نمازش قبول نمی شود، تا آنکه آن بوی خوش را از خود برطرف کند.» (ابن ماجه، ج 2، ص 1326، ح 4002)

و همچنین آن حضرت در روایتی دیگر چنین می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: زنان را از مسجد منع نکنید و آنها نیز نباید با خوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند؛ همچنین امام علی علیه السلام می فرماید: وقتی زنان با بوی خوش و زینت کرده بیرون روند، خداوند را نافرمانی (معصیت) می کنند؛ زیرا بر خلاف دستورات او عمل کرده اند، در این صورت جایز نیست که اجازه داده شود.» (ابن حزم اندلسی، ج 4، ص 198)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر زنی خود را معطر کند و بر گروهی (مردانی) بگذرد که بوی او را دریابند، زناکار است.» (پاینده، 1374ق، ص ۳۴، ح ۱۷۷) در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است: «هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه اش بیرون رود، تا زمانی که به منزلش برمی گردد، مورد لعنت خداوند است.» (حرّ عاملی 1409ق، ج ۱۴، ص ۱۱۴؛ مجلسی 1405ق، ج 100، ص 247) بر این اساس، آن حضرت صلی الله علیه و آله درباره شرط خروج بانوان از منزل و حضور در مسجد می فرماید: «هنگامی که یکی از شما (زنان) قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده نماید.» (النووی، 1407ق، ج 4، ص 199؛ قشیری نیشابوری، ج 2، ص 33)

همان گونه که عطر زدن و استعمال بوی خوش در مقابل نامحرم مفسده دارد. تزئین و آرایش نیز به لحاظ فسادانگیز بودن، به شدّت منع شده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «حکایت زنی که دامن کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه راه می رود، چون ظلمتی است در روز قیامت که از خود نور ندارد.» (پاینده، 1374ق، ص ۵۶۲، ح ۲۷۲)

فلسفه این امر نیز روشن است و آن این که شریعت اسلام برای عفت و پاک زیستی

اهمیت فوق العاده قائل است، به هیچ وجه از بی عفتی و بدحجابی که مقدمه آلوده شدن و ارتکاب حرام و فرورفتن در محرمات جنسی است، چشم پوشی نمی کند. بنابراین، درباره حضور زنان برای عبادت در مسجد چون در انتظار مردان نامحرم قرار می گیرند و معطر بودن آنان، موجب التهاب مردان و تحریک غریزه جنسی آنان می شود، عبادتی که باید سازنده باشد و آثار مفیدی برای پاکی و پرهیزگاری داشته باشد، منشأ گناه و ارتکاب حرام می گردد. برای اینکه از چنین پیامدهای ناسالم جلوگیری شود، اسلام دستور می دهد که زنان بدون زینت و خوشبوئی به مسجد بروند.

افزون بر این، ممکن است در صورت تعطر و تزین زنان برای رفتن به مسجد، در مسیر راه مورد آزار و اذیت افراد هرزه و بی بندوبار قرار گیرند. از این رو، ضرورت ایجاب می کند که زنان خداجو حضورشان برای عبادات در بهترین مکان ها بدون زینت و خوشبوئی باشد؛ زیرا این

کار به تقوا و پاک زیستی نزدیک تر و ارزنده تر است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «زنان را با ساده پوشی عادت و یاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان با لباس تجملی و زیورهای نیکو بیرون رود، در نظر بینندگان خوش آید. (باعث هیجان شهوت و فتنه می شود)» (نوری مازندرانی، 1408ق، ج 14، ص 182؛ حسام الدین هندی، 1409ق، ج 16، ص 372؛ ابن ابی الحدید، ج 12، ص 69)

نکته در خور توجه این که گفته شد شایسته نیست زنان از بوی خوش استفاده کنند یا خود را بیارایند، بدین منظور است که اسباب وسوسه نامحرمان و مورد ملعبه بیمار دلان قرار نگیرند؛ و گرنه اگر در مکانی تنها زنان باشند و یا مسجدی فقط برای زنان باشد و راه رفت و آمدشان ویژه زنان در نظر گرفته شده باشد، روشن است که کسی آن را ناروا نخواهد دانست و با اگر زن در خانه تنها برای خرسندی شوهرش خود را بیاراید، نه تنها منعی ندارد، بلکه مستحب است. چنان که فقها گفته اند: «...استعمال بوی خوش، پوشیدن لباس های زیبا و اظهار زیور (برای شوهر) ظاهراً از مستحبات مؤکد است.» (بحرانی، ج 23، ص 119)

3. لزوم اجازه شوهر

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال، در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان ها، خروج زن از منزل برای حضور عرصه های اجتماعی و معاشرت وی بدون آنکه مفسده ای داشته باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به خصوص تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و

ص: 345

مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. در اینجا _ با توجه به تناسب مطلب _ به اختصار به تشریح آن می پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت (به عنوان نمونه) بسنده می کنیم:

1-3. علی بن جعفر می گوید: از برادرم، موسی بن جعفر علیه السلام، پرسیدم، آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت فرمود: خیر...» (حرّ عاملی، 1409ق، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵)

2-3. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر زنی که بدون اجازه شوهرش از منزل خارج گردد، نفقه او بر شوهر واجب نیست تا آنکه بازگردد.» (کلینی، 1405، ج 5، ص 506)

3-3. پیامبر صلی الله علیه و آله از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر منع کرد؛ اگر چنین کند تمام فرشتگان آسمان و هر جن و انسی که بر او گذر کند او را نفرین کند تا به خانه برگردد.» (حرّ عاملی، 1409ق، ج 14، ص 154، ب 117، ح 5)

4-3. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ حضرت فرمودند: بیش از آن است که تصوّر شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: زن نمی تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی تواند بدون اذن از خانه خارج شود...» (همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲)

5-3. در روایتی معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد. (همان، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۱)

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است رضایت شوهر را جلب نماید. فقهای عظام شوهر را محق می دانند که از بیرون رفتن زن منع کنند. جهت تبیین مطلب به کلام برخی از فقیهان اشاره می کنیم:

شیخ طوسی^{۱۱} فرمود: «مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا، شوهر در تمام شبانه روز مستحق استمتاع و بهره وری از زن است؛ و چون این حق را دارد، می تواند از همراهی

جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند و...؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد، و امر واجب (امر شوهر) بر آنها مقدم است.» (طوسی، 1388ق، ج ۴، ص ۳۳۱) همچنین شهید ثانی^۱ در «مسالک الافهام» می نویسد: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتی اگر برای دیدن بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد.» (شهید ثانی، 1416ق، ج 8، ص 308)

مرحوم محمد باقر سبزواری (سبزواری، کفایه الاحکام، ص ۱۸۶) و مرحوم صاحب جواهر (نجفی، 1392ق، ج ۳۱، ص ۳۰۶) نیز چنین عقیده ای داشته اند. همچنین امام خمینی^۲ در «تحریرالوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید، از خانه اش بدون اجازه او خارج نشود، اگرچه

برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند.» (موسوی الخمینی، ج ۲، ص ۳۰۳) آیت ا...^۳ خونی^۴ نیز در این باره فرمود: «زن نمی تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن وی با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد؛ البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اذن نرود. خروج بدون اذن، سبب نشوز است. انجام سایر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست؛ مگر اینکه با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد.» (موسوی خونی، 1410ق، ج ۲، ص ۲۸۹)

بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد.» (حائری (شاهباغ)، 1379ش، ص ۹۶۴؛ محقق داماد، 1372ش، ص ۳۱۶)

به هر حال، مبانی این باور می تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد. (نجفی، 1392ق، ج ۳۱، ص ۱۴۷)

و از سوی دیگر می توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی سازد. از این رو، زن باید برای خروج از منزل که زمینه بهره جویی مرد را از میان می برد، اجازه بگیرد. (همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳) البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده اند.» (مشکینی، علی، ص ۲۲۶)

با ملاحظه مطالب ذکر شده در می یابیم که نظریه «منع خروج زن از منزل» بدون اذن شوهر هم از جهت ادله و هم از جهت قائل از وجاهت به ظاهر مناسبی برخوردار است؛ اما

با این وجود، جمعی از فقها و اندیشمندان به مخالفت با این نظریه و ردّ مبانی آن اهتمام ورزیده اند و حقّ منع شوهر برای خروج زن را به حقّ کامجویی وی که حقّ مسلّم و اصلی شوهر در زندگی خانوادگی است، مربوط دانسته اند. (شمس الدّین، محمد مهدی، 1996م، ص 112)

آیت ا... خونی^۱ نیز به رغم آنکه در نهایت از باب احتیاط، مطابق نظر مشهور فتوا داده است، خروج زن از منزل را از توابع حقّ استمتاع شوهر دانسته اند. (موسوی خونی، 1410ق، ص ۲۸۹)

به نظر نگارنده، با توجّه به در نظر گرفتن اصل اولی و اباحه اعمال و ملاحظه نظام حقوق و تکالیف متقابل ناشی از زندگی خانوادگی زناشویی و با بررسی و امعان نظر در ادلّه قول مشهور، پذیرش و تأیید دیدگاه اخیر از ارجحیت ویژه ای برخوردار است.

اما درباره استناد به آیه 33 سوره مبارکه احزاب، باید گفت: که این آیه شریفه در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و اصولاً در مقام توصیه و سفارش به حفظ عفت و حجاب نازل شده است، که به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر زنان مؤمنه دستور می دهد که در خانه های خود بمانند و همچون جاهلیت نخستین ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند؛ چون واژه «تبرّج» که در آیه شریفه آمده، به معنای خودنمایی و خودآرائی و نمودن زیبایی ها در مقابل دیگران است. (زبیدی، ج ۵، صص ۴۱۷ و ۴۱۸)

پس روشن است که این آیه شریفه، به ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، هیچ ارتباطی ندارد.

نکته شایان توجّه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه اش سر باز زده و با بی اعتنائی به حقّ مسلّم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به گونه ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد؛ مؤیّد این تحلیل، هماهنگی میان عمل ناپسند ترک شوهر و بیرون رفتن زن از خانه، با کیفری که در روایات آمده (نفرین فرشتگان و لعن جن و انس) است که بدون تردید باید گفت: این کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون، حضور در مسجد برای انجام عبادت و یادگیری احکام اسلامی و صله رحم از خانه خارج می شوند، پنداشتی است که با انبوه آموزه های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده هیچ گاه در مقام ممنوعیت بی قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حقّ شوهر در کامجویی از همسرش، خروج زن از منزل شوهر محدود می شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حقّ استمتاع شوهر، خلاصه نمی شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است؛ این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت های زن بسیار تعیین کننده می باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است.

بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش قرار داده و حتی در صورت اقتضای اوضاع و احوال محیطی و...، محدودیت هایی را برای وی در نظر بگیرد؛ چنان که متفکر شهید استاد مطهری^{۱۱} با درک همین واقعیت، گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می کند که خارج شدن زن از

خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد، نه بیشتر.» (مطهری، ۱۳۶۷ش، ص ۸۸)

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده می تواند با تشخیص مصلحت، رفت و آمد و معاشرت های همسرش، حتی رفتن او به مسجد را با محدودیت مواجه سازد؛ مثلاً در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط های ناشایست و معاشرت های بی بندوبار می رود و یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای كانون گرم خانواده می بیند، حقّ دارد از خروج او ممانعت نماید؛ البته در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش مانند، شرکت در انتخابات، اقامه دعوا در دادگاه و...، یا انجام فرائض دینی، (انجام حجّ، ادای خمس و...) و یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی تواند مانع شود.

با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد اجازه خواست و شوهر مفسده ای در این حضور وی نمی بیند، شایسته است که منع نکند. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید.» (فشری نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳)

4. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

بدون شک، یکی از عوامل شیوع فساد که دامن گیر جهان امروز، به ویژه کشورهای

غریبی شده است، برداشتن حائل و حریم میان زن و مرد در ادارات، کارخانه ها و دیگر اماکن و محافل عمومی است. در این برخوردها معمولاً بذر فساد و گناه افشاندن می شود و روز به روز ریشه می دواند.

قرآن کریم نیز بر این مطلب، تأکید کرده است؛ به این آیات الهی به دقت بنگریم: «هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حائل طلب نمائید؛ این برای دل های شما و آنها، به طهارت نزدیک تر است...» (احزاب/53)

صراحت آیه شریفه در عدم اختلاط زنان و مردان، قابل انکار نیست. گرچه شأن نزول این آیه شریفه، ویژه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما روشن است که مورد نمی تواند شمول مفهومی آیه را محدود و به اصلاح علمی «مورد نمی تواند مخصّص باشد.» بنابراین، این آیه شریفه در منع اختلاط زن و مرد و حفظ زنان از محرکات شهوانی، وارد شده است.

علامه شهید مطهری قدس سره در تفسیر آیه شریفه مزبور می نویسد: «... طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار (حائل) صدا بزند...»

جمله: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ این برای دل های شما و آنها، به طهارت نزدیک تر است (احزاب/53)؛ مانند جمله: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» که در آیه 60 سوره نور آمده است، دلالت می کند که هر اندازه مرد و زن، جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است را رعایت نمایند، این عمل به تقوا و پاکی نزدیک تر است. چنان که گفتیم: رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است، نباید رجحان اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد. (مطهری، 1367ش، ص 154)

همچنین این متفکر اسلامی درباره زیان های اختلاط در این عصر ارتباطات و دهکده جهانی می نویسد: «جامعه امروزی، زیان های اختلاط زن و مرد را به چشم خود می بیند؛ چه لزومی دارد که زنان، فعالیت های اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می دهد؟ از جمله اثر بارز این دوشادوشی ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت بازمی دارد و هر یک را به جای توجه و دقت به کار خود، متوجه «همدوش» می کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی ها به هم آغوشی ها منتهی می گردد.» (همان، ص ۲۳۷)

شریعت حیات بخش اسلام در عین این که به زنان، اجازه می دهد که در امور عبادی

مسجد و سایر فعالیت های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند، از اختلاط نهی فرموده است تا مبدا روزی بستر آلودگی های اخلاقی فراهم آید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « میان مردان و زنان نامحرم فاصله اندازید؛ زیرا، بر اثر ملاقات و اختلاط، گرفتار درد و بلایی می شوید که دوا ندارد. بر شما باد که از اختلاط با زنان اجتناب نمایید.» (نوری مازندرانی، 1408ق، ج 14، ص 264؛ ادهمی مصری، ص ۱۴۰) بر همین اساس آن حضرت در زمان رسالتش برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد در مسجد، دستور داد که برای زنان؛ در جداگانه ای به مسجدالتبی بسازند. (ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹) که هنوز هم به نام «بابُ النساء» وجود دارد.

مولوی می گوید:

هیچکس را با زنان محرم مدار

که مثال این دو پنبه است و شرار (مولوی، دفتر پنجم، بیت 3872)

در روایت آمده است روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند؛ حضرت خطاب به زنان فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما» (ابوداود، ج ۲، ص ۵۳۳)

همچنین درباره خروج زنان و مردان از مسجد و رفت و آمد در کوچه ها فرمود: «شب هنگام پس از اتمام نماز، ابتدا زنها و سپس مردها از مساجد خارج شوند و در مسیر کوچه و خیابان، مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند.» (کلینی، 1405ق، ج ۵، ص ۵۱۸)

امام علی علیه السلام در بیانی به مردم عراق که به این امر (لزوم عدم اختلاط) توجّه نمی کردند، با اعتراض می فرماید: «ای اهل عراق! با خبر شده ام که زنان شما در راه (کوچه و خیابان) با مردان برخورد می کنند. (به هم تنه می زنند) آیا حیا و شرم نمی کنید؟ و در حدیث دیگر فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید که زنانتان به بازار می روند و با افراد بی ایمان مواجه می شوند؟» (حرّ عاملی 1409ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴)

به هر حال اهمیّت مسئله تا بدانجاست که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هنگام بیعت با زنان، به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده است. «پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند، در خلوت با مردان بنشینند.» (همان)

ص: 351

1. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام

تعلیم و تربیت نقش شگفت انگیزی در زندگی انسان دارد. شکوفایی استعدادها و ارزش های والا مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است.

انسان نه تنها تربیت پذیر است بلکه تنها مخلوقی است که به تعلیم و تربیت نیازمند است و اگر این فرصت را از دست دهد، چیز ارزنده ای را برای همیشه از دست خواهد داد.

تعلیم و تربیت می تواند به رشد و ارتقای جسمی و روحانی انسان یاری کند و نیازهای فردی و اجتماعی، اقتصادی و... انسان را تأمین کند. به عبارتی تمام امور زندگی بشر با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد. از نظر اسلام کسی که از تعلیم و تربیت بی بهره است هم چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی داند از کدام راه برود تا به سر منزل مقصود برسد.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «پیامبران برای تزکیه و تعلیم بشر برانگیخته شده اند که آیات خدا و کتاب و حکمت را به آنان تعلیم دهند.» (جمعه/2)

در تعالیم اسلامی عالی ترین نوع توجه در مورد کودک سفارش شده است. همچنین مجاهدت و تلاش پدر و مادر و مربیان در راه تربیت و حسن اداره زندگی و ایجاد رفاه و آسایش و تأمین نیازهای فرزندان توصیه شده است. یکی از حقوق فرزند بر پدر و مادر اهتمام در «تربیت» است.

از مسائل بسیار مهم در زندگی هر انسانی، احساس مسئولیت در برابر فرزندان و اهتمام در ادب آموزی آنهاست. امام کاظم علیه السلام می فرماید: «مردی به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی

و تربیتش را نیکوگردانی و او را در جایگاه خوبی قرار دهی.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 21، 479)

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی زیبا می فرماید: «حق فرزند بر پدر سه چیز است: دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند، نام خوبی برایش بگذارد و در تربیتش بکوشد.» (مجلسی 1404ق، ج 75، 236)

پیامبر صلی الله علیه و آله مهم ترین وظیفه پدر و مادر را تربیت نیکوی فرزندان می شمارد و می فرماید: «بی تردید، اگر مرد به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکو تر از آن است که هر روز نیم صاع [گندم، جو و مانند آن] در راه خدا صدقه بدهد.» (نوری 1408ق، ج 15، 166)

آن سرچشمه آفرینش، بهترین هدیه پدر و مادر را تربیت شایسته فرزندان می داند و در حدیثی زیبا می فرماید: «هیچ هدیه ای از طرف پدر به پسر، بهتر از تربیت نیکو نیست.» (همان، 165) در حقیقت، همان گونه که امام علی علیه السلام اشاره فرمود: «ادب، بهترین میراث برای فرزندان است.» (حسام الدّین هندی 1409ق، ج 16، 456)

2. نقش مادر در تربیت صحیح نسل

اشاره

خمیرمایه مولفه های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب پذیر فرزندان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به ویژه مادر، شکل می گیرد.

با متولد شدن کودک و پا گذاشتن او در محیط خانواده رسالت تربیتی پدر و مادر درباره فرزند به طور عینی و با جدیت شروع می شود و به خصوص نقش مادر بسیار نمایان است. نقش مادر تنها مربوط به جنبه های روانی و اجتماعی مخصوص نیست، بلکه مادر در آشنا ساختن کودک با جامعه، هدایت، رهبری و جهت دادن به افکار کودک با زندگی جمعی نقش اساسی دارد؛ کودک به علّت زودباوری و تقلید مطلق در سال های اول زندگی از مادر این افکار را به راحتی می پذیرد و بعد مادر در صدد دفاع از آن بر می آید و به خاطر همین است که رهبری مادر در سعادت و پرورش کودک نقش اساسی دارد.

مادر، اولین مربی کودک و مؤثرترین فرد بر کودک در تمامی مراحل رشد است. این تأثیرات، در واقع قبل از تولّد و حتّی از زمان انعقاد نطفه وجود دارد. زیرا هرگونه خلق و خوی مادر و حالت های روحی او در شکل گیری شخصیت جنین مؤثر است.

مادر مبدأ پیدایش فرزندانی است که هر کدام به دیگری وابسته است؛ نه مانند میوه های یک درخت و نه مانند بچه های یک حیوان مادّه. او بین اعضای نسبی یک خانواده ایجاد

رحامت می کند و بین خانواده خود و بستگان سببی هم ایجاد عطفوت کرده و دو خانواده را به منزله یک خانواده قرار می دهد.

قرآن کریم از زحمات مادر جداگانه و به طور مستقل سخن می گوید: «و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمّل رنج به او باردار شد و با تحمّل رنج، او را به دنیا آورد و بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است.» (احقاف/15)

واژه «اُمّ» به معنای ریشه و سرچشمه است. به علّت اینکه کودک حداقل شش ماه و حداکثر نه ماه در رحم زن است و در این مدت تمام نیازهای جسمی و روحی او از مایه های وجود زن تأمین می شود از وجود مادر نسبت به کودک تعبیر به «اُمّ» شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عظمت مقام مادر فرمودند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت، زیر پای مادران است.» (حسام الدّین هندی 1409ق، ج 16، 261، شماره 45439)

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به پدرت.» (کلینی، ج 2، 159، ح 9)

خداوند هم در مقابل زحمات زن از بارداری و وضع حمل و شیر دادن تا تربیت فرزند و خانه داری و شوهرداری، پاداش و ثواب هایی برای او قرار داده که با پاداش جهاد مردان برابری می کند. در مقابل، مادر باید توجه کند که ابعاد شخصیت فرزندش در دامن او شکل می گیرد و فرزند سرمایه اصلی شخصیت خود را از مادرش دریافت می کند. امام خمینی² درباره نقش مادر در تربیت صحیح نسل می فرمایند: «اول مدرسه ای که کودک دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند و آرزوهایی که دارند خلاصه می شود در پدر و مادر، همه چیز را در مادر می بینند. حرف مادر، خُلق مادر، عمل مادر در بچه ها اثر دارد...». (فراهانی 1378ش، 292)

کودک انعکاسی از واقعیت جسمی و روحی و میوه ای از آن شجره مبارکه است. (انصاریان 1378ش، 433، با تلخیص)

مادری، فضیلتی ملکوتی ناشی از عالم قدس است که در وجود انسان خاکی تجلّی می کند

و در آن صراحت و صداقت، مهر و صفا، عدل و تقوی به عالی ترین وجه خود عیان می شود و جامعه را به سمت کمال سوق می دهد.

مادرانی که اهل مسجد و محراب هستند و خود متخلّق به اخلاق حسنه هستند در تربیت نسل جدید، بسیار موفقند. زنان و مادران مسجدی با داشتن ویژگی هایی که در ذیل به آنها می پردازیم، در تربیت فرزندان صالح نقش اساسی دارند.

1-2. محبت و صمیمیت

مادر مسجدی، سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی اسوه و الگویی برای سایر زنان و مادران است. کودک می خواهد والدین، به ویژه مادر بیش از حد او را دوست بدارند و به او اظهار علاقه کنند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده اش در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه؛ اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش دارند یا نه. این احساس درونی را چیزی جز محبت و نوازش مادران که کانون عطوفت و مهربانی هستند، ارضا نمی کند.

اخلاق و شخصیت آینده فرزندان در همین اظهار محبت ها شکل می گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش های مخلصانه پدر اهل مسجد است که روح بشردوستی و علاقه به هم نوع را در فرزند می دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده

اش می کند؛ همچنین او را از گوشه گیری و انزوا نجات می دهد. به واسطه محبت مادران اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیت می کند و خود را لایق دوستی می داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، همراه با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می شود. این فضایل که در مسجد پایه ریزی و نهادینه می شود، همه کمالات را شامل می شود؛ از قبیل محبت، دوستی، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری، دلسوزی و به طور کلی تقدّم غیر بر خود. در همه این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواه بودنش از دایره تنگ «خود» قدم فراتر می گذارد و گامی به سوی غیر برمی دارد. انسان با مقدّم داشتن دیگری بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقه او، از فردیت خویش خارج می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «آگاه باشید که مودّت و دوستی مؤمن از بزرگ ترین عوامل ایمان است.» (مجلسی 1404ق، ج 74، 281) همچنین در جایی دیگر فرموده اند: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی شوید، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی آورید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید.» (حسام الدین هندی 1409ق، ج 3، 467)

ص: 355

2.2. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس در فرزندان

روانشناسان می گویند تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ همچنین او را بزرگوار و باشخصیت بار بیاورد. مادرانی که به فرزندان احترام نمی گذارند، آنها را کوچک می کنند و شخصیتشان را خرد می کنند، به طور طبیعی آنها را فرزندان ترسو و بی شخصیت بار می آورند که خود را زبون و بی ارزش می پندارند. هنگامی که این فرزندان بزرگ شوند، خود را کوچک تر از آن می دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند. چنین افرادی در اجتماع، منشأ هیچ اثری واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت. اما اگر فردی در خانواده ای اهل مسجد، رشد کند، خودش را بزرگ و با شخصیت می بیند؛ بنابراین به کارهای پست تن نمی دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی رود. مادران مسجدی و اهل نماز برای پرورش شخصیت انسانی فرزندان، صفات خوب او را یادآوری می کنند و از او در حضور خودش و دیگران توصیف و تعریف می کنند و بزرگی نفس را به او تلقین می نمایند.

همچنین، مادر مسجدی و اهل نماز، کودک خود را دوست دارد؛ زیرا محبت داشتن اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف عالی رهنمون می کند. برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازه اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر انسان از اجرای کاری بترسد و فکر کند که قادر نیست آن را انجام دهد، امکان ندارد آن کار را به نحو مطلوب انجام دهد. ترس، نیروی محرکه ماشین را، که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می اندازد و نقش رمز را ایفا می کند. در مقابل، اعتماد و ایمان به توانستن و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می دهد و بر کارایی آن می افزاید.

2-3. تربیت دینی

در خانواده اهل مسجد، اساس تربیت، متکی بر «تربیت دینی» است. مادر مسجدی و اهل نماز، از آنجا که جهان مادی را با همه نعمت ها و موهبت هایش همواره در حد «وسیله» می نگرد و سعادت و نیک بختی خود و خانواده اش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی داند، نه تنها ناملایمات و ناکامی ها روحیه اش را تضعیف نمی کند، بلکه در نظر او همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسیله ای هستند که مانع آرامش روحی آنان می شود و جلوی هرگونه سستی حاصل از خوگرفتن به زندگی بی دغدغه را می گیرد.

جهان سرد ماشینی و بی روحی که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده مسجدی، به

جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا تبدیل می شود که به زندگی روح، معنا و هدف می بخشد. در سایه تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه جهان و به خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوند سرچشمه گرفته است، تقدّس می یابد و ارزشمند می شود. تجربه تاریخی نشان می دهد که هر جا ایمان واقعی تجلّی پیدا کند، عالی ترین جلوه های انسانی را با خود به همراه می آورد. «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و «تنهایی و غربت» رها می کند، بلکه به زندگی روح و صفا می بخشد و شوق و حرکت می آفریند.

2-4. پاکی و طهارت جسم و جان

مادر مسجدی و اهل نماز، سلامت جسمانی و روانی دارد؛ زیرا آلودگی هر یک از این دو، (جسم و روان) انسان را از تعادل خارج می کند و او را در مسیری ناشایست قرار می دهد. در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه ای اهمیت دارد که یکی از هدف های دین و جزئی از ایمان شمرده شده است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که پاکیزگی جزء ایمان است. (مجلسی 1404ق، ج 62، کتاب طب النّبی صلی الله علیه و آله، باب 89، 291) امام باقر علیه السلام فرمودند: «کُنْ التَّيْبُوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ؛ جارو کردن اتاق ها فقر را از بین می برد.» (حرّ عاملی 1409ق، ج 3، 571، ح 2) همچنین، امام صادق علیه السلام فرمودند: «در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: 1. از سنّت پیامبر است؛ 2. دهان را پاکیزه می کند؛ 3. نور چشم را زیاد می کند؛ 4. باعث خشنودی خداوند است؛ 5. دندان ها را سفید می کند؛ 6. پوسیدگی آنها را از بین می برد؛ 7. لثه را محکم می سازد؛ 8. اشتهاآور است؛ 9. بلغم را می برد؛ 10. حافظه را زیاد می کند؛ 11. حسنات دو چندان می شوند؛ 12. فرشتگان شاد می گردند.» (صدوق 1403ق، 481)

خانه پیامبر صلی الله علیه و آله که الگویی برای همه خانواده های اهل مسجد است، با همه سادگی همیشه پاکیزه بود. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: محوطه جلوی خانه خود را جارو بزنید و تمیز کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگذارید خاکروبه و آشغال، شب در خانه شما بماند، زیرا آنجا جایگاه شیطان است.» (طبرسی، 490)

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فضای مقابل خانه خود را، جارو بزنید و تمیز کنید و مانند یهودیان کثیف نباشید.» (طبرسی، 145)

آن بزرگوار مردم را از نُسُسته رها کردن ظرف های غذا و همچنین بدون سرپوش گذاشتن ظرف آب و غذا نهی می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بودند آب ها را مطلقاً آلوده نکنند و موقع

شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند. زنان و مادر مسجدی و اهل نماز، با تأسی از سیره و دستورهای پیشوایان دین و پیروی از کلام خداوند، به پاکیزگی جسم و روان توجه بیشتری می کنند. به دیگر سخن، سلامت جسم و جان، آغاز تکامل اعضای خانواده اهل مسجد است.

5-2. رعایت نظم، انضباط و وقت شناسی

از جمله ویژگی های مادران مسجدی و به طور کلی خانواده مسجدی، رعایت نظم، انضباط و وقت شناسی است. همچنان که انضباط و وقت شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است. هر یک از افراد خانواده مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظم کنند و در وقت مخصوص انجام دهند. در خانواده ای که نظم حاکم است، آرامش و صفا و صمیمیت برقرار است و همه افراد بدون نگرانی، ناراحتی و ایجاد مزاحمت برای دیگران کارهای خود را انجام می دهند.

امام علی علیه السلام به دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، می فرماید: «شما (حسن و حسین) تمام فرزندان و خاندانم و هر کس را که نامه ام به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم.» (سید رضی، نامه 47)

از جمله نکات مهم و برجسته در زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت شناسی آنان است. درباره امام خمینی² نوشته اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بودند. در واقع، یکی از اساسی ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می کردند.

6-2. خلافت

خلافت و ابتکار عمل، ثمره شایسته خانواده مسجدی است؛ زیرا در چنین خانواده ای بستر رشد همه استعدادها فراهم است. لازمه خلافت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به طور کلی، ویژگی های تفکر خلاق را، که در خانواده های متدین و مسجدی بروز می کند، می توان این گونه بیان کرد:

1. جرئت و شهامت اظهار نظر؛ 2. حقیقت جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛ 3. اجتناب از سطحی نگری؛ 4. نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده ها؛ 5. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛ 6. داشتن طرز تکفر انتقادی؛ 7. داشتن پشتکار و انضباط؛ 8. افق های دید وسیع؛ 9. تلاش اجتهادی.

والدین مسجدي، عدالت را در همه مراحل زندگی و امور رعایت می کنند؛ زیرا خانواده فاقد عدالت، از حالت تعادل خارج می شود و نمی تواند پرورش دهنده انسان های بزرگ در آینده باشد. سعادتمندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعداد های گوناگون و حتی متناقضی وجود دارد و اگر والدین، به ویژه مادران عدالت و مساوات را رعایت نکنند و فرزندی با عضوی را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری هایی ایجاد می شود و چه بسا آرامش خانواده در خطر می افتد. گاهی سرچشمه کینه توزی ها و بدبینی ها را باید در همین جا پیدا کرد. بنابراین، برخورد های تبعیض آمیز یا تفاوت گذاشتن های بدون دلیل، از جمله مواردی است که ممکن است فضای حسادت، درگیری یا انتقام را در بین فرزندان ایجاد کند. امام علی علیه السلام می فرماید: «انصاف و عدالت اختلافات را از بین می برد و همدلی می آورد.» (آمدی 1410ق، ص 88)

در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «با فرزندان با عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید با شما در نیکی و لطف کردن، با عدالت رفتار شود.» (طبرسی، ص 252)

«اگر پدر و مادر در مورد همه فرزندان رفتار کاملاً عادلانه ای داشته باشند و هیچ کدام را بر دیگری ترجیح ندهند... حسادت کودکان تحریک نمی شود و ممکن است به تدریج از میان برود. هیچ گاه در حضور فرزندان خویش، از یکی از آنها تعریف و تمجید نکنید و کارهایش را به رخ دیگران نکشید. آنها را با یکدیگر مقایسه نکرده و خوبی بعضی را به رخ دیگران نکشید. بعضی از پدران و مادران برای تعلیم و تربیت و تشویق و به کار گرفتن کودکان خویش از روش مقایسه استفاده می کنند. این پدران و مادران به خیال خود می خواهند بدین وسیله فرزند خویش را تربیت نمایند، در صورتی که کمتر اتفاق می افتد که با این کار نتیجه مطلوب را به دست آورند. بر عکس، نتیجه ای که می گیرند این است که تخم حسادت و کینه توزی را در دل کودک بی گناه می پاشند و او را برای حسدورزی و دشمنی آماده می کنند.» (امینی 1381ش، 215-216)

بی عدالتی ها و تبعیض ها سه خطر را متوجه خانواده ها می کند:

1. فرزند به خواهران و برادران محبوب تر از خود بدبین می شود و کینه به دل می گیرد؛

2. در برابر والدین احساس خشم و کینه می کند؛

3. بی اعتنائی و تبعیض شخصیت، طفل را ضعیف می کند و موجب می شود تا وی در همه مراحل زندگی احساس حقارت کند.

والدین اهل مسجد و نماز، در توزیع توجّه، محبّت و نگاه به فرزندان بر اساس آموزه های پیشوایان دین و با نهایت عدالت و انصاف رفتار می کنند. والدین مسجدی به فرزندان خود مستقلّ از جنسیت، سن، زیبایی و هوش محبّت می کنند و از مقایسه فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزردهی آنان می شود، پرهیز می کنند.

ص: 360

ه) گفتار پنجم: مسجد و غنی سازی اوقات فراغت زنان و خانواده

بیکاری و فراغت، مقوله ای است که به واسطه آن بیشتر مردم به انحراف کشیده می شوند. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو خصوصیت است که بسیاری از مردم در آنها فریب می خورند: سلامتی و فراغت.» (مجلسی 1405ق، ج 78، 170)

غنی سازی بهینه اوقات فراغت شاخصی مناسب برای ارتقای سلامت جسمی و روانی و استحکام ساختار تربیتی جامعه است. بنابراین بهره برداری شایسته از اوقات فراغت، جامعه را به سوی سازندگی اخلاقی، شکوفایی استعدادها، خلاقیت ها و توسعه فکری رهنمون می کند. یکی از مراکزی که در برگزاری برنامه های اوقات فراغت اقدامات و فعالیت چشمگیر دارد، مساجد و ستاد عالی کانون های مساجد کشور است.

در واقع در این زمان، هنر مسجدی ها و متولیان فرهنگی مساجد این است که بتوانند برای اوقات فراغت غیر از برنامه های تبلیغی و عبادی برنامه های جذابی را برای تمام اقشار جامعه طراحی کنند. مردم به مسجد اعتماد و اطمینان دارند به همین منظور اگر برنامه ها از استاندارد و تنوع لازم برخوردار باشند با استقبال جدی آنان مواجه می شود. فضای مسجد فضای مناسبی برای تأمین اوقات عبادی و فراغت اقشار مختلف است.

واژه «فراغت» به معنای آسایش، آرامی و استراحت و ضد گرفتاری از کار و شغل است. (حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه «فراغت»)

برخی از صاحب نظران آن را «فعّالیت برای خود» یا «زمان آزاد» یا «زمان فروخته نشده ای که متعلّق به فرد است» و «زمانی که فرد به میل خود از آن استفاده می کند» توصیف نموده اند. (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «فراغت»)

به نظر «اوژه»، منظور از فراغت، تفریحات و سرگرمی هایی است که افراد به هنگام

آسودگی از کار با شوق و رغبت به سوی آن روی می آورند. (کرباسی و وکیلان، مسائل نوجوانان و جوانان، 119)

مفهوم اوقات فراغت در لغت را می توان به طور خلاصه؛ زمان ها، مواقع و ساعاتی دانست، که فرد در آسایش، استراحت و آرامش به سر می برد. (کوهستانی و دیگران 1378، 48)

دومازیه جامعه شناس فرانسوی و مؤلف کتاب «به سوی یک تمدن فراغت»، معتقد است که اوقات فراغت، عبارت از مجموعه فعالیت هایی است، که شخص، پس از ارزشیابی تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی، با میل و اشتیاق به آن می پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیّت ها و یا مشارکت آزادانه در اجتماع است. (یوسفی 1374، 77)

بنابراین، می توان اوقات فراغت را زمان هایی دانست که یک فرد برای انجام وظایف فردی و اجتماعی خویش دارد و می تواند آن را با میل خود در امور مختلف صرف کند و بسته به این که چگونه و با چه وسیله ای این اوقات پر شود، می تواند پربارترین و شوق انگیزترین لحظات و یا برعکس ملال آورترین بی بارترین و حتی مفسده انگیزترین دقایق باشد.

در آموزه های اسلامی به مسئله «وقت» توجه زیادی شده، تا جایی که خداوند در قرآن کریم به مفردات و اجزاء وقت و زمان از جمله به «شب»، «روز»، «فجر»، «صبح»، «نیم روز» و «عصر» قسم یاد کرده است. قسم یاد کردن خداوند به یکی از این اجزاء و مفردات زمان، نشانه عظمت و اهمیت آن است؛ یعنی خداوند بدین وسیله می خواهد فوائد و آثار و اهمیت زمان را به انسان متذکر شود.

حضرات معصومان: درباره بهره گیری بهینه از اوقات فراغت و چگونگی گذراندن اوقات شبانه روز، دستورالعمل های خاصی ارائه فرموده اند؛ چنان که امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «سعی کن اوقات خود را به 4 بخش تقسیم کنی؛ ساعتی را برای مناجات و ارتباط با معبود قرار دهی، ساعتی را برای امرار معاش و کسب روزی اختصاص دهی و ساعتی را برای ارتباط و معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد و وثوق خود صرف کنی. [یعنی کسانی که کژی ها و عیوبشان را به شما تذکر می دهند و در باطن به شما علاقه مند هستند] و ساعتی را نیز برای لذت بردن از امور حلال و غیر حرام خالی نگه دارید. [گذران اوقات فراغت] در پرتو وجود بخش چهارم از اوقات است که می توانید به 3 بخش دیگر ساعات زندگی نایل آید و بهره لازم را ببرید.»

این کلام گهربار امام علیه السلام حکایت از این دارد که رهبران دین و ائمه معصومین: به مسئله اوقات فراغت انسان اهمیت زیادی داده اند؛ تا جایی که امکان بهره برداری کامل و مناسب از 3 بخش دیگر زندگی و توجه به امر معاد و معاش را نیز مشروط به اختصاص دادن ساعتی از زمان به بهره مندی لذا ید مشروع و مواهب مادی خدادادی دانسته اند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «در نصایح لقمان به پسرش این بود که: توبه را در دلت تازه کن، و پیش از آن که کازت فرارسد و قضایات قطعی شود و بین تو و آنچه می خواهی، فاصله بیفتد، در ایام فراغت، [برای توبه] شتاب کن.» (کلینی، ج 2، 135، ح 20)

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «لقمان در سفارش به پسرش، گفت: «ای پسر! بدان که [متاع] دنیا ناچیز است و عمر تو اندکی از آن ناچیز است، و از آن اندک نیز اندکی مانده است.» (طبرسی 1423ق، 461، ح 1537)

در برنامه ریزی برای پر نمودن بهینه اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در تابستان، حتی المقدور باید به گرایش ها، تمایلات و نیازهای نوجوانان و جوانان توجه نمود و مشارکت خود آنان را در برنامه ریزی ها جلب کرد و نیز وضعیت اقتصادی، فرهنگی و تحصیلی خانواده ها را در برنامه ریزی ها نباید از نظر دور داشت. با این حال، اگر در پر نمودن بهینه اوقات فراغت دانش آموزان در فصل تابستان به شیوه های صحیح تربیتی توفیق حاصل ننماییم بی شک، زمینه انحرافات را در بین دانش آموزان فراهم ساخته و در نتیجه، با عواقب زیانباری مواجه خواهیم شد. (عصاره 1374، شماره 10، 109)

اگر این اوقات به خوبی برنامه ریزی شود با استفاده از پتانسیل های جوانان می تواند جامعه را به سمت پویایی و نوآوری سوق داد و علاوه بر آن زمینه برای بروز خلاقیت و استعداد های جوانان فراهم می شود.

اگر این اوقات به صورت بهینه استفاده نشود از سویی موجب سستی، خستگی، ناآرامی و کسالت می شود و از سوی دیگر پنهان ماندن استعداد ها و توانایی های افراد ضربات سنگین و گاه جبران ناپذیری را به بدنه جامعه و رشد و پیشرفت آن وارد خواهد کرد. با توجه به تنوع درخواست ها و تمایلات افراد برداشت های مردم از اوقات فراغت نیز بسیار متفاوت است و باید با توجه به نیاز جامعه، جنسیت و مخاطبان مبادرت به برنامه ریزی و فراهم کردن اسباب فراغت افراد کرد. با برنامه ریزی صحیح در اوقات فراغت محیطی سالم و پویا برای جوانان می توان زمینه را برای مسئولیت پذیری و ورود آنان به اجتماع فراهم کرد.

طبق روایات اسلامی از بیکاری نهی شده است تا جایی که زمانی که پیامبر می شنید شخصی بیکار است می فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» یعنی از چشمم افتاد. اگر برنامه ریزی درستی برای اوقات فراغت انجام نشود چه بسا موجب بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی و ناهنجاری ها در جامعه بشود.

با توجه به تنوع درخواست ها و تمایلات افراد برداشت های مردم از اوقات فراغت نیز بسیار متفاوت است و باید با توجه به نیاز جامعه، جنسیت و مخاطبان مبادرت به برنامه ریزی و فراهم کردن اسباب فراغت افراد کرد. با برنامه ریزی صحیح در اوقات فراغت محیطی سالم و پویا برای جوانان می توان زمینه را برای مسئولیت پذیری و ورود آنان به اجتماع فراهم کرد.

بسیاری از استعدادها و نبوغ افراد در اوقات فراغت شناخته می شود و اگر از این اوقات استفاده بهینه شود، می تواند بر عملکرد یک جامعه تاثیرگذار باشد. و از آنجا که اوقات فراغت زمانی کاملاً شخصی است و فرد در آن به اعمالی که دوست دارد مبادرت می ورزد، بنابراین با رضایت و لذت انجام می دهد و در این صورت است که تاثیر آن، دو چندان می شود. در این میان مهم ترین عامل جلوگیری از انحرافات و برنامه ریزی صحیح برای اوقات فراغت افراد، مساجد و سایر مراکز فرهنگی و تربیتی است. حال اگر این برنامه ریزی ها مطابق با جنسیت و فضای فرهنگی حاکم بر جامعه باشد، نتایج سودمندتر و بهتری در بر خواهد داشت. همچنین می توان با برنامه ریزی و سیاستگذاری صحیح

در مساجد، دوره های آموزشی متناسب با خصوصیات اخلاقی و رفتاری زنان و فعالیت های مرتبط با آنان در نظر گرفت تا علاوه بر کمک به اقتصاد خانواده زنان جامعه را به سمت مشاغل زنانه و متناسب با روحیات آنان هدایت کرد.

از این رو با توجه به خصوصیات دختران و تفاوت های جنسیتی، جسمی و روحی آنان، باید اوقات فراغتشان نیز متفاوت از جنس مذکر باشد و بیشتر متناسب با مسائل روحی و روانی آنان برنامه ریزی کرد. در این میان، باید خانواده ها با مساجد همکاری کنند و در شناسایی علایق و روحیات فرزندان، مساجد را یاری دهند. والدین می توانند با توجه به خصوصیات شخصیتی، امیال و نقاط ضعف و قوت فرزند خود نحوه گذران اوقات فراغت او را مدیریت کنند.

آمار نشان می دهد میزان افسردگی زنان در جامعه بیش از مردان است. شاید یکی از دلایل بروز افسردگی عدم مدیریت صحیح اوقات فراغت زنان و دختران است. دختران به دلیل شرایط خاص فرهنگی و سنتی جامعه و فعالیت کمتر نسبت به پسران و یا کمبود مراکز

تفریحی، رفاهی و ورزشی مناسب، بیشتر در معرض افسردگی قرار دارند.

اهمیت توجه به اوقات فراغت دختران در آنجا بیشتر به چشم می خورد که اگر به درستی برنامه ریزی و هدایت شود، دختران که در آینده قرار است نقش مادری، همسری و نقش های مختلف اجتماعی را ایفا کنند، می توانند بر اجتماع تأثیرات مهم و اساسی بگذارند. با ایجاد فضاهای فرهنگی، خلاقانه و متناسب با روحیات دختران در مساجد و دیگر مراکز فرهنگی و تربیتی می توان سلامت روحی و روانی جامعه را نیز تأمین کرد.

بدون تردید در جامعه امروز ما، ارتباطات و گردهمایی های سنتی زنان، از جمله اجتماعات مذهبی و مناسکی منعقد در مساجد و حسینیه ها و مانند آن اهمیت و کارکرد گذشته خود را همچنان حفظ کرده اند؛ زیرا براساس ارتباط میان فردی چهره به چهره، گروهی و صمیمانه و همدلانه شکل گرفته و تداوم می یابد و از آنجا که زنان در چنین فضایی با دریافت آنی عکس العمل و یا بازخورد دیگران نسبت به رفتارخویش مواجه اند، به عنوان مؤثرترین بستر و زمینه اجتماعی در ایجاد تعامل و ارتباط سازنده میان آنان می تواند مورد توجه قرار گیرد.

به هر حال، اماکن مذهبی، مانند مساجد و حسینیه ها، به دلیل ماهیت مذهبی و شکل خود جوش و مردی خود توانایی جذب افراد بسیاری را دارند؛ محدودیت های جنسیتی زنان درمورد حضور یافتن در اجتماع و انجام فعالیت های مذهبی و فرهنگی را نیز از میان برمی دارند و می توانند به عنوان

کانون هایی بالقوه مدّ نظر و توجه قرار بگیرند و با برنامه ریزی های منسجم و هدفمند تقویت شوند. زیرا کارکردهای مثبت زیادی از جمله بالا بردن سطح آگاهی زنان شرکت کننده و حداقل آگاهی های مذهبی و تربیتی، حضور در محیطی دوستانه که منجر به حل برخی مشکلات شخصی و روانی می گردد. انجام فعالیت در امور خیریه و عام المنفعه، پر کردن اوقات فراغت، ایجاد شالوده ای برای رسوم اخلاقی جامعه؛ کنترل اجتماعی و راهنمایی و اشاعه ارزشها. جهت دادن به نذورات و انفاقات، ایجاد احساس اطمینان و خودباوری در زنان، مبادله اطلاعات و برانگیختن حس مشارکت داوطلبانه و تأثیرات روانشناختی بر روی زنان را به دنبال دارد.

حضور زنان در جامعه و تلاش و مجاهدت آنان در عرصه های مختلف اجتماعی از موضوعات و مسائل مهمی است که همواره از مباحث بنیادین بوده است.

از دیدگاه تعالیم مقدس اسلام، زنان از کلیه حقوق اجتماعی بهره مند می باشند و هیچ مانع و حصارى نمی تواند راه های حضور فعال آنان در جامعه را سد نماید و این انسان خلاق را که نیمی از پیکر جامعه انسانی است، از بهره رسانی به اجتماع محروم گرداند.

آنچه مهم است، اینکه اسلام در عین این که از حضور زن در عرصه های اجتماع، مانند حضور در مسجد و... جلوگیری نکرده، چارچوب را نیز در نظر گرفته تا هم برای به بار نشستن اهداف اسلام بکوشند و هم حیثیت انسانی آنان دستخوش طمع دشمنان قرار نگیرد و پاکدامنی شان نیز حفظ شود؛ از این رو، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می کند؛ مانند حج که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق ممانعت از همسر خود ندارد. گفتار قائلین به افضلیت نماز زن در خانه نیز ناظر به اهمیت به حجاب و پوشش زن است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد.

همان طور که در زمان رسول خدا و دیگر حضرات معصومان علیهم السلام زنها با حفظ حجاب و پوشش اسلامی، در نماز جماعت مسجد حضور پیدا می کردند.

امام خمینی قدس سره در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند». (موسوی الخمینی، مسئله، ۸۹۳)

همچنین حضرت آیت ا... مکارم شیرازی می فرمایند: «برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند، و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند». (مکارم شیرازی، مسئله ۸۱۷)

حضور زن در مسجد بسیار حائز اهمیت است؛ چون او مربی و پرورش دهنده نسل هاست. امام خمینی قدس سره در این باره می فرماید: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان ها پیدا می شوند، مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است... زن با تربیت صحیح خود، انسان

درست می کند و با تربیت صحیح خود کشور را آباد می کند». (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۱۱)

آری؛ بانوان محجّه با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، برای انجام عبادات، کسب دانش های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و... و خلاصه متخلّق شدن به اخلاق الهی می توانند در برابر هجمه های فرهنگی دشمنان مبارزه نمایند و در پرتو کسب این آگاهی ها از کانون مساجد و اماکن مذهبی، در ایفای نقش خانوادگی و در تربیت نسل شایسته و کارآمد، بسیار موفق و نسلی متفکر و سیاستمدار و مؤمن و متعبد و تلاشگر به جامعه انسانی تقدیم نمایند.

به هر حال باید به هوش باشیم که، در این برهه از زمان حفظ نظام جمهوری اسلامی و تحکیم پایه های اقتدار آن از مهم ترین وظایف مسلمانان است که اصولاً جنسیت بردار نیست؛ یعنی مهم ترین وظایفی است که هرکس به دلیل مسلمانی برعهده دارد؛ وظیفه ای که بر اساس قانون تراحم مصالح، بر تمام احکام فردی و اجتماعی اولویت دارد. بنابراین، در این راستا چه زنان و چه مردان، می بایست حضوری فعال داشته و نشاط سیاسی جامعه اسلامی را همواره با تقویت روح دینداری و عابدانه خود حفظ کنند.

ص: 367

قرآن کریم.

نهج البلاغه سيد رضی.

آلوسی البغدادی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، داراحیاء التراث، چاپ چهارم، 1405 ق.

آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، 1410 ق.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، بی تا.

ابن أبی الفتح الإربلی، کشف الغمه، الطبعة الثانیه، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق.

ابن اثیر، اسدالغابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، احکام النساء، تحقیق عبدالمجید طعمه الحلبي، بیروت، دارالمعرفه، 1417 ق.

ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، 1407 ق.

ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، 384 - 456 ق، المحلّی فی شرح المجلی بالحجج والآثار، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دار الفکر.

ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1363 ش.

ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالصادر.

ابن ماجه، محمد بن الحسین بن علی البیهقی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.

ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1413 ق.

ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء النبویه.

ادهمی مصری، شیخ محمد کمال الدین، مرآت النساء.

اسلامپور کریمی، عسکری، مجله پیام زن، نگاه آلوده و پیامدهای ناگوار آن، ش ۱۴۲، ص ۶۸.

مجله پاسدار اسلام، نقش عفاف و پاکدامنی در زندگی انسان، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ش ۲۸۱، سال ۱۳۸۴.

الامام احمد حنبل، مسند احمد، بيروت، دارالفكر.

العك، الشيخ خالد، موسوعه فقه المراه المسلمه من الكتاب والسنة.

النووي، محي الدين بن شرف، المجموع، بيروت، دارالفكر، 1407ق.

اميني، ابراهيم، تربيت، قم، مؤسسه بوستان كتاب قم، چاپ اول، 1381ش.

انصاريان، حسين، نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات ام ابیها، چاپ يازدهم، 1378ش.

بحراني، يوسف بن احمد، حدائق الناصره، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، بی تا.

بخاری جعفی، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاری، بيروت، دارالكتب العلميه، 1419ق.

پاينده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه كلمات قصار پیامبر صلى الله عليه و آله با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاويدان، چاپ اول، 1374ش.

حائری (شاهباغ)، سيد علي، شرح قانون مدنی ايران، تهران، كتابخانه گنج دانش، 1379 ش.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، بيروت، دار احياء التراث العربی، چاپ پنجم، 1409ق.

حسام الدين هندی، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.

حسينی عاملی، سيد محمدجواد، مفتاح الكرامه، بيروت، مؤسسه الأعلمی، 1416 ق.

حلّی، علامه حسن بن يوسف، تذكره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق

رازی، فخرالدين محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، تحقيق عبدالرحمن محمد، مصر، قاهره، 1357 ق.

زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، المكتبة الحياه.

زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد باحكام المساجد، تحقيق ابو الوفاء مصطفى المراغی، دارالكتب المصريه، قاهره، 1403 ق.

سباعی مکی، محمد، تاريخ كتابخانه های مساجد، محمد مکی السباعی، محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1373 ش.

سبزوارى، محمدباقر، كفايه الاحكام، اصفهان، مدرسه مهدوی، بی تا.

سيد قطب، في ضلال القرآن، ترجمه مصطفى خرّم دل، تهران، نشر احسان، 1378ق.

شعيب النسائي، احمد، سنن النسائي، بيروت، دارالفكر، 1348ق/1930م.

شهيد الأول، دروس الشرعيه، قم، مؤسسه نشرالاسلامی، 1412 ق.

- شهیدثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، قم، انتشارات داوری، چاپ اول، 1410ق.
- شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح الشراع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1416ق.
- شیخ صدوق، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1403ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، 1408ق.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1385ق.
- صدوق، ابی جعفر، محمد بن علی بن حسین بن باویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، 1405ق.
- طباطبای، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ سوم، 1392ق.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، 1409ق.
- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن بن فضل، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1423ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تصحیح علاء الدین علوی طالقانی، مؤسسه اعلمی، نجف اشرف.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تعلیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول.
- طوسی، شیخ الطائفه، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، 1406ق.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه، 1388ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثّقافه، 1414ق.
- طوسی، محمد حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- عبد الحلیم ابوشقه، تحریر المرأه فی عصر الرّسالة، کویت، دارالعلم، 1411ق.
- عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1412ق.
- عصاره، علیرضا، «برنامه ریزی برای اوقات فراغت»، مجله تربیت، شماره 10، 1374ش.

علی بابائی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1382 ش.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، 1380 ق.

فراهانی، مجتبی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی u، تبیان، دفتر 18، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی 1378، u، چاپ دوم، ص 292.

فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، طبع الثانی، مؤسسه دارالهجره، 1409 ق.

فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر صافی، تحقیق حسین اعلمی، قم، الهادی، چاپ دوم، 1416 ق.

فیومی، احمد بن محمد، «المصباح المنیر»، قم، دارالهجره، 1409 ق.

قائمی، علی، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، 1375 ش.

قشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

قمی، علی، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، 1404 ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، چاپ سوم، 1405 ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، 1404 ق.

مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه.

محقق

اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، 1409 ق.

محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران، نشر علوم اسلامی، 1372 ش.

مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، 1367 ش.

مشکینی، علی، الزّواج فی اسلام، قم، نشر مؤلّف، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، 1368 ش.

موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصّالحین (المعاملات)، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، 1410 ق.

موسوی الخمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان.

مولوی، جلال الدّین بلخی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات پژوهش.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1392 ق.

نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعاف، 1385ق.

نوری مازندرانی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، 1408ق.

واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران، 1361ش.

یوسفی، باقر، «چگونگی گذران اوقات فراغت»، مدیریت درآموزش و پرورش، شماره 13، تابستان 1374، 77_87.

ص: 372

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند ؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

